

ترجمه ی فارسی

## الأذكار من كلام سيد الأبرار

تأليف:

الإمام الحافظ شيخ الإسلام محي الدين  
أبي زكريا يحيى بن شرف النووي الدمشقي الشافعي

ترجمه و شرح:

شيخ محمد علي خالدي  
(سلطان العلماء)



سنی بوک - کتابخانہ مجازی اہل سنت

[www.SunniBook.net](http://www.SunniBook.net)



## فهرست مطالب

مقدمه.....	11
فصل فی الأمر بالإخلاص وحسن النيات فی جميع الأعمال الظاهرات والخفیات در امر به	
اخلاص و حسن نیت و خیراندیشی در همه ی اقوال و اعمال پیدا و ناپیدا .....	12
«باب مختصر فی أحرف مما جاء فی فضل الذکر غیر مقید بوقت» بابی است مختصر در بیان چند	
سخن از آنچه در فضیلت ذکر خدا آمده بدون این که مقید به وقت معین باشد.....	18
«باب ما یقول إذا استیقظ من النوم» بابی است در بیان ذکر ی که موقع بیدار شدن از خواب	
می گوید .....	27
«باب ما یقول إذا لبس ثوبه» بابی است در بیان آنچه موقع پوشیدن لباس می گوید .....	29
«باب ما یقول إذا لبس ثوباً جدیداً أو نعلین وما أشبهه» بابی است در بیان آنچه موقع پوشیدن	
لباس، کفش نو و مانند آنها می گوید .....	30
«باب ما یقول لصاحبه إذا رأى علیه ثوباً جدیداً» بابی است در بیان آنچه به دوستش می گوید،	
وقتی که دید لباس نوی پوشیده است .....	31
«باب کیفیة لبس الثوب والنعل وخلعهما» بابی است در بیان چگونگی پوشیدن لباس، کفش و	
بیرون آوردن آنها .....	31
«باب ما یقول إذا خلع ثوبه لغسل أو نوم أو نحوهما» بابی است در بیان آنچه به هنگام بیرون آوردن	
لباسش برای شستن یا خوابیدن یا مانند آنها می گوید .....	32
«باب ما یقول حال خروجه من بیده» بابی است در بیان آنچه هنگام خروجش از خانه می گوید	
.....	33
«باب ما یقول إذا دخل بیده» بابی است در بیان آنچه وقتی که داخل خانه اش می شود،	
می گوید .....	34
«باب ما یقول إذا استیقظ فی اللیل وخرج من بیده» بابی است در بیان آنچه می گوید وقتی که در	
شب از خواب بیدار شود و از خانه بیرون برود .....	36
«باب ما یقول إذا أراد دخول الخلاء» بابی است در بیان آنچه موقع داخل شدن به مستراح	
می گوید .....	40

- «باب النهي عن الذكر والكلام علي الخلاء» بابی است در بیان نهی از ذکر خدا و سخن گفتن به هنگام قضای حاجت ..... 41
- «باب النهي عن السلام علي الجالس لقضاء الحاجة» بابی است در بیان نهی از سلام کردن بر کسی که برای قضای حاجت نشسته است ..... 42
- «باب ما يقول إذا خرج من الخلاء» بابی است در بیان آنچه موقع بیرون آمدن از محل قضای حاجت می گوید ..... 42
- «باب ما يقول علی وضوئه» بابی است در بیان آنچه در حال وضو می گوید ..... 43
- «باب ما يقوله علی اغتساله» بابی است در بیان آنچه که موقع بدن شستن می گوید ..... 46
- «باب ما يقول علی تيممه» بابی است در بیان آنچه به وقت تیممش می گوید ..... 46
- «باب ما يقول إذا توجه إلى المسجد» بابی است در بیان آنچه موقع رفتن به مسجد می گوید ... 47
- «باب ما يقول عند دخول المسجد والخروج منه» بابی است در بیان آنچه موقع داخل شدن به مسجد و بیرون آمدن از آن می گوید ..... 48
- «باب ما يقول في المسجد» بابی است در بیان آنچه در مسجد می گوید ..... 49
- «باب انكاره ودعائه علی من ينشد ضالة في المسجد او يبيع فيه» بابی است در بیان انکار و نفرین کردن بر کسی که در مسجد به دنبال گمشده اش می گردد یا خرید و فروش می کند ..... 50
- «باب ما يقول إذا رأي من ينشد في المسجد شعراً ليس فيه مدح الإسلام ولا ترغيب إلى مكارم الأخلاق» بابی است در بیان آنچه می گوید هرگاه کسی را دید که در مسجد شعری می خواند که در آن مدح اسلام و تشویق به مکارم اخلاق نیست ..... 51
- «باب فضيلة الأذان» بابی است در بیان فضیلت اذان ..... 51
- «باب صفة الأذان» بابی است در بیان چگونگی اذان ..... 52
- «باب ما يقول من سمع المؤذن والمقيم» بابی است در بیان آنچه که شنونده ی اذان و اقامه می گوید ..... 54
- «باب الدعاء بعد الأذان» بابی است در بیان این که دعا بین اذان و اقامه مستجاب می شود ... 57

- «باب ما يقول بعد ركعتي الصبح» بابی است در بیان آنچه بعد از دو ركعت سنت قبله‌ی صبح می‌گوید ..... 58
- «باب ما يقول إذا انتهى إلى الصف» بابی است در بیان آنچه وقتی به صف نماز جماعت رسید، می‌گوید ..... 58
- «باب ما يقوله عند أردته القيام إلى الصلاة» بابی است در بیان آنچه به هنگام برخاستن برای نماز می‌گوید ..... 59
- «باب الدعاء عند الإقامة» بابی است در بیان دعایی که موقع اقامه‌ی نماز فرض گفته می‌شود ..... 59
- «باب ما يقوله إذا دخل الصلاة» بابی است در بیان دعایی که موقع نماز بستن می‌گوید ..... 60
- «باب تكبيرة الإحرام» بابی است در بیان الله اكبر که با آن نماز را آغاز می‌کنیم ..... 60
- «باب ما يقوله بعد تكبيرة الإحرام» بابی است در بیان آنچه بعد از تكبيرة الإحرام می‌گوید .... 61
- «باب التعوذ بعد دعاء الاستفتاح» بابی است در بیان أعوذ بالله من الشيطان الرجيم گفتن بعد از دعای استفتاح ..... 64
- «باب القراءة بعد التعوذ» بابی است در بیان خواندن سوره‌ی فاتحه بعد از گفتن أعوذ بالله من الشيطان الرجيم ..... 66
- «باب أذكار الركوع» بابی است در بیان أذكار ركوع ..... 70
- «باب ما يقوله في رفع رأسه من الركوع وفي اعتداله» بابی است در بیان آنچه در حال سر بالا آوردن از ركوع و در حال اعتدال می‌گوید ..... 73
- «باب أذكار السجود» بابی است در بیان أذكار سجود ..... 74
- «باب ما يقول في رفع رأسه من السجود وفي الجلوس بين السجدين» بابی است در بیان آنچه وقتی که سر از سجود اول برداشت و آنچه در نشستن میان دو سجود می‌گوید ..... 77
- «باب أذكار الركعة الثانية» بابی است در بیان اذكار ركعت دوم ..... 78
- «باب القنوت في الصبح» بابی است در بیان خواندن قنوت در اعتدال اخير نماز صبح ..... 79
- «باب التشهد في الصلاة» بابی است در بیان تشهد در نماز ..... 85

- «باب الصلاة على النبي p بعد التشهد» بابی است در بیان درودفرستادن بر رسول الله ص بعد از تشهد اخیر ..... 87
- «باب الدعاء بعد التشهد الأخير» بابی است در بیان مستحب بودن دعا بعد از تشهد اخیر ..... 88
- «باب السلام للتحلل من الصلاة» بابی است در بیان سلام نماز گفتن برای بیرون آمدن از نماز 90
- «باب ما يقوله الرجل إذا كلمه إنسان وهو في الصلاة» بابی است در بیان آنچه شخص می گوید وقتی که در حال نماز است و دیگری با او سخن می گوید ..... 91
- «باب الأذكار بعد الصلاة» بابی است در بیان اذکاری که بعد از نماز خوانده می شود ..... 92
- «باب الحث على ذكر الله تعالى بعد صلاة الصبح» بابی است در باره ی تشویق به ذکر خداوند متعال پس از نماز صبح ..... 98
- «باب ما يقال عند الصباح وعند المساء» بابی است در بیان اذکاری که در بامدادان و شامگاهان گفته می شوند ..... 100
- «باب ما يقال في صبيحة يوم الجمعة» بابی است در بیان آنچه در صبح روز جمعه گفته می شود ..... 120
- «باب ما يقول إذا طلعت الشمس» بابی است در بیان آنچه موقع طلوع آفتاب می گوید ..... 121
- «باب ما يقول إذا استقلت الشمس» بابی است در بیان آنچه که وقت بالآ آمدن آفتاب می گوید ..... 123
- «باب ما يقول زوال الشمس إلى العصر» بابی است در بیان آنچه که بعد از زوال آفتاب تا عصر می گوید ..... 123
- «باب ما يقول بعد العصر إلى غروب الشمس» بابی است در بیان آنچه بعد از عصر تا غروب آفتاب می گوید ..... 124
- «باب ما يقول إذا سمع أذان المغرب» بابی است در بیان آنچه می گوید، موقعی که اذان مغرب را می شنود ..... 126
- «باب ما يقول بعد الصلاة المغرب» بابی است در بیان آنچه بعد از نماز مغرب می گوید ..... 126
- «باب ما يقرؤه في صلاة الوتر وما يقوله بعدها» بابی است در بیان آنچه در نماز وتر می خواند و آنچه بعد از نماز وتر می گوید ..... 127

- «باب ما يقول إذا أراد النوم واضطجع على فراشه» بابی است در بیان آنچه می گوید وقتی که قصد خوابیدن نمود و به پهلو بر بسترش دراز کشید..... 129
- «باب كراهة النوم من غير ذكر الله تعالى» بابی است در بیان کراهیت خوابیدن بدون ذکر خداوند متعال..... 144
- «باب ما يقول إذا استيقظ في الليل وأراد النوم بعده» بابی است در بیان آنچه می گوید وقتی که در شب بیدار شد و خواست بعد از آن بخوابد..... 145
- «باب ما يقول إذا قَلِقَ في فراشه فلم يَنَمْ» بابی است در بیان آنچه می گوید وقتی که در بستر خوابش ناآرام شد و به خواب نرفت..... 148
- «باب ما يقول إذا كان يفزع في منامه» بابی است در بیان آنچه می گوید وقتی که در خواب می ترسد..... 149
- «باب ما يقول إذا رأى في منامه ما يحب أو يكره منه» بابی است در بیان آنچه می گوید وقتی که در خواب دید آنچه را که دوست می دارد یا دید آنچه را که دوست نمی دارد..... 150
- «باب ما يقول إذا قُصِّتْ عليه رؤيا» بابی است در بیان آنچه می گوید وقتی که دیگری خواب خود را برای او حکایت نمود..... 151
- «باب الحث على الدعاء والاستغفار في النصف الثاني من كل ليلة» بابی است در بیان تشویق و ترغیب به دعا و استغفار در نیمه‌ی دوم هر شب..... 152
- «باب الدعاء في جميع ساعات الليل كل ليلة رجاء أن يصادف الإجابة» بابی است در بیان این که هر شب تمام لحظه‌های آن موقع دعاست، به امید این که با لحظه‌های اجابت دعا مصادف شود..... 153
- «باب أسماء الله الحسنى» بابی است در بیان نام‌های نیک خدا..... 153
- «كتاب تلاوة القرآن» کتابی است در بیان تلاوت قرآن..... 155
- «كتاب حمد الله تعالى» کتابی است در بیان ستایش خدای تعالی گفتن..... 170
- «كتاب الصلاة على رسول الله ﷺ» کتابی است در بیان صلوات و سلام فرستادن بر رسول الله ص..... 174



- «باب أمر مَنْ ذُكِرَ عنده النَّبِيُّ ﷺ بالصلاة عليه والتسليم» بابی است در بیان این که هر کسی که نام پیغمبر ص نزد او برده شد امر شده به او که صلوات و سلام بر رسول الله ص بفرستد .... 176
- «باب صفة الصلاة على رسول الله ﷺ» بابی است در بیان چگونگی درودفرستادن بر رسول الله ص ..... 178
- «باب استفتاح الدعاء بالحمد لله والصلاة على النبي ﷺ» بابی است در بیان این که آغاز دعا را به حمد و ستایش خدای متعال و درود و سلام بر پیامبر ص بگشاید ..... 179
- «باب الصلاة على الأنبياء وآلهم تبعاً لهم صَلَّى الله عليهم وسلّم» بابی است در بیان درودفرستادن بر پیغمبران و بر آل شان به تبعیت از ایشان درود و سلام خدا برایشان باد ..... 180
- «كتاب الأذكار والدعوات للأمور العارضات» کتابی است در بیان اذکار و ادعیه‌ی مربوط به امور عارضی ..... 183
- «باب دعاء الإستخارة» بابی است در بیان دعای استخاره ..... 183
- «أبواب الأذكار التي تُقال في أوقات الشدة وعلى العاهات» باب‌های در بیان اذکاری که در اوقات سختی و مصیبت گفته می‌شود ..... 185
- «باب دعاء الكرب والدعاء عند الأمور المهمة» بابی است در بیان دعا به هنگام اندوه و کارهای مهم ..... 185
- «باب ما يقوله إذا راعه شيء أو فزع» بابی است در بیان آنچه می‌گوید کسی که چیزی او را ترسانیده باشد یا دچار ناراحتی شده باشد ..... 189
- «باب ما يقوله إذا أصابه هم أو حزن» بابی است در بیان آنچه می‌گوید وقتی که به او دلتنگی یا حزن و اندوهی رسید ..... 190
- «باب ما يقوله إذا وقع فيهلكة» بابی است در بیان آنچه می‌گوید وقتی که در هلاکتی واقع شد ..... 191
- «باب ما يقول إذا خاف قوماً» بابی است در بیان آنچه می‌گوید وقتی که از گروهی بترسد ..... 192
- «باب ما يقول إذا خاف سلطاناً» بابی است در بیان آنچه می‌گوید وقتی که از سلطان یا حاکم بترسد ..... 192

- «باب ما يقول إذا نظر إلى عدوه» بابی است در بیان آنچه می گوید وقتی که نظر به دشمن نمود  
193.....
- «باب ما يقول إذا عرض له شيطان أو خافه» بابی است در بیان آنچه می گوید وقتی که شیطان  
متعرض او شد یا از شیطان ترسید ..... 193
- «باب ما يقول إذا غلبه أمر» بابی است در بیان آنچه می گوید وقتی که کاری بر او چیره شد  
196.....
- «باب ما يقول إذا استصعب عليه أمر» بابی است در بیان آنچه می گوید کسی که کاری بر او  
دشوار شد ..... 197
- «باب ما يقول إذا تَعَسَّرَتْ عليه معيشته» بابی است در بیان آنچه می گوید وقتی که زندگی بر او  
دشوار شد ..... 198
- «باب ما يقول لدفع الآفات» بابی است در بیان آنچه می گوید برای دفع آفات و بلاها ..... 198
- «باب ما يقول إذا أصابته نكبة قليلة أو كثيرة» بابی است در بیان آنچه می گوید وقتی که مصیبتی  
اندک یا بسیار به او برسد ..... 199
- «باب ما يقول إذا كان عليه ذَيْن عَجَزَ عنه» بابی است در بیان آنچه می گوید وقتی که بدهی دارد  
و از پرداخت آن ناتوان مانده است ..... 200
- «باب ما يقوله من بلي بالوحشة» بابی است در بیان آنچه می گوید کسی که دچار وحشت زدگی  
شد ..... 201
- «باب ما يقول مَنْ بُلِيَ بالوسوسة» بابی است در بیان آنچه می گوید کسی که مبتلا به وسواس  
شد ..... 201
- «باب ما يقرأ علي المَعْتُوهِ والمَلْدُوغِ» بابی است در بیان آنچه خوانده می شود بر دیوانه و بر گزیده  
شده ..... 204
- «باب ما يعوذ به الصبيان وغيرهم» بابی است در بیان تعویذی که بر کودکان و غیر از آنان  
خوانده می شود ..... 210

## مقدمه

الحمد لله الواحد القَهَّار، العزيز الغَفَّار، مُقَدِّر الأقدار، مُصَرِّف الأمور مَكُور الليل على النهار، تبصرة لأولى القلوب والأبصار، الذي أيقظ من خلقه من اصطفاه فأدخله في جملة الأخيار. ووفق من اجتبه من عبيده فجعله من المقربين الأبرار، وبصر من أحبه فزهدهم في هذه الدار، فاجتهدوا في مرضاته والتأهب لدار القرار واجتناب ما يسخطه والحذر من عذاب النار، وأخذوا أنفسهم بالجد في طاعته وملازمة ذكره بالعشى والأبكار وعند تغير الأحوال وجميع آناء الليل والنهار، فاستنارت قلوبهم بلوا مع الأنوار. أحمده أبلغ الحمد على جميع نعمه وأسأله المزيد من فضله وكرمه، وأشهد أن لا إله إلا الله العظيم، الواحد الصمد العزيز الحكيم، وأشهد أن محمداً عبده ورسوله، وصفيه وحبيه وخليله، أفضل المخلوقين، وأكرم السابقين واللاحقين، صلوات الله وسلامه عليه وعلى سائر النبيين وآل كل وسائر الصالحين.

اما بعد: كتاب @الأذكار من كلام سيد الأبرار! از بهترین تألیفات الإمام العالم العلامة سيد الحفاظ في عصره والجامع بين المنقول والمعقول في دهره، نسیج وحده وفريد عصره، أبي زكرياء يحيى بن شرف النووي تغمده الله برحمته وأسكنه الفردوس الأعلى من جنته، می باشد؛ روى اين اصل با اندكى تلخيص به ترجمه و شرح اين كتاب برخاستم تا براى مبتدئين امثال خودم نافع و سودمند باشد، و اين كتاب را به سه قسمت تقسيم نمودم تا هر قسمتى جداگانه چاپ شود، و در اجتناب تطويل و ملازمت اختصار ما بهى پسند دانش پژوهان قرار گيرد. كتابى كه از قديم در باره‌ى آن گفته شده: @بِغ الدارَ واشْتَرِ الأذكار! «خانه را بفروش و اذكار را بخر».

معلوم است كه تا چه حد مقبول نظر علما و صلحا مى باشد، و ما با اين شرح مختصر و مفيد در جمله‌ى خادمان اين كتاب قرار گرفتيم، اميد ما به دريائى رحمت پروردگار اين است كه كتاب و شرح آن را مقبول خاص و عام قرار بدهد و نفعش به عموم برساند. إنه سميع مجيب، والحمد لله أولاً وآخراً وصلى الله وسلم على خير خلقه وآله وصحبه وأتباعه دائماً سرمداً.

## فصل

### فی الأمر بالإخلاص وحسن النيات فی جميع الأعمال الظاهرات والخفيات

#### در امر به اخلاص و حسن نیت و خیراندیشی در همه ی اقوال و اعمال پیدا و ناپیدا

قال الله تعالى:

@و فرمان نیافتند جز آن که خدا را در حالی که پرستش را برای او خالص ساخته اند با پاکدلی (دین ورزی به دین ابراهیمی) بپرستند!  
@نمی رسد به خدای متعال گوشت های قربانی و نه خون های آنها و لیکن به خدا می رسد پرهیزگاری و خیراندیشی شما!

قال رسول الله ص: @إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ وَإِنَّمَا لِكُلِّ امْرِئٍ مَا نَوَى، فَمَنْ كَانَتْ هِجْرَتُهُ إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ فَهَاجَرْتُهُ إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ، وَمَنْ كَانَتْ هِجْرَتُهُ لِدُنْيَا يُصِيبُهَا أَوْ امْرَأَةٍ يَنْكِحُهَا فَهَاجَرْتُهُ إِلَى مَا هَاجَرَ إِلَيْهِ! مَثَقُ عَلَيْهِ

«صحت کارها به حسب نیت آنهاست و به هر کس داده می شود از ثواب به حسب نیت او. پس هر کس هجرت او برای خدا و فرستاده ی او باشد، پس هجرت او برای خدا و فرستاده ی اوست، و کسی که هجرتش برای دنیا یا برای زنی است که با او ازدواج می کند، پس هجرتش برای چیزی است که برای آن هجرت کرده است».

از این رو هر کاری که می خواهی انجام بدهی باید به قصد به دست آوردن رضای خدا و آسایش خلق خدا انجام دهی تا کارت مقبول و ثواب آن برایت محفوظ باشد.

صالحان گفته اند: هر شخص به قدر نیتش نگه داری می شود و هر کس به حساب قصد و نیتش ثواب می یابد، و هر کاری که برای رضای مردم انجام داده شود آن شرک است، و هر کاری که به خاطر مردم ترک شود ریا است، و اخلاص عبادت از این است که خدا تو را از شرک و ریا نگه دارد و برای به دست آوردن رضای خدا موفق فرماید.

**(فصل)** شایسته برای هر کس آن است که هر وقت دانست که کاری دارای ثواب است به حسب توانایی خود انجام دهد و اگر چه در عمری یک بار باشد، اگر به او رسید که نماز تسبیح ثواب بسیار دارد آن را اقلأ در عمری یک بار انجام دهد، اگر شنید که عمره در رمضان ثواب حج همراه رسول الله ص را دارد، اقلأ یک بار در عمر انجام دهد، اگر شنید از اهل علم که نماز ضحی و یا اوابین میان مغرب و عشا ثواب بسیار دارد، اقلأ یک بار انجام بدهد و اگر بتواند هیچکدام را از دست ندهد.

**(فصل)** دانشمندان گفته اند که جایز و مستحب است که در فضایل اعمال به حدیث ضعیف عمل نموده تا وقتی که حدیث موضوع نباشد، اما در احکام مثل حلال و حرام عمل کردن جز به حدیث صحیح و یا حسن درست نیست، مگر این که از باب احتیاط باشد، چنانکه اگر حدیثی وارد باشد بر مکروه بودن بعضی از انواع بیع یا بعضی از انواع نکاح که در این صورت مستحب است آن نوع بیع و نکاح را ترک نمود.

**(فصل)** ذکر و یاد خدا ممکن است به دل یا به زبان باشد، و بهتر است که یاد خدا به دل و زبان هر دو باشد، اگر بخواهد بر یکی از آن دو اکتفا نماید ذکر می که به قلب باشد از ذکر می که به زبان باشد و دل با آن نباشد بهتر است. و هیچگاه نباید ذکر به قلب و لسان را با هم به خاطر این که ممکن است گمان ریا به او ببرند از دست بدهد، برای این که اگر کسی این راه را بر خود بگشاید که هر چه گمان ریا در آن برود از دست بدهد خیر عظیم را از دست می دهد، و هیچگاه طریق صالحان چنین نیست.

و در صحیح بخاری و مسلم آمده است که رسول الله ص فرمود که آیه ی: ﴿وَلَا تُقْرَبُوا الْمَوْتَىٰ وَتَقْرَبُوا الْقُبُورَ ۚ وَبَشِّرِ الصَّالِحِينَ﴾ و در باره ی دعا نازل شده است که دعای خود را نه زیاد بلند بگو و نه زیاد آهسته، بلکه حد وسط را نگه دار.

**(فصل)** بدان که ذکر و یاد خدا منحصر در تسبیح و تحلیل و تحمید و تکبیر نیست، بلکه هر عملی است که به آن رضای خدا به دست می آید، واعظی که وعظ می گوید ذکر خدا و یاد خدا حساب می شود، جاهایی که انسان در آن جاها احکام حلال و حرام را می آموزد که

چگونه بیع را انجام دهد و چگونه نماز بخواند و چگونه روزه برود و چگونه نکاح نماید و چگونه طلاق بدهد و چگونه حج برود که صحیح باشند؟ این جاها محل ذکر و یاد خدا است. طالب علم که درس خود را تکرار می کند تا در راه علم نافع پیش برود، استادی که درس می دهد تا شاگردانش از علم سودمند بهره مند شوند، کاسبی که کار حلال انجام می دهد تا نفقه ی زن و فرزند از حلال بدهد، پاسبانی که شب بیدار می ماند تا جان و مال مردم را از دستبرد جنایتکاران حفظ کند، سربازی که در مرز کشور می نشیند تا کشور را از تعدی دشمن نگه دارد، مادری که خواب راحت را از چشم خود دور می نماید تا کودکش آسوده بخوابد، همه ی اینها وقتی که به قصد به دست آوردن رضای خدا و آسایش خلق باشد همه طاعت و یاد خدا است. و این که گفته شده عبادت به جز خدمت خلق نیست، به همین معناست که خدمت به خلق به قصد به دست آوردن رضای خدا در حکم یاد کردن خدا و طاعت اوست.

(فصل) قال الله تعالى: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا هَيْهَاتَ وَهَيْهَاتَ الْمَقَامَاتِ وَلَا تَتَّبِعُوا هَيْهَاتَ وَهَيْهَاتَ الْمَقَامَاتِ وَلَا تَتَّبِعُوا هَيْهَاتَ وَهَيْهَاتَ الْمَقَامَاتِ﴾ [الأحزاب: 35].

@ و مردان و زنانی که خدا را بسیار یاد می کنند، خدا آماده فرمود برایشان آمرزش و ثواب بس بزرگ!

قال رسول الله ص: @ سَبَقَ الْمُفْرَدُونَ، قَالُوا وَمَا الْمُفْرَدُونَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَالَ الدَّاكِرُونَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالدَّاكِرَاتُ! رواه مسلم عن أبي هريرة ٧.

رسول الله ص فرمود: «مُفْرَدُونَ سَبَقَتْ گرفتند، گفتند: مفردون چه کسانی هستند یا رسول الله! فرمود: مردان و زنانی که بسیار یاد خدا می کنند».

ابن عباس فرمود: مقصود از این آیه کسانی هستند که بعد از نمازهای فرض و بامدادان و شامگاهان یاد خدا می کنند. عطاء گفت: کسی که نمازهای فرض پنجگانه را با حقوق آنها به جا آورد در این آیه داخل است، یعنی جزو بسیار یادکنندگان خدا است. ابن الصلاح گفت:





@مردمی که خدا را یاد می کنند ایستاده و نشسته و به پهلوی خود خوابیده!

در حدیث صحیح آمده: «كَانَ p يَذْكُرُ اللَّهَ عَلَى كُلِّ أَحْيَانِهِ».

«رسول الله ص خدا را یاد می فرمود در همه ی حالاتش»؛ در راه رفتن و نشسته و ایستاده و به پهلوی افتاده و با وضو و بی وضو و در حال جنابت. یاد خدا در همه احوال جایز است، والله سبحانه وتعالى أعلم وصلى الله على سيدنا محمد وآله وصحبه وسلم.

**(فصل)** بدان که یاد خداکردن در همه ی حالات انسان خوب و پسندیده است، مگر در حالاتی که شرع یاد خداکردن را در آن حالات منع نموده است. بنابراین، ذکر در حال نشستن برای قضای حاجت و در حال جماع و در وقتی که باید گوش به سخن خطیب بدهد و در قیام نماز که محل قرائت فاتحه و سوره است، و در حال چرت زدن و غلبه ی خواب که در این احوال یاد خداکردن مکروه است، اما در کوچه و خیابان موقع راه رفتن و در حمام یاد خداکردن مکروه نیست، والله سبحانه وتعالى أعلم وصلى الله على سيدنا محمد وآله وصحبه وسلم.

**(فصل)** مقصود از ذکر و یاد خداکردن حضور قلب است. بنابراین، باید ذکرکننده در حال حضور قلب باشد و بکوشد که در حال ذکر خدا دل او حاضر باشد و عظمت خدا را به خاطر داشته باشد، و بداند که این توفیق بزرگی است که او توانسته است از یاد خدا دل خود را به نور ایمان روشن نماید، و آنچه به زبان می آورد معنی آن را بداند و مثلاً کلمه ی «لا إله إلا الله» مد آن را به جا آورد که در این مدفهم معنای آن به دست می آید.

**(فصل)** شایسته این است کسی که وردی از ذکر دارد بر آن مداومت نماید، و اگر وقتی از او فوت شد آن را تدارک ببیند تا عادت به ترک ذکر ننماید، چنانکه در حدیث صحیح مسلم است به روایت عمر بن الخطاب r که رسول الله ص فرمود: «مَنْ نَامَ عَنْ حِزْبِهِ أَوْ عَنْ



شَيْءٌ مِنْهُ فَقَرَأَهُ فِيمَا بَيْنَ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَصَلَاةِ الظُّهْرِ كُتِبَ لَهُ كَأَنَّمَا قَرَأَهُ مِنَ اللَّيْلِ». «کسی که عادت داشت حزبی از قرآن را در شب بخواند یا قسمتی از حزب، و به خواب رفت و آن حزب را میان نماز صبح و نماز ظهر خواند، ثواب آن برایش نوشته می‌شود چنانکه گویا در شب خوانده است».

**(فصل)** در بیان حالاتی که بر خواننده‌ی ورد عارض می‌شود که مستحب است ترک ذکر نماید و آن حالت که رفع شد به سوی ذکر خود برگردد، چنانکه اگر کسی در حضور او عطسه کرد قراءت خود را قطع کند و به او بگوید: @يرحمك الله! و برگردد به سوی قراءت خود، و همچنین کسی که سلام نمود بر او جواب سلام بگوید و برگردد به سوی قراءت خود، و همچنین اگر اذان شنید جواب مؤذن را بگوید به کلمات اذان، و اگر اقامه شنید کلمات اقامه را بگوید و بعد از جواب مؤذن برگردد به سوی قراءت خود، و اگر منکری دید منع نماید، و اگر کسی سؤالی دارد ارشاد او نماید و سپس برگردد به سوی قراءت خویش، و اگر چرت و خواب آمد بخوابد و بعد برگردد به قراءت خود.

**(فصل)** بدان که هر ذکر مشروع و هر قراءتی در نماز و یا غیر آن واجب باشد یا سنت، اعتباری ندارد مگر وقتی که به زبان آورد و خودش آن را بشنود وقتی که شنوایی اش سالم باشد.

**(فصل)** بدان که در اوراد و اذکاری که در شب و روز گفته می‌شود، دانشمندان ما کتاب‌های گرانمایی تصنیف فرموده اند که یکی از بهترین آنها کتاب: «عمل اليوم والليلة» تألیف امام احمد بن محمد بن اسحاق السنی است، و بهتر از آن کتاب: «أذکار» تألیف امام نووی است که آن را از کتاب‌های معتمد مثل صحیح بخاری و صحیح مسلم و موطاء امام مالک و سنن ترمذی و ابوداود و نسایی و مسند امام احمد و ابی عوانة و سنن ابن ماجه و دارقطنی و بیهقی و غیر از آنها نقل نموده و همه‌ی آنها به اسناد خود تا مؤلفین آنها روایت دارد، و کتاب «أذکار» در خوبی ضرب المثل است تا جایی که گفته اند: «بِعِ الدَّارَ وَاشْتَرِ الْأَذْكَارَ» «خانه را بفروش و کتاب اذکار امام نووی را بخر». کتاب اذکار امام نووی از بهترین

کتاب‌های تألیف شده در این زمینه است، و از بهترین کتاب‌های امام نووی. و این کتاب مختصر الاذکار که به تألیف آن مبادرت نمودم همه‌ی مطالب آن از کتاب اذکار گرفته شده و به زبان فارسی ترجمه شده است، واللّٰه سبحانه وتعالى أعلم وصلى الله على سيدنا محمد وآله وصحبه وسلم.

(فصل) بدان که در این مختصر آنچه آورده می‌شود همه از اذکار امام نووی / گرفته شده است.

«باب مختصر في أحرف مما جاء في فضل الذكر غير مقيد بوقت»

بابی است مختصر در بیان چند سخن از آنچه در فضیلت ذکر خدا آمده بدون این که مقید به وقت معین باشد

قال الله تعالى: ﴿مَنْ يَذْكُرْهُ يَرْفَعْ لَهُ دَرَجَةً مِّمَّا كَسَبَ﴾ [البقرة: 152] @ مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم! چه

نعمتی از این بالاتر که وقتی بنده خدا را یاد کند، خدا او را یاد کند، آیا نباید همیشه مؤمن خدا را یاد کند تا خدا او را یاد کند. کسی که خدا او را یاد کند به بهترین نعمت‌ها رسیده است، برای این که خدا یاد بنده‌ای می‌نماید که او را دوست می‌دارد.

قال رسول الله ﷺ: «أَفْضَلُ الذِّكْرِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ». «بهترین یاد خدا در گفتن لا إله إلا الله می‌باشد: نیست معبودی بحق مگر خدای یکتا». - الله سبحانه وتعالى - رواه الترمذي وابن ماجه. قال رسول الله ﷺ: «كَلِمَتَانِ خَفِيفَتَانِ عَلَى اللِّسَانِ، ثَقِيلَتَانِ فِي الْمِيزَانِ، حَبِيبَتَانِ إِلَى الرَّحْمَنِ: سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ». رواه بخاری.

«دو کلمه هستند که گفتن‌شان بر زبان سبک است و وزن ثواب آن در ترازوی حسنات سنگین است، و این دو کلمه محبوب هستند نزد خدای بسیار بخشاینده‌ی بسیار مهربان: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ». یعنی: پاک و منزّه است خداوند و به ستایش او مشغولم. پاک و منزّه است خداوند بزرگ.

و در صحیح مسلم به روایت از ابوذر r آمده که گفت: رسول الله ص به من فرمود:  
 @أَلَا أُخْبِرُكَ بِأَحَبِّ الْكَلَامِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى؟ إِنَّ أَحَبَّ الْكَلَامِ إِلَى اللَّهِ سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ! و در  
 روایتی: @سُئِلَ رَسُولُ اللَّهِ p: أَيُّ الْكَلَامِ أَفْضَلُ؟ قال: @مَا اصْطَفَى اللَّهُ لِمَلَائِكَتِهِ أَوْ لِعِبَادِهِ،  
 سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ!

رسول الله ص به ابوذر فرمود: «آیا تو را باخبر نکنم از محبوب‌ترین سخن نزد خدای  
 تعالی؟ محبوب‌ترین سخن نزد خدا: سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ است»؛ یعنی تسبیح و تنزیه خدا  
 می‌گویم و به ستایش او مشغولم. خدا را از هر عیب و نقصی مبرا می‌دانم و او را شایسته‌ی  
 حمد و ثنا می‌دانم. و از رسول الله ص سوال شد: بهترین سخن کدام است؟ فرمود: آن سخنی  
 است که خدا برای فرشتگانش یا برای بندگانش برگزید. سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ.

و در صحیح مسلم از سمرة بن جندب r روایت شده که رسول الله ص فرمود: @أَحَبُّ  
 الْكَلَامِ إِلَى اللَّهِ أَرْبَعُ سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ. لَا يَضُرُّكَ بَأَيِّهِنَّ بَدَأْتَ!

«محبوب‌ترین سخن نزد خدای تعالی چهار کلمه است: سبحان الله، والحمد لله، ولا إله إلا  
 الله، والله أكبر. زیانی برایت ندارد به هر کدام ابتدا نمایی». سبحان الله: خدا را پاک و منزّه  
 می‌دانم از هر عیب و نقصی. والحمد لله: ستایش‌ها همه برای خدای یکتاست. ولا إله إلا الله:  
 نیست معبودی بحق مگر خدای یکتا. والله أكبر: خدا بزرگتر است. هر کس و هر چه به  
 خاطرت آید، خدا از او بزرگتر است، یعنی در برابر بزرگی و عظمت خدا همه‌ی کاینات  
 خرد و حقیر هستند.

و در صحیح مسلم از ابومالک اشعری r روایت شده که رسول الله ص فرمود: «الطُّهُورُ  
 شَطْرُ الْإِيمَانِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ تَمْلَأُ الْمِيزَانَ. وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ تَمْلَأَانِ - أَوْ تَمْلَأُ - مَا بَيْنَ  
 السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ».

و در صحیح مسلم است که رسول الله ص به جویریة همسر گرامی اش که هسته‌ی خرما  
 جمع کرده بود و با آنها تسبیح و تهلیل را می‌شمرد، فرمود: از وقتی که من از نزد تو رفته‌ام تا  
 حال که آمده‌ام همین کار شمردن تعداد تسبیح و تهلیل به هسته‌ی خرما را انجام داده‌ای؟

جویریه گفت: آری، رسول الله ص فرمود: من وقتی که از این جا رفتم چهار کلمه گفته ام که اگر با گفته‌ی تو مقایسه شود، از گفته‌های تو برتر آید. آن چهار کلمه عبارتند از سه بار: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ عَدَدَ خَلْقِهِ وَرِضَا نَفْسِهِ وَزِنَةَ عَرْشِهِ وَمِدَادَ كَلِمَاتِهِ».

سبحان الله و بحمده به شماره‌ی مخلوقات خدا، برابر رضای او، و هموزن عرش او و به اندازه‌ی مرکب معلومات خدا.

تسبیح و تحمیدی که از زبان رسول الله ص باشد و با این اوصاف هیچ تسبیح و تحمید دیگری با آن برابر نخواهد شد، و باید به همین کلمات باشد تا ثواب عظیم آن فراهم آید. و در صحیح مسلم به روایت ابوهریره ؓ آمده است که رسول الله ص فرمود: @لَأَنْ أَقُولَ سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ!.

«آنکه بگویم سبحان الله والحمد لله ولا إله إلا الله والله أكبر، محبوب‌تر است نزد من از همه‌ی آنچه آفتاب بر آنها طلوع کرده است». یعنی این چهار جمله گفتن از دنیا و ما فيها بهتر است، برای این که دنیا فانی است و ثواب این جملات می‌ماند».

و در صحیح بخاری و مسلم به روایت ابویوب انصاری ؓ آمده است که رسول الله ص فرمود: کسی که ده بار بگوید: @لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ، وَلَهُ الْحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ! ثواب آن مانند ثواب کسی است که چهار برده از فرزندان اسماعیل را آزاد کرده باشد.

و در صحیح بخاری و مسلم آمده است به روایت ابوهریره ؓ که رسول الله ص فرمود: «کسی که در روز صد بار آن را بگوید ثواب آن برابر است با ثواب ده برده آزاد کردن، و نوشته می‌شود برای او یکصد حسنه و محو می‌شود از او یکصد سیئه و در تمام آن روز نگه داشته می‌شود از شیطان تا شامگاهان، و در آن روز کسی بهتر از او گفتاری نیآورده است، مگر کسی که بیش از او آن را گفته باشد».

و فرمود: @مَنْ قَالَ: سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ . فِي يَوْمٍ مِائَةَ مَرَّةٍ حُطَّتْ خَطَايَاهُ، وَإِنْ كَانَتْ مِثْلَ زَبَدِ الْبَحْرِ!.

رسول الله ص فرمود: «کسی که در روز صد بار بگوید: سبحانه الله و بحمده، گناهان او محو می شود و اگر چه مانند کف دریا باشد». کف دریا: همان سفیدی است که روی موج دریا ظاهر می شود.

ترمذی و ابن ماجه از جابر بن عبدالله ب روایت کرده اند که جابر گفت: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: «أَفْضَلُ الذِّكْرِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ». قال الترمذی: حدیث حسن.

رسول الله ص فرمود: «بهترین ذکر و یاد خدا گفتن لا إله إلا الله است با عمل به مضمون آن».

امام بخاری / از ابوموسی اشعری ت روایت نمود و ابوموسی از رسول الله ص روایت کرد که فرمود: @مَثَلُ الَّذِي يَذْكُرُ رَبَّهُ وَالَّذِي لَا يَذْكُرُ مَثَلُ الْحَيِّ وَالْمَيِّتِ! رسول الله ص فرمود: «مثال کسی که یاد خدا می کند و کسی که یاد خدا نمی کند مثال زنده و مرده است». آن کسی که یاد خدا می کند زنده است، و آن کسی که یاد خدا نمی کند در حکم مرده است. برای این که کسی که از یاد خدا در غفلت است از مردگان شمرده می شود.

در صحیح مسلم از سعد بن ابی وقاص روایت می نماید که سعد ت گفت: اعرابی به خدمت رسول الله ص آمد و گفت: سخنی به من بیاموز که من آن را بگویم. قَالَ: @قُلْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ اللَّهُ أَكْبَرُ كَبِيرًا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ كَثِيرًا سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ! قَالَ فَهَؤُلَاءِ لِرَبِّي فَمَا لِي؟ قَالَ @قُلِ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي وَاهْدِنِي وَارْزُقْنِي!

رسول الله ص به آن اعرابی فرمود: «بگو: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ: نیست معبودی بحق مگر خدای یکتا، الله که یکتا است، و هیچ شریکی ندارد. وَاللَّهُ أَكْبَرُ كَبِيرًا: خدای یکتا بزرگتر است از آنچه در خاطر انسان آید. بزرگی و عظمت او را شایسته است. وَالْحَمْدُ لِلَّهِ كَثِيرًا: و همه ی ستایش ها برای خدای یکتاست، حمد و ستایش بسیار و بی شمار. وَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ: و پاک و منزّه است الله که پروردگار جهانیان است، هر چه هست پرورده ی نعمت های اوست. لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ: نه توانایی و قدرتی است برای پایداری بر طاعت خدا، و نه توان و قدرتی است برای دوری از گناه، مگر به کمک خدای

یکتای پر عزت پر حکمت». وقتی که رسول الله ص این کلمات را به اعرابی آموخت، اعرابی گفت: اینها همه برای پروردگارم می باشد، پس برای خودم چیست؟ رسول الله ص فرمود: «بگو خدایا بیا مرز مرا و مرا مورد رحمت قرار ده و مرا به راه راست برسان و مرا روزی ده».

و در صحیح مسلم از سعد بن ابی وقاص ر روایت شده که سعد گفت: ما خدمت پیغمبر ص بودیم، آنگاه فرمود: «آیا یکی از شما ناتوان است از این که هر روزی هزار حسنه به دست آورد؟» یکی از کسانی که خدمت پیغمبر بودند، پرسید: چگونه هزار حسنه را به دست می آورد؟ «یکصد بار سبحان الله می گوید و برای او هزار حسنه نوشته می شود یا این که هزار خطیئه از او محو می شود». لفظ حدیث: كُنَّا عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَقَالَ @ أَيْعِزُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَكْسِبَ كُلَّ يَوْمٍ أَلْفَ حَسَنَةٍ؟ فَسَأَلَهُ سَائِلٌ مِنْ جُلَسَائِهِ كَيْفَ يَكْسِبُ أَحَدُنَا أَلْفَ حَسَنَةٍ؟ قَالَ: «يُسَبِّحُ مِائَةَ تَسْبِيحَةٍ فَيَكْتُبُ لَهُ أَلْفُ حَسَنَةٍ أَوْ تُحْطُ عَنْهُ أَلْفُ خَطِيئَةٍ! قَالَ الْإِمَامُ الْحَافِظُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْحُمَيْدِيُّ: كَذَا هُوَ فِي كِتَابِ مُسْلِمٍ فِي جَمِيعِ الرِّوَايَاتِ: @ أَوْ تُحْطُ! قَالَ الْبِرْقَانِيُّ: وَ رَوَاهُ شُعْبَةُ وَ ابُو عَوَانَةَ وَ يَحْيَى الْقَطَّانُ عَنْ مُوسَى الَّذِي رَوَاهُ مُسْلِمٌ مِنْ جِهَتِهِ فَقَالُوا: @ وَ تُحْطُ! بِغَيْرِ أَلْفٍ. يَعْنِي بِهِ حَسَبُ رِوَايَاتٍ إِنْ شَاءَ: كَسَى كَيْفَ يَكْصِدُ بَارِ سُبْحَانَ اللَّهِ كُفْتُ، هَزَارَ حَسَنَةٍ بَرَاءِ أَوْ نَوْشَتَه مِی شُود وَ هَزَارَ خَطِيئَةٍ وَ كَنَاهُ أَوْ مَحُو مِی شُود.

و در صحیح مسلم از أبوذر ر روایت نمود که أبوذر گفت: رسول الله ص فرمود: @ يُصْبِحُ عَلَى كُلِّ سُلَامَى مِنْ أَحَدِكُمْ صَدَقَةٌ فَكُلُّ تَسْبِيحَةٍ قَالَ صَدَقَةٌ وَكُلُّ تَحْمِيدَةٍ صَدَقَةٌ وَكُلُّ تَهْلِيلَةٍ صَدَقَةٌ وَكُلُّ تَكْبِيرَةٍ صَدَقَةٌ وَأَمْرٌ بِالْمَعْرُوفِ صَدَقَةٌ وَنَهْيٌ عَنِ الْمُنْكَرِ صَدَقَةٌ وَيُجْزَى مِنْ ذَلِكَ رَكْعَتَانِ يَرْكَعُهُمَا مِنَ الضُّحَى!.

رسول الله ص فرمود: «بامداد هر روز بر هر عضوی از اعضای بدنتان صدقه ای است هر یک بار که سبحان الله می گوید برای او صدقه ای است، و هر باری که الحمد لله می گوید برای او صدقه ای است، و هر باری که لا اله الا الله می گوید برای او صدقه ای است، و هر باری که الله اکبر می گوید برای او صدقه ای است، و هر امر به معروفی که می کند صدقه ای است، و هر نهی از منکری که می کند صدقه ای است و جای همه ی اینها را می گیرد دو رکعت نماز سنت ضحی که آن را می خواند». اقل نماز ضحی دو رکعت است و اکمل آن هشت رکعت

است و وقت آن بعد از گذشتن شانزده دقیقه از طلوع آفتاب است تا اذان ظهر، و بهترین وقت آن در ربع النهار است که چهار یک روز گذشته باشد، سلامی به معنی عضوی از اعضای بدن، جمع آن سلامیات است.

و در صحیح بخاری و مسلم آمده است که ابوموسی اشعری  $\tau$  گفت: قال لي رسول الله  $\rho$ : @أَلَا أَدُلُّكَ عَلَى كَنْزٍ مِنْ كُنُوزِ الْجَنَّةِ! فَقُلْتُ: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ. قَالَ: @قُلْ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ!.

«ابوموسی اشعری  $\tau$  گفت که رسول الله ص به من فرمود: «آیا تو را راهنمایی نکنم به گنجی از گنجینه‌های بهشت؟» گفتم: بله یا رسول الله، فرمود: «کلمه‌ی لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، مثل گنجی است از گنجینه‌های بهشت» لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، یعنی: نه توانایی دارم بر پایداری بر طاعت خدا و نه می‌توانم دوری از نافرمانی خدا، مگر به کمک خدای یکتا که هر طاعتی انجام بدهم از مددکاری اوست، و هر معصیتی را ترک نمایم از نگه‌داری اوست. اعتماد بر خدا در توفیق بر طاعت و در نگه‌داری از معصیت مانند گنجی از گنجینه‌های بهشتی است که به انسان داده شده باشد.

و در سنن ابوداود و ترمذی آمده است که سعد بن ابی وقاص  $\tau$  گفت که همراه رسول الله ص نزد زنی رفتم که جلو او هسته‌های خرما و سنگریزه بود و گفتن سبحان الله را با آنها می‌شمرد، رسول الله ص به آن زن فرمود:

@أَلَا أُخْبِرُكَ بِمَا هُوَ أَيْسَرُ عَلَيْكَ مِنْ هَذَا أَوْ أَفْضَلُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَدَدَ مَا خَلَقَ فِي السَّمَاءِ وَسُبْحَانَ اللَّهِ عَدَدَ مَا خَلَقَ فِي الْأَرْضِ وَسُبْحَانَ اللَّهِ عَدَدَ مَا بَيْنَ ذَلِكَ وَسُبْحَانَ اللَّهِ عَدَدَ مَا هُوَ خَالِقٌ وَاللَّهُ أَكْبَرُ مِثْلَ ذَلِكَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ مِثْلَ ذَلِكَ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مِثْلَ ذَلِكَ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ مِثْلَ ذَلِكَ!.

«آیا تو را خبر ندهم به چیزی که بر تو آسانتر باشد از آن یا هم آسانتر و هم فضل آن بیشتر باشد؟ آنگاه فرمود: سبحان الله به شمارهی آنچه خدا آنها را در آسمان آفرید و سبحان الله به شمارهی آنچه خدا آنها را در زمین آفرید و سبحان الله به شمارهی آنچه خدا آنها را میان آسمان و زمین آفرید و سبحان الله به شمارهی آنچه خدا آنها را می‌آفریند و الله اکبر مانند آنها، یعنی به شمارهی آنها وَاللَّهُ أَكْبَرُ مانند آنها وَالْحَمْدُ لِلَّهِ به همان اندازه وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مانند

آنها، یعنی به همان شماره وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ به همان شماره». ترمذی بعد از روایت این حدیث گفته است: حدیث حسن.

و نووی / در کتاب اذکار فرمود: ما روایت داریم در سنن ابوداود و ترمذی به اسناد حسن از یُسَیْرَةَ لَ که زنی از صحابه و از مهاجران است که رسول الله ص به زنان دستور داد که @أَنْ يُرَاعِيْنَ بِالْكَبِيرِ وَالتَّقْدِيسِ وَالتَّهْلِيلِ وَأَنْ يَعْقِدْنَ بِالْأَنَامِلِ فَإِنَّهُنَّ مَسْئُولَاتٌ مُسْتَنْطَقَاتٌ! «رسول الله ص به زنان امر فرمود که «در موقع تکبیر و تقدیس و تهلیل، یعنی موقع گفتن الله اکبر و موقع گفتن سبحان الله و موقع گفتن لا إله إلا الله، دل خود را حاضر کنند و به انگشتان خود آن را بشمارند، برای این که انگشتان در روز قیامت پرسیده می شوند و به سخن می آیند».

و در اذکار فرموده که روایت داریم از سنن ابی داود و ترمذی و سنن نسائی به اسناد حسن از عبدالله بن عمر ب که گفت: دیدم رسول الله ص را که موقع گفتن سبحان الله به انگشتان خود آنها را می شمرد، و در روایتی به انگشتان دست راست خود آنها را می شمرد.

و در اذکار فرمود: روایت داریم در سنن ابوداود از ابوسعید خدری ؓ که رسول الله ص فرمود:

@مَنْ قَالَ رَضِيتُ بِاللَّهِ رَبًّا وَبِالْإِسْلَامِ دِينًا وَبِمُحَمَّدٍ رَسُولًا وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ! «کسی که گفت: راضی و خشنودم به خدای یکتا، «الله» در پروردگارش و راضی هستم به اسلام در دینداری و راضی و خشنودم به حضرت محمد ص در پیغمبریش، یعنی کسی که به دل و زبان به پروردگاری خدا و دینداری اسلام و رسالت خاتم انبیا راضی باشد و از ایشان پیروی و اطاعت نماید، بهشت برای او ثابت است».

نووی فرمود: روایت داریم در کتاب ترمذی از عبدالله بن بُسر ؓ که مردی به خدمت رسول الله ص آمد و گفت که شرایع اسلام بر من بسیار شد، یعنی احکام در اسلام بسیار است و من از عهده‌ی همه‌ی آنها برنمی آیم، مرا خبر ده به کاری که به آن تمسک بجویم.

فرمود: @لَا يَزَالُ لِسَانُكَ رَطْبًا مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ تَعَالَى! «همیشه زبانت به یاد خدا تر باشد». یعنی



همیشه خدا را یاد کن، زیرا وقتی زبانت همیشه به یاد خدا مشغول شد، غیبت و خبرچینی و دروغ و زشت گفتاری از تو سر نمی‌زند و یاد خدا به صورت همیشگی زبانت را از بدی باز می‌دارد و عملت را از زشتی نگه می‌دارد.

نووی فرمود: و در سنن ترمذی روایت داریم از ابوسعید خدری  $\tau$  که از رسول الله ص پرسیده شد: چه عبادتی درجه اش در روز قیامت نزد خدای متعال بالاتر است؟ قَالَ: @الدَّائِرُونَ اللَّهَ كَثِيرًا! قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمِنْ الْغَايِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ؟ قَالَ: @لَوْ ضَرَبَ بِسَيْفِهِ فِي الْكُفَّارِ وَالْمُشْرِكِينَ حَتَّى يَنْكَسِرَ وَيَخْتَضِبَ دَمًا لَكَانَ الدَّائِرُونَ اللَّهَ كَثِيرًا أَفْضَلَ مِنْهُ دَرَجَةً! فرمود: «درجه‌ی کسانی که خدا را بسیار یاد می‌کنند، بالاترین درجه است». ابوسعید خدری می‌گوید: گفتم: آیا درجه‌ی عبادت ایشان از کسانی که جهاد در راه خدا می‌کنند بیشتر است؟ رسول الله ص فرمود: اگر غازی، یعنی مجاهد فی سبیل الله با شمشیر خود کافران و مشرکان را بزند تا جایی که شمشیرش شکسته شود و به خون آغشته شود باز هم کسانی که خدا را بسیار یاد می‌کنند بر او برتری دارند».

نووی فرموده: و روایت داریم در کتاب ابن ماجه از ابودرداء  $\tau$  که گفت: رسول الله ص فرمود: @أَلَا أُنبِئُكُمْ بِخَيْرِ أَعْمَالِكُمْ وَأَزْكَاهَا عِنْدَ مَلِكِكُمْ وَأَرْفَعُهَا فِي دَرَجَاتِكُمْ وَخَيْرٌ لَّكُمْ مِنْ إِنْفَاقِ الدَّهَبِ وَالْوَرِقِ وَخَيْرٌ لَّكُمْ مِنْ أَنْ تَلْقَوْا عَدُوَّكُمْ فَتَضْرِبُوا أَعْنَاقَهُمْ وَيَضْرِبُوا أَعْنَاقَكُمْ؟! قَالُوا بَلَى. قَالَ: @ذِكْرُ اللَّهِ تَعَالَى!

ابودرداء  $\tau$  از رسول الله ص روایت نمود که فرمود: «آیا خبر ندهم شما را به کاری که بهترین اعمال‌تان و پاکیزه‌ترین رفتار‌تان و بالاترین درجه در اعمال‌تان باشد و بهتر باشد برای شما از انفاق طلا و نقره و بهتر باشد برایتان از این که با دشمن رو در رو شوید و گردن آنها را بزنید؟» گفتیم: بله، فرمود: «یاد کردن خدای متعال». حاکم ابوعبدالله در کتاب خود «المستدرک» گفت: این حدیث صحیح الاسناد است.

در حقیقت ادیان همه آمده اند تا مردم را به خدا نزدیک کنند و مردم را به طاعت خدا وادارند و کسی که همیشه زبانش به یاد خداست و دلش در فرمان خداست او خود را برای

همه انواع طاعت آماده نموده و خود را از هر نوع گناه و عصیان نگه داشته است، از این رو او دارای بالاترین درجه عبادت و ثواب است.

نووی فرمود: روایت داریم در کتاب ترمذی از عبدالله بن مسعود  $\tau$  که گفت: رسول الله ص فرمود: «در شب اسراء و معراج ابراهیم را ملاقات نمودم، گفت: «يَا مُحَمَّدُ! أَقْرَى أُمَّتِكَ مِنِّي السَّلَامَ وَأَخْبِرُهُمْ أَنَّ الْجَنَّةَ طَيِّبَةُ الثَّرِيَّةِ عَذْبَةُ الْمَاءِ وَأَنَّهَا قِيَعَانٌ وَأَنَّ غِرَاسَهَا سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ». قال الترمذي: حديث حسن.

رسول الله ص فرمود: «در شب اسراء و معراج ابراهیم  $\cup$  را ملاقات نمودم، گفت: سلام امت را برسان و به ایشان خبر ده که بهشت خاکش پاک و آماده‌ی بهره‌برداری است و همه دشت هموار است و آب آن شیرین است و زراعت و کاشتن درختان در آن به گفتن سبحان الله والحمد لله ولا إله إلا الله والله أكبر به دست می‌آید». یعنی امت بکوشند هرچه بیشتر این کلمات را بگویند تا هرچه بیشتر از زمین بهشت استفاده کنند، خوشا به حال امت محمد که انبیاء هم به فکر راهنمایی و فایده‌رسانی به ایشان هستند.

نووی فرمود که در کتاب ترمذی روایت داریم از جابر بن عبدالله انصاری و او از رسول الله ص روایت می‌کند که فرمود:  $\textcircled{a}$  مَنْ قَالَ سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ. غُرِسَتْ لَهُ نَخْلَةٌ فِي الْجَنَّةِ! قال الترمذي: حديث حسن.

«کسی که بگوید سبحان الله وبحمده، با هر باری که مسلمان این کلمه را بگوید درخت نخلی در بهشت برای او کاشته می‌شود».

باید دانست که مردم از غفلت خود و نگفتن این کلمه‌ی عظیم چقدر نعمت از دست می‌دهند و با مشغول‌شدن به سخنان بیهوده عمر خود را ضایع می‌کنند و به جای ثواب بار گناه خود را سنگین می‌کنند.

نووی فرمود که در کتاب ترمذی روایت داریم از ابوذر  $\tau$  که گفت: گفتیم: یا رسول الله! کدام سخن محبوب‌تر است نزد خدای متعال؟ فرمود: «مَا اصْطَفَى اللَّهُ تَعَالَى لِمَلَائِكَتِهِ سُبْحَانَ رَبِّيَ وَبِحَمْدِهِ سُبْحَانَ رَبِّيَ وَبِحَمْدِهِ». قال الترمذي: حديث حسن صحيح.

رسول الله ص فرمود: «بهترین سخن سخنی است که خدای تعالی آن را برای فرشتگانش برگزید: سُبْحَانَ رَبِّيَ وَبِحَمْدِهِ سُبْحَانَ رَبِّيَ وَبِحَمْدِهِ» منزّه و پاک می دانم پروردگارم را از هر عیب و نقصی و به ستایش او مشغولم».

پس از این که صاحب کتاب اذکار ذکرهای غیر مقید را یاد کرد، می پردازد به ذکرهایی که در مناسبت ها گفته می شود و آغاز نمود به ذکرى که مسلمان موقع بیدارشدن از خواب می گوید.

### «باب ما يقول إذا استيقظ من النوم»

#### بابی است در بیان ذکرى که موقع بیدارشدن از خواب می گوید

در صحیحین به روایت از ابوهریره آمده است که رسول الله ص فرمود: «يَعْقِدُ الشَّيْطَانُ عَلَى فَاغِيَةِ رَأْسِ أَحَدِكُمْ إِذَا هُوَ نَامَ ثَلَاثَ عُقَدٍ، يَضْرِبُ كُلَّ عُقْدَةٍ عَلَيْكَ لَيْلٌ طَوِيلٌ فَارْقُدْ، فَإِنْ اسْتَيْقَظَ فَذَكَرَ اللَّهَ انْحَلَّتْ عُقْدَةٌ، فَإِنْ تَوَضَّأَ انْحَلَّتْ عُقْدَةٌ، فَإِنْ صَلَّى انْحَلَّتْ عُقْدَةٌ فَأَصْبَحَ نَشِيطًا طَيِّبَ النَّفْسِ، وَإِلَّا أَصْبَحَ خَبِيثَ النَّفْسِ كَسَلَانً».

رسول الله ص فرمود: «وقتی که یکی از شما به خواب رفت، شیطان پشت سر او سه گره می زند و در هر گره می گوید شب درازی در پیش داری به خواب، چنانچه بیدار شد و نام خدا را یاد کرد، گرهی گشوده می شود، و چنانچه بلند شد و وضو گرفت گره دیگری گشوده می شود و چنانچه نماز خواند گره ها همه گشوده می شود و بامداد که از بستر برمی خیزد خوش دل و بانشاط برمی خیزد، و چنانچه خدا را یاد نکرد و وضو نگرفت و نماز نخواند بامداد که از بستر خواب بلند می شود بددل و گرفته دل و بی نشاط و سست برمی خیزد». و معلوم است که کسی که همه ی شب به خواب غفلت فرو رفت، نه خدا را یاد کرد، نه وضو گرفت و نه دو رکعت نماز خواند، سستی و بی حالی نصیب او می شود. مسلمان همیشه با یاد خدا و طهارت وضو و نماز به خدا نزدیک می شود، و از روزی که تلویزیون در

خانه‌ها راه یافته و کوچک و بزرگ چشم به آن دوخته اند و خسته و بی‌حال به بستر خواب می‌روند نشاط عبادت در شب از دست داده اند، و خوشی قلب نمی‌یابند.

و در صحیح بخاری از حذیفه بن الیمان و ابوذر ب روایت نمود که رسول الله ص وقتی که بر بستر خواب می‌نشست می‌فرمود:

@ بِاسْمِكَ اللَّهُمَّ أَمُوتُ وَأَحْيَا! وَإِذَا اسْتَيْقَظَ قَالَ: @ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَحْيَانَا بَعْدَ مَا أَمَاتَنَا، وَإِلَيْهِ النُّشُورُ!

رسول الله ص قبل از خواب می‌فرمود: «خدایا به نام تو زنده می‌مانم و می‌میرم». و بعد از خواب که بیدار می‌شد می‌فرمود: «حمد و ستایش‌ها برای خدای یکتاست که ما را با بیداری زنده فرمود، بعد از این که ما را با خواب از مردگان ساخته بود و بازگشت به سوی اوست».

و در کتاب ابن السنی به اسناد صحیح آورده است که رسول الله ص فرمود: @ إِذَا اسْتَيْقَظَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَدَّ عَلَيَّ رُوحِي، وَعَافَانِي فِي جَسَدِي، وَأَذِنَ لِي بِذِكْرِهِ! «موقعی که یکی از شما از خواب بیدار می‌شود بگوید: همه‌ی ستایش‌ها برای خدای یکتایی است که روح مرا برگرداند و تندرستی به من عطا فرمود و به من اجازه داد تا او را یاد کنم».

و در همین کتاب آمده است که رسول الله ص فرمود: @ مَا مِنْ عَبْدٍ يَقُولُ عِنْدَ رَدِّ اللَّهِ تَعَالَى رُوحَهُ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ، وَلَهُ الْحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، إِلَّا غَفَرَ اللَّهُ لَهُ ذُنُوبَهُ، وَلَوْ كَانَتْ مِثْلَ زَبَدِ الْبَحْرِ!

«هر بنده‌ای که موقع بیدارشدنش بگوید: «لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ، وَلَهُ الْحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» خدا می‌آمرزد گناهانش را و اگرچه مانند کف دریا باشد». زَبَدِ الْبَحْرِ: کف دریا، همان سفیدی روی موج دریاست.

و در همان کتاب آمده است که رسول الله ص فرمود: @ مَا مِنْ رَجُلٍ يَنْتَبِهُ مِنْ نَوْمِهِ فَيَقُولُ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ النَّوْمَ وَالْيَقَظَةَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَعَثَنِي سَالِمًا سَوِيًّا أَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْمَوْتَى، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، إِلَّا قَالَ اللَّهُ: صَدَقَ عَبْدِي!

«هر بنده‌ای که از خواب بیدار شود و بگوید: همه‌ی ستایش‌ها برای خدای یکتاست که خواب و بیداری هر دو را آفرید - تا خواب مایه‌ی آسایش بندگان باشد و بیداری برای کار و کسب باشد - همه‌ی ستایش‌ها برای خدای یکتاست که مرا به حال تندرستی و سلامت اعضا بیدار فرمود، گواهی می‌دهم که خداوند مردگان را زنده می‌گرداند و او بر هر چیزی تواناست، خدا می‌فرماید: بنده ام راست گفت، یعنی خدا این گفتار را از او پذیرفت و ثواب او را عطا فرمود».

«باب ما يقول إذا لبس ثوبه»

### بابی است در بیان آنچه موقع پوشیدن لباس می‌گوید

مستحب است گفتن بسم الله، و همچنین مستحب است بسم الله الرحمن الرحيم گفتن در آغاز همه‌ی کارها. در کتاب ابن السنی @ عمل اليوم والليلة! از ابوسعید خدری ت روایت نمود که رسول الله ص هرگاه لباسی می‌پوشید خواه جامه خواه لنگ دوش خواه عمامه، هر لباسی که می‌پوشید می‌فرمود: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِهِ وَخَيْرِ مَا هُوَ لَهُ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهِ وَشَرِّ مَا هُوَ لَهُ». «خدایا از تو می‌خواهم از خوشی این لباس و خوشی آنچه این لباس برای آن ساخته شد، و پناه می‌برم به تو از شر این لباس و شر آنچه این لباس برای آن ساخته شد». و در همین کتاب روایت داریم از معاذ بن انس ت که رسول الله ص فرمود: «من لبس ثوباً جديداً فقال: الحمد لله الذي كساني هذا، ورزقنيه من غير حولٍ مستي ولا قوة، غفر الله له ما تقدم من ذنبه». رسول الله ص فرمود: «هر مسلمانی که جامه‌ی نوی پوشید و گفت حمد و ستایش‌ها برای خدای یکتاست که این جامه‌ی نو را به من پوشانید و آن را روزی من فرمود بدون این که حول و قوه‌ی من آن را برایم فراهم کرده باشد، خدا گناهان گذشته اش را می‌آمرزد».

«باب ما يقول إذا لبس ثوباً جديداً أو نعلين وما أشبهه»

**بابی است در بیان آنچه موقع پوشیدن لباس، کفش نو و مانند آنها**

**می‌گوید**

ابوداود، ترمذی و نسائی در سنن‌شان به روایت از ابوسعید خدری  $\tau$  آورده اند که رسول الله ص هرگاه لباس نوی به دست می‌آورد خواه جامه یا عمامه یا لنگ دوش بود برای آن نامی می‌گذاشت آنگاه می‌فرمود:

«اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ أَنْتَ كَسَوْتَنِيهِ أَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِهِ وَخَيْرِ مَا صُنِعَ لَهُ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهِ وَشَرِّ مَا صُنِعَ لَهُ». حدیث صحیح.

«خدایا برای توست حمد و ستایش‌ها، تو آن را به من پوشانیدی از تو می‌خواهم خیر و خوشی آن و خیر و خوشی هرچه این لباس برای آن ساخته شده و پناه می‌برم به تو از شر این لباس و شر آنچه این لباس برای آن ساخته شده است». یعنی خیر و خوشی لباس و خیر و خوشی بدنی که لباس برای آن ساخته شده را از تو می‌خواهم، لباس دارای خیر و خوشی باشد و بدنی که آن لباس را می‌پوشد هم در حال خیر و خوشی باشد، والله اعلم.

و در کتاب ترمذی روایت داریم از عمر  $\tau$  که گفت: از رسول الله ص شنیدم که می‌فرمود: «مَنْ لَبَسَ ثَوْبًا جَدِيدًا فَقَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي كَسَانِي مَا أُوَارِي بِهِ عَوْرَتِي وَأَتَجَمَّلُ بِهِ فِي حَيَاتِي ثُمَّ عَمَدَ إِلَى الثَّوْبِ الَّذِي أَخْلَقَ فَتَصَدَّقَ بِهِ كَانَ فِي كَنْفِ اللَّهِ وَفِي حِفْظِ اللَّهِ وَفِي سِتْرِ اللَّهِ حَيًّا وَمَيِّتًا». «کسی که لباس نوی پوشید و گفت حمد و ستایش برای خدای یکتاست که مرا لباسی پوشانید که به وسیله‌ی آن عورت خود را بپوشانم و به وسیله‌ی آن در زندگی ام زیبایی و تجمل بیابم، آنگاه لباسی را که کهنه کرده بود صدقه کرد و به فقیر داد او در نگه‌داری خدا و در حمایت خدای عزوجل می‌باشد و در راه خداست در زندگی و پس از مرگ».

«باب ما يقول لصاحبه إذا رأى عليه ثوباً جديداً»

## بابی است در بیان آنچه به دوستش می‌گوید، وقتی که دید لباس نوی پوشیده است

روایت داریم در صحیح بخاری از ام خالد، دختر خالد بن الولید، ب که گفت: لباس‌هایی برای رسول الله ص آورده بودند و در میان آنها چارقده سیاهی بود، رو به حاضران نمود و فرمود:

@ مَنْ تَرَوْنَ نَكْسُوَهَا هَذِهِ الْخَمِيصَةُ؟ فَأَسْكِتَ الْقَوْمُ . قَالَ: «اَتُتَوْنِي بِأَمِّ خَالِدٍ» فَأَتَى بِي النَّبِيُّ ﷺ فَأَلْبَسَنِيهَا بِيَدِهِ وَقَالَ «أَبْلَى وَأَخْلَقَى مَرَّتَيْنِ».

«به نظر شما این چارقده را به چه کسی بیوشانیم؟ حاضران سکوت نمودند، آنگاه فرمود: تا مرا به خدمت رسول الله ص بیاورند، وقتی که آمدم به دست مبارک خود آن را بر من پوشانید و فرمود: این لباس را بیوش تا آن را فرسوده نمایی، دوبار». ام خالد آن وقت دختری خردسال بود.

و روایت داریم در کتاب @ عمل الیوم واللیلة تألیف ابن السنی به روایت از عبدالله بن عمر ب که رسول الله ص لباس تازه‌ای بر عمر دید و پرسید: لباس نو است یا شسته شده؟ عمر عرض کرد شسته شده است، رسول الله ص فرمود: @ اَلْبَسْ جَدِيدًا، وَعِشْ حَمِيدًا، وَمُتْ شَهِيدًا سَعِيدًا!.

«پوش لباس نو، و زندگی کن زندگی پسندیده و بمیر به حال شهادت و نیکبختی».

«باب كيفية لبس الثوب والنعل وخلعهما»

## بابی است در بیان چگونگی پوشیدن لباس، کفش و بیرون آوردن آنها

هنگام پوشیدن لباس، کفش، شلوار و مانند آنها از راست شروع کند و در هنگام بیرون آوردن از چپ شروع کند و نیز سرمه به چشم کشیدن و مسواک زدن و چیدن ناخن و کوتاه کردن سیل و اصلاح سر و تراشیدن موی زیر بغل و سلام نماز دادن و داخل شدن به مسجد و بیرون آمدن از مستراح و وضو گرفتن و غسل کردن و خوردن و آشامیدن و مصافحه کردن و دست کشیدن به حجرالأسود و گرفتن چیزی از کسی و چیزی را به دست کسی دادن، در همه‌ی اینها مستحب است از راست شروع کند و ضد آنها از چپ.

و در اذکار از صحیحین روایت شده که عائشه صدیقه ل گفت: **@** كَانَ النَّبِيُّ ﷺ يُعْجِبُهُ التَّيْمُنُ فِي شَأْنِهِ كُلِّهِ فِي طُهُورِهِ وَتَرْجُلِهِ وَتَغْلِيهِ! «پیامبر ص دوست می‌داشت همه‌ی کارهای خوب خود را با دست راست و از سمت راست انجام دهد، در طهارت و شانه کردن مو و پوشیدن کفشش».

و در اذکار از سنن ابی داود روایت شده که عایشه ل گفت: **@** كَانَتْ يَدُ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ الْيُمْنَى لَطُطُورِهِ وَطَعَامِهِ وَشَرَابِهِ وَكَانَتْ يَدُهُ الْيُسْرَى لِخَلَائِهِ وَمَا كَانَ مِنْ أَدَى! «دست راست پیامبر ص برای طهارت، خوردن، نوشیدن، و دست چپش برای قضای حاجت و آنچه که از ناپاکی بود، اختصاص داشت».

«باب ما يقول إذا خلع ثوبه لغسل أو نوم أو نحوهما»

**بابی است در بیان آنچه به هنگام بیرون آوردن لباسش برای**

**شستن یا خوابیدن یا مانند آنها می‌گوید**

روایت داریم در کتاب ابن سنی از انس ؓ که رسول الله ص فرمود:

**@** سَتَرُ مَا بَيْنَ أَعْيُنِ الْجَنِّ وَعَوْرَاتِ بَنِي آدَمَ أَنْ يَقُولَ الرَّجُلُ الْمُسْلِمُ إِذَا أَرَادَ أَنْ يَطْرَحَ ثِيَابَهُ: بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ!.



«پوشش میان چشمان جن و عورت‌های بنی آدم آن است که فرد مسلمان هرگاه بخواهد لباسش را بیرون آورد بگوید: به نام خدایی که نیست معبودی مگر او».

«باب ما يقول حال خروجه من بيته»

### بابی است در بیان آنچه هنگام خروجش از خانه می‌گوید

ابوداود، ترمذی، نسایی و ابن ماجه از ام سلمه ل که همسر رسول الله ص می‌باشد و نام او هند است روایت نمودند که رسول الله ص هرگاه از خانه اش بیرون می‌رفت می‌فرمود:

@ بِسْمِ اللَّهِ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ نَزَلَ أَوْ نَضِلَّ أَوْ نُظْلِمَ أَوْ نُظْلَمَ أَوْ نُجْهَلَ أَوْ يُجْهَلَ عَلَيَّ! [حدیث صحیح وقال الترمذی: حدیث حسن صحیح].

«به نام خدا و توکل نمودم بر خدا، یعنی به نام خدا از خانه بیرون می‌روم و بر خدای یکتا اعتماد می‌نمایم، خدایا به تو پناه می‌برم از این که گمراه شوم و یا این که گمراه کرده شوم و پناه می‌برم به خدا از این که خوار شوم یا خوار کرده شوم و از این که ستم به کسی نمایم و یا این که کسی به من ستم نماید و از این که راه نادانی بگیرم و یا این که کسی با من نادانی نماید».

رسول الله ص در تعلیم این امت چنین بیان فرمود که در بیرون رفتن از خانه نام خدا را یاد کنند یا کسی ایشان را خوار نماید، نه خود راه گمراهی بگیرند و نه کسی ایشان را گمراه کند، نه خود به کسی ستم کنند و نه کسی به ایشان ستم نماید و نه خود راه نادانی بگیرند و نه کسی راه نادانی با ایشان بگیرد. کسی که در بیرون از خانه به پشتیبانی نام خدا و توکل بر خدا از گمراهی و خواری و ستم و نادانی نگه‌داری شود، خیر دنیا و آخرت برای او جمع شده است.

و در روایت ابی داود و ترمذی و نسایی و غیر از ایشان از انس ر روایت شده که گفت: رسول الله ص فرمود:

@مَنْ قَالَ - يَعْنِي إِذَا خَرَجَ مِنْ بَيْتِهِ - بِسْمِ اللَّهِ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ. يُقَالُ لَهُ كُفَيْتَ وَوُقِيتَ وَهُدِيتَ. وَتَنَحَّى عَنْهُ الشَّيْطَانُ!.

رسول الله ص فرمود: «هر کس موقعی که از خانه بیرون رفت گفت: بِسْمِ اللَّهِ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ. به نام خدا از خانه بیرون آمده ام و بر خدای یکتا اعتماد کرده ام و نیست چاره‌ای در پایداری بر طاعت خدا و نه توانی برای دوری از معاصی مگر به کمک خدای یکتا، کسی که این را گفت به او گفته می‌شود: تو را کفایت کرده اند و نگه داشته اند و راهنمایی کرده اند به سوی راه راست و شیطان از او دور شد».

«باب ما يقول إذا دخل بيته»

**بابی است در بیان آنچه وقتی که داخل خانه اش می‌شود، می‌گوید**

مستحب است که موقع داخل شدن به خانه بگوید: بسم الله، و یاد خدا بسیار نماید و سلام کند، خواه کسی در خانه باشد و یا نباشد، اگر در خانه کسی است می‌گوید: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ. و اگر در خانه کسی نیست می‌گوید: السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ. خدای متعال فرمود:

﴿وَمَنْ دَخَلَ مِنْ بَيْتٍ فَعَلِمَ مَا يَنْذَرُ فَإِنْ سَأَلَ عَنْ شَيْءٍ فَعَلِمَ مَا لَمْ يَأْخُذْ بِهِ﴾ [النور: 61].

@وقتی داخل به خانه‌هایتان می‌شوید بر اهل خانه سلام کنید که این گرامی‌داشتنی است پاک و پربرکت که از نزد خدا می‌یابند!

ترمذی از انس ۲ روایت نمود که گفت: رسول الله ص به من فرمود:

@يَا بُنَيَّ إِذَا دَخَلْتَ عَلَى أَهْلِكَ فَسَلِّمْ يَكُونُ بَرَكَهٌ عَلَيْكَ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِكَ! [قال الترمذی: حدیث حسن صحیح].

«وقتی که داخل به خانه‌ات شدی بر خانواده‌ات سلام کن بگو: السلام علیکم که همین سلام کردنت برکتی است بر خودت و بر خانواده ات».

و در سنن ابی داود روایت داریم از ابومالک اشعری ت (نام ابومالک: حارث است و گفته شده: نام او عبید و گفته شده نام او کعب و گفته شده نام او عمرو است، یعنی نظر به این که شهرت او به ابومالک است در نام او اختلاف است، اگرچه معتمد همان حارث است).  
 ابومالک گفت که رسول الله ص فرمود: **@إِذَا وَلَجَ الرَّجُلُ بَيْتَهُ فَلْيَقُلْ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ الْمَوْلَجِ وَخَيْرَ الْمَخْرَجِ، بِاسْمِ اللَّهِ وَلَجْنَا، وَبِاسْمِ اللَّهِ خَرَجْنَا، وَعَلَى اللَّهِ رَبِّنَا تَوَكَّلْنَا، ثُمَّ يُسَلِّمُ عَلَى أَهْلِهِ!**

«وقتی که شخص داخل خانه اش شد بگوید: خدایا از تو می‌خواهم خیر داخل شدن به خانه، و از تو می‌خواهم خیر بیرون آمدن از خانه، به نام خدا به خانه داخل شدیم و به نام خدا از خانه بیرون می‌رویم و بر خدای یکتا که پروردگار ما می‌باشد توکل نمودیم، آنگاه سلام بر اهل خانه اش نماید». ابوداود پس از روایت این حدیث آن را ضعیف ندانست.  
 و ابوداود به اسناد حسن روایت نمود از ابو امامه باهلی که نام او صُدَی بن عَجَلان است از رسول الله ص که فرمود:

**@ثَلَاثَةٌ كُلُّهُمْ ضَامِنٌ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ رَجُلٌ خَرَجَ غَازِيًا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَهُوَ ضَامِنٌ عَلَى اللَّهِ حَتَّى يَتَوَفَّاهُ فَيُدْخِلَهُ الْجَنَّةَ أَوْ يَرُدَّهُ بِمَا نَالَ مِنْ أَجْرٍ وَغَنِيمَةٍ وَرَجُلٌ رَاحَ إِلَى الْمَسْجِدِ فَهُوَ ضَامِنٌ عَلَى اللَّهِ تَعَالَى حَتَّى يَتَوَفَّاهُ فَيُدْخِلَهُ الْجَنَّةَ أَوْ يَرُدَّهُ بِمَا نَالَ مِنْ أَجْرٍ وَغَنِيمَةٍ وَرَجُلٌ دَخَلَ بَيْتَهُ بِسَلَامٍ فَهُوَ ضَامِنٌ عَلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى! حدیث حسن.**

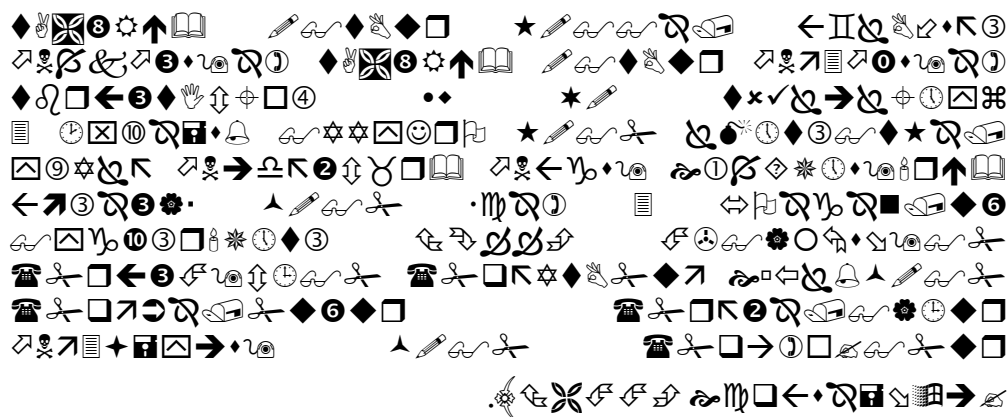
«سه کس اند که در ضمان و رعایت خدای عزوجل هستند: مردی که به جهاد فی سبیل الله رفت او در رعایت خدای عزوجل می‌باشد تا این که خدا او را وفات دهد و به بهشت داخل گرداند، یا این که او را به خانه اش برگرداند با آنچه از اجر و غنیمت به دست آورده است. و مردی که به مسجد رفت (برای طاعت خدا) او زیر نظر و رعایت خداست تا این که خدا او را وفات دهد و او را داخل بهشت سازد، یا این که او را زنده برگرداند با آنچه از ثواب و غنیمت عمر به دست آورده است. و کسی که داخل به خانه می‌شود با سلام بر اهل خانه او در ضمان و رعایت خداوند پاک و بلندمرتبه است».

**@** إِذَا دَخَلَ الرَّجُلُ بَيْتَهُ فَذَكَرَ اللَّهَ عِنْدَ دُخُولِهِ وَعِنْدَ طَعَامِهِ قَالَ الشَّيْطَانُ لَا مَيِّتَ لَكُمْ وَلَا عَشاءَ. وَإِذَا دَخَلَ فَلَمْ يَذْكُرِ اللَّهَ عِنْدَ دُخُولِهِ قَالَ الشَّيْطَانُ أَذْرَكْتُمُ الْمَيِّتَ. وَإِذَا لَمْ يَذْكُرِ اللَّهَ عِنْدَ طَعَامِهِ قَالَ أَذْرَكْتُمُ الْمَيِّتَ وَالْعَشاءَ!.

و امام مالک در موطا فرمود: کسی که داخل به خانه‌ای شد که کسی در آن نیست، بگوید:  
 @السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ!

**بابی است در بیان آنچه می‌گوید وقتی که در شب از خواب بیدار شود و از خانه بیرون برود**

70x \* 0 1 2 3 4 5 6 7 8 9 10 11 12 13 14 15 16 17 18 19 20 21 22 23 24 25 26 27 28 29 30 31 32 33 34 35 36 37 38 39 40 41 42 43 44 45 46 47 48 49 50 51 52 53 54 55 56 57 58 59 60 61 62 63 64 65 66 67 68 69 70 71 72 73 74 75 76 77 78 79 80 81 82 83 84 85 86 87 88 89 90 91 92 93 94 95 96 97 98 99 100 101 102 103 104 105 106 107 108 109 110 111 112 113 114 115 116 117 118 119 120 121 122 123 124 125 126 127 128 129 130 131 132 133 134 135 136 137 138 139 140 141 142 143 144 145 146 147 148 149 150 151 152 153 154 155 156 157 158 159 160 161 162 163 164 165 166 167 168 169 170 171 172 173 174 175 176 177 178 179 180 181 182 183 184 185 186 187 188 189 190 191 192 193 194 195 196 197 198 199 200 201 202 203 204 205 206 207 208 209 210 211 212 213 214 215 216 217 218 219 220 221 222 223 224 225 226 227 228 229 230 231 232 233 234 235 236 237 238 239 240 241 242 243 244 245 246 247 248 249 250 251 252 253 254 255 256 257 258 259 260 261 262 263 264 265 266 267 268 269 270 271 272 273 274 275 276 277 278 279 280 281 282 283 284 285 286 287 288 289 290 291 292 293 294 295 296 297 298 299 300 301 302 303 304 305 306 307 308 309 310 311 312 313 314 315 316 317 318 319 320 321 322 323 324 325 326 327 328 329 330 331 332 333 334 335 336 337 338 339 340 341 342 343 344 345 346 347 348 349 350 351 352 353 354 355 356 357 358 359 360 361 362 363 364 365 366 367 368 369 370 371 372 373 374 375 376 377 378 379 380 381 382 383 384 385 386 387 388 389 390 391 392 393 394 395 396 397 398 399 400 401 402 403 404 405 406 407 408 409 410 411 412 413 414 415 416 417 418 419 420 421 422 423 424 425 426 427 428 429 430 431 432 433 434 435 436 437 438 439 440 441 442 443 444 445 446 447 448 449 450 451 452 453 454 455 456 457 458 459 460 461 462 463 464 465 466 467 468 469 470 471 472 473 474 475 476 477 478 479 480 481 482 483 484 485 486 487 488 489 490 491 492 493 494 495 496 497 498 499 500 501 502 503 504 505 506 507 508 509 510 511 512 513 514 515 516 517 518 519 520 521 522 523 524 525 526 527 528 529 530 531 532 533 534 535 536 537 538 539 540 541 542 543 544 545 546 547 548 549 550 551 552 553 554 555 556 557 558 559 560 561 562 563 564 565 566 567 568 569 570 571 572 573 574 575 576 577 578 579 580 581 582 583 584 585 586 587 588 589 590 591 592 593 594 595 596 597 598 599 600 601 602 603 604 605 606 607 608 609 610 611 612 613 614 615 616 617 618 619 620 621 622 623 624 625 626 627 628 629 630 631 632 633 634 635 636 637 638 639 640 641 642 643 644 645 646 647 648 649 650 651 652 653 654 655 656 657 658 659 660 661 662 663 664 665 666 667 668 669 670 671 672 673 674 675 676 677 678 679 680 681 682 683 684 685 686 687 688 689 690 691 692 693 694 695 696 697 698 699 700 701 702 703 704 705 706 707 708 709 710 711 712 713 714 715 716 717 718 719 720 721 722 723 724 725 726 727 728 729 730 731 732 733 734 735 736 737 738 739 740 741 742 743 744 745 746 747 748 749 750 751 752 753 754 755 756 757 758 759 760 761 762 763 764 765 766 767 768 769 770 771 772 773 774 775 776 777 778 779 780 781 782 783 784 785 786 787 788 789 790 791 792 793 794 795 796 797 798 799 800 801 802 803 804 805 806 807 808 809 810 811 812 813 814 815 816 817 818 819 820 821 822 823 824 825 826 827 828 829 830 831 832 833 834 835 836 837 838 839 840 841 842 843 844 845 846 847 848 849 850 851 852 853 854 855 856 857 858 859 860 861 862 863 864 865 866 867 868 869 870 871 872 873 874 875 876 877 878 879 880 881 882 883 884 885 886 887 888 889 890 891 892 893 894 895 896 897 898 899 900 901 902 903 904 905 906 907 908 909 910 911 912 913 914 915 916 917 918 919 920 921 922 923 924 925 926 927 928 929 930 931 932 933 934 935 936 937 938 939 940 941 942 943 944 945 946 947 948 949 950 951 952 953 954 955 956 957 958 959 960 961 962 963 964 965 966 967 968 969 970 971 972 973 974 975 976 977 978 979 980 981 982 983 984 985 986 987 988 989 990 991 992 993 994 995 996 997 998 999 1000 1001 1002 1003 1004 1005 1006 1007 1008 1009 1010 1011 1012 1013 1014 1015 1016 1017 1018 1019 1020 1021 1022 1023 1024 1025 1026 1027 1028 1029 1030 1031 1032 1033 1034 1035 1036 1037 1038 1



@حقا که در آفرینش آسمان‌ها و زمین‌ها و از پی یکدیگر آمدن شب و روز نشانه‌های قدرت پروردگار است برای خردمندان. آن مردمی که خدا را یاد می‌کنند ایستاده و نشسته و بر پهلو افتاده و می‌اندیشند در آفرینش آسمان‌ها و زمین‌ها و می‌گویند: ای پروردگار ما! نیافریدی این همه کاینات پر عظمت را به باطل، منزّه هستی از هر عیب و نقصی، پاکی از عر عیب، پس نگه‌دار ما را از عذاب دوزخ. پروردگار! به حقیقت هر کسی را به دوزخ فرستادی حقا که او را رسوا کرده‌ای و نیست ستمگران را هیچ یاری دهنده. پروردگار! به حقیقت که ما شنیدیم دعوت کننده که به سوی ایمان دعوت می‌کرد و می‌گفت ایمان بیاورید به پروردگارتان و ما قبول دعوت‌شان کردیم و ایمان آوردیم. پروردگار! بیامرزش ما را و گناهان ما را آمرزیده ساز و بیوشان از ما بدی‌هایمان و وفات و مرگ ما را همراه نکوکاران قرار ده که در وقت وفات از نکوکاران باشیم. پروردگار! بده ما را آنچه را که بر زبان پیغمبرانت نوید آن را به ما دادی و ما را رسوا مگردان در روز قیامت به حقیقت که تو هیچگاه خلاف وعده نخواهی فرمود. پروردگارشان دعایشان را به اجابت رسانید و فرمود: ضایع نمی‌گردانم عمل هر عمل خیرکننده از شما از مرد یا زن، بعضی از شما از بعضی دیگرند (شما همه از همدیگر هستید و ایمان و عمل صالح میان شما جمع نموده) پس مردمی که هجرت کردند از دیار کفر و بیرون شدند از شهر و خانه‌هایشان و شکنجه و اذیت دیدند از کافران در راه ایمان آوردن به من و جنگیدند با کافران و کشته شدند در این راه، می‌پوشانم از ایشان بدی‌هایشان و ایشان را داخل می‌سازیم به بهشت‌هایی که روان است زیر آنها رودها، این همه

احسان که به ایشان برسد پاداشی است از نزد خدا و خداست که پاداش نیکو نزد اوست. نفرید تو را رفت و آمد کافران در شهرها، خوشی اندکی است پس از آن جایگاهشان دوزخ است و چه بد آرامگاهی است برایشان (که به جای آرامش در دوزخ می‌سوزند). و لیکن مردمی که از خدا ترسیدند برای ایشان است بهشت‌هایی که روان است زیر آنها رودها در حالی که در آن بهشت‌ها و خوشی‌ها جاویدان می‌مانند و این مهمانی است از نزد خدا برایشان و آنچه نزد خداست بهتر است برای نیکوکاران. و به حقیقت از اهل کتاب: از یهود و نصاری مردمی هستند که ایمان می‌آورند به خدای یکتا و آنچه نازل شد بر شما و آنچه نازل شد بر خودشان، فروتنی کنند گانند برای خدا، نمی‌خرند در مقابل آیات خدا بهای اندکی، آنانند که برایشان است ثواب‌شان نزد پروردگارشان، حقا که خدا خیلی زود به حساب بندگان برسد. (حساب این همه خلایق در مدت کوتاهی انجام می‌دهد: آنچه مؤمن هستند حساب اعمال‌شان به قدر فاصله‌ی میان دو نماز انجام می‌شود و به خوشی جاویدان می‌رسند و آنچه کافران روز سختی در پیش دارند، همه رسوایی و بدبختی و دست آخر به آتش سوختن) ای مردمی که ایمان آورده اید! ای مؤمنان صبر و شکیبایی پیشه کنید و ایستادگی ورزید و مرزها را نگهبانی کنید و بترسید از خدای متعال تا رستگار شوید!.

در صحیح بخاری و مسلم به ثبوت رسیده است که رسول الله ص وقتی که در شب بیدار می‌شد و از خانه بیرون می‌رفت آن آیات را می‌خواند، و نظر کردن پیامبر به آسمان و خواندن آن آیات در صحیح بخاری آمده است، و در مسلم نیامده است. و در صحیح بخاری و مسلم از عبدالله بن عباس ب روایت نموده اند که رسول الله ص موقعی که برای نماز تهجد از خواب برمی‌خاست می‌فرمود:

@اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ أَنْتَ قَيِّمُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَنْ فِيهِنَّ وَلَكَ الْحَمْدُ، لَكَ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَنْ فِيهِنَّ، وَلَكَ الْحَمْدُ أَنْتَ نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ، وَلَكَ الْحَمْدُ أَنْتَ الْحَقُّ، وَوَعْدُكَ الْحَقُّ، وَلِقَاؤُكَ حَقٌّ، وَقَوْلُكَ حَقٌّ، وَالْجَنَّةُ حَقٌّ، وَالنَّارُ حَقٌّ، وَالتَّيُّونَ حَقٌّ، وَمُحَمَّدٌ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - حَقٌّ، وَالسَّاعَةُ حَقٌّ، اللَّهُمَّ لَكَ أَسْلَمْتُ، وَبِكَ آمَنْتُ وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ، وَإِلَيْكَ أُنَبْتُ، وَبِكَ

خَاصَمْتُ، وَإِلَيْكَ حَاكَمْتُ، فَاغْفِرْ لِي مَا قَدَّمْتُ وَمَا أَخَّرْتُ، وَمَا أَسْرَرْتُ وَمَا أَعْلَنْتُ، أَنْتَ الْمُقَدِّمُ وَأَنْتَ الْمُؤَخِّرُ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ! زَادَ بَعْضُ الرُّوَاةِ: @ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ!

«خدایا ستایش‌ها همه برای توست، تو نگهدار آسمان و زمین و همه‌ی آنچه در آن دو می‌باشد، هستی. و ستایش‌ها برای توست، مالکیت آسمان‌ها و زمین‌ها و آنچه در آن دو می‌باشد برای توست، و ستایش‌ها برای توست. تو روشن‌فرمای آسمان و زمین‌ها و آنچه در آنهاست، می‌باشی. و همه ستایش‌ها برای توست. تو حق هستی و وعده‌ی تو همه حق است و دیدار تو در آخرت برای مؤمنان حق است و گفتار تو حق است و بهشت حق است و دوزخ حق است و رسالت محمد برحق است و قیامت حق است. خدایا خود را تسلیم فرمان تو نمودم و به فرمان تو مسلمان شدم و به تو ایمان آوردم و کارهایم را همه به تو واگذاشتم (تا سعی و کوششم را به ثمر برسانی) و به سوی تو رجوع و انابت نمودم (تا همیشه روی دلم متوجه درگاهت باشد و انجام‌دهنده فرمانت باشد) و برای تو با دشمنانت دشمنی نمودم، و برای داوری روی به سوی تو نمودم، پس پیامرز برایم گناهان پیش از این و بعد از این و آنچه از گناهان که نهانی انجام دادم و آنچه از گناهان که آشکار نمودم، تو به جلو می‌اندازی کسی را که بخواهی و به دنبال می‌اندازی کسی را که بخواهی، نیست معبودی به حق مگر تو». و بعضی از راویان این کلمه را افزوده اند: @ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ!؛ «نیست نیرویی مرا در پایداری بر طاعت و نه توانی برای دوری از نافرمانیت مگر به کمک تو و به کمک توست که راه پایداری بر طاعت و دوری از معصیت را به دست می‌آوریم».

«باب ما یقول إذا أراد دخول الخلاء»

**بابی است در بیان آنچه موقع داخل‌شدن به مستراح می‌گوید**

و در صحیح بخاری و مسلم به ثبوت رسیده است که انس ؓ گفت: رسول الله ص موقع داخل‌شدن به مستراح می‌فرمود: @اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْخُبْثِ وَالْخَبَائِثِ!.

«خدایا! پناه می‌برم به تو از شر دیوهای نر و دیوهای ماده».



و در سنن ترمذی به روایت از علی  $\tau$  آمده است که رسول الله ص فرمود: **@سَتَرُ مَا بَيْنَ أَعْيُنِ الْجِنَّ وَعَوْرَاتِ بَنِي آدَمَ إِذَا دَخَلَ الْكَيْفَ أَنْ يَقُولَ: بِاسْمِ اللَّهِ!** «چیزی که عورت بنی آدم را موقعی که به مستراح داخل می شود از چشم جن می پوشاند گفتن بسم الله می باشد».

بنابراین، چه در مستراح و چه در صحرا قبل از نشستن برای قضای حاجت بگوید:

**@بِاسْمِ اللَّهِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْخُبْثِ وَالْخَبَائِثِ!**

«خدایا! نام تو را یاد می کنم و به تو پناه می برم از شر دیوهای نر و دیوهای ماده».

و در روایت ابن السنی و طبرانی از عبدالله بن عمر ب آورده است که رسول الله ص هرگاه به مستراح داخل می شد، می فرمود:

**@اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الرَّجْسِ النَّجِسِ الْخَبِيثِ الْمُخْبِثِ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ!**

«خدایا! پناه می برم به تو از شر پلید ناپاک، خبیث بدعمل، شیطان رانده شده».

### «باب النهي عن الذكر والكلام علي الخلاء»

**بابی است در بیان نهی از ذکر خدا و سخن گفتن به هنگام قضای**

#### **حاجت**

موقعی که برای قضای حاجت نشسته است مکروه است یاد خدا و سخن گفتن، خواه در صحرا باشد یا در ساختمان، و هر نوع اذکار و سخن یکسان است، و سخن نگوید مگر برای ضرورت، حتی اگر کسی عطسه نماید، نگوید: **يَرْحَمُكَ اللَّهُ**. و اگر خودش عطسه کند، نگوید: **الْحَمْدُ لِلَّهِ**. و اگر کسی بر او سلام گفت، جواب سلامش ندهد. و اگر صدای مؤذن بشنود جواب آن را ندهد و مانند مؤذن نگوید. و اگر اذان شنید و جواب اذان به دل بگوید و به زبان نیاورد مانعی ندارد. همچنین اگر در حال جماع بود به دل جواب مؤذن بگوید و بر زبان نیاورد.

و در صحیح مسلم آمده است موقعی که رسول الله ص بول می کرد مردی که عبور می کرد سلام نمود و رسول الله ص جواب سلامش نداد.

و در سنن ابوداود و نسایی و ابن ماجه به اسناد صحیح از مهاجر بن قنفذ روایت نمود که مهاجر گفت:

أَتَيْتُ النَّبِيَّ ﷺ وَهُوَ يَبُولُ فَسَلَّمْتُ عَلَيْهِ فَلَمْ يَرُدَّ عَلَيَّ حَتَّى تَوَضَّأَ ثُمَّ اعْتَذَرَ إِلَيَّ وَ قَالَ: «إِنِّي كَرِهْتُ أَنْ أَذْكَرَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ إِلَّا عَلَى طَهْرٍ».

مهاجر گفت: نزد رسول الله ص آمدم و سلام بر او نمودم و قی که مشغول بول بود، جواب سلامم نگفت تا این که وضو گرفت و معذرت خواست و فرمود: «مکروه دانستم نام خدا را یاد نمایم وقتی که بر طهارت نیستم».

«باب النهي عن السلام علي الجالس لقضاء الحاجة»

**بابی است در بیان نهی از سلام کردن بر کسی که برای قضای حاجت نشسته است**

اگر کسی بر او سلام نمود حق جواب سلام ندارد و دلیل آن حدیث روایت ابن عمر و مهاجر است در باب قبلی یاد شد.

«باب ما يقول إذا خرج من الخلاء»

**بابی است در بیان آنچه موقع بیرون آمدن از محل قضای حاجت می گوید**

می گوید: @غُفْرَانُكَ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنِّي الْأَذَى، وَعَافَانِي! «خدایا، در برابر وقتی که به غفلت گذراندم از تو آمرزش می خواهم، ستایش ها همه برای خدای یکتایی است که پلیدی را از من دور کرد و مرا تندرستی عطا فرمود».

در حدیث صحیح در سنن ابوداود و ترمذی آمده است که رسول الله ص وقتی که از محل قضای حاجت بیرون می آمد، می فرمود: @غُفْرَانُكَ! «از تو آمرزش می خواهم» و در سنن نسایی و ابن ماجه ادامه ی آن آمده است، یعنی می فرمود: @غُفْرَانُكَ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ

عَنْي الْأَذَى، وَعَافَانِي! و ابن السنی و طبرانی از ابن عمر ب روایت کرده اند که رسول الله ص موقع بیرون آمدن از محل قضای حاجت می فرمود: @الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذَقَنِي لَذَّتَهُ وَأَبْقَى فِي قُوَّتِهِ وَأَذْهَبَ عَنِّي أَذَاهُ! «همه‌ی ستایش‌ها برای خدای یکتایی است که لذت خوراک را به من چشاند و نیروی حاصل از خوراک را در وجود من باقی گذاشت و آزار و اذیت آن را از من دفع کرد».

### «باب ما يقول على وضوئه»

### بابی است در بیان آنچه در حال وضو می‌گوید

مستحب است که در اول وضو بگوید: بسم الله الرحمن الرحيم، اگر فقط بسم الله بگوید هم کفایت می‌کند، علمای ما گفته‌اند: اگر بسم الله در اول وضو نگفت در میانه‌ی وضو بگوید. اگر بسم الله نگفت تا این که از وضو فارغ شد وقت بسم الله گفتن گذشته است و با این که آن را نگفته وضوی او صحیح است. و در خصوص بسم الله گفتن احادیثی آمده که همه ضعیف است. امام احمد فرمود: در باره‌ی بسمله حدیث صحیحی نیافته‌ام، از آن جمله است حدیثی که در سنن ابی داود آمده است از رسول الله ص که فرمود: @لَا وُضُوءَ لِمَنْ لَمْ يَذْكُرِ اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهِ! «وضو ندارد کسی که نام خدا را بر وضو یاد نکرد».

امام نووی فرمود: روایت داریم از سعید بن زید و ابی سعید خدری و عایشه و انس بن مالک و سهل بن سعد ۱۶؛ روایت همه در سنن بیهقی آمده است، و بیهقی و غیر او همه آن احادیث را ضعیف دانسته‌اند.

و با این که احادیث بسمله در وضو ضعیف است، باز هم عمل به حدیث ضعیف در اینگونه موارد جایز است.

(فصل) ابوالفتح نصر مقدسی زاهد گفته است که مستحب است برای وضوگیرنده که بعد از گفتن بسم الله الرحمن الرحيم در اول وضو بگوید:

@أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ!

و این سخن که ابوالفتح مقدسی گفته است گرچه مانعی ندارد، اما اصلی در سنت ندارد و از علما مذهب مان و غیر از ایشان کسی آن را نگفته است.

**(فصل)** بعد از فارغ شدن از وضو بگوید: @أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنَ التَّوَّابِينَ وَاجْعَلْنِي مِنَ الْمُتَطَهِّرِينَ، سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ! «گواهی می‌دهم که نیست معبودی بحق مگر خدای یکتایی که هیچ شریکی برای او نیست، و گواهی می‌دهم که محمد بنده و فرستاده‌ی برحق خداست. خدایا! بگردان مرا از توبه‌کنندگان که در مقابل هر غفلی توبه نمایم، و بگردان مرا از پاکیزگان که گرد هیچ آلودگی نگردم، خدایا منزّه و پاک هستی از هر عیب و نقص، تسبیح تو می‌گویم و به حمد و ستایش تو می‌پردازم، و گواهی می‌دهم که نیست معبودی بحق مگر تو، طلب آمرزش می‌نمایم از تو و به سوی تو روی می‌آورم».

نووی فرمود: و روایت داریم از عمر بن الخطاب که رسول الله ص فرمود:

@مَنْ تَوَضَّأَ فَقَالَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، فَتَحَّتْ لَهُ أَبْوَابُ الْجَنَّةِ الثَّمَانِيَةِ يَدْخُلُ مِنْ أَيِّهَا شَاءَ! رواه مسلم في صحيحة.

«کسی که وضو بگیرد و موقع فارغ شدن از وضو بگوید: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، هشت در بهشت برای او گشوده می‌شود تا از هر یک از آن درها که بخواهد داخل به بهشت شود».

و روایت ضعیفی هم هست در سه بار تکرار کردن أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تا آخر.

شیخ نصر مقدسی گفته است بعد از گفتن این اذکار که یاد شد بگوید:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ وَسَلِّمْ».

علمای مذهب ما گفته اند اذکار یاد شده موقع فراغت از وضو و رو به قبله بگوید.

**(فصل)** امام نووی فرمود: دعاهایی که موقع شستن اعضای وضو گفته می‌شود از رسول الله ص به ثبوت نرسیده است.

شیخ الإسلام زکریای انصاری فرمود: در خصوص آن دعاها روایاتی هستند که از مجموع آنها دانسته می شود گفتن آنها مستحب است.

امام نووی فرمود: فقها گفته اند مستحب است دعاهایی که از سلف آمده و حاصل آن دعاها چنین است که بعد از گفتن بسم الله الرحمن الرحیم، بگوید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ الْمَاءَ طَهُورًا». «حمد و ستایش ها برای خدا یکتایی است که آب را پاک کننده قرار داد». و موقع مضمضه و آب به دهن گردانیدن بگوید: @اللَّهُمَّ اسْقِنِي مِنْ حَوْضِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَأْسًا لَا أَظْمَأُ بَعْدَهُ أَبَدًا!». «خدایا از حوض پیغمبرت - کوثر - در صحرای قیامت مرا لیوانی آب ده، به طوری که بعد از آن هرگز تشنه نشوم». و موقع استنشاق و آب به بینی بردن بگوید: @اللَّهُمَّ لَا تَحْرِمْنِي رَائِحَةَ نِعَمِكَ وَجَنَّتِكَ!». «خدایا مرا محروم مفرما از بوی خوش بهشت هایت و خوشی آنها». و موقع شستن روی بگوید: @اللَّهُمَّ بَيِّضْ وَجْهِي يَوْمَ تَبْيِضُ وُجُوهُ وَتَسْوَدُ وُجُوهُ!». «خدایا مرا روسفید گردان در روز قیامت که روهای سفید و روهای سیاه می شود». و موقع شستن دست راست بگوید: @اللَّهُمَّ أَعْطِنِي كِتَابِي بِيَمِينِي!». «خدایا نامه ای اعمالم را به دست راستم برسان». و موقع شستن دست چپ بگوید: @اللَّهُمَّ لَا تُعْطِنِي كِتَابِي بِشِمَالِي!». «خدایا نامه ای اعمالم را در دست چپم قرار مده». و موقع مسح سر بگوید: @اللَّهُمَّ حَرِّمْ شَعْرِي وَبَشْرِي عَلَى النَّارِ!». «خدایا مو و پوستم را بر دوزخ حرام گردان». تا آتش دوزخ به هیچ جای بدنم نرسد، یعنی مرا از رفتن به دوزخ حفظ فرما. و موقع مسح دو گوش بگوید: @اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنَ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ!». «خدایا! بگردان مرا از جمله کسانی که گفتار را می شنوند و پیروی می کنند از بهترین گفتار». و موقع شستن دو پایش بگوید: @اللَّهُمَّ ثَبِّتْ قَدَمِي عَلَى الصِّرَاطِ يَوْمَ تَزُلُّ فِيهِ الْأَقْدَامُ!». «خدایا! دو پای مرا بر پل صراط پایدار بدار، روزی که پاهایی ثابت می ماند و پاهایی می لغزد».

و نسایی و دوستش ابن السنی در دو کتاب شان @عمل اليوم والليلة! به اسناد صحیح از ابوموسی اشعری روایت کرده اند که ابوموسی گفت: آب وضوی رسول الله آوردم، رسول الله ص مشغول وضو گرفتن شد و شنیدم که در اثنای وضو دعا می کرد و می گفت: @اللَّهُمَّ

اغْفِرْ لِي ذَنْبِي وَوَسِّعْ لِي فِي دَارِي وَبَارِكْ لِي فِي رِزْقِي!». «خدایا بیامرزش برای من گناهم و فراخ بساز برایم خانه ام و در روزیم برکت قرار ده». گفتم: یا رسول الله! شنیدم که چنین دعایی می کردی: خدایا! گناهم بیامرزش و خانه ام گشاده و پرخیر بساز و در روزیم برکت بپرداز. رسول الله ص فرمود: این دعا از حوائج انسانی چیزی باقی گذاشتند؟ یعنی این سه کلمه: @اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي ذَنْبِي وَوَسِّعْ لِي فِي دَارِي وَبَارِكْ لِي فِي رِزْقِي! همه ی خیرات دنیا و آخرت را دربر دارد.

ابن السنی گفت: این دعا را در اثنای وضو بگویند. و نسائی گفت: این دعا را بعد از فراغت از وضو بگویند: احتمال هردو وجود دارد. در اثنای وضو بگویند خوب است و بعد از فراغت هم بگویند خوب است. والله سبحانه وتعالى أعلم.

«باب ما يقوله على اغتساله»

### بابی است در بیان آنچه که موقع بدن شستن می گوید

مستحب است موقع بدن شستن، گفتن آنچه موقع وضو گرفتن مستحب است، و فرقی نیست در این که بدون شوینده جنب یا حائض باشد. غسل فرض باشد یا غسل سنت، و بسم الله الرحمن الرحيم را اول غسل بگویند. چنانچه جنب یا حائض باشد آن را به قصد قرآن نگویند، بلکه به عنوان این که از اذکار وضو و اغتسال است بگویند. والله سبحانه وتعالى أعلم و صلی الله علی سیدنا محمد وآله وصحبه وسلم.

«باب ما يقول على تيممه»

### بابی است در بیان آنچه به وقت تیمم می گوید

مستحب است که اول تیمم بسم الله الرحمن الرحيم را بگویند و اگر جنب و یا حائض باشد آن را به قصد قرآن نگویند، بلکه به عنوان آنچه از اذکار تیمم است بگویند، و در اثنای تیمم و بعد از تیمم آنچه در وضو مستحب بود در تیمم هم مستحب است، برای این که تیمم هم

طهارتی است مانند وضو. واللّٰهُ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ أَعْلَمُ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلٰی سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ وَسَلَّمَ.

«باب ما يقول إذا توجه إلى المسجد»

### بابی است در بیان آنچه موقع رفتن به مسجد می‌گوید

قبلاً گفتیم که وقتی از خانه بیرون آمد به هر جا که می‌رود چه بگوید. بنابراین، وقتی که به مسجد می‌رود اضافه بر آن بگوید آنچه در صحیح مسلم از عبدالله بن عباس ب روایت شده از آن حدیث طولانی که ابن عباس شبی در منزل خاله اش میمونه خوابید و در آن حدیث راجع به نماز تهجد رسول الله ص صحبت نمود، تا این که وقت نماز صبح شد و مؤذن اذان صبح گفت. و رسول الله ص برای نماز صبح از خانه بیرون آمد و می‌فرمود:

@اللَّهُمَّ اجْعَلْ فِي قَلْبِي نُورًا وَفِي لِسَانِي نُورًا وَاجْعَلْ فِي سَمْعِي نُورًا وَاجْعَلْ فِي بَصَرِي نُورًا وَاجْعَلْ مِنْ خَلْفِي نُورًا وَمِنْ أَمَامِي نُورًا وَاجْعَلْ مِنْ فَوْقِي نُورًا وَمِنْ تَحْتِي نُورًا. اللَّهُمَّ أَعْطِنِي نُورًا!.

«خدایا در دلم نور قرار ده و در زبانم نور قرار بده و در شنوایی ام نور قرار ده و در بینایی ام نور قرار ده و از پشت سرم نور قرار ده و از رو به رویم نور قرار ده و از بالای سرم نور قرار ده و از زیر پایم نور قرار ده، خدایا نور به من بده». مسلمان از خدا می‌خواهد که در دل و زبانش و در گوش و چشمش و از پشت سر و جلو رویش و از بالا و زیر و از همه طرف او نور خدا باشد و خدا به او نور عطا فرماید تا در همه حال و همه کارش نور باشد. چه دعایی از این بهتر که مسلمان در اعضایش نور خدا باشد و نور خدا به او احاطه نموده باشد و خدا به او نور عطا فرماید تا همیشه مثل خورشید پرفروغ و نوررسان باشد.

و در کتاب ابن السنی روایت داریم از بلال ؓ که رسول الله ص وقتی که به قصد نماز از خانه بیرون می‌آمد می‌فرمود:

@بِسْمِ اللَّهِ آمَنْتُ بِاللَّهِ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ اللَّهُمَّ بِحَقِّ السَّائِلِينَ عَلَيْكَ وَبِحَقِّ مَخْرَجِي هَذَا فَإِنِّي لَمْ أَخْرُجْهُ أَشْرًا وَلَا بَطَرًا وَلَا رِبَاءً وَلَا سُمْعَةً خَرَجْتُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِكَ وَاتَّقَاءَ

سَخَطَكَ أَسْأَلُكَ أَنْ تُعِيدَنِي مِنَ النَّارِ وَتُدْخِلَنِي الْجَنَّةَ! قال النووي /: حديث ضعيف، أحد رواته: الوازع بن نافع الغُـقـيلي وهو متفق علي ضعفه وإنه منكر الحديث. وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السَّيِّ مَعْنَاهُ مِنْ رِوَايَةِ عَطِيَّةِ الْعَوْفِيِّ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخَدْرِيِّ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَعَطِيَّةٍ أَيْضاً ضَعِيفٌ.

«به نام خدا از خانه بیرون آمدم و ایمان آوردم به خدا و توکل نمودم بر خدا و کارهایم را به خدا واگذاشتم و نیست توانایی بر طاعت خدا و نه چاره‌ای برای دوری از گناه، مگر به کمک الله سبحانه و تعالی، خدایا به حق سؤال کنندگان و خواهش کنندگان از تو و به حق بیرون آمدنم از خانه برای رفتن به مسجد که من بیرون نیامدم به قصد تکبر و بی‌اعتنایی به حق و نه به قصد شهرت، بلکه بیرون آمدم از خانه به قصد خواستن خشنودیات و پرهیز از خشم، از تو می‌خواهم مرا پناه دهی از دوزخ و مرا از آتش دوزخ دور نگه‌داری و مرا داخل نمایی به بهشت».

نووی فرمود که این حدیث ضعیف است، روایت آن به همین لفظ یکی از روایت کنندگانش وازع بن نافع است که معروف است به ضعف در روایت حدیث و نامقبول بودن روایت او. و روایت به معنی این حدیث بازهم به روایت عطیه عوفی است که او هم ضعیف است. و گویی امام نووی که آن را در کتاب اذکار خود آورد، از این جهت باشد که عمل به حدیث در فضایل جایز است. والله سبحانه و تعالی أعلم.

«باب ما يقول عند دخول المسجد والخروج منه»

**بابی است در بیان آنچه موقع داخل شدن به مسجد و بیرون آمدن از آن می‌گوید**

موقع داخل شدن به مسجد می‌گوید: @أَعُوذُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ وَبِوَجْهِهِ الْكَرِيمِ وَسُلْطَانِهِ الْقَدِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ وَسَلِّمْ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي وَافْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ!.



«پناه می‌برم به خدای بزرگ و به ذات بزرگوار او و به سلطان و قدرت قدیم او از شیطان رانده شده. همه‌ی ستایش برای خدای یکتاست. خدایا درود بفرست بر محمد و آل محمد، خدایا بیامرز گناهانم را و بگشای برایم درهای رحمت».

و موقع بیرون آمدن از مسجد همین را بگویند و به جای @اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ! بگویند: @وافتَحْ لِي أَبْوَابَ فَضْلِكَ!

و اگر موقع داخل شدن به مسجد بگویند: @السَّلَامَ عَلَى النَّبِيِّ، اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ! و موقع بیرون آمدن از مسجد بگویند: @السَّلَامَ عَلَى النَّبِيِّ، اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ فَضْلِكَ! هم خوب است.

و در حدیث صحیح است که موقعی که نماز گزار از مسجد بیرون می‌آید لشکریان ابلیس بر او جمع می‌شوند. بنابراین، بگویند: @اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ إِبْلِيسَ وَجُنُودِهِ! «خدایا! پناه می‌برم به تو از ابلیس و لشکریانش». این را که بگویند ضرری به او نمی‌رساند.

«باب ما يقول في المسجد»

### بابی است در بیان آنچه در مسجد می‌گویند

مستحب است بسیار یاد خدا کردن در مسجد با گفتن @سُبْحَانَ اللَّهِ، الْحَمْدُ لِلَّهِ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، اللَّهُ أَكْبَرُ! و ذکرهای دیگر. و مستحب است بسیار خواندن قرآن در مسجد. و از جمله مستحبات مسجد، خواندن حدیث رسول الله ص و علم فقه و دیگر علوم است. خدای متعال فرمود:



بالا بردن و یاد کردن نام او، در همین مساجد صبح و پسین مردانی به تسبیح و تنزیه خدا مشغولند!

و رسول الله ص فرمود: **@إِنَّمَا هِيَ لِذِكْرِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَقِرَاءَةِ الْقُرْآنِ!** رواه مسلم. «این مساجد تنها ساخته شده برای یاد خدا کردن و تلاوت قرآن».

**(فصل)** شایسته است برای کسی که در مسجد نشسته است این که نیت اعتکاف کند: **@تَوَيْتُ الْإِعْتِكَافَ!** برای این که نزد ما نیت اعتکاف جایز است، اگرچه برای یک لحظه هم باشد، حتی اگر از مسجد عبور می کند هم لحظه ای بایستد و نیت اعتکاف نماید و بعد عبور کند. و مکروه است که در مسجد فارغ و بدون یاد خدا بنشیند، برای این که کسی در مسجد است خوب است خود را به طاعتی مشغول دارد از قبیل نماز، تلاوت قرآن، ذکر خدا، درس علم. و کسی که در مسجد است امر به معروف و نهی از منکر نماید. و هر بار که به مسجد داخل می شود دو رکعت تحیت مسجد بخواند، اگر برایش مقدور نباشد چهار بار بگوید: **@سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ!**

«باب انکاره ودعائه علی من ینشد ضالة فی المسجد او یبیع فیه»

**بابی است در بیان انکار و نفرین کردن بر کسی که در مسجد به**

**دنبال گمشده اش می گردد یا خرید و فروش می کند**

اگر دید که کسی در مسجد می خواهد به خرید و فروش بپردازد یا سؤال گمشده نماید، منع نماید. چنانکه در حدیث صحیح مسلم آمده است که رسول الله ص فرمود: **@مَنْ سَمِعَ رَجُلًا يَنْشُدُ ضَالَّةً فِي الْمَسْجِدِ فَلْيَقُلْ لَا رَدَّهَا اللَّهُ عَلَيْكَ فَإِنَّ الْمَسَاجِدَ لَمْ تُبْنَ لَهُدًا!** «کسی که شنید که مردی سؤال گمشده اش در مسجد می کند، بگوید: خدا گمشده ات را برنگرداند، برای این که مساجد برای این چیزها ساخته نشده است».

و در کتاب ترمذی آمده است: **@** إِذَا رَأَيْتُمْ مَنْ يَبِيعُ أَوْ يَبْتَاعُ فِي الْمَسْجِدِ فَقُولُوا لَا أَرْبَحَ اللَّهُ تِجَارَتَكَ! «هرگاه دیدید کسی را که در مسجد می فروشد یا می خرد، به او بگویید خدا تجارتت را سودمند نگرداند».

«باب ما يقول إذا رأى من ينشد في المسجد شعراً ليس فيه مدح الإسلام ولا ترغيب إلى مكارم الأخلاق»

بابی است در بیان آنچه می گوید هرگاه کسی را دید که در مسجد شعری می خواند که در آن مدح اسلام و تشویق به مکارم اخلاق نیست

روایت داریم از ابن سنی از ثوبان **ت** که رسول الله ص فرمود: **@** مَنْ رَأَيْتُمُوهُ يَنْشُدُ شِعْرًا فِي الْمَسْجِدِ، فَقُولُوا لَهُ: قُضِيَ اللَّهُ فَانْكَ، ثَلَاثَ مَرَّاتٍ! «کسی را که دیدید در مسجد شعری می خواند، به او بگویید خداوند دهانت را پاره کند، سه بار».

«باب فضيلة الأذان»

بابی است در بیان فضیلت اذان

قال رسول الله ص: **@** لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي النِّدَاءِ وَالصَّفِّ الْأَوَّلِ، ثُمَّ لَمْ يَجِدُوا إِلَّا أَنْ يَسْتَهْمُوا عَلَيْهِ لَأَسْتَهْمُوا! رواه البخاري ومسلم في صحيحيهما عن أبي هريرة **ت**.

رسول الله ص فرمود: «اگر مردم می دانستند که در اذان و صف اول نماز با جماعت چقدر ثواب است و آنگاه اذان و صف اول به دست نمی آمد مگر به قرعه انداختن، راضی می شدند که بر آن قرعه بیندازند».

قال رسول الله ص: **@** الْمُؤَذِّنُونَ أَطْوَلُ النَّاسِ أَعْنَاقًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ! رواه مسلم.

رسول الله ص فرمود: «مؤذنان مساجد روز قیامت گردنشان از گردن مردم درازتر است». یعنی در روز قیامت مؤذنان از سرافرازترین مردم هستند، برای این که وقت نماز را اعلام می کنند و مردم را دعوت به سوی نماز و طاعت خدا می کنند.

يقول رسول الله ص: @ لَا يَسْمَعُ مَدَى صَوْتِ الْمُؤَذِّنِ جِنَّ وَلَا إِنْسٍ وَلَا شَيْءٍ إِلَّا شَهِدَ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ! رواه البخاري.

«هر کس و هر چیز که آواز مؤذن بشنود در وقت اذان گفتنش، خواه جن و یا انس و یا هر چیز دیگر باشد، در روز قیامت گواهی برای مؤذن می دهد».

علمای مذهب ما شافعیان در خصوص این که امامت نماز بیشتر فضیلت دارد و یا اذان گفتن، بر چهار قول اختلاف نظر دارند. معتمد این است که اذان افضل است. قول دوم امامت افضل است. قول سوم امامت و اذان در فضیلت یکسانند. قول چهارم اگر می داند که حقوق امامت را می گزارد و شروط آن در وجود او جمع است امامت بهتر است و گرنه اذان افضل است.

### «باب صفة الأذان»

## بابی است در بیان چگونگی اذان

بدان که ترجیع در اذان سنت است و ترجیع، یعنی بعد از این که چهار بار اللَّهُ أَكْبَرُ بلند گفت، آهسته به طوری که خودش و کسی که نزدیک اوست بشنود دوبار بگوید: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ و دو بار نیز آهسته بگوید: أَشْهَدُ أَنْ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، و بعد از این که دو بار شهادتین را آهسته گفت، دو بار أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، را بلند بگوید و دو بار نیز أَشْهَدُ أَنْ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ را بلند بگوید. و تثویب سنت است؛ و تثویب عبارت از این است که دو بار حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ و دو بار حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ را که در اذان صبح گفت، دوبار بگوید: الصَّلَاةُ خَيْرٌ مِنَ النَّوْمِ.

**الفاظ اذان:** اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ، حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ، حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ، حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ، اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ.

و کسی که اذان می شنود هرچه که از مؤذن می شنود تکرار کند، مگر این که با شنیدن حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ و حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ می گوید: لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ. و موقعی مؤذن در نماز صبح می گوید: الصَّلَاةُ خَيْرٌ مِنَ النَّوْمِ شنونده می گوید: صَدَقْتَ وَبَرَرْتَ: راست گفتی و نیوکار شدی. گفته شده بگوید: صَدَقَ رَسُولُ اللَّهِ. و مستحب است که مؤذن خوش آواز و امین و محل اعتماد و باخبر از اوقات نماز باشد. و مستحب است که در اذان و اقامه با وضو باشد، و بدون وضو اذان و اقامه مکروه است، و رو به قبله اذان بگوید، و اذان و اقامه را ایستاده بگوید، اذان کافر و کودک غیر ممیز و زن روا نیست.

اگر در اذان ترجیع و تثویب نگوید، اذانش صحیح است و ترک افضل نموده است، اذان و اقامه اختصاص به نمازهای فرض شبانه روزی دارد، خواه به تنهایی خوانده شود یا با جماعت، برای حاضر باشد یا مسافر، برای نماز ادا باشد یا نماز قضا. اگر چند نماز فرض باهم می خواند برای نماز اولی اذان و اقامه هر دو بگوید، برای باقی فقط اقامه بگوید. اذان و اقامه بنابر قول معتمد هر دو سنت هستند، چه برای نماز جمعه. و اذان و اقامه اختصاص به نمازهای فرض دارد، مثل نماز پنجگانه‌ی شبانه روزی و نماز جمعه.

و در نماز عید و کسوف و خسوف و استسقاء گفته می شود: @الصَّلَاةُ جَامِعَةٌ! و در سنن نوافل دیگر گفته نمی شود، و در تراویح بنابر أصح اقوال @الصَّلَاةُ جَامِعَةٌ! گفته می شود. و شرط است در اذان که بعد از دخول وقت نماز گفته شود، و برای نماز صبح درست است بعد از نیمه‌ی شب اذان صبح گفته شود، و معمولاً اذان اول نماز صبح یک ساعت قبل از دخول وقت گفته می شود تا کسانی که نماز تهجد می خوانند بعد از اذان اول بخوانند، برای این که مردم سست شده و مثل قبل همت ندارند بیش از نصف شب به نماز تهجد پردازند، و اقامه‌ی نماز باید موقع آغاز به نماز گفته شود.

**الفاظ اذان:** اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ. و ترجیع دو بار أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ و دو بار أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ که آهسته گفته می شود، سپس دو بار أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ و دو بار أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ به آواز بلند می گوید، سپس دو بار حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ و دو بار حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ می گوید و در نماز صبح پس از آن دو بار الصَّلَاةُ خَيْرٌ مِنَ النَّوْمِ می گوید، و سپس دو بار اللَّهُ أَكْبَرُ و پس از آن یک بار لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ می گوید. بنابراین، الفاظ اذان بدون ترجیع و تثویب پانزده کلمه است و با ترجیع نوزده کلمه و با ترجیع و تثویب بیست و یک کلمه است.

«باب ما يقول من سمع المؤذن والمقيم»

**بابی است در بیان آنچه که شنونده ی اذان و اقامه می گوید**

مستحب است که اذان و اقامه را می شنود مانند مؤذن بگوید، اما در حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ و حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ بگوید: @ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ! و موقعی که مؤذن می گوید: الصَّلَاةُ خَيْرٌ مِنَ النَّوْمِ، بگوید: @ صَدَقْتَ وَبَرَرْتَ! و گفته شده، بگوید: @ صَدَقَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ! و موقعی که مقيم می گوید: @ قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ، قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ! بگوید: @ أَقَامَهَا اللَّهُ وَأَدَامَهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ وَجَعَلَنِي مِنْ صَالِحِي أَهْلِهَا!. آیا این که مؤذن که اذان می گوید خودش هم مثل باقی شنوندگان اذان بگوید، به نظر امام الحافظ العلامة ابن حجر هیثمی خودش مثل الفاظ اذان بگوید و بعد از حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ و حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ بگوید.

رسول الله ص موقعی که مؤذن أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ می گفت، می فرموده است: @ وَأَنَا أَشْهَدُ!. یعنی من گواهی می دهم که رسول الله هستم. و موقعی که مؤذن می گوید: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ. شنونده بگوید: @ رَضِيتُ بِاللَّهِ رَبًّا وَبِمُحَمَّدٍ رَسُولًا وَبِالْإِسْلَامِ دِينًا!. و همچنین موقعی که مؤذن گفت: أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، شنونده بگوید: @ رَضِيتُ بِاللَّهِ

رَبَّاً وَيُحَمَّدُ رَسُولاً وَبِالإِسْلَامِ دِيناً! و موقعی که شنید مؤذن می گوید: @حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ! بگوید: @لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ! و بگوید: @اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا مُفْلِحِينَ!

وقتی که شنونده ی اذان و اقامه از گفتن مانند گفته ی مؤذن فارغ شد، بگوید: @اللَّهُمَّ رَبِّ هَذِهِ الدَّعْوَةُ التَّامَّةُ، وَالصَّلَاةُ الْقَائِمَةُ، آتِ مُحَمَّدًا الْوَسِيلَةَ وَالْفَضِيلَةَ، وَابْعَثْهُ مَقَامًا مَحْمُودًا الَّذِي وَعَدْتَهُ! پس از آن دعا نماید به آنچه می خواهد از امور دنیا و آخرت؛ ترجمه ی دعا: «خدایا! صاحب این دعوت کامل و صاحب این نمازی که اکنون برپا می شود، بده به محمد وسیله و فضیله که دو منزلت در بهشتند و او را برسان به مقام محمود که وعده اش فرمودی». پس از دعا صلوات بر رسول الله و آل و اصحابش بفرستد.

روی البخاری و مسلم عن أبي سعيد الخدري  $\tau$ ، قال: قال رسول الله ص: @إِذَا سَمِعْتُمُ الْمُؤَذِّنَ فَقُولُوا مِثْلَ مَا يَقُولُ الْمُؤَذِّنُ! رسول الله ص فرمود: «وقتی شنیدید که مؤذن اذان می گوید، مانند او بگویید».

و روی مسلم عن عبد الله بن عمرو بن العاص ب أَنَّهُ سَمِعَ النَّبِيَّ  $\rho$  يَقُولُ: @إِذَا سَمِعْتُمُ الْمُؤَذِّنَ فَقُولُوا مِثْلَ مَا يَقُولُ ثُمَّ صَلُّوا عَلَيَّ فَإِنَّهُ مَنْ صَلَّى عَلَيَّ صَلَاةً صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ بِهَا عَشْرًا ثُمَّ سَلُّوا اللَّهَ لِي الْوَسِيلَةَ فَإِنَّهَا مَنْزِلَةٌ فِي الْجَنَّةِ لَا تَنْبَغِي إِلَّا لِعَبْدٍ مِنْ عِبَادِ اللَّهِ وَأَرْجُو أَنْ أَكُونَ أَنَا هُوَ فَمَنْ سَأَلَ لِي الْوَسِيلَةَ حَلَّتْ لَهُ الشَّفَاعَةُ!.

رسول الله ص فرمود: «وقتی که اذان را شنیدید شما مانند مؤذن بگویید، پس از آن بر من درود فرستید که هر کسی که یک بار درود بر من فرستد خدا ده بار بر او درود فرستد، آنگاه طلب وسیله نمایید برای من که وسیله منزلتی است در بهشت برای یکی از بندگان خدا و امیدوارم آن بنده ای که خدا منزلت وسیله به او عطا فرموده است من باشم».

و روی مسلم عن عمر بن الخطاب  $\tau$  قال: قال رسول الله  $\rho$ : @إِذَا قَالَ الْمُؤَذِّنُ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ. فَقَالَ أَحَدُكُمْ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ. ثُمَّ قَالَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ. قَالَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ثُمَّ قَالَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ. ثُمَّ قَالَ حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ. قَالَ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ. ثُمَّ قَالَ حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ. قَالَ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ. ثُمَّ قَالَ اللَّهُ أَكْبَرُ

اللَّهُ أَكْبَرُ. قَالَ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ. ثُمَّ قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ. قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مِنْ قَلْبِهِ، دَخَلَ الْجَنَّةَ!.

رسول الله ص فرمود: «وقتی که مؤذن گفت: اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ، و یکی از شما که اذان می شنود گفت: اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ. پس از آن مؤذن گفت: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، یکی از شما که اذان می شنود گفت: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ. پس از آن مؤذن گفت: أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، و شنونده گفت: أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ. پس از آن مؤذن گفت: حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ، و شنونده گفت: لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ. پس از آن مؤذن گفت: اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ، و شنونده گفت: اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ. پس از آن مؤذن گفت: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، و شنونده گفت: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ. و همه این کلمات را از دل گفت، به بهشت رسیده است». حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ: یعنی بشتابید به سوی نماز. حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ: یعنی بشتابید به سوی رستگاری. شنونده می گوید: لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، یعنی نیست چاره‌ای برای دور شدن از گناه و نه نیرویی برای انجام دادن طاعت جز به کمک خدای عزوجل. مؤذن می گوید: بشتابید به سوی نماز. شنونده می گوید: ما به کمک خدای عزوجل می شتابیم به سوی نماز، یعنی اگر کمک خدا نباشد نه دوری از گناه می توانیم، نه پایداری بر طاعت.

وروی مسلم عن سعد بن أبي وقاص  $\tau$  عن رسول الله  $\rho$  قال: @مَنْ قَالَ حِينَ يَسْمَعُ الْمُؤَذِّنَ: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ رَضِيتُ بِاللَّهِ رَبًّا وَبِمُحَمَّدٍ رَسُولًا وَبِالْإِسْلَامِ دِينًا. غُفِرَ لَهُ ذَنْبُهُ!.

رسول الله ص فرمود: «کسی که موقعی که صدای مؤذن می شنود، بگوید: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ رَضِيتُ بِاللَّهِ رَبًّا وَبِمُحَمَّدٍ رَسُولًا وَبِالْإِسْلَامِ دِينًا. گناهش بخشوده شده است». یعنی موقع شنیدن أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ و همچنین موقع شنیدن أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ بگوید: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ رَضِيتُ بِاللَّهِ رَبًّا وَبِمُحَمَّدٍ رَسُولًا وَبِالْإِسْلَامِ دِينًا. گناهش آمرزیده شده است.



**(فصل)** اگر موقع اذان شنونده در نماز است، مانند مؤذن نگوید، بلکه وقتی که از نماز فارغ شد مؤذن را اجابت نماید. اگر در نماز مانند مؤذن گفت، گفتنش مکروه است و نمازش باطل نمی‌شود. و اگر موقع اذان در حال قضای حاجت است، جواب مؤذن نگوید که بر زبان آوردن کلمات اذان در آن حالت حرام است. اما اگر مشغول تلاوت قرآن یا درس علم یا مشغول تسیح و تهلیل است، همه‌ای اینها را قطع کند و جواب مؤذن بدهد.

### «باب الدعاء بعد الأذان»

بابی است در بیان این که دعا بین اذان و اقامه مستجاب می‌شود

رَوَيْنَا عَنْ أَنَسٍ  $\tau$  قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ  $\rho$ :

@ لَا يُرَدُّ الدُّعَاءُ بَيْنَ الْأَذَانِ وَالْإِقَامَةِ! رواه أبو داود والترمذي والنسائي وابن السني وغيرهم. قال الترمذي: حديث حسن صحيح، وزاد الترمذي في روايته: قالوا: فماذا نقول يا رسول الله؟ قال: @ سَلُوا اللَّهَ الْعَافِيَةَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ!.

رسول الله ص فرمود: «دعای میان اذان و اقامه مستجاب است، گفتند: یا رسول الله چه داعی بکنیم؟ فرمود: از خدا بخواهید عافیت دنیا و آخرت». کلمه‌ی عافیت به معنی دوری از ناملايمات است، طلب عافیت کردن به معنی دوری از بیماری، دوری از زشتکاری، دوری از آنچه دنیا و یا آخرت انسان را به باد می‌دهد، یعنی طلب عاقبت خیر در همه‌ی امور.

وَرَوَيْنَا عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو بْنِ الْعَاصِ ب أَنَّ رَجُلًا قَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّ الْمُؤَذِّنَ يَفْضُلُونَنَا. فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ  $\rho$ : @ قُلْ كَمَا يَقُولُونَ فَإِذَا انْتَهَيْتَ فَسَلْ تُعْطَهُ! رواه أبو داود ولم يضعفه.

مردی گفت: یا رسول الله ص! مؤذنان بر ما برتری یافته‌اند. رسول الله ص: فرمود: «هرچه مؤذن می‌گوید، بگو و وقتی که از جواب مؤذن فارغ شدی هرچه می‌خواهی از خدا بخواه که آن را به تو می‌دهند».

وَرَوَيْنَا فِي سَنَنِ أَبِي دَاوُدَ أَيْضًا فِي كِتَابِ الْجِهَادِ بِإِسْنَادٍ صَحِيحٍ عَنْ سَعْدِ  $\tau$  قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ  $\rho$ : @ ثِنْتَانِ لَا تُرَدَّانِ أَوْ قَالَ تُرَدَّانِ: الدُّعَاءُ عِنْدَ النَّدَاءِ وَعِنْدَ الْبَأْسِ حِينَ يُلْحِمُ بَعْضُهُمْ

بَعْضًا! کلمه‌ی یُلْجَمُ در بعضی از روایات به حاء است، و در بعضی روایات یُلْجَمُ به جیم است و معنی تفاوت نمی‌کند.

رسول الله ص فرمود: «دو دعای مستجاب هستند که برگشت ندارند: دعا موقعی که مؤذن اذان می‌گوید و دعا موقعی که مجاهدین در جهاد فی سبیل الله به جنگ تن به تن مشغولند».

«باب ما یقول بعد رکعتی الصبح»

بابی است در بیان آنچه بعد از دو رکعت سنت قبلیه‌ی صبح

می‌گوید

رَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السَّيْنِيِّ عَنْ أَبِي الْمَلِيحِ وَاسْمُهُ عَامِرُ بْنُ أَسَامَةَ عَنْ أَبِيهِ ٢ أَنَّهُ صَلَّى رَكَعَتَيِ الْفَجْرِ وَأَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ٣ صَلَّى قَرِيبًا مِنْهُ رَكَعَتَيْنِ خَفِيفَتَيْنِ ثُمَّ سَمِعَهُ يَقُولُ وَهُوَ جَالِسٌ: @اللَّهُمَّ رَبَّ جِبْرِيلَ وَإِسْرَافِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَمُحَمَّدٍ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَعُوذُ بِكَ مِنَ النَّارِ! ثَلَاثَ مَرَّاتٍ.

ابوالملیح عامر بن اسماہ از پدرش اسامہ روایت نمود که اسامہ دو رکعت سنت قبلیه‌ی صبح خواند و رسول الله ص دو رکعت قبلیه‌ی صبح نزدیک اسامہ خواند، دو رکعت سبک. بعد از این که رسول الله ص دو رکعت قبلیه‌ی صبح را به پایان برد، اسامہ شنید که رسول الله ص می‌فرماید: «خدایا ای پروردگار جبرئیل و اسرافیل و میکائیل و محمد پیغمبر ص پناه می‌برم به تو از دوزخ». و این را سه بار فرمود.

«باب ما یقول إذا انتهى إلى الصف»

بابی است در بیان آنچه وقتی به صف نماز جماعت رسید، می‌گوید

رَوَيْنَا عَنْ سَعْدِ بْنِ أَبِي وَقَّاصٍ ٢، أَنَّ رَجُلًا جَاءَ إِلَى الصَّلَاةِ وَرَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُصَلِّي، فَقَالَ حِينَ انْتَهَى إِلَى الصَّفِّ: اللَّهُمَّ آتِنِي أَفْضَلَ مَا تُؤْتِي عِبَادَكَ الصَّالِحِينَ. فَلَمَّا قَضَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الصَّلَاةَ، قَالَ: @مَنْ الْمُتَكَلِّمُ آنِفًا؟ قَالَ الرَّجُلُ: أَنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ،

قَالَ: «إِذَنْ يُغْفَرُ جَوَادُكَ، وَتَسْتَشْهَدُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ». رواه النسائي وابن السني ورواه البخاري في تاريخه في ترجمة بن مسلم بن عائذ.

مردی آمد برای نماز جماعت در مسجد رسول الله ص با جماعت نماز می خواند، آن مرد وقتی که به صف نماز رسید گفت: خدایا به من بده بهترین چیزی که به بندگان صالح و شایسته کار خودت می دهی. رسول الله ص وقتی که سلام نماز گفت فرمود: «چه کسی الآن سخن گفت؟» آن مرد گفت: من بودم یا رسول الله، رسول الله ص فرمود: بنابراین، اسبت پی می شود و خود در جهاد فی سبیل الله شهید می شوی». یعنی بهترین چیزی که خدا به صالحان می دهد شهادت فی سبیل الله است.

«باب ما يقوله عند أرائته القيام إلى الصلاة»

بابی است در بیان آنچه به هنگام برخاستن برای نماز می گوید

رَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السَّيْنِيِّ أَنَّهَا قَالَتْ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، ذُلَّنِي عَنْ عَمَلٍ يَأْجُرُنِي اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَيْهِ. قَالَ: «يَا أُمُّ رَافِعٍ، إِذَا قُمْتَ إِلَى الصَّلَاةِ فَسَبِّحِي اللَّهَ تَعَالَى عَشْرًا وَهَلِّلِيهِ عَشْرًا وَاحْمَدِيهِ عَشْرًا وَكَبِّرِيهِ عَشْرًا وَاسْتَغْفِرِيهِ عَشْرًا فَإِنَّكَ إِذَا سَبَّحْتَ قَالَ: هَذَا لِي وَإِذَا هَلَّلْتَ قَالَ: هَذَا لِي وَإِذَا حَمَدْتَ قَالَ: هَذَا لِي وَإِذَا كَبَّرْتَ قَالَ: هَذَا لِي وَإِذَا اسْتَغْفَرْتَ قَالَ: قَدْ فَعَلْتُ».

ام رافع ل عرض کرد: یا رسول الله! مرا راهنمایی فرما به سوی عملی که خدا بر آن عمل مرا ثواب دهد. رسول الله ص فرمود: «وقتی که خواستی برای نماز برخیزی، ده بار سبحان الله و ده بار لا اله الا الله و ده بار الله اکبر و ده بار استغفرالله بگو، برای این که وقتی سبحان الله گفتی، خدا می فرماید: برای من تسبیح گفت و وقتی که لا اله الا الله گفتی، خدا می فرماید: برای من تهلیل گفت، و وقتی که الله اکبر گفتی، خدا می فرماید: برای من تکبیر گفت، و وقتی که استغفرالله گفتی، خدا می فرماید: مغفرت و آمرزش را انجام دادم».

«باب الدعاء عند الإقامة»

بابی است در بیان دعایی که موقع اقامه ی نماز فرض گفته می شود

رَوَى الْإِمَامُ الشَّافِعِيُّ بِإِسْنَادِهِ فِي @الْأُمِّ! حَدِيثًا مُرْسَلًا أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: @أُطْلَبُوا اسْتِجَابَةَ الدَّعَاءِ عِنْدَ التَّقَاءِ الْجُيُوشِ وَإِقَامَةِ الصَّلَاةِ وَنُزُولِ الْغَيْثِ! وَقَالَ الشَّافِعِيُّ وَقَدْ حَفِظْتُ عَنْ غَيْرِ وَاحِدٍ طَلَبَ الْإِجَابَةِ عِنْدَ نَزُولِ الْغَيْثِ وَإِقَامَةِ الصَّلَاةِ.

امام شافعی / به اسناد خود در کتاب عظیم «ام» حدیث مرسلی روایت نمود که رسول الله ص فرمود: «طلب اجابت دعا نماید موقعی که مجاهدین اسلام با دشمنان شان در جهاد فی سبیل الله به هم می رسند و موقع اقامه ی نماز فرض و موقع آمدن باران». امام شافعی / فرمود: از بسیاری از علما روایت دارم طلب اجابت دعا موقع آمدن باران و موقع اقامه ی نماز فرض.

«باب ما یقوله إذا دخل الصلاة»

### بابی است در بیان دعایی که موقع نماز بستن می گوید

امام نووی / علیه فرمود: این بابی است بسیار وسیع و در آن احادیث بسیار در انواع متعدد آمده است و فرع های بسیاری از آن در کتب فقه آمده است، و من در اینجا اصول و مقاصد این باب را بدون ذکر دلایل آن می آورم برای این که این کتاب برای ذکر دلایل نیست، بلکه برای بیان مطالبی است که به آن عمل شود.

«باب تکبيرة الإحرام»

### بابی است در بیان الله اکبر که با آن نماز را آغاز می کنیم

بدان که نماز صحیح نمی شود مگر به تکبيرة الإحرام، چه نماز فرض باشد و چه نماز سنت. و تکبيرة الإحرام نزد امام شافعی و بیشتر علما جزئی از نماز و رکنی از ارکان نماز است. و نزد امام ابوحنیفه شرطی از شروط نماز است و از خود نماز نیست. و بدان که لفظ تکبیر به الله اکبر یا الله اکبر حاصل می شود. نزد امام شافعی و امام ابوحنیفه و نزد امام مالک رحمهم الله به الله الأكبر بسته نمی شود. بنابراین احتیاط واجب، گفتن الله اکبر است، چنانچه بگوید: الله العظیم یا الله المتعال اکبر یا الله أعظم یا الله أعلم یا الله أعز، نمازش به این کلمات و امثال آنها

نزد امام شافعی و بیشتر علما بسته نمی‌شود. اما نزد ابوحنیفه / به گفتن الله أعلم یا امثال آن نماز بسته می‌شود و نمازش صحیح است.

بدان که نه تکبیر و نه غیر آن صحیح نمی‌شود مگر موقعی که آن را بر زبان بیاورد، به طوری که خودش بنشود اگر عارضی نباشد که مانع از شنیدن شود. و اگر زبانش گنگ است و قراءت نمی‌تواند، زبان خود را حرکت دهد به قدر توانایی اش و نمازش صحیح می‌شود. و بدان که قول معتمد در مذهب این است که تکبيرة الإحرام مد داده نمی‌شود، بلکه سریع آن را می‌گوید، اما باقی تکبیرات نماز مد می‌دهد تا برسد به رکن بعدی آن. اگر تکبيرة الإحرام را مد داد نمازش باطل نمی‌شود، لکن فضیلت جماعت را از دست می‌دهد، و بدان که محل مد بعد از لام الله است.

**(فصل)** بدان که سنت این است که امام تکبیرات نماز را بلند بگوید تا مأموم آن را بشنود، و اگر نماز به تنهایی می‌خواند به قدری بلند بگوید که خودش آن را بشنود، اگر مأموم تکبیر را بلند گفت یا امام تکبیر را آهسته گفت خلل به نماز نمی‌رساند، و باید کوشید که تکبيرة الإحرام را درست بگوید، چنانکه در غیر محل مد، مد داد به طوری که اکبر را اکبار گفت، نمازش صحیح نمی‌شود.

**(فصل)** و بدان که نمازی که دو رکعت است در آن یازده تکبیر است و نماز سه رکعتی هفده تکبیر دارد و نماز چهار رکعتی بیست و دو تکبیر دارد. و بدان که همه‌ی این تکبیرات سنت است، اگر به عمد ترک آنها نمود یا به سهو، نمازش باطل نمی‌شود، مگر تکبيرة الإحرام که باید گفته شود و بدون آن نمازش بسته نمی‌گردد.

«باب ما یقوله بعد تکبيرة الإحرام»

### بابی است در بیان آنچه بعد از تکبيرة الإحرام می‌گوید

بدان که در دعای افتتاح نماز که بعد از تکبيرة الإحرام خوانده می‌شود، احادیث بسیاری آمده است که مجموع آن احادیث مقتضی است که این کلمات را بعد از این که تکبيرة

الإحرام گفت، بر زبان آورد: @اللَّهُ أَكْبَرُ كَبِيرًا، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ كَثِيرًا، وَسُبْحَانَ اللَّهِ بُكْرَةً وَأَصِيلًا!.

«خدا بزرگتر است از همه چیز و همه بزرگی به او سزاوار است و بس، و حمد و ستایش برای خداست، حمد و ستایش بی شمار بامداد و پسین».

8 9 10 11 12 13 14 15 16 17 18 19 20 21 22 23 24 25 26 27 28 29 30 31 32 33 34 35 36 37 38 39 40 41 42 43 44 45 46 47 48 49 50 51 52 53 54 55 56 57 58 59 60 61 62 63 64 65 66 67 68 69 70 71 72 73 74 75 76 77 78 79 80 81 82 83 84 85 86 87 88 89 90 91 92 93 94 95 96 97 98 99 100 101 102 103 104 105 106 107 108 109 110 111 112 113 114 115 116 117 118 119 120 121 122 123 124 125 126 127 128 129 130 131 132 133 134 135 136 137 138 139 140 141 142 143 144 145 146 147 148 149 150 151 152 153 154 155 156 157 158 159 160 161 162 163 164 165 166 167 168 169 170 171 172 173 174 175 176 177 178 179 180 181 182 183 184 185 186 187 188 189 190 191 192 193 194 195 196 197 198 199 200 201 202 203 204 205 206 207 208 209 210 211 212 213 214 215 216 217 218 219 220 221 222 223 224 225 226 227 228 229 230 231 232 233 234 235 236 237 238 239 240 241 242 243 244 245 246 247 248 249 250 251 252 253 254 255 256 257 258 259 260 261 262 263 264 265 266 267 268 269 270 271 272 273 274 275 276 277 278 279 280 281 282 283 284 285 286 287 288 289 290 291 292 293 294 295 296 297 298 299 300 301 302 303 304 305 306 307 308 309 310 311 312 313 314 315 316 317 318 319 320 321 322 323 324 325 326 327 328 329 330 331 332 333 334 335 336 337 338 339 340 341 342 343 344 345 346 347 348 349 350 351 352 353 354 355 356 357 358 359 360 361 362 363 364 365 366 367 368 369 370 371 372 373 374 375 376 377 378 379 380 381 382 383 384 385 386 387 388 389 390 391 392 393 394 395 396 397 398 399 400 401 402 403 404 405 406 407 408 409 410 411 412 413 414 415 416 417 418 419 420 421 422 423 424 425 426 427 428 429 430 431 432 433 434 435 436 437 438 439 440 441 442 443 444 445 446 447 448 449 450 451 452 453 454 455 456 457 458 459 460 461 462 463 464 465 466 467 468 469 470 471 472 473 474 475 476 477 478 479 480 481 482 483 484 485 486 487 488 489 490 491 492 493 494 495 496 497 498 499 500 501 502 503 504 505 506 507 508 509 510 511 512 513 514 515 516 517 518 519 520 521 522 523 524 525 526 527 528 529 530 531 532 533 534 535 536 537 538 539 540 541 542 543 544 545 546 547 548 549 550 551 552 553 554 555 556 557 558 559 560 561 562 563 564 565 566 567 568 569 570 571 572 573 574 575 576 577 578 579 580 581 582 583 584 585 586 587 588 589 590 591 592 593 594 595 596 597 598 599 600 601 602 603 604 605 606 607 608 609 610 611 612 613 614 615 616 617 618 619 620 621 622 623 624 625 626 627 628 629 630 631 632 633 634 635 636 637 638 639 640 641 642 643 644 645 646 647 648 649 650 651 652 653 654 655 656 657 658 659 660 661 662 663 664 665 666 667 668 669 670 671 672 673 674 675 676 677 678 679 680 681 682 683 684 685 686 687 688 689 690 691 692 693 694 695 696 697 698 699 700 701 702 703 704 705 706 707 708 709 710 711 712 713 714 715 716 717 718 719 720 721 722 723 724 725 726 727 728 729 730 731 732 733 734 735 736 737 738 739 740 741 742 743 744 745 746 747 748 749 750 751 752 753 754 755 756 757 758 759 760 761 762 763 764 765 766 767 768 769 770 771 772 773 774 775 776 777 778 779 780 781 782 783 784 785 786 787 788 789 790 791 792 793 794 795 796 797 798 799 800 801 802 803 804 805 806 807 808 809 810 811 812 813 814 815 816 817 818 819 820 821 822 823 824 825 826 827 828 829 830 831 832 833 834 835 836 837 838 839 840 841 842 843 844 845 846 847 848 849 850 851 852 853 854 855 856 857 858 859 860 861 862 863 864 865 866 867 868 869 870 871 872 873 874 875 876 877 878 879 880 881 882 883 884 885 886 887 888 889 890 891 892 893 894 895 896 897 898 899 900 901 902 903 904 905 906 907 908 909 910 911 912 913 914 915 916 917 918 919 920 921 922 923 924 925 926 927 928 929 930 931 932 933 934 935 936 937 938 939 940 941 942 943 944 945 946 947 948 949 950 951 952 953 954 955 956 957 958 959 960 961 962 963 964 965 966 967 968 969 970 971 972 973 974 975 976 977 978 979 980 981 982 983 984 985 986 987 988 989 990 991 992 993 994 995 996 997 998 999 1000

@روی خود و ذات وجودم را متوجه درگاه کسی ساختم که آسمانها و زمین را آفرید و من به راه استقامت و راستی و دین اسلام هستم و من از مشرکان نیستم. یقیناً نمازم و عبادتم و زندگی و مرگم همه در راه طاعت خدایی است که پروردگار جهانیان است، شریکی ندارد و من به پیروی اسلام و توحید مأمور شده ام و از مسلمانانم!.

@اللَّهُمَّ أَنْتَ الْمَلِكُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، أَنْتَ رَبِّي، وَأَنَا عَبْدُكَ ظَلَمْتُ نَفْسِي، وَاعْتَرَفْتُ بِذُنُوبِي، فَاعْفُ زِلِّي ذُنُوبِي جَمِيعًا، وَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ، وَاهْدِنِي لِأَحْسَنِ الْأَخْلَاقِ، لَا يَهْدِي لِأَحْسَنِهَا إِلَّا أَنْتَ، وَاصْرِفْ عَنِّي سَيِّئَهَا، لَا يَصْرِفُ عَنِّي سَيِّئَهَا إِلَّا أَنْتَ!.

«خدایا تو پادشاهی، نیست معبودی بحق مگر تو. تو پروردگار هستی و من بندهات هستم، ستم به خود نمودم و اقرار کردم به گناهانم، پس بیامرز برایم همه‌ی گناهانم، برای این که نمی‌آمرزد گناهان را مگر تو. و برسان مرا به بهترین اخلاق که نمی‌رساند به بهترین اخلاق مگر تو. و دور بدار از من اخلاق بد را که دور نمی‌دارد از من اخلاق بد را مگر تو».

@لَبَّيْكَ وَسَعْدَيْكَ، وَالْخَيْرُ كُلُّهُ فِي يَدَيْكَ وَالشَّرُّ لَيْسَ إِلَيْكَ، وَإِنَّا بِكَ وَإِلَيْكَ، تَبَارَكْتَ وَتَعَالَيْتَ، أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ!.

«من اجابت فرمانت می‌کنم باری بعد از بار دیگر و سعادت همه در اختیار توست و خیر و خوشی همه در دست توست و شر سوی تو راه ندارد، من از تو ام و به سوی تو می‌آیم، پر

شد برکت و بالاتر آمد مرتبه‌ات از این که کسی آن را ادراک کند، از تو آمرزش می‌خواهم و رجوع می‌کنم به سوی درگاهت».

@اللَّهُمَّ بَاعِدْ بَيْنِي وَبَيْنَ خَطَايَايَ، كَمَا بَاعَدْتَ بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ، اللَّهُمَّ نَقِّنِي مِنْ خَطَايَايَ، كَمَا يُنَقَّى الثَّوْبُ الْأَبْيَضُ مِنَ الدَّنَسِ، اللَّهُمَّ اغْسِلْنِي مِنَ خَطَايَايَ بِالثَّلْجِ، وَالْمَاءِ، وَالْبَرْدِ! «خدایا دور بگردان میان من و گناهانم، چنانکه دور گردانیدی میان مشرق و مغرب، خدایا مرا پاک بساز از گناهانم، چنانکه جامه‌ی سفید به شستن پاک می‌شود از چرک و کثافت. خدایا بشوی مرا از گناهانم به برف و آب و تگرگ».

همه‌ی اینها که یاد شد در حدیث صحیح از رسول الله ص ثابت شده است، و شخص می‌تواند همه‌ی اینها را در افتتاح نماز بخواند و می‌تواند هر وقتی قسمتی از آنها را بخواند.

و در حدیث به روایت عایشه ل آمده است: كَانَ النَّبِيُّ ﷺ إِذَا افْتَتَحَ الصَّلَاةَ قَالَ: @سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ تَبَارَكَ اسْمُكَ وَتَعَالَى جَدُّكَ وَلَا إِلَهَ غَيْرُكَ! رواه الترمذی وأبوداود وابن ماجه بأسانيد ضعيفة.

رسول الله ص موقعی که بعد از تکبیرة الإحرام نماز را افتتاح می‌نمود می‌فرمود: «تنزیه می‌گویم ای خدا که تو پاکی از هر عیب و نقص و من به حمد و ستایش مشغولم، پر شد برکت نام مقدست و برتر آمد عظمت و نیست معبودی بحق مگر تو». و این حدیث از رسول الله ص به ثبوت نرسیده و به گفته‌ی بیهقی به روایت از عمر t از گفته‌ی او به ثبوت رسیده است.

و کلمه‌ی: @وَالشَّرُّ لَيْسَ إِلَيْكَ! مذهب اهل حق از محدثین و فقها و متکلمین از صحابه و تابعین و بعدشان از علمای مسلمین این است که خیر آنها و شر آنها و نفع آنها و ضرر آنها همه از خداست و به اراده و تقدیر اوست. بنابراین، به تأویل این حدیث پرداخته اند، نصر بن شمیل گفته است که معنی @وَالشَّرُّ لَيْسَ إِلَيْكَ! این است که نمی‌توان با شر به درگاهت تقرب جست و شر انسان را به خدا نزدیک نمی‌کند، و دوم این که شر به درگاهت راه ندارد: @إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ! خوبی‌ها به درگاه او بالا می‌رود، اما شر به درگاهش راه ندارد.

سوم این که نسبت شر از جهت ادب به خداوند داده نمی‌شود و گفته نمی‌شود یا خالق الشر و گفته نمی‌شود یا خالق الخنازیر اگرچه مخلوق او هستند. چهارم این که شر به نسبت حکمت شر نیست، مثل ابلیس که خلقت شده تا ناشایسته‌ها را به آن لعین نسبت دهند. والله أعلم وصلي الله علي سيدنا محمد وآله وصحبه وسلم.

**(فصل)** آنچه از افتتاحیه نماز یاد شد از دعا و توحید جمع بین آنها برای کسی که به تنهایی نماز می‌خواند مستحب است، و برای امام در صورتی مستحب است که همه‌ی جماعت راضی باشند به طولانی شدن نماز، اما اگر راضی نبودند، نمی‌تواند طول بدهد و باید بعضی از آنها را بخواند و خوب است اکتفا کردن بر: «وَجْهَتْ وَجْهِي... تا وَأَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ». و این دعای استفتاح در نماز فرض و سنت هر دو مستحب است، اگر در آغاز رکعت اول نخواند در رکعات بعدی نمی‌خواند، برای این که محل آن آغاز رکعت اولی است، اگر دعای استفتاح نخواند و شروع به أعوذ بالله و قراءت فاتحه نمود دعای استفتاح نمی‌خواند و اگر خواند مکروه است و نمازش باطل نمی‌شود. اگر به نماز جماعت در رکوع یا اعتدال یا سجود یا تشهد رسید دعای استفتاح نخواند، و شخص مسبوق در قیام می‌تواند دعای استفتاح را بخواند به شرط آن که به خواندن فاتحه برسد و چنانچه بداند که اگر دعای استفتاح را بخواند امام به رکوع می‌رود و به فاتحه نمی‌رسد آن را نخواند، خواندن دعای استفتاح در تمام نمازها سنت است و اگر نخواند سجود سهو ندارد، فقط در نماز جنازه دعای استفتاح سنت نیست، برای این که مبنای نماز جنازه بر تخفیف است. والله أعلم. و دعای استفتاح آهسته خوانده می‌شود.

#### «باب التعوذ بعد دعاء الاستفتاح»

**بابی است در بیان أعوذ بالله من الشیطان الرجیم گفتن بعد از دعای**

#### استفتاح





## «باب القراءة بعد التعوذ»

## بابی است در بیان خواندن سوره‌ی فاتحه بعد از گفتن أعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بدان که قراءت در نماز واجب است به اجماع و دلایل آن بسیار است، و مذهب ما و جمهور علما این است که قراءت سوره‌ی فاتحه در نماز واجب است و چیزی جز آن جایش را نمی‌گیرد، اگر توانایی بر قراءت فاتحه داشته باشد، به دلیل حدیث صحیح:

أن رسول الله  $\text{p}$  قال:  $\text{@}$  لا تُجْزَى صَلَاةٌ لَا يُقْرَأُ فِيهَا بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ! رواه ابن خزيمة وابن حبان في صحيحيهما بالإسناد الصحيح وحكما بصحته.

«کفایت نمی‌کند نمازی که در آن سوره‌ی فاتحه خوانده نشود».

وفي الصحيحين عن رسول الله  $\text{p}$ :  $\text{@}$  لا صَلَاةٌ إِلَّا بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ! در صحیح بخاری و مسلم است که رسول الله ص فرمود: «نماز صحیح نمی‌شود مگر به خواندن سوره‌ی فاتحه در آن». و واجب است خواندن بسم الله الرحمن الرحيم و آن آیه‌ی کاملی است در اول سوره‌ی فاتحه. و واجب است رعایت تشدیدهای فاتحه و آن چهارده تشدید است، سه تا در بسم الله الرحمن الرحيم و باقی در بقیه‌ی سوره که اگر تشدید را رعایت نکند نمازش صحیح نمی‌شود و باید آیه‌های سوره‌ی فاتحه را به ترتیب بخواند و معذور دانسته می‌شود، در سکوت کردن در اثنای فاتحه که به قدر نفس کشیدن باشد، و به ترتیب و موالات خواندن آیه‌های سوره فاتحه واجب است، اگر مأموم در اثنای قراءت فاتحه بود که امام به سجود تلاوت رفت و مأموم هم با امام به سجود تلاوت رفت، بعد که از سجود تلاوت فارغ شد فاتحه را تکمیل نماید و فاصله‌ای که در میان آمده اشکالی ندارد.

**(فصل)** اگر در قراءت لحن آمد، چنانکه لحنی است که معنی را تغییر می دهد آن لحن مبطل نماز است، مثلاً می گوید: صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ بضم تاء یا بکسر تاء، این لحن نماز را باطل می کند و همچنین: إِيَّاكَ نَعْبُدُ: به کسر کاف نماز را باطل می کند. اما اگر لحنی است که معنی را تغییر نمی دهد، مثل: الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ: بضم باء رب یا إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ: به کسر نون که معنی را تغییر نمی دهد، نماز را باطل نمی کند و اگر به جای وَلَا الصَّالِينَ گفت: وَلَا الظَّالِمِينَ نمازش باطل می شود، مگر در صورتی که زبانش تلفظ صحیح ضاد نمی تواند که قراءتش برای خودش صحیح است، اما حق امامت ندارد.

**(فصل)** اگر کسی فاتحه را نمی داند از آیات دیگر قرآن به قدر سوره ی فاتحه بخواند، و یاد گرفتن خواندن صحیح سوره ی فاتحه بر او واجب است، و اگر از قرآن چیزی نمی داند از اذکار، مثل تسبیح و تهلیل به قدر آیات فاتحه بخواند و یاد گرفتن قراءت فاتحه بر او واجب است و نمی تواند فاتحه را به عجمی بخواند و باید به جای فاتحه از آیات دیگر و در صورت عجز از آیات دیگر از اذکار به قدر فاتحه بخواند و یاد گرفتن سوره ی فاتحه بر او واجب است و اگر می توانسته است فاتحه را بیاموزد و نیاموخته است، وقتی که فاتحه را آموخت نمازهایی که بدون فاتحه خوانده است اعاده می نماید. کسی که گنگ است اگر زبان را حرکت بدهد برای او کافی است، علی کل حال نماز را باید خواند.

**(فصل)** بعد از فاتحه سنت است خواندن سوره ای یا بعضی از سوره و این خواندن سوره بعد از فاتحه سنت است، اگر نخواند نمازش صحیح است و سجود سهو نمی خواهد، و خواندن یک سوره ی کوچک بهتر است از خواندن چند آیه به قدر سوره ی کوچک. بعد از فاتحه در همه ی نمازهای فرض و سنت سوره خوانده می شود، اما در نماز جنازه خواندن سوره بعد از فاتحه سنت نیست، برای این بنای نماز جنازه بر تخفیف است، و سوره های قرآن باید به ترتیبی که در قرآن است خوانده شود نه این که سوره ی بعد، قبل خوانده شود و سوره ی قبل، بعد خوانده شود. و سنت است در نماز صبح و ظهر خواندن طوال مفصل که از سوره ی حجرات تا عمّ می باشد و در نماز عصر و عشاء، اوساط مفصل که از عمّ تا والضحی

می‌باشد. و در نماز مغرب قصار مفصل که از والضحی تا آخر قرآن است. و سنت است در نماز صبح و روز جمعه خواندن سوره سجده و انسان. و در نماز جمعه، سوره جمعه و منافقین و یا اعلی و غاشیه. و در نماز عید و نماز استسقاء سوره ق و قمر و یا اعلی و غاشیه و در نماز مغرب شب جمعه، کافرون و إخلاص. و در نماز وتر در رکعت اولی اعلی و رکعت دومی کافرون و در رکت سومی إخلاص و فلق و ناس سنت است، و همه‌ی این سوره‌ها کامل خواندن آنها سنت است، نه خواندن بعضی از آنها. و در دو رکعت قبله‌ی نماز صبح در رکعت اولی آیه‌ی: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا لِلَّهِ رَبِّكُمُ الْوَاحِدِ﴾ و در رکعت دومی آیه‌ی: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا لِلَّهِ رَبِّكُمُ الْوَاحِدِ﴾ و در رکعت اولی و سوره‌ی إخلاص در رکعت دومی سنت است، و بعضی گفته اند: در رکعت اولی سوره‌ی شرح و در دومی سوره‌ی فیل. والله أعلم.

**(فصل)** اگر سوره‌ی جمعه در رکعت اولی نماز فراموش کرد سوره‌ی جمعه و منافقین هر دو را در رکعت دوم بخواند، و همچنین در نماز عید و نماز وتر و غیره. و اگر در رکعت اولی نماز جمعه سوره‌ی منافقون خواند در رکعت دوم سوره‌ی جمعه بخواند و سوره‌ی منافقون تکرار نکند. دلایل همه‌ی اینها را امام نووی رحمه الله تعالی در کتاب مجموع شرح مذهب آورده است.

**(فصل)** در صحیح بخاری و مسلم ثابت شده است که رسول الله ص رکعت اولی را طولانی‌تر از رکعت دوم می‌خوانده اند، و سنت همین است که رکعت اولی طولانی‌تر از رکعت دومی باشد.

**(فصل)** اجماع علما بر این است که دو رکعت نماز صبح و دو رکعت اولی نماز مغرب و عشا و دو رکعت نماز جمعه و نماز عیدین و نماز تراویح و نماز استسقاء و نماز خسوف ماه

همه‌ی اینها به جهر خوانده می‌شود، و نماز ظهر و عصر و دو رکعت آخری نماز عشا و یک رکعت آخری نماز مغرب و نماز کسوف آفتاب همه‌ی اینها آهسته خوانده می‌شود، و در نمازی که آهسته خوانده می‌شود حتماً باید خودش خواندن آن را بشنود، و اگر نماز روز در شب قضا نمود و نماز شب در روز قضا کرد معتبر در آن، وقت قضای آن است. و نماز سنت شب، مثل تهجد میان جهر و اسرار (نه بلند و نه آهسته) خوانده می‌شود.

**(فصل)** علمای مذهب ما گفته اند که برای امام در نماز جهریه چهار سکوت مستحب است: میان تکبیرة الإحرام و دعای استفتاح، و میان فاتحه و سوره، و میان آخر فاتحه و گفتن آمین. بعد از آمین امام سکوت طولانی می‌کند تا ماموم فاتحه را کاملاً بخواند، و میان سوره و رکوع.

**(فصل)** وقتی که از قراءت فاتحه فارغ شد، سنت است بگوید: آمین. و این آمین گفتن بعد از قراءت فاتحه چه در نماز و چه بیرون از نماز سنت است، در آمین چهار لغت است: آمین. آمین. آمین به امالهی میم. آمین به تشدید میم، و بهتر همان آمین است. و آمین گفتن بعد از پایان فاتحه برای امام و منفرد و ماموم مستحب است، و مستحب است که آمین گفتن ماموم همراه آمین گفتن امام باشد، و این تنها محلی است که امام و ماموم باهم آمین می‌گویند و در غیر آن همیشه باید اقوال و افعال ماموم بعد از امام باشد.

**(فصل)** سنت است برای هرکسی که قرآن می‌خواند وقتی به آیه‌ی رحمت رسید، مثل: ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ۝ اللَّهُ صَمَدٌ ۝ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ ۝ لَهُ أَوْدَانُ السُّمُوتِ ۝ يَوْمَ تَأْتِي السُّحُبُ بِمَاءٍ مَّوْجٍ ۝ تَجْرِي فِي أَوْدَانِهِ مِنْ تَحْتِ بَاسِطَةِ يَدَيْهِ ۝ يَوْمَ يُغِيثُ الْحَبَّ ۝ يَوْمَ يُخْرِجُ الْمَوْتِ ۝ يَوْمَ يُغْشَى السَّمَاءُ سَاقًا ۝ يَوْمَ تُجْزَى ۝﴾ بگوید: **@اللَّهُمَّ أَسْأَلُكَ رَحْمَتَكَ!** و هرگاه به آیه‌ی عذاب رسید، مثل: ﴿إِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا﴾ بگوید: **@اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعَافِيَةَ!** و وقتی که خواند: ﴿يَا أَيُّهَا الْمَرْءُ الْمَغْلُوبُ ۝ إِنَّمَا وَصَّيْتُكَ بِكَ ۝ وَلَكَ الْهَبُ ۝﴾ بگوید: **@بَلَى وَأَنَا عَلَى ذَلِكَ مِنَ الشَّاهِدِينَ!** و وقتی که خواند: ﴿يَا أَيُّهَا الْمَرْءُ الْمَغْلُوبُ ۝ إِنَّمَا وَصَّيْتُكَ بِكَ ۝ وَلَكَ الْهَبُ ۝﴾ بگوید: **@بَلَى أَشْهَدُ!** و

وقی که خواند: ﴿سُبْحَانَكَ رَبِّيَ الْعَظِيمُ﴾. بگوید: ﴿سُبْحَانَكَ رَبِّيَ الْعَظِيمُ﴾. و وقتی که خواند: ﴿سُبْحَانَكَ رَبِّيَ الْعَظِيمُ﴾. بگوید: ﴿سُبْحَانَكَ رَبِّيَ الْعَظِيمُ﴾. و وقتی که خواند: ﴿سُبْحَانَكَ رَبِّيَ الْعَظِيمُ﴾. بگوید: ﴿سُبْحَانَكَ رَبِّيَ الْعَظِيمُ﴾. و بر این قیاس.

### «باب أذکار الركوع»

### بابی است در بیان أذکار رکوع

احادیث صحیح بسیاری به ثبوت رسیده اند که رسول الله صلی الله علیه وآله وصحبه وسلم برای رفتن رکوع می فرمود: الله اکبر و آن را تا رسیدن به رکوع طول می داد، این تکبیر رکوع و دیگر تکبیرهای نماز همه سنت هستند، اگر ترک نمود مرتکب مکروه تنزیهی شده است، نه نمازش باطل می شود و نه سجود سهو می خواهد. فقط تکبیرة الإحرام فرض است و بدون آن نماز منعقد نمی گردد، و از امام احمد رحمه الله تعالی روایتی است که تکبیرات نماز همه واجب هستند.

(فصل) وقتی که به حد رکوع رسید، سنت است که بگوید: ﴿سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ﴾. سه بار. اما خود رسول الله ص بعضی اوقات در نماز شب به اندازه ای خواندن سوره ی بقره و آل عمران و نساء ﴿سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ﴾. را تکرار می فرموده اند، چنانکه در صحیح مسلم به روایت حذیفه بن الیمان ب و نیز در سنن ابوداود و غیره آمده است که رسول الله ص فرمود: ﴿إِذَا قَالَ أَحَدُكُمْ سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ، ثَلَاثًا فَقَدْ تَمَّ رُكُوعُهُ﴾. «وقتی یکی از شما در رکوع سه بار گفت: سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ رکوعش کامل شده است».

وثبت في الصحيحين عن عائشة ل أن رسول الله ﷺ كان يقول في ركوعه وسجوده: @سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا وَبِحَمْدِكَ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي!

رسول الله ص در رکوع و سجودش می فرمود: «خدایا تنزیه می گویم و به حمد تو مشغولم، خدایا ای پروردگار ما بیامرزمرا».

وثبت في صحيح مسلم عن علي بن النبی ﷺ كان إذا ركع يقول: «اللَّهُمَّ لَكَ رَكَعْتُ وَبِكَ آمَنْتُ وَلَكَ أَسْلَمْتُ خَشَعَ لَكَ سَمْعِي وَبَصَرِي وَمُخِّي وَعَظْمِي وَعَصِييْ». رسول الله ص موقعی که به رکوع می رفت می فرمود: «خدایا برای تو رکوع نمودم و به تو ایمان آوردم و برای تو مسلمان شدم، به خشوع و طاعت تو آمد شنوایی ام و بینایی ام و مغزم و استخوانم و اعصابم». وجاء في كتب السنن: «خَشَعَ سَمْعِي وَبَصَرِي وَمُخِّي وَعَظْمِي وَمَا اسْتَقَلْتُ بِهِ قَدَمِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ».

رسول الله ص در رکوع می فرمود: «خدایا برای تو رکوع کردم و به تو ایمان آوردم و برای تو مسلمان شدم، به فروتنی و طاعت آمد شنوایی ام و بینایی ام و مغزم و استخوانم و آنچه پایم آن را حمل می کند به طاعت آمد برای خدایی که پروردگار جهانیان است».

وَرَوَيْنَا عَنْ عَوْفِ بْنِ مَالِكٍ ﷺ قَالَ: قُمْتُ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ لَيْلَةً، فَقَامَ فَقَرَأَ سُورَةَ الْبَقَرَةِ، لَا يَمُرُّ بِآيَةٍ رَحْمَةٍ إِلَّا وَقَفَ وَسَأَلَ، وَلَا يَمُرُّ بِآيَةٍ عَذَابٍ إِلَّا وَقَفَ وَتَعَوَّدَ، قَالَ: ثُمَّ رَكَعَ بِقَدْرِ قِيَامِهِ، يَقُولُ فِي رُكُوعِهِ: @سُبْحَانَ ذِي الْجَبَرُوتِ وَالْمَلَكُوتِ وَالْكِبَرِيَاءِ وَالْعَظَمَةِ! ثُمَّ قَالَ فِي سُجُودِهِ مِثْلَ ذَلِكَ. هذا صحيح، رواه أبو داود والنسائي في سننهما والترمذي في كتاب الشمائل بأسانيد صحيحة.

عوف بن مالک گفت: شبی با رسول الله ص به نماز ایستادم، آنگاه سوره ی بقره را خواند، به هر آیه ی رحمتی که می رسید می ایستاد و طلب رحمت می نمود و به هر آیه ی عذابی که می رسید می ایستاد و پناه می برد بر خدا از عذاب او. آنگاه به رکوع رفت و آن را طولانی کرد به قدر قیام که سوره ی بقره در آن خوانده بود و در رکوع می فرمود: «منزه و پاک است خدایی که اجبار همه ی کاینات در دست اوست». مُلْكُ و ملکوت برای اوست، پادشاهی جهان و فرمانروایی معنوی بر همه ی جهانیان و کبریا و بزرگی همه برای اوست، سپس در سجودش نیز همانند آن را می خواند.

وثبت في صحيح مسلم عن عائشة ل أن رسول الله  $\text{p}$  كان يقول في ركوعه وسجوده: @سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ!.

رسول الله ص در رکوع و سجود می فرمود: «پروردگار فرشتگان و جبرئیل بسیار پاک و منزّه و مقدس است». سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ بضم اول، و بفتح اول سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ هردو آمده است و مشهورتر به ضم اول است.

وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ مُسْلِمٍ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ  $\text{p}$ : «فَأَمَّا الرُّكُوعُ فَعَظَّمُوا فِيهِ الرَّبَّ».

رسول الله ص فرمود: «اما رکوع: در آن تعظیم پروردگار به جا آورید». بنابراین، هر لفظی که تعظیم پروردگار در آن باشد کافی است، و بهتر است جمع نمودن میان این اذکار، اگر جمع نمی نماید هر وقتی قسمتی از این اذکار را در رکوع بخواند، و اگر بخواهد کمترین حد کمال را به جا آورد سه بار @سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ! کافی است، و این اذکار رکوع همه سنت است و واجب نیست، اگر تسبیح رکوع را به جا نیاورد، نماز صحیح است و سجود سهو نمی خواهد. و امام احمد و جماعتی گفته اند: تسبیح رکوع واجب است. بنابراین، رعایت اقوال علما و ترک نکردن تسبیح بهتر است.

(فصل) مکروه است قراءت قرآن در رکوع و سجود، و بعضی از علمای مذهب ما گفته اند: قراءت قرآن در رکوع و سجود مبطل نماز است.

رَوَيْنَا فِي صَحِيحِ مُسْلِمٍ عَنْ عَلِيٍّ  $\text{r}$  قَالَ: @نَهَانِي رَسُولُ اللَّهِ  $\text{p}$  أَنْ أَقْرَأَ رَاكِعًا أَوْ سَاجِدًا!.

علی  $\text{r}$  فرمود: «رسول الله ص مرا منع فرمود از خواندن قرآن در رکوع و سجود».

وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ مُسْلِمٍ أَيْضًا عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ  $\text{p}$  أَنَّهُ قَالَ: @أَلَا وَإِنِّي نَهَيْتُ أَنْ أَقْرَأَ الْقُرْآنَ رَاكِعًا أَوْ سَاجِدًا! رسول الله ص فرمود: «آگاه باشید که منع شده ام از خواندن قرآن در رکوع و سجود».



«باب ما يقوله في رفع رأسه من الركوع وفي اعتداله»

## بابی است در بیان آنچه در حال سر بالا آوردن از رکوع و در حال اعتدال می گوید

سنت این است که موقع بالا آوردن سر از رکوع بگوید: @سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ! «خدا ستایش کسی که او را ستایش گفت شنید». اگر بگوید: @مَنْ حَمِدَ اللَّهُ سَمِعَ اللَّهُ لَهُ! «کسی که ستایش خدا را به جا آورد، خدا می شنود ستایش او را». هم جایز است. چنانکه امام شافعی در کتاب گرانقدر «أم» تصریح به جواز آن نموده است، وقتی که به اعتدال آمد و راست ایستاد، می گوید: @رَبَّنَا وَلَكَ الْحَمْدُ! «ای پروردگار ما و برای تو است ستایش». @رَبَّنَا لَكَ الْحَمْدُ! و @رَبَّنَا وَلَكَ الْحَمْدُ! بدون واو و با واو هردو روایت شده است و هردو خوب است، موقع سر بالا آوردن از رکوع می گوید: @سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ! وقتی که راست ایستاد، می گوید: @رَبَّنَا لَكَ الْحَمْدُ، حَمْدًا كَثِيرًا طَيِّبًا مُبَارَكًا فِيهِ، مِلَّةَ السَّمَاوَاتِ، وَمِلَّةَ الْأَرْضِ، وَمِلَّةَ مَا بَيْنَهُمَا وَمِلَّةَ مَا شِئْتَ مِنْ شَيْءٍ بَعْدُ، أَهْلَ الثَّنَاءِ وَالْمَجْدِ، أَحَقُّ مَا قَالَ الْعَبْدُ، وَكُلُّنَا لَكَ عَبْدٌ، لَا مَانِعَ لِمَا أُعْطِيَ، وَلَا مُعْطِي لِمَا مَنَعْتَ، وَلَا يَنْفَعُ ذَا الْجَدِّ مِنْكَ الْجَدُّ! «ای پروردگار ما برای توست ستایش، ستایش بسیار، ستایش پاک، ستایش پربرکت، ستایشی به پری آسمانها و پری زمینها و پری میان آن دو و پری آنچه بخواهی بعد از آنها. ای شایسته‌ی سپاس و عظمت. شایسته‌تر از گفتار بندگان، و ما همه بنده‌ی تو هستیم، نیست منع کننده‌ای از آنچه تو عطا فرمایی، و نیست دهنده‌ای از آنچه تو منع فرمایی. و بی‌نیاز، توانگر را به جای تو سود نمی‌دهد».

وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ الْبُخَارِيِّ عَنْ رِفَاعَةَ بْنِ رَافِعٍ الزُّرْقِيِّ ر قَالَ كُنَّا يَوْمًا نُصَلِّي وَرَاءَ النَّبِيِّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - فَلَمَّا رَفَعَ رَأْسَهُ مِنَ الرُّكْعَةِ قَالَ @سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ! قَالَ رَجُلٌ وَرَاءَهُ رَبَّنَا وَلَكَ الْحَمْدُ، حَمْدًا كَثِيرًا طَيِّبًا مُبَارَكًا فِيهِ، فَلَمَّا انْصَرَفَ قَالَ @مَنْ الْمُتَكَلِّمُ! قَالَ أَنَا . قَالَ @رَأَيْتُ بَضْعَةً وَثَلَاثِينَ مَلَكًا يَتَدَرُّونَهَا، أَيُّهُمْ يَكْتُبُهَا أَوَّلُ!

رفاعه ٧ گفت: روزی پشت سر رسول الله ص نماز می خواندم وقتی که رسول الله ص سر از رکوع بالا آورد فرمود: **@ سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ!** مردی که پشت سر رسول الله ص بود، گفت: **@ حَمْدًا كَثِيرًا طَيِّبًا مُبَارَكًا فِيهِ!** وقتی که رسول الله ص سلام نماز گفت: فرمود: «چه کسی این کلمات را گفت؟» آن مرد گفت: من گفتم: رسول الله ص فرمود: «سی و چند ملائکه را دیدم که شتاب می کردند به سوی آن تا ببینند کدام یک زودتر آن را می نویسد».

**(فصل)** بدان که مستحب است جمع نمودن بین این اذکار اعتدال که یاد شد، اگر بخواهد اکتفا نماید به بعضی از آن اذکار، پس اکتفا کند به **@ سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ، رَبَّنَا لَكَ الْحَمْدُ مِلْءُ السَّمَاوَاتِ، وَمِلْءُ الْأَرْضِ، وَمِلْءُ مَا شِئْتَ مِنْ شَيْءٍ بَعْدُ!** اگر می خواهد بیش از حد مختصر نماید، اکتفا کند به **@ سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ، رَبَّنَا لَكَ الْحَمْدُ!** که از این مختصرتر نیست؛ همه ی این اذکار برای امام و مأموم و منفرد مستحب است، جز این که امام همه ی آنها را جمع نمی کند، مگر در صورتی که بداند همه ی مأمومین به طولانی شدن نماز راضی هستند، و قراءت قرآن در اعتدال مکروه است، همانگونه که قراءت قرآن در رکوع و سجود مکروه است. والله أعلم.

### «باب أذكار السجود»

### بابی است در بیان اذکار سجود

وقتی که از اذکار اعتدال فارغ شد، الله اکبر می گوید برای رفتن به سجود، و این الله اکبر را می کشد تا پیشانیش را برای سجود بر زمین نهد، و گفتیم که این تکبیر رفتن به سجود مثل همه ی تکبیرهای نماز سنت است، اگر نگوید نمازش باطل نمی شود و سجود سهو نمی خواهد، وقتی که به سجود رفت اذکار سجود را به جا می آورد، و اذکار سجود بسیار است، از آن جمله است:

وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِي الْبَخَارِيِّ وَ مُسْلِمٍ عَنْ عَائِشَةَ لَ قَالَتْ: كَانَ النَّبِيُّ ﷺ يُكْثِرُ أَنْ يَقُولَ فِي رُكُوعِهِ وَ سُجُودِهِ: **@ سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا وَ يَحْمَدُكَ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي!**

عائشه ل می گوید که رسول الله ص در رکوع و سجود نماز بسیار می فرمود: «سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا وَبِحَمْدِكَ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي. تنزیه تو می گویم خدایا، ای پروردگار ما و به ستایش تو مشغولم، خدایا بیامرزمرا».

و پیشتر در باب رکوع یاد کردیم که رسول الله ص در رکوع و سجودش می فرمود:  
 @سُبُوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ! رواه مسلم.

وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ مُسْلِمٍ أَيْضاً عَنْ عَلِيٍّ ع أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَانَ إِذَا سَجَدَ قَالَ: @اللَّهُمَّ لَكَ سَجَدْتُ وَبِكَ آمَنْتُ وَلَكَ أَسْلَمْتُ سَجَدَ وَجْهِي لِلَّذِي خَلَقَهُ وَصَوَّرَهُ وَشَقَّ سَمْعَهُ وَبَصَرَهُ تَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ! رسول الله ص وقتی که به سجود می رفت می فرمود: «خدایا برای تو سجود کردم و به تو ایمان آوردم و برای تو مسلمان شدم، روی من سجود کرد برای خدایی که او را آفرید و صورت بندی اش فرمود و شکافت شنوایی اش و بینایی اش را. پربرکت است خیر خدایی که بهترین آفرینندگان است».

در فصل رکوع حدیثی آوردیم از اصحاب السنن به روایت از عوف بن مالک ع که رسول الله ص در رکوع طولانی خود می فرمود: @سُبْحَانَ ذِي الْجَبَرُوتِ وَالْمَلَكُوتِ وَالْكِبْرِيَاءِ وَالْعَظَمَةِ! و در کتاب های سنن آورده اند که رسول الله ص موقعی که سجود می کرد می فرمود: @سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى! سه بار. و در روایت ابن حبان: @سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَبِحَمْدِهِ! سه بار. و در صحیح مسلم به روایت از عایشه که شبی به جستجوی رسول الله ص برخاستم، دیدم در مسجد در حال سجود است و می فرماید: @اللَّهُمَّ أَعُوذُ بِرِضَاكَ مِنْ سَخَطِكَ وَبِمُعَافَاتِكَ مِنْ عُقُوبَتِكَ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْكَ لَا أُحْصِي ثَنَاءً عَلَيْكَ أَنْتَ كَمَا أَثْنَيْتَ عَلَى نَفْسِكَ! «خدایا پناه می برم به خشنودی ات از خشم و به عافیت از عقوبت، و پناه می برم به تو از عذاب تو، نمی توانم ثنای تو را بشمارم، تو آنچنان هستی که خودت ثنای خودت فرمودی».

و در صحیح مسلم به روایت از ابن عباس ب: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: @فَأَمَّا الرُّكُوعُ فَعِظْمُوا فِيهِ الرَّبَّ عَزَّ وَجَلَّ وَأَمَّا السُّجُودُ فَاَجْتَهِدُوا فِي الدُّعَاءِ فَقَمِينُ أَنْ يُسْتَجَابَ لَكُمْ! رسول الله ص فرمود:

«اما ركوع شما تعظیم خدا را در آن به جا آورید، و اما سجود کوشش کنید در دعا کردن که شایسته است که دعایتان در سجود مستجاب شود». بنابراین، در سجود بسیار دعا کنید.

وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ  $\tau$  أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ  $\rho$  قَالَ:  $@$  أَقْرَبُ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ مِنْ رَبِّهِ وَهُوَ سَاجِدٌ فَأَكْثِرُوا الدُّعَاءَ!.

رسول الله ص فرمود: «نزدیکترین حالت بنده به پروردگار موقعی است که در سجود است. بنابراین، در سجود بسیار دعا کنید».

وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ مُسْلِمٍ أَنَّ أَبِي هُرَيْرَةَ أَيْضاً أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ  $\rho$  كَانَ يَقُولُ فِي سَجْدَةٍ:  $@$  اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي ذَنْبِي كُلَّهُ دِقَّةً وَجِلَّةً وَأَوَّلَهُ وَآخِرَهُ وَعَلَانِيَةً وَسِرَّهُ!.

رسول الله ص در سجودش می فرمود: «خدایا بیا رمز گناهانم همه اش، اندک و بسیار آن و اول و آخر آن و آشکار و نهانی آن» کسی که می تواند همه ی این اذکار را در سجود بخواند و کسی که نمی تواند آنها را در اوقات متعدد بخواند. والله أعلم.

**(فصل)** علما اختلاف دارند که طول دادن به قیام نماز بهتر است یا بسیاری رکوع و سجود بهتر است. امام شافعی فرموده است که طول دادن به قیام بهتر است، برای این که در قیام نماز، خواندن قرآن است و در رکوع و سجود، تسبیح و تهلیل است و قراءت قرآن از تسبیح و تهلیل بهتر است و دلیل شان حدیث صحیح مسلم است که رسول الله ص فرمود:  $@$  أَفْضَلُ الصَّلَاةِ طُولُ الْقُنُوتِ! یعنی «بهترین رکنی که در نماز طول داده می شود، قیام در نماز است». و معنی طول القنوت: طول القیام است، و بعضی از علما گفته اند: بسیاری سجود و رکوع بهتر است، برای این که رسول الله ص فرمود:  $@$  أَقْرَبُ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ مِنْ رَبِّهِ وَهُوَ سَاجِدٌ!.

«نزدیکترین حالت بنده به پروردگار موقعی است که سر به سجود نهاده است». و امام اسحاق بن راهویه فرمود: در شب طولانی بودن قیام بهتر است و در روز بسیاری رکوع و سجود بهتر است، برای این که نمازهایی که رسول الله ص در شب می خواند، روایات دال بر طولانی بودن قیام آن آمده است، و نمازهایی که در روز خوانده اند ذکر از طولانی بودن آن نیامده است.

(فصل) وقتی که به سجود تلاوت می‌رود، بگوید آنچه را که در سجود نماز یاد شد، و مستحب است که در سجود تلاوت بگوید: **اللَّهُمَّ اجْعَلْهَا لِي عِنْدَكَ ذُخْرًا وَأَعْظِمْ لِي بِهَا أَجْرًا** وَضَعْ عَنِّي بِهَا وَزْرًا وَتَقَبَّلْهَا مِنِّي كَمَا تَقَبَّلْتَهَا مِنْ دَاوُدَ ٥! «خدایا این سجود تلاوت را برایم نزد خودت ذخیره‌ای قرار ده و با آن ثوابی برایم بزرگ گردان و با آن از من بینداز گناهی و این سجود را از من قبول فرما، چنانکه از بندهات داود ٥ پذیرفتی». و مستحب است در سجود تلاوت بگوییم: ﴿سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ عَزَّ وَجَلَّ وَكَبَّرْتَ عِلْمَكَ وَبَارَكْتَ قُدْرَتَكَ وَأَعْلَمْتَ أَنَّكَ أَنْتَ الْغَنِيُّ الْغَنِيُّ الْغَنِيُّ﴾ **اللَّهُمَّ اجْعَلْهَا لِي عِنْدَكَ ذُخْرًا وَأَعْظِمْ لِي بِهَا أَجْرًا** وَضَعْ عَنِّي بِهَا وَزْرًا وَتَقَبَّلْهَا مِنِّي كَمَا تَقَبَّلْتَهَا مِنْ دَاوُدَ ٥! [الإسراء: 108] منزّه است پروردگار ما و به حقیقت وعده‌ی پروردگار ما انجام گرفته است!.

وَرَوَيْنَا فِي السَّنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَالتِّرْمِذِي وَالنَّسَائِي عَنْ عَائِشَةَ لَ قَالَتْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ فِي سَجْدَةِ الْقُرْآنِ: **اللَّهُمَّ اجْعَلْهَا لِي عِنْدَكَ ذُخْرًا وَأَعْظِمْ لِي بِهَا أَجْرًا** وَضَعْ عَنِّي بِهَا وَزْرًا وَتَقَبَّلْهَا مِنِّي كَمَا تَقَبَّلْتَهَا مِنْ دَاوُدَ ٥! قَالَ التِّرْمِذِيُّ حَدِيثٌ صَحِيحٌ زَادَ الْحَاكِمُ: **اللَّهُمَّ اجْعَلْهَا لِي عِنْدَكَ ذُخْرًا وَأَعْظِمْ لِي بِهَا أَجْرًا** وَضَعْ عَنِّي بِهَا وَزْرًا وَتَقَبَّلْهَا مِنِّي كَمَا تَقَبَّلْتَهَا مِنْ دَاوُدَ ٥! قَالَ هَذِهِ الزِّيَادَةُ صَحِيحَةٌ عَلَى شَرْطِ الشَّيْخَيْنِ وَأَمَّا قَوْلُهُ: **اللَّهُمَّ اجْعَلْهَا لِي عِنْدَكَ ذُخْرًا وَأَعْظِمْ لِي بِهَا أَجْرًا** وَضَعْ عَنِّي بِهَا وَزْرًا وَتَقَبَّلْهَا مِنِّي كَمَا تَقَبَّلْتَهَا مِنْ دَاوُدَ ٥! فَرَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ مَرْفُوعًا مِنْ رِوَايَةِ ابْنِ عَبَّاسٍ بِإِسْنَادٍ حَسَنٍ. وَقَالَ الْحَاكِمُ: حَدِيثٌ صَحِيحٌ.

«باب ما يقول في رفع رأسه من السجود وفي الجلوس بين السجدين»

**بابی است در بیان آنچه وقتی که سر از سجود اول برداشت و آنچه در نشستن میان دو سجود می‌گوید**

سنت این است که سر را که از سجود اول بلند کرد، بگوید: «الله اکبر» و تکبیر را بکشد تا این که راست بنشیند و میان دو سجود بگوید: **اللَّهُمَّ اجْعَلْهَا لِي عِنْدَكَ ذُخْرًا وَأَعْظِمْ لِي بِهَا أَجْرًا** وَضَعْ عَنِّي بِهَا وَزْرًا وَتَقَبَّلْهَا مِنِّي كَمَا تَقَبَّلْتَهَا مِنْ دَاوُدَ ٥! چنانکه در حدیث حدیقه به روایت ابی داود و ترمذی و نسائی و بیهقی و غیره در آن حدیث طولانی آمده است: وَكَانَ يَقُولُ بَيْنَ السَّجْدَتَيْنِ: **اللَّهُمَّ اجْعَلْهَا لِي عِنْدَكَ ذُخْرًا وَأَعْظِمْ لِي بِهَا أَجْرًا** وَضَعْ عَنِّي بِهَا وَزْرًا وَتَقَبَّلْهَا مِنِّي كَمَا تَقَبَّلْتَهَا مِنْ دَاوُدَ ٥! و در روایت بیهقی از ابن

عباس ب: وكان إذا رفع رأسه من السجدة قال: @رَبِّ اغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي، وَأَجْبِرْنِي وَارْقُفْنِي وَارْزُقْنِي وَأَهْدِنِي!. وفي روايته أبي داود @وَعَافِنِي!. وإسناده حسن. والله أعلم.

**(فصل)** وقتی که سجود دومی نمود در آن همان بگوید که در سجود اولی گفتیم، وقتی که سر از سجود دوم بالا آورد تا به رکعت دوم آید پیش از بلندشدن یک نشستن کوتاهی به عنوان جلسه‌ی استراحت داشته باشد که در آن از حرکت آرام گیرد و سپس بلند بشود برای رکعت دوم، و در این هنگام الله اکبر گفتن را بکشد تا این که راست بایستد. یک تکبیر از سر برآوردن از سجود تا راست ایستادن کفایت می‌کند. و جلسه‌ی الاستراحة (نشستن برای استراحت) سنت است و در صحیح بخاری به ثبوت رسیده و آن بعد از هر رکعتی است که از آن برای رکعت بعدی بلند می‌شود، مثل بعد از رکعت اولی و بعد از رکعت سومی، اما بعد از رکعت دومی و بعد از رکعت چهارمی که برای تشهد می‌نشیند، و بعد از سجود تلاوت در نماز، جلسه‌ی استراحت نیست.

### «باب أذكار الركعة الثانية»

#### بابی است در بیان اذکار رکعت دوم

رکعت دومی مانند رکعت اولی است، در گفتن اذکاری که در رکعت اولی یاد شد و نیز در خواندن فاتحه و در خواندن سوره‌ی بعد از فاتحه، جز این که در این چند چیز رکعت دومی با رکعت اولی فرقی دارد: در رکعت اولی تکبیرة الاحرام است که فرض می‌باشد، و در رکعت دومی تکبیرة القيام است که از رکعت اولی برمی‌خیزد و به رکعت دومی می‌آید، و این تکبیر سنت است. دوم این که در رکعت اولی بعد از تکبیرة الاحرام دعای افتتاح می‌خواند و در رکعت دوم دعای افتتاح نیست. سوم این که در رکعت اولی أعوذ بالله من الشیطان الرجیم گفتن بدون اختلاف نظر سنت است و در رکعت دومی در أعوذ بالله من الشیطان الرجیم گفتن اختلاف نظر است، و لیکن بنابر قول معتمد گفتن أعوذ بالله من الشیطان الرجیم در رکعت دومی نیز است. چهارم این که قراءت سوره در رکعت دومی کمتر از

قراءت در رکعت اولی است که در رکعت اولی سوره طولانی تر از سوره در رکعت دومی است.

### «باب القنوت فی الصبح»

#### بابی است در بیان خواندن قنوت در اعتدال اخیر نماز صبح

بدان که قنوت در نماز صبح سنت است به دلیل حدیث صحیح در خصوص قنوت در نماز صبح. روی الحاکم أبو عبد الله فی کتاب الأربعین عن أنس ٢ @ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ أَنَّهُ لَمْ يَزَلْ يَقْنُتُ فِي الصُّبْحِ حَتَّى فَارَقَ الدُّنْيَا! قال الحاکم: حدیث صحیح.

انس ٢ که خدمتکار رسول الله ص بود روایت می کند که همیشه رسول الله ص در نماز صبح قنوت می خواند تا از دنیا رحلت فرمود. حاکم می گوید: حدیث صحیح است و امام نووی که اکبر حفاظ عصر خود است می گوید: حدیث صحیح است. و علمای مذهب شافعی که نود در صد علمای حدیث از ایشان است آن را قبول کرده اند، اکنون در زمان ما بعضی از روی بی دانشی آن را قبول نمی کنند.

حاصل این که در مذهب شافعی قنوت در اعتدال اخیر نماز صبح در همه ایام سال است، و در نیمه دوم ماه رمضان در نماز وتر از شب شانزدهم به بعد است، چنانکه حدیث صحیح آن در طبرانی آمده است، باید دانست که دو مذهب از چهار مذهب اهل سنت قنوت را در نماز صبح در همه ایام سال دانسته اند، امام مالک قنوت را در رکعت دوم نماز صبح قبل از رکوع می داند و امام شافعی بعد از رکوع. و دو مذهب دیگر قنوت را در همه ایام سال در نماز وتر دانسته اند: امام ابوحنیفه در رکعت سوم وتر قبل از رکوع و امام احمد بعد از رکوع. قنوت در نزد امام شافعی و امام احمد به آواز بلند خوانده می شود، و نزد امام مالک و امام ابوحنیفه آهسته خوانده می شود، قنوت نزد امام شافعی و امام احمد عبارت است از:

@اللَّهُمَّ اهْدِنِي فِيمَنْ هَدَيْتَ، وَعَافِنِي فِيمَنْ عَافَيْتَ، وَتَوَلَّنِي فِيمَنْ تَوَلَّيْتَ، وَبَارِكْ لِي فِيمَا أُعْطِيتَ، وَقِنِي شَرَّ مَا قُضِيَْتَ! تا اینجا دست و باقی ثناء است و عبارت است از:

@ فَإِنَّكَ تَقْضِي وَلَا يُقْضَى عَلَيْكَ، إِنَّهُ لَا يَذِلُّ مَنْ وَالَيْتَ، تَبَارَكْتَ رَبَّنَا وَتَعَالَتْ! و به روایتی در ادامه‌ی آن می‌گوید: @ فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا قَضَيْتَ وَلَكَ الشُّكْرُ عَلَى مَا أَنْعَمْتَ بِهِ وَأَوْلَيْتَ، نَسْتَغْفِرُكَ اللَّهُمَّ وَنُتُوبُ إِلَيْكَ، وَنُؤْمِنُ بِكَ وَنَتَوَكَّلُ عَلَيْكَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ وَسَلَّمَ!.

قنوت نزد امام ابوحنیفه و امام مالک عبارت است از: @ اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْتَغْفِرُكَ وَنَسْتَغْفِرُكَ وَنُتُوبُ إِلَيْكَ وَنُؤْمِنُ بِكَ وَنَتَوَكَّلُ عَلَيْكَ وَنُثْنِي عَلَيْكَ الْخَيْرَ كُلَّهُ نَشْكُرُكَ وَلَا نَكْفُرُكَ وَنَخْلَعُ وَنَتْرُكُ مَنْ يَفْجُرُكَ اللَّهُمَّ يَاكَ نَعْبُدُ وَلَكَ نُصَلِّي وَنَسْجُدُ وَإِلَيْكَ نَسْعَى وَنَخْشَى عَذَابَكَ إِنَّ عَذَابَكَ الْجَدِّ بِالْكَفَّارِ مُلْحَقٌ. وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ وَالتَّابِعِينَ!.

تفسیر قنوت شافعیه و نابله: @ اللَّهُمَّ أَهْدِنِي فِيْمَنْ هَدَيْتَ! خدایا مرا به مطلب برسان در جمله کسانی که آنان را به مطلب رساندی، مطلب مؤمن رضای خدا و پیروی از رسول خدا و عافیت خیر در دنیا و آخرت است و غیره. @ وَعَافِنِي فِيْمَنْ عَافَيْتَ! و مرا عافیت و تندرستی و دوری از ناملایمات عطا فرما در جمله کسانی که ایشان را عافیت دادی و از ناملایمات نگه داشتی. ناملایمات: بیماری خطرناک. از دست دادن عزیزان، شماتت دشمنان، شرمساری در روی مردمان و غیره. @ وَتَوَلَّنِي فِيْمَنْ تَوَلَّيْتَ! و کارهایم را به خودت واگذار در جمله کسانی که کارشان را به خودت وا گذاشتی، مثل پیغمبران و صدیقان و صالحان، تا بتوانند وظیفه‌ی خود را انجام دهند و از شر دشمنان نگه داشته شوند و پیروزی بر دشمنان و عاقبت خیر همیشه همراهشان باشد. @ وَبَارِكْ لِي فِيْمَا أَعْطَيْتَ! و برکت قرار بده در آنچه به من عطا فرمایی. برکت در رزق: یافتن آن از راه حلال. محفوظ ماندن از زوال روزی برای بهره‌مندی از آن در دنیا و آخرت، توشه گرفتن از آن برای آخرت و استفاده از آن برای به دست آوردن رضای خداوند. @ وَفَنِي شَرًّا مَا قَضَيْتَ! و مرا نگه دار از شر آنچه قضا و قدرت بر آن می‌رود، تا همیشه قضا و قدرم به خیرم باشند.

در این پنج جمله همه‌ی اسباب سعادت دنیا و آخرت نهفته است: وقتی که انسان به مطالب خود رسید و ایمان صحیح یافت و اعمال صالحات نصیبت شد و عاقبت به خیر همراهش بود



و از تندرستی بهره‌مند بود و از ناملایمات در حفظ و پناه خدا بود و کارهایش را همه ذات پاک حق تعالی متولی آن بود و برکت داشت آنچه خدا به او عطا فرموده است، برکت در جسم، برکت در روح، برکت در اهل، برکت در فرزند، برکت در رزق، برکت در خویشاوندان؛ و خدا او را از شر قضا و قدر نگه داشت، چه سعادت است که نیافته و چه خوشی است که از دست داده است! همه‌ی سعادت‌ها را باهم یافته است، این بود تفسیر قسمت دعا از قنوت و اکنون تفسیر قسمت ثناء از قنوت.

@ فَإِنَّكَ تَقْضِي وَلَا يُقْضَى عَلَيْكَ!. به حقیقت تو فرمان می‌رانی بر همه، و نیست کسی که فرمان خود را بر تو اجرا نماید، هستی‌ها هر چه هست همه مخلوق و مملوک و مقهور تو هستند، فرمان تو بر همه مساوی و جاری است.

@ إِنَّهُ لَا يَذِلُّ مَنْ وَالَيْتَ!. به حقیقت خواری نخواهد دید، کسی که تو او را به دوستی گرفتی، کسی که خدا دوست اوست کجا و ذلت و خواری کجا!

@ وَلَا يَعْزُّ مَنْ عَادَيْتَ!. و عزت و سرافرازی نخواهد دید، کسی که تو او را دشمن گرفتی، کسی که خدا دشمن اوست کجا و عزت و سربلندی کجا!

@ تَبَارَكْتَ رَبَّنَا وَتَعَالَيْتَ!. پر شد برکت‌های ای پروردگار ما و برتر آمدی از هر عیب و نقصی، اگر دیده‌ای حقیقت‌بین باشد، سراسر وجود را پر از برکت‌های خدا بیند، خدایی که جهان را به همه انواع نعمت‌ها آراست، آنگاه آدمی را آفرید تا از آن نعمت‌ها استفاده کند و شکر مُنعم بگوید. به قول سعدی که روحش شاد باد:

این همه نقش عجب بر در دیوار وجود

هر که شکرت نکند نقش بود بر دیوار

@ فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا قَضَيْتَ!. بنابراین، ستایش‌ها و سپاس‌ها همه برای توست در برابر آنچه قضا فرمودی، قضایت همه به خیر بندگان است.

@وَلَكَ الشُّكْرُ عَلَى مَا أَنْعَمْتَ بِهِ وَأَوَّلَيْتَ! و شکرها و سپاس ها همه برای توست در برابر آنچه انعام فرمودی و ارزانی داشتی.

@نَسْتَغْفِرُكَ اللَّهُمَّ وَنَتُوبُ إِلَيْكَ! برای ما بندگان و قصور در شکر بر نعمت های راهی دیگر نیست، مگر طلب آمرزش و توفیق توبه و رو به درگاهت آوردن.

@وَنُؤْمِنُ بِكَ وَنَتَوَكَّلُ عَلَيْكَ! ایمان می آوریم به تو که بدی می کنیم و خوبی می بینیم و ناشکری می کنیم و احسان می بینیم، ما توکل بر تو می کنیم که همه انعام تو را می بینیم.

@وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ وَالتَّابِعِينَ! خدایا درود بی شمار و سلام شایسته ی بنده ی برگزیده و مختارت، بر آفتاب هدایت جهان و جهانیان محمد مصطفی و آل اطهار و وصحب اخیار و تابعان نور محمدی مستمر و روزافزون بگردان.

تفسیر قنوت حنفیه و مالکیه: @اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْتَعِينُكَ! خدایا ما همیشه از تو کمک می خواهیم و بر مدد تو اعتماد داریم، اگر کمک تو شامل حال مان شود چه کار خیری است که نتوانیم و اگر مدد تو نباشد چه کاری است که بتوانیم از عهده ی آن بر آییم؟

@وَنَسْتَهْدِيكَ! و از تو خواهان گرفتن راه راست هستیم، اگر هدایت تو باشد به راه راست می رسیم و از استقامت بر آن بهره مند می گردیم و از انحراف از آن نگه داشته می شویم، ما همه بندگانیم و بنده ای که مملوک و مقهور فرمان تو است، اگر معونت و هدایت تو نباشد هیچگاه نه راه راست می یابد و نه به مطلب می رسد.

@وَنَسْتَغْفِرُكَ! و از تو طلب آمرزش داریم، ما بندگان از فرق سر تا کف پایمان همه قصور است و تقصیر، و این آمرزش توست که تقصیرات ما را می پوشاند و اگر آمرزش حاصل شد تاج افتخار و عبودیت بر تارک ما می درخشد و اگر آمرزش تو نباشد ما غریق گناهان نه روی خواهش برایمان می ماند و نه زبان اعتذار.

@وَنَتُوبُ إِلَيْكَ! و توبه می نماییم از همه ی خطاهایمان و رو به درگاه تو می نهیم که تواب رحیم تویی، توفیق توبه می دهی و قبول توبه می فرمایی.

@وَنُؤْمِنُ بِكَ وَنَتَوَكَّلُ عَلَيْكَ! و ایمان آوردیم که خالق ما و رازق ما و حافظ ما و مددکار ما فقط تو هستی و بس، ایمان ما را وادار می کند تا در همه کار بر تو توکل نماییم و از توکل بر تو و گرفتن راه پیغمبرت به حصول رضایت شاد شویم و از رو آوردن به درگاهت سعادت دو جهان را دریابیم.

@وَنُثْنِي عَلَيْكَ الْخَيْرَ كُلَّهُ! ثنای تو می خوانیم و خیر و خوشی ها را همه از تو می دانیم.  
 @نَشْكُرُكَ وَلَا نَكْفُرُكَ! ما همه سپاس تو می گوئیم که غرقه در انعام تو هستیم، و هیچگاه کفران نعمت هایت را ننماییم که وظیفه ی هر مؤمن شکر و سپاس تو است، همانگونه که کفر ملازم کفران نعمت و ناشکری از همه ی نعمت های خداست.  
 @وَنَخْلَعُ وَنَتَرُكَ مَنْ يَفْجُرُكَ! و ما خلع ید می نماییم و کنار می گذاریم هر کسی را که دانستیم خود را به کفر و معاصی آلوده ساخته است.

@اللَّهُمَّ إِيَّاكَ نَعْبُدُ! خدایا تو را بندگی می کنیم، نه غیر تو را. هیچ افتخاری برای ما از این بالاتر نیست که خدا او را به بندگی قبول فرماید، اگر خدا بنده ای را به بندگی قبول فرمود نماز و طاعتش می پذیرد، گناهانش را می آمرزد و اسباب سعادتش را فراهم می سازد و تاج عبودیت را بر فرق او می نهد.

@وَلَكَ نُصَلِّي وَنَسْجُدُ! و برای تو نماز می خوانیم و برای تو پیشانی خود را در برابر عظمت بر خاک می مالیم، کجا ممکن است بنده ای بداند که بنده ی خداست، زندگیش و مرگش در دست خداست و روزی و سرنوشتش در دست خداست و سعادت و شقاوتش در ید قدرت خداست، نفع و ضررش همه در تدبیر خداست، و آنگاه عبادت غیر خدای یکتا را نماید. خدا، یعنی مالک همه، مقتدر بر همه، معبود بحق برای همه. و غیر خدا، یعنی محتاج سر اندر پا و بینوای در هر جا و فانی سرا پا زوال و بی پناه.

@وَالَيْكَ نَسْعَى وَنَخْضِدُ! و ما همه به سوی تو در کوششیم که ما را به درگاهت برسانی و از شر دیو لعین و هر کسی که بخواهد ما را از درگاهت دور سازد، برهانی. و در این راه

می‌شتابیم برای این که عمر زود گذر است و تا قبل از این که عمر از دست برسد به تو رسیده باشیم.

@نَرْجُو رَحْمَتَكَ!. ما همه امیدوار رحمت هستیم، همین امید رحمت می‌باشد که ما را شاد و مسرور و مطمئن ساخته است، اگر امید رحمت نداشتیم، هیچ نداشتیم؛ همین رحمت ما را امیدوار کرده و بر پای خود استوار کرده است، از جهتی امید رحمت و از جهت دیگر بیم عذاب ما را بین خوف و رجا قرار داده است.

@وَنَخْشَى عَذَابَكَ!. تا همیشه از ترس عذاب هر غروری از سر به در کنیم و هر هوای خطاکاری را دور بگردانیم و هر روشی که پای ابلیس لعین در آن باشد کنار بگذاریم.

@إِنَّ عَذَابَكَ الْجَدِّ بِالْكَفَّارِ مُلْحَقٌ!. حقا که عذاب واقعی و جدی تو به کافران رسیده است، از کفر در عذابند و نمی‌دانند، از رانندگی از رحمت خدا سرگردانند و نمی‌دانند، و از عاقبت به شر خود هراسانند و نمی‌دانند، نه یقین ایمان دارند تا خوشی اعتماد و یقین بیابند و نه از فضل و رحمت حق باخبرند تا سر را در برابر عظمتش بر خاک بمالند، ابلیس آنان را با خود برده و ناامید کرده است، و زشتکاری کفر، دل و دیده‌شان را کور کرده و بدبخت کرده است، فقیر و حقیر و ذلیل و خوار و گرفتارند و شعور آن ندارند.

@وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الْأَطْهَارِ وَصَحْبِهِ الْأَخْيَارِ وَمَنْ تَبِعَهُمْ عَلَى الْهُدَى بِحَقِّ الْمَلِكِ الْجَبَّارِ وَسَلَّم تَسْلِيمًا كَثِيرًا!. اگر ادامه‌ی قنوت عمر ۳ را بر آن بیفزاید هم خوب است:

@اللَّهُمَّ عَذِّبِ الْكَفَرَةَ الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِكَ وَيُكَذِّبُونَ رُسُلَكَ وَيُقَاتِلُونَ أَوْلِيَاءَكَ. اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَأَصْلِحْ ذَاتَ بَيْنِهِمْ وَأَلْفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَاجْعَلْ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَالْحِكْمَةَ وَتَبَتَّهِمْ عَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَأَوْزِعْهُمْ أَنْ يُؤْفُوا بِعَهْدِكَ الَّذِي عَاهَدْتَهُمْ عَلَيْهِ وَأَنْصُرْهُمْ عَلَى عَدُوِّكَ وَعَدُوِّهِمْ إِلَهَ الْحَقِّ وَاجْعَلْنَا مِنْهُمْ!.

(فصل) بالابردن دو دست در دعا مستحب است، و در قولی بعد از فراغ از دعا دست به روی کشیدن مستحب است، و اتفاق علمای مذهب شافعی بر این است که دست کشیدن بر غیر روی مکروه است، و در هنگام دعا اگر منفرد است به لفظ مفرد بخواند: اللَّهُمَّ اهْدِنِي...

و اگر امام باشد به صیغهی جمع بخواند: اللَّهُمَّ اهْدِنَا.. و اگر منفرد است دعا را آهسته بخواند و اگر امام است دعا را به آواز بلند بخواند، و مأموم تابع امام می‌شود، اگر امام قنوت را بلند خواند و مأموم می‌شنید در قسمت دعا آمین بگوید و در قسمت ثنا مأموم هم بخواند. و حدیث صحیح در چگونگی قنوت رسول الله ص بر کسانی که قاریان را در بئر معونه کشتند، ظاهر آن بلندخواندن قنوت در همه‌ی نمازها را می‌رساند. و در صحیح بخاری در باب تفسیر آیه‌ی ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَأُوا الْقُرْآنَ حَتَّىٰ تَغْتَسِلُوا﴾ ⑩ «...» ⑪ ⑫ ⑬ ⑭ ⑮ ⑯ ⑰ ⑱ ⑲ ⑳ ㉑ ㉒ ㉓ ㉔ ㉕ ㉖ ㉗ ㉘ ㉙ ㉚ ㉛ ㉜ ㉝ ㉞ ㉟ ㊀ ㊁ ㊂ ㊃ ㊄ ㊅ ㊆ ㊇ ㊈ ㊉ ㊐ ㊑ ㊒ ㊓ ㊔ ㊕ ㊖ ㊗ ㊘ ㊙ ㊚ ㊛ ㊜ ㊝ ㊞ ㊟ ㊠ ㊡ ㊢ ㊣ ㊤ ㊦ ㊧ ㊨ ㊩ ㊪ ㊫ ㊬ ㊭ ㊮ ㊯ ㊰ ㊱ ㊲ ㊳ ㊴ ㊵ ㊶ ㊷ ㊸ ㊹ ㊺ ㊻ ㊼ ㊽ ㊾ ㊿...» از ابوهریره روایت شده که پیامبر ص در نفرین بر مردمی که قاریان را در بئر معونه کشتند به جهر قنوت می‌خواند تا این که خداوند آن آیه را نازل فرمود: @هیچ یک از این کارها در اختیار تو نیست...!

### «باب التشهد في الصلاة»

### بابی است در بیان تشهد در نماز

بدان که نماز اگر دورکعتی باشد، مثل نماز فرض صبح بیش از یک تشهد نخواهد داشت، اگر بیش از دو رکعت باشد، مثل نماز مغرب و عشاء دو تشهد دارد، و گاه است که نسبت به مأموم چهار تشهد صورت می‌یابد، مثل مسبوق در نماز مغرب که در اعتدال رکعت دوم به امام رسیده باشد، تشهد اول امام برای او حساب نمی‌شود و تشهد اخیر امام برای او حساب نمی‌شود، دو تشهد خوانده و یک رکعت دارد، بعد از سلام امام در هر رکعتی برای یک تشهد می‌نشیند که سرانجام می‌شود چهار تشهد، اگر بیش از چهار رکعت بخواند، مثلاً یکصد رکعت بخواند، اختیار بر آن است که در آن رکعات دو تشهد بخواند، او به حسب نیتش نماز بخواند وقتی که دو رکعت باقی است برای تشهد اول بنشیند و بعد از دو رکعت باقی برای تشهد دوم بنشیند، گروهی از علمای مذهب شافعی فرموده اند یک نماز بیش از دو تشهد ندارد.

اما قول معتمد این است که می تواند بعد از هردو رکعت به تشهد بنشیند، اما بعد از هریک رکعت جایز نیست به تشهد بنشیند. والله أعلم.

و بدان که تشهد آخری نزد امام شافعی و امام احمد و بیشتر علما واجب است، و نزد امام ابوحنیفه ۱۴ سنت است، و نزد امام احمد / واجب است، اگر تشهد اول را ترک کرد به عمد یا به سهو نزد امام شافعی نماز او صحیح است و آخر نماز سجود سهو می نماید. والله أعلم.

**(فصل)** و اما لفظ تشهد به سه لفظ به ثبوت رسیده است، نخست تشهد به روایت ابن مسعود  $\tau$  از رسول الله ص:  $@التَّحِيَّاتُ لِلَّهِ، وَالصَّلَوَاتُ وَالطَّيِّبَاتُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ!$  رواه البخاری ومسلم.

دوم تشهد به روایت ابن عباس  $\tau$  از رسول الله ص:  $@التَّحِيَّاتُ الْمُبَارَكَاتُ الصَّلَوَاتُ الطَّيِّبَاتُ لِلَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ!$  رواه مسلم فی صحیحہ. و این تشهد را امام شافعی اختیار فرموده است، برای این که ابن عباس ب از اهل بیت هستند و امام شافعی هم از اهل بیت است و نیز به سبب لفظ المبارکات.

سوم تشهد به روایت ابوموسی اشعری  $\tau$  از رسول الله ص:  $@التَّحِيَّاتُ الطَّيِّبَاتُ الصَّلَوَاتُ لِلَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ!$  رواه مسلم فی صحیحہ.

و بدان که تشهد به هر لفظی که باشد جایز است و سبب اختیار در لفظ آن است که به الفاظ متعدد آمده است. و ابن سُرَیج از علمای شافعی فرموده است: اگر اختصار بر این لفظ نماید:  $@التَّحِيَّاتُ لِلَّهِ، سَلَامٌ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ، سَلَامٌ وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ!$  کفایت می کند، و معلوم است که اگر بر یکی از سه نوع عمل نماید و تغییر ندهد بهتر است، برای این که اختلاف در وجوب همه ی کلمات تشهد است، و اختیار بر این است که یکی از آن سه را بخواند، و بدان که ترتیب در تشهد مستحب است و

واجب نیست. بنابراین، اگر بعضی از الفاظ آن را تقدیم و تاخیر کند مانعی ندارد، و بعضی ترتیب آن را واجب دانسته اند، و بدان که تشهد را باید آهسته خواند، چنانکه در روایت ابوداود و ترمذی و بیهقی از ابن مسعود ؓ آمده است: **من السنة أن يخفى التشهد**. رواه الترمذی وقال حديث حسن. وقال الحاكم صحيح. و گفتن صحابه: **من السنة، در حکم قال رسول الله  $\text{ﷺ}$  می باشد.**

### «باب الصلاة على النبي $\text{ﷺ}$ بعد التشهد»

## بابی است در بیان درودفرستادن بر رسول الله ص بعد از تشهد

### اخیر

بدان که صلوات فرستادن بر رسول الله ص بعد از تشهد اخیر نزد امام شافعی / واجب است، و اگر صلوات بر رسول الله ص بعد از تشهد اخیر ترک نماید نمازش صحیح نمی شود، اما در تشهد صلوات بر آل واجب نیست، و در تشهد اخیر صلوات بر آل سنت است، و همانگونه که تشهد اول سنت است، صلوات بر رسول الله ص نیز در تشهد اول سنت است. و جای تعجب اینجاست که صلوات بر آل را واجب ندانسته اند، در صورتی که تمام صیغه های وارد در همه ی احادیث مربوط به صلوات بر رسول الله ص همراه با صلوات بر آل است، شاید از آن روی باشد که در آیه ی:

﴿وَصَلِّ عَلَى النَّبِيِّ يَا رَسُولَ اللَّهِ﴾ [الأحزاب: 56] یاد از آل نشده است و در

صلوات فرستادن بر رسول الله ص نیز اگر بگوید: **@صَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ يَا صَلَّى اللهُ عَلَى رَسُولِهِ يَا صَلَّى اللهُ عَلَى النَّبِيِّ!** هر کدام که بگوید کفایت می کند. و در مذهب وجهی هست که

باید بگوید: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ، و غیر آن کفایت نمی کند، و بهتر آن است که در صلوات بر رسول الله بعد از تشهد اخیر این لفظ را اختیار نماید:

@اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ، وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ وَأَزْوَاجِهِ وَذُرِّيَّتِهِ، كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ، وَبَارَكْ عَلَى مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ، وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ وَأَزْوَاجِهِ وَذُرِّيَّتِهِ، كَمَا بَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ فِي الْعَالَمِينَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ!

این حدیث در بخاری و مسلم از کعب بن عجرة و قسمتی از آن از غیر کعب بن عجرة ۲ روایت شده است، و دعا بعد از تشهد اخیر مستحب است، اما بعد از تشهد اول دعا مستحب نیست، و علمای شافعی فرموده اند: دعا بعد از تشهد اول مکروه است، برای این که بنای تشهد اول بر تخفیف است. والله أعلم.

#### «باب الدعاء بعد التشهد الأخير»

### بابی است در بیان مستحب بودن دعا بعد از تشهد اخیر

بدان که دعا بعد از تشهد اخیر مشروع است، بدون اختلاف.

روينا في صحيح البخاري ومسلم عن عبد الله بن مسعود رضي الله عنه: أن النبي صلى الله عليه وسلم علمهم التشهد ثم قال في آخره: @ثُمَّ يُخَيَّرُ مِنَ الدُّعَاءِ!. وفي رواية البخاري: @أَعْجَبَهُ إِلَيْهِ فَيَدْعُو!. وفي رواية لمسلم: @ثُمَّ لِيُخَيَّرَ مِنَ الْمَسْأَلَةِ مَا شَاءَ!.

رسول الله ص تشهد را به صحابه آموخت، و در آخر حدیث آمده که نماز گزار بعد از تشهد و صلوات بر رسول و آل اطهار دعاهایی را اختیار می نماید، هر دعایی که دوست دارد و می تواند از خودش دعاهایی بخواند و لیکن دعاهاى وارد از رسول الله ص بهتر است، و در همین جا بعد از تشهد دعاهاى بسیاری وارد شده از آن جمله است:

ما روينا في صحيح البخاري عن أبي هريرة ۲ قال، قال رسول الله ۲: @إِذَا فَرَغَ أَحَدُكُمْ مِنَ التَّشْهَدِ الْأَخِيرِ، فَلْيَتَعَوَّذْ بِاللَّهِ مِنْ أَرْبَعٍ: مِنْ عَذَابِ جَهَنَّمَ، وَمِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ، وَمِنْ فِتْنَةِ الْمَحْيَا وَالْمَمَاتِ، وَمِنْ شَرِّ الْمَسِيحِ الدَّجَالِ!.



«وقتی که یکی از شما از تشهد آخری نماز فارغ شد، پناه ببرد از چهار چیز: از عذاب دوزخ، از عذاب قبر، از فتنه‌ی مرگ و زندگی، و از شر مسیح دجال».

وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ الْبُخَارِيِّ وَمُسْلِمٍ عَنْ عَائِشَةَ لَأَنَّ النَّبِيَّ ﷺ كَانَ يَدْعُو فِي الصَّلَاةِ: **اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ فِتْنَةِ الْمَسِيحِ الدَّجَالِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ فِتْنَةِ الْمَحْيَا، وَفِتْنَةِ الْمَمَاتِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْمَأْثَمِ وَالْمَغْرَمِ!**

رسول الله ص در آخر نماز دعا می‌فرمود: «خدایا پناه می‌برم به تو از عذاب قبر و پناه می‌برم به تو از فتنه‌ی مسیح دجال و پناه می‌برم به تو از فتنه‌ی زندگی و مرگ، خدایا پناه می‌برم به تو از گنهکاری و بدهکاری».

وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ مُسْلِمٍ عَنْ عَلِيٍّ قَالَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا قَامَ إِلَى الصَّلَاةِ يَكُونُ مِنْ آخِرِ مَا يَقُولُ بَيْنَ الشَّهَادَةِ وَالتَّسْلِيمِ: **اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي مَا قَدَّمْتُ وَمَا أَخَّرْتُ وَمَا أَسْرَرْتُ وَمَا أَعْلَنْتُ وَمَا أَسْرَفْتُ وَمَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّي أَنْتَ الْمُقَدِّمُ وَأَنْتَ الْمُؤَخِّرُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ!**

علی ت فرمود که رسول الله ص وقتی که به نماز می‌ایستاد در تشهد آخر نماز میان تشهد و سلام نماز می‌فرمود: «خدایا بیا مرز مرا آنچه آن را به جلو انداختم و آنچه آن را به دنبال انداختم و آنچه نهانی نمودم و آنچه آشکار نمودم و آنچه در آن اسراف بر خود نمودم و آنچه تو داناتری به آن از من. تو هستی که به جلو می‌اندازی و تو هستی که به دنبال می‌اندازی، نیست معبودی به حق در سراسر وجود مگر تو». کلمه‌ی: **مَا قَدَّمْتُ وَمَا أَخَّرْتُ**: هر گناهی که آن را مقدم داشتم و هر گناهی که آن را به دنبال انداختم، رسول الله ص این را که می‌فرماید برای تعلیم است و گرنه خودش گناهی ندارد، اگر خطایی هم بود خدا همه‌ی آن را بخشیده است، و مقصود رسول الله ص تعلیم امت است تا اینچنین دعا کنند، و در حقیقت گناه بر دو قسم است: گناهی که انجام می‌گیرد و اثر آن از بین می‌رود، این گناه را به جلو انداخته، یعنی در حیات خود انجام داده است. و گناهی است که اثر آن بعد از حیات شخص می‌ماند. فرض بفرمایید کسی یک سیلی به دیگری زد و معذرت خواست و او را بخشید، این گناهی است که گذشته است. اما کسی گرفتن ده یک مال مردم را مرسوم می‌کند این همیشه اثرش می‌ماند؛ خود شخص می‌میرد، اما گناهش باقی است، زیرا به آن

عمل می‌شود، و مصیبت همیشه در این نوع گناه است که از بین نمی‌رود. أَنْتَ الْمُقَدَّمُ وَأَنْتَ الْمُؤَخَّرُ: ای خدا کسی را که بخواهی او را مقدم می‌سازی که از مردم در علم و تقوی جلو بفتد، و کسی را به دنبال می‌اندازی که علم و تقوی نصیبش نشده و همیشه عقب افتاده است، عطا همه از خداست، دانا به مصالح خلق فقط خداست، آنچه انجام می‌دهد همه حکمت است، پاک و منزله‌ خدایی که منع و عطایش هردو به حکمت است و هردو به مصلحت خلق است.

وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِي الْبُخَارِيِّ وَمُسْلِمٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو بْنِ الْعَاصِ عَنْ أَبِي بَكْرٍ الصِّدِّيقِ  $\tau$  أَنَّهُ قَالَ لِرَسُولِ اللَّهِ  $p$ : عَلَّمَنِي دَعَاءً أَدْعُو بِهِ فِي صَلَاتِي، قَالَ:  $@$  قَالَ: اللَّهُمَّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي ظُلْمًا كَثِيرًا، وَلَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ، فَاعْفُزْ لِي مَغْفِرَةً مِنْ عِنْدِكَ، وَارْحَمْنِي إِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ!.

ابوبکر صدیق  $\tau$  عرض کرد که یا رسول الله! دعایی به من بیاموز که در نماز به آن دعا بنمایم. فرمود: «بگو خدایا به خود ستم کردم بسیار، و نمی‌امرزد گناهان مرا مگر تو. پس بیامرز گناهانم به آمرزشی از نزد خودت و مرا مورد رحمت قرار بده. حقا که تو آمرزگار بسیار مهربانی». روایت شده: ظُلْمًا كَثِيرًا و روایت شده ظُلْمًا كَثِيرًا.

نووی فرمود هردو باهم چنین بگوید:  $@$  اللَّهُمَّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي ظُلْمًا كَثِيرًا كَثِيرًا! «خدایا ستم به خودم نمودم ستم بسیار و ستم بزرگ» و از جمله دعاهاست مستحب در همه جا این دعاست:  $@$  اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعَفْوَ وَالْعَافِيَةَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْهُدَى وَالتُّقَى، وَالْعِافَةَ وَالْغَنَى!.

«خدایا از تو می‌خواهم عفو و گذشت که از سر تقصیرم بگذری و از تو می‌خواهم عافیت و دوری از ناملازمات. خدایا از تو می‌خواهم رسیدن به راه راست و پرهیزگاری و پاکدامنی و توانگری». و بیشتر دعای رسول الله ص این دعا بود:  $@$  رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ! «خدایا به ما بده در دنیا خوشی و در آخرت خوشی و نگه دار ما را از عذاب دوزخ». والله أعلم.

### «باب السلام للتحلل من الصلاة»

بابی است در بیان سلام نماز گفتن برای بیرون آمدن از نماز

بدان که سلام نماز گفتن برای بیرون آمدن از نماز یکی از فرض‌های نماز و رکنی از ارکان نماز است که نماز بدون آن صحیح نمی‌شود، و فرض بودن سلام نماز در سه مذهب مالک و شافعی و احمد است. و حدیث‌های صحیح مشهور به آن تصریح دارد، و جمهور علمای سلف و خلف همه بر فرض بودن سلام نماز نظر دارند. و بدان که اکمل در سلام نماز این است که رو به دست راست بگوید: **@السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ!** و رو به دست چپ بگوید: **@السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ!**

و در سنن ابی داود آمده: **@السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ!** و امام الحرمین و زاهر السرخسی و رویانی آن را یاد کرده اند. امام نووی فرمود که کلمه‌ی «وبرکاته» خلاف مشهور از سلام دادن حضرت رسول در نماز است و گفتنش مستحب نیست.

اگر کسی آن را در سلام نماز جنازه بگوید تا به حدیث در بعضی موارد عمل کرده باشد دور از صواب نیست، والله اعلم. و واجب همان سلام اولی است و سلام دومی سنت است، اگر آن را نگوید ضرری به نمازش نمی‌رساند.

این دو سلام نماز در هر نمازی است: نماز فرض باشد یا سنت یا نماز جنازه، فرق نمی‌کند. منفرد باشد یا امام باشد یا ماموم، فرقی نمی‌کند. جماعت اندک باشد یا بسیار، فرق نمی‌کند. و واجب در سلام: گفتن **السَّلَامُ عَلَيْكُمْ** می‌باشد، و اگر بگوید: **السَّلَامُ** نیز کفایت می‌کند. اما اگر بگوید: **السَّلَامُ عَلَيْكَ** یا **سَلَامِي عَلَيْكَ** یا **سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ** یا **سَلَامِي عَلَيْكُمْ**، هیچکدام کفایت نمی‌کند. و اگر به عمد بگوید نمازش باطل می‌شود، و موقعی که امام سلام نماز گفت، ماموم اختیار دارد به دنبال سلام امام سلام بگوید یا مشغول دعا بشود، بعد سلام بگوید، مانعی ندارد. والله أعلم.

«باب ما يقوله الرجل إذا كلمه إنسان وهو في الصلاة»

بابی است در بیان آنچه شخص می‌گوید وقتی که در حال نماز است

و دیگری با او سخن می‌گوید

رَوَيْنَا فِي صَحِيحِي الْبُخَارِيِّ وَمُسْلِمٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ سَعْدٍ أَلْسَاعِدِيِّ  $\tau$  أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ  $p$  قَالَ:  $@$  مَنْ نَابَهُ شَيْءٌ فِي صَلَاتِهِ فَلْيَقُلْ سُبْحَانَ اللَّهِ! وفي رواية في الصحيح:  $@$  إِذَا نَابَكُمْ أَمْرٌ، فَلْيَسِّحِ الرَّجُلُ، وَلْيَصَفِّحِ النِّسَاءُ!

رسول الله ص فرمود: «کسی که چیزی به او رسید در حالی که در نماز بود بگوید: سبحان الله». و در روایتی در صحیح بخاری: «وقتی که چیزی به شما رسید و شما در نماز هستید، مردان سبحان الله بگویند و زنان کف دست راست پشت دست چپ بزنند». سبحان الله گفتن برای مردان است و کف دست راست بر پشت دست چپ زدن برای زنان است. اگر مردی مشغول نماز است و در زدند می گوید سبحان الله تا از اهل خانه کسی برود و ببیند چه کسی در می زند. اگر زنی در نماز است و سفره خوراک نهاده و گربه آمده است از سفره بخورد، کف دست راست بر پشت دست چپ می زند تا کسی بیاید و نگذارد گربه سفره را آلوده کند. اگر کسی وعده دارد بیاید نامه بگیرد و صاحب نامه در حال نماز خواندن بود و او صدا زد که نامه بیا. می گوید: سبحان الله تا شخصی که برای نامه آمده بداند که او مشغول نماز است و صبر کند.

### «باب الأذکار بعد الصلاة»

#### بابی است در بیان اذکاری که بعد از نماز خوانده می شود

اجماع علما بر آن است که بعد از نماز اذکاری است که از حضرت رسول الله ص وارد شده و باید خوانده شود، و در این خصوص حدیث های صحیح و بسیار آمده است که در باره ی انواع متعدد از اذکار بعد از نماز است.

در اینجا ما قسمتی از آنها را می آوریم. از مهمترین آنها:

رَوَيْنَا فِي كِتَابِ التِّرْمِذِيِّ عَنْ أَبِي إِمَامَةَ  $\tau$  قَالَ: قِيلَ لِرَسُولِ اللَّهِ  $p$ : أَيُّ الدُّعَاءِ أَسْمَعُ؟ قَالَ:  $@$  جَوْفُ اللَّيْلِ الْآخِرُ وَذُبُرُ الصَّلَوَاتِ الْمَكْتُوبَاتِ! قال الترمذي: حديث حسن. به رسول الله ص

گفته شد: کدام دعا زودتر به اجابت می‌رسد؟ فرمود: «دعا در دل نیمه‌ی دوم شب و دعا بعد از نمازهای فرض شبانه روزی».

وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِي الْبُخَارِيِّ وَمُسْلِمٍ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: ﴿كُنْتُ أَعْرِفُ انْقِصَاءَ صَلَاةِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ بِالتَّكْبِيرِ!﴾

ابن عباس فرمود: «من می‌دانستم که رسول الله ص از نماز فرض فارغ شده به بلندشدن آواز جماعت به الله اکبر گفتن». و در روایت مسلم: (كُنَّا نَعْرِفُ).

وفي رواية في صحيحيهما عن ابن عباس ب: ﴿أَنَّ رَفْعَ الصَّوْتِ بِالدُّكْرِ حِينَ يَنْصَرِفُ النَّاسُ مِنَ الْمَكْتُوبَةِ كَانَ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ!﴾

ابن عباس ب فرمود: «بلند کردن آواز به اذکار بعد از نماز موقعی که جماعت از نماز فرض فارغ می‌شدند در عهد رسول الله ص بود.

وَقَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ ﴿كُنْتُ أَعْلَمُ إِذَا انْصَرَفُوا بِذَلِكَ إِذَا سَمِعْتُهُ!﴾ «من می‌دانستم فارغ شدن از نماز به بلندشدن آواز جماعت به اذکار نماز». ابن عباس می‌گوید: در عهد رسول الله ص همین که از نماز فرض فارغ می‌شدند آواز جماعت به اذکار بعد از نماز بلند می‌شد. لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ را به آواز بلند می‌گفتند. تکبیر و تسبیح به آواز بلند می‌گفتند، اما امروز عده‌ای بلند کردن آواز را به اذکار بعد از نماز بدعت می‌دانند.

وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ مُسْلِمٍ عَنْ ثَوْبَانَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا انْصَرَفَ مِنْ صَلَاتِهِ اسْتَغْفِرُ ثَلَاثًا وَقَالَ: ﴿اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ وَمِنْكَ السَّلَامُ تَبَارَكْتَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ!﴾ قِيلَ لِلْأَوْزَاعِيِّ وَهُوَ أَحَدُ رَوَاةِ الْحَدِيثِ: كَيْفَ الْاسْتِغْفَارُ؟ قَالَ تَقُولُ: ﴿أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ!﴾

ثوبان می‌گوید: عادت رسول الله ص بود که سلام نماز که می‌گفت سه بار استغفر الله می‌گفت و می‌فرمود: «خدایا تو هستی که نام مقدست السلام است و همه سلامتی‌ها از فضل توست، پر شد برکت ای صاحب شکوه و بزرگواری». از اوزاعی که از راویان حدیث است سؤال شد که استغفار چگونه است؟ گفت: می‌گویی: استغفر الله استغفر الله. وقتی که می‌گوید رسول الله ص بعد از نماز می‌فرمود دلیل این است که بلند می‌فرمود طوری که جماعت می‌شنیدند.

وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِي الْبُخَارِيِّ وَمُسْلِمٍ عَنْ الْمَغِيرَةِ بْنِ شُعْبَةَ  $\tau$  أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ  $\rho$  كَانَ إِذَا فَرَغَ مِنَ الصَّلَاةِ وَسَلَّمَ قَالَ:  $@$  لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ، وَلَهُ الْحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، اللَّهُمَّ لَا مَانِعَ لِمَا أَعْطَيْتَ، وَلَا مُعْطَى لِمَا مَنَعْتَ، وَلَا يَنْفَعُ ذَا الْجَدِّ مِنْكَ الْجَدُّ!

رسول الله ص وقتی که از نماز فارغ می شد و سلام نماز می گفت، می فرمود: «نیست معبودی به حق در سراسر وجود، مگر خدای یکتایی که هیچ شریکی ندارد، برای اوست مالکیت همه و پادشاهی بر همه، و برای اوست حمد و ستایش ها و او بر همه چیز تواناست، خدایا اگر تو چیزی عطا فرمایی نیست کسی که جلو عطایت را بگیرد، و اگر تو عطا نفرمایی نیست کسی که از او عطایی صادر شود و سودی نمی دهد توانگر را به جای تو توانگری».

وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ الْمُسْلِمِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الزَّيْبِرِ أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ ذُبُرُ كُلِّ صَلَاةٍ حِينَ يُسَلِّمُ:  $@$  لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَلَا نَعْبُدُ إِلَّا إِيَّاهُ لَهُ النِّعْمَةُ وَلَهُ الْفَضْلُ وَلَهُ الثَّنَاءُ الْحَسَنُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ! قَالَ ابْنُ الزَّيْبِرِ: وَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ  $\rho$  يَهْتَلِلُ بِهِنَّ ذُبُرُ كُلِّ صَلَاةٍ.

عبدالله بن زبیر گفته است که پیامبر ص وقتی که سلام نماز می گفت بعد از هر نماز فرض می گفت: «نیست معبودی به حق در سراسر وجود، مگر خدای یکتا که شریکی ندارد. برای او است دارندگی همه ی مخلوقات و پادشاهی بر آنها، و برای اوست حمد و ستایش ها و او بر همه چیز تواناست. نه چاره ای هست برای دوری از گناه و نه توانی هست برای پایداری بر طاعت، مگر به کمک خدا. نیست معبودی به حق مگر الله، و ما بندگی نمی کنیم مگر او را، برای اوست نعمت ها و برای اوست فضل و برتری و برای اوست مدح و ثنای خوب. نیست معبودی به حق مگر خدای یکتا، ما عبادت خالص را برای او انجام می دهیم. و اگر چه کافران آن را دوست ندارند» و ابن الزبیر گفت: رسول الله ص همین کلمات را بعد از هر نماز فرض می فرمود.

وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِي الْبُخَارِيِّ وَمُسْلِمٍ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ  $\tau$  أَنَّ فُقَرَاءَ الْمُهَاجِرِينَ أَتَوْا رَسُولَ اللَّهِ  $\rho$  فَقَالُوا: ذَهَبَ أَهْلُ الدُّثُورِ بِالدرَجَاتِ الْعُلَى وَالنَّعِيمِ الْمُقِيمِ يُصَلُّونَ كَمَا نُصَلِّي وَيَصُومُونَ كَمَا نَصُومُ وَلَهُمْ فَضْلٌ مِنْ أَمْوَالِهِمْ يَحْجُونَ بِهَا وَيَعْتَمِرُونَ وَيُجَاهِدُونَ وَيَتَصَدَّقُونَ. فَقَالَ:  $@$  أَلَا أَعْلَمُكُمْ شَيْئًا

تُذَرِكُونَ بِهِ مَنْ سَبَقَكُمْ وَتَسْبِقُونَ بِهِ مَنْ بَعْدَكُمْ وَلَا يَكُونُ أَحَدٌ أَفْضَلَ مِنْكُمْ إِلَّا مَنْ صَنَعَ مِثْلَ مَا صَنَعْتُمْ؟. قَالُوا: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ. قَالَ: @تُسَبِّحُونَ وَتَحْمَدُونَ وَتُكَبِّرُونَ خَلْفَ كُلِّ صَلَاةٍ ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ!. قَالَ أَبُو صَالِحٍ الرَّازِي: عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ لَمَّا سُئِلَ عَنْ كَيْفِيَّةِ ذِكْرِهِ؟ يَقُولُ: سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَاللَّهُ أَكْبَرُ حَتَّى يَكُونَ مِنْهُمْ ثَلَاثٌ وَثَلَاثُونَ. الدُّثُورُ جَمْعُ دَثْرٍ وَهُوَ الْمَالُ الْكَثِيرُ.

فقراى مهاجرين به خدمت رسول الله ص آمدند و گفتند: صاحبان مال و ثروت درجه‌های بلندمرتبه و خوشی جاویدان بهشت برای خود بردند. ایشان نماز می‌خوانند چنانکه ما نماز می‌خوانیم و روزه می‌گیرند چنانکه ما روزه می‌گیریم و زیادتى مال دارند و به وسیله‌ی آن حج و عمره می‌کنند و جهاد می‌کنند و صدقه می‌دهند، در حالی که ما توانایی حج و عمره و جهاد و صدقه نداریم. رسول الله ص فرمود: «آیا شما را نیاموزم چیزی را که به وسیله‌ی آن به هرکسی که از شما جلو افتاده است برسید، و از کسانی که بعد از شما می‌آیند جلو بیفتید و کسی که برتر از شما نشود مگر هرکسی که مانند شما همان چیز را انجام دهد؟ گفتند: بلی یا رسول الله، فرمود: بعد از هر نماز فرض سی و سه بار سبحان الله و الحمد لله و الله اکبر می‌گویید.

ابوصالح رازی گفت که ابوهریره در جواب کسی که از چگونگی ذکر سی و سه بار پرسید، گفت می‌گوید: سبحان الله و الحمد لله و الله اکبر تا به سی و سه بار برسد. و دنبال‌ه‌ی این حدیث آمده که پس از مدتی فقراى مهاجرين به خدمت رسول الله ص آمدند و گفتند: توانگران مهاجرين همین را هم آموخته‌اند. فرمود: آن فضل خداست، به هرکه خواهد می‌دهد. و حدیث می‌رساند که فقرا و اغنیا چگونه مسابقه در طاعت داشته‌اند و نمی‌خواستند هیچ طاعتی از دست‌شان برود یا دیگری بر آنان سبقت جوید.

وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ r عَنْ رَسُولِ اللَّهِ p قَالَ: @مَنْ سَبَّحَ اللَّهَ فِي ذُبُرٍ كُلِّ صَلَاةٍ ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ وَحَمِدَ اللَّهَ ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ وَكَبَّرَ اللَّهَ ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ فَتِلْكَ تِسْعَةٌ وَتِسْعُونَ وَقَالَ تَمَامَ الْمِائَةِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ غُفِرَتْ خَطَايَاهُ وَإِنْ كَانَتْ مِثْلَ زَبَدِ الْبَحْرِ!.

رسول الله ص فرمود: «کسی که بعد از نماز فرض سی و سه بار سبحان الله گفت و سی و سه بار الحمد لله گفت و سی و سه بار الله اکبر گفت و صدمین بار گفت: @ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ! گناهانش آمرزیده می شود اگرچه مثل کف دریا باشد».

وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ الْبُخَارِيِّ فِي أَوَّلِ كِتَابِ الْجِهَادِ عَنْ سَعْدِ بْنِ أَبِي وَقَاصٍ ط أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَانَ يَتَعَوَّذُ دُبُرَ الصَّلَاةِ بِهَؤُلَاءِ الْكَلِمَاتِ: @اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْجُبْنِ، وَأَعُوذُ بِكَ أَنْ أُرَدَّ إِلَى أَرْدَلِ الْعُمُرِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ فِتْنَةِ الدُّنْيَا، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ! رسول الله ص بعد از نماز فرض به این کلمه ها پناه می برد به خدا: «خدایا به تو پناه می برم از ترسویی و به تو پناه می برم از این که به اردل العمر برسم و پناه می برم به تو از فتنه ی دنیا و پناه می برم به تو از عذاب قبر».

وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَالتِّرْمِذِيِّ وَالنَّسَائِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو ب عَنْ النَّبِيِّ ﷺ قَالَ: @خَصَلْتَانِ أَوْ خَلْتَانِ لَا يُحَافِظُ عَلَيْهِمَا عَبْدٌ مُسْلِمٌ إِلَّا دَخَلَ الْجَنَّةَ هُمَا يَسِيرٌ وَمَنْ يَعْمَلُ بِهِمَا قَلِيلٌ يُسَبِّحْ فِي دُبُرِ كُلِّ صَلَاةٍ عَشْرًا وَيَحْمَدُ عَشْرًا وَيُكَبِّرُ عَشْرًا فَذَلِكَ خَمْسُونَ وَمِائَةٌ بِاللِّسَانِ وَأَلْفٌ وَخَمْسُمِائَةٍ فِي الْمِيزَانِ وَيُكَبِّرُ أَرْبَعًا وَثَلَاثِينَ إِذَا أَخَذَ مَضْجَعَهُ وَيَحْمَدُ ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ وَيُسَبِّحُ ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ فَذَلِكَ مِائَةٌ بِاللِّسَانِ وَأَلْفٌ بِالْمِيزَانِ! قَالَ: فَلَقَدْ رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَعْقِدُهَا بِيَدِهِ. قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ كَيْفَ هُمَا يَسِيرٌ وَمَنْ يَعْمَلُ بِهِمَا قَلِيلٌ؟ قَالَ: @يَأْتِي اللَّهَ أَحَدُكُمْ - يَعْنِي الشَّيْطَانُ - فِي مَنَامِهِ فَيُؤَمُّهُ قَبْلَ أَنْ يَقُولَهُ وَيَأْتِيهِ فِي صَلَاتِهِ فَيَذْكُرُهُ حَاجَةً قَبْلَ أَنْ يَقُولَهَا! إسناده صحيح إلا أن فيه

عطاء بن السائب وفيه اختلاف بسبب احتلاطه وقد أشار أيوب السخيتاني إلى صحة حديثه هذا.

رسول الله ص فرمود: «دو خصلت یا دو خلت هستند که هر بنده ی مؤمنی بر آن دو خصلت محافظت نماید به بهشت داخل می شود. آن دو آسانند و کسانی که به آن دو عمل کنند، اندکند: بعد از هر نماز فرض ده بار می گوید: سبحان الله و ده بار می گوید: الحمد لله و ده بار می گوید: الله اکبر و این می شود یکصد و پنجاه بار به زبان و هزار و پانصد بار به میزان. و وقتی که به بستر خواب رفت، سی و چهار بار الله اکبر می گوید و سی و سه بار الحمد لله می گوید و سی و سه بار سبحان الله می گوید و این می شود یکصد بار به زبان و یک هزار بار به میزان». عبدالله بن عمر می گوید: من دیدم که رسول الله ص به دست خود آنها را حساب



می فرمود. یاران گفتند: یا رسول الله! چگونه آسان است و مردمی که به آن عمل می کنند اندک هستند؟ فرمود: «شیطان می آید نزد و او را به خواب می اندازد قبل از این که آنها را بگوید، و شیطان در نمازش کاری به یاد او می آورد قبل از این که آنها را بگوید». رَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ عَنْ عَقْبَةَ بْنِ عَامِرٍ ط قَالَ: @أَمَرَنِي رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَنْ أَقْرَأَ بِالْمُعَوِّذَاتِ دُبُرَ كُلِّ صَلَاةٍ!.

رسول الله ص به عقبه بن عامر امر فرمود که سوره های قل هو الله أحد و قل أعوذ برب الفلق و قل أعوذ برب الناس بعد از هر نماز فرض بخواند. وَرَوَيْنَا بِإِسْنَادٍ صَحِيحٍ فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَالنَّسَائِيِّ عَنْ مَعَاذٍ ط أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ أَخَذَ بِيَدِهِ وَقَالَ: @يَا مَعَاذُ وَاللَّهِ إِنِّي لَأُحِبُّكَ فَقَالَ أُوصِيكَ يَا مَعَاذُ لَا تَدْعَنَّ فِي دُبُرِ كُلِّ صَلَاةٍ تَقُولُ اللَّهُمَّ أَعْنِي عَلَى ذِكْرِكَ وَشُكْرِكَ وَحُسْنِ عِبَادَتِكَ!.

رسول الله ص دست معاذ را گرفت و فرمود: «ای معاذ! قسم به خدا که من تو را دوست می دارم، سپس فرمود: تو را سفارش می دهم به این که بعد از هر نماز فرض بگویی: خدایا مرا مدد کن بر یادکردن و سپاسگزاری و خوب انجام دادن عبادت».

وَروَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السَّيْنِيِّ عَنْ أَنَسٍ ط قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا قَضَى صَلَاتَهُ مَسَحَ جَبْهَتَهُ بِيَدِهِ اليمينية ثم قال: @أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ اللَّهُمَّ أَذْهِبْ عَنَّا الْهَمَّ وَالْحَزْنَ!.

رسول الله ص وقتی که سلام نماز می گفت می فرمود: «گواهی می دهم آن که نیست معبودی مگر الله، بخشاینده ی مهربان، خدایا دور کن از من غم و ناراحتی».

وَروَيْنَا فِيهِ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ ط أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ إِذَا فَرَغَ مِنْ صَلَاتِهِ، لَا أُدْرِي قَبْلَ أَنْ يَسْلَمَ أَوْ بَعْدَ أَنْ يَسْلَمَ، يَقُولُ: @سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ!.

رسول الله ص وقتی که از نماز فارغ می شد، نمی دانم قبل از این که سلام نماز می گفت یا بعد از سلام، می فرمود: «منزه است پروردگارت، پروردگار عزت، از آنچه کافران در وصف او می گویند و سلام خدا باد بر پیغمبران و حمد و ستایش ها برای خدایی که پروردگار جهانیان است».

وَرَوَيْنَا عَنْ أَنَسٍ ٢ قَالَ: كَانَ النَّبِيُّ ﷺ يَقُولُ إِذَا انصَرَفَ مِنَ الصَّلَاةِ: @اللَّهُمَّ اجْعَلْ خَيْرَ عُمْرِي آخِرَهُ وَخَيْرَ عَمَلِي خَوَاتِمَهُ وَخَيْرَ أَيَّامِي يَوْمَ لِقَائِكَ!.

رسول الله ص موقعی که از نماز فارغ می شد می فرمود: «خدايا بهترین ایام عمرم را روزهای آخر عمرم قرار ده، و بهترین کارهایم خاتمه‌ی کارهایم بگردان، و بهترین روزهایم را روزی قرار ده که در آن روز به شرف دیدارت می‌رسم».

وَرَوَيْنَا فِيهِ بِإِسْنَادٍ ضَعِيفٍ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ عُبَيْدٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: @إِذَا صَلَّى أَحَدُكُمْ فَلْيُبَيِّدْ بِتَحْمِيدِ اللَّهِ تَعَالَى وَالتَّنَائِي عَلَيْهِ وَلْيُصَلِّ عَلَى النَّبِيِّ ﷺ ثُمَّ يَدْعُو بِمَا شَاءَ!.

رسول الله ص فرمود: «وقتی که یکی از شما نماز خواند و خواست دعا بکند اول حمد و ثنای خدا را به جا آورد و بعد از آن درود و سلام بر رسول الله ص بفرستد و پس از آن دعایی که می‌خواهد بنماید».

در این باب آداب دعا از حمد و ثنای پروردگار و درود و سلام بر رسول و آل اصحاب را به جا می‌آورد، در آغاز دعا و پایان دعا و سپس دعا می‌کند و گفتن سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ تا آخر دعا را پایان می‌دهد و از دعاهایی که یاد دارد، هر وقتی به قسمتی از آنها دعا می‌نماید. و شروط دعا از قبیل حضور دل و اخلاص در دعا و لقمه‌ی حلال و اوقات اجابت و استغفار رعایت می‌نماید. واللّٰه سبّحانه وتعالی اعلم. وصلى الله على سيدنا محمد وآله وصحبه وسلم.

### «باب الحث على ذكر الله تعالى بعد صلاة الصبح»

بابی است در باره‌ی تشویق به ذکر خداوند متعال پس از نماز صبح

بدان که شریف‌ترین اوقات ذکر در روز، ذکرى است که بعد از نماز صبح می‌گویند. فِي كِتَابِ التِّرْمِذِيِّ وَغَيْرِهِ عَنْ أَنَسٍ ٢ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: @مَنْ صَلَّى الْفَجْرَ فِي جَمَاعَةٍ، ثُمَّ قَعَدَ يَذْكُرُ اللَّهَ تَعَالَى، حَتَّى تَطْلُعَ الشَّمْسُ، ثُمَّ صَلَّى رَكْعَتَيْنِ، كَانَتْ كَأَجْرِ حَجَّةٍ وَعُمْرَةٍ تَامَةٍ تَامَةٍ تَامَةٍ! قَالَ التِّرْمِذِيُّ حَدِيثٌ حَسَنٌ.

رسول الله ص فرمود: «کسی که نماز صبح با جماعت خواند و بعد از نماز صبح در مسجد در جای خود نشست و مشغول یاد خدا شد تا آفتاب طلوع نمود و شانزده دقیقه گذشت و دو

رکعت سنت اشراق خواند، مثل این است که حج و عمره‌ی کامل کامل ادا کرده باشد».

وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ التِّرْمِذِيِّ وَغَيْرِهِ عَنْ أَبِي ذَرٍّ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: @مَنْ قَالَ فِي دُبُرِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَهُوَ ثَانٍ رَجُلَيْهِ قَبْلَ أَنْ يَتَكَلَّمَ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، يُخَيِّ وَيُمِيتُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، عَشْرَ مَرَّاتٍ، كُتِبَ لَهُ عَشْرُ حَسَنَاتٍ، وَمُحِي عَنْهُ عَشْرُ سَيِّئَاتٍ، وَرُفِعَ لَهُ عَشْرَ دَرَجَاتٍ، وَكَانَ يَوْمَهُ ذَلِكَ كُلَّهُ فِي حِرْزٍ مِنْ كُلِّ مَكْرُوهٍ وَخُرْسٍ مِنَ الشَّيْطَانِ، وَلَمْ يَنْبَغِ لِدَنْبٍ أَنْ يُدْرِكُهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ إِلَّا الشُّرْكُ بِاللَّهِ! قال الترمذي: هذا حديث حسن وفي بعض النسخ: صحيح.

رسول الله ص فرمود: «هرکسی که بگوید بعد از نماز در حالی که دو پای خود را تا کرده (یعنی به همان حال قبلی در نماز نشسته و حالت خود را تغییر نداده) قبل از این که سخن بگوید، ده بار لا اله الا الله وحده لا شریک له را تا آخر بگوید: نیست معبودی به حق مگر الله که یکتاست، هیچ شریکی برای او نیست، برای او است دارندگی همه چیز و پادشاهی بر همه چیز، همه‌ی حمد و ستایش‌ها برای اوست، زنده می‌سازد و می‌میراند و او بر همه چیز تواناست. نوشته می‌شود برای او ده حسنه و محو می‌شود از او ده سیئه (ده گناه) و بالا برده می‌شود برای او ده درجه، و او در آن روز از هر مکروهی در پناه حق تعالی است، و نگه داشته می‌شود از شیطان و شایسته نیست که هیچ گناهی به او برسد مگر شرک به خدای تعالی».

وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ عَنْ مُسْلِمَ بْنِ الْحَارِثِ التَّمِيمِيِّ الصَّحَابِيِّ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ أَنَّهُ أَسْرَ إِلَيْهِ فَقَالَ: @إِذَا انْصَرَفْتَ مِنْ صَلَاةِ الْمَغْرِبِ فَقُلِ اللَّهُمَّ أَجْرِنِي مِنَ النَّارِ. سَبْعَ مَرَّاتٍ فَإِنَّكَ إِذَا قُلْتَ ذَلِكَ ثُمَّ مِتَّ فِي لَيْلَتِكَ كُتِبَ لَكَ جَوَارٌ مِنْهَا وَإِذَا صَلَّيْتَ الصُّبْحَ فَقُلْ كَذَلِكَ فَإِنَّكَ إِنْ مِتَّ فِي يَوْمِكَ كُتِبَ لَكَ جَوَارٌ مِنْهَا!.

رسول الله ص آهسته به مسلم بن الحارث التمیمی الصحابی فرمود: «وقتی که از نماز مغرب فارغ شدی بگو: خدایا مرا از آتش دوزخ پناه ده. هفت بار این را بگو: اللَّهُمَّ أَجْرِنِي مِنَ النَّارِ که اگر این را گفتی و آن شب مردی این دعايت باعث این است که خدا تو را پناه دهد از

آتش. و وقتی که نماز صبح خواندی هم هفت بار بگو: اللَّهُمَّ أَجْزِنِي مِنَ النَّارِ که اگر آن روز مردی این دعا باعث پناه تو از آتش دوزخ است».

وَرَوَيْنَا فِي مَسْنَدِ الْإِمَامِ أَحْمَدَ وَسَنَّ ابْنُ مَاجَه وَكِتَابُ ابْنِ السَّيِّ عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ لَ قَالَتْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا صَلَّى الصُّبْحَ قَالَ: @اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ عِلْمًا نَافِعًا وَعَمَلًا مُتَقَبَّلًا وَرِزْقًا طَيِّبًا!

رسول الله ص بعد از این که از نماز صبح فارغ می شد می فرمود: «خدایا از تو می خواهم علم سودمند و عمل مقبول در درگاهت و روزی حلال».

وَرَوَيْنَا فِيهِ عَنْ صَهْبٍ ٢ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَانَ يَحْرُكُ شَفْتَيْهِ بَعْدَ صَلَاةِ الْفَجْرِ بِشِيءٍ فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! مَا هَذَا الَّذِي تَقُولُ؟ قَالَ: «اللَّهُمَّ بِكَ أُحَاوِلُ، وَبِكَ أَصَاوِلُ، وَبِكَ أُقَاتِلُ». صَهْبٍ ٢ می گوید: رسول الله ص بعد از نماز صبح لب های خود را تکان می داد، گفتم: یا رسول الله این که می خوانی کدام سخن است؟ فرمود: «خدایا به وسیله ی تو چاره اندیشی می کنم و به وسیله ی تو حمله ور می شوم و به وسیله ی تو می جنگم». یعنی در کارهایم از تو مدد می گیرم».

وَرَوَيْنَا عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ الْبَغَوِيِّ فِي شَرْحِ السَّنَةِ قَالَ: قَالَ عُلُقَمَةُ بْنُ قَيْسٍ: بَلَّغْنَا أَنَّ الْأَرْضَ تَعُجُّ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى مِنْ نَوْمَةِ الْعَالَمِ بَعْدَ صَلَاةِ الصُّبْحِ، وَاللَّهُ أَعْلَمُ.

و ابو محمد بغوی در کتاب شرح السنه آورده است که علقمه بن قیس از کبار تابعین فرمود: به ما رسیده است که زمین از خواب عالم بعد از نماز صبح به فریاد می آید و فریادرسی می خواهد.

«باب ما يقال عند الصباح وعند المساء»

**بابی است در بیان اذکاری که در بامدادان و شامگاهان گفته**

**می شوند**

بدان که این باب بابی است خیلی وسیع تا جایی که در این کتاب بابی وسیع تر از آن نیست، و به یاری خدای متعال در این کتاب جمله هایی مختصر از آن می آورم، کسی که

توفیق یابد و به آن عمل کند، این توفیق عمل نعمت و فضلی است از خدا بر او و خوشا به حال او. و کسی که به همه‌ی آنها نرسد از قسمت‌های مختصر آن آنچه بخواهد بردارد و اگرچه فقط یک ذکر باشد. و اصل در این باب از قرآن عزیز فرموده‌ی الله سبحانه و تعالی است:

• ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ [طه: 130] @ و تسبیح ذات پاک پروردگار و حمد و ستایش او را به جا آور. قبل از طلوع آفتاب و قبل از غروب آفتاب! بعد از نماز صبح و از نماز عصر. و فرموده‌ی خدای سبحانه و تعالی است:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ [المؤمن: 55] @ و تسبیح ذات پاک پروردگارت همراه حمد و ستایش او به جا آور، بامدادان و بعد از ظهر تا مغرب! و فرموده‌ی پروردگار سبحانه و تعالی است:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ [الأعراف: 205] @ و پروردگارت را در دلت یاد کن از روی راز و نیاز با پروردگارت و از روی ترس از عقاب او بدون آواز بلند، بامدادان و پسین‌ها! یعنی پروردگار را در دل یاد کن تا از ترس او و دیدن تقصیرت به راز و نیاز و خواهش رحمت و مغفرتش پردازی، و هنگامی که بخواهی یاد پروردگارت را به زبان آوری به آواز متوسط باشد که به آواز بلند نرسد، و این ذکر خفیه و کمتر از جهر را در بامداد و پسین انجام بده، و فرموده‌ی پروردگار متعال است:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ [الأعراف: 205] @ و پروردگارت را در دلت یاد کن از روی راز و نیاز با پروردگارت و از روی ترس از عقاب او بدون آواز بلند، بامدادان و پسین‌ها! یعنی پروردگار را در دل یاد کن تا از ترس او و دیدن تقصیرت به راز و نیاز و خواهش رحمت و مغفرتش پردازی، و هنگامی که بخواهی یاد پروردگارت را به زبان آوری به آواز متوسط باشد که به آواز بلند نرسد، و این ذکر خفیه و کمتر از جهر را در بامداد و پسین انجام بده، و فرموده‌ی پروردگار متعال است:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ [الأعراف: 205] @ و پروردگارت را در دلت یاد کن از روی راز و نیاز با پروردگارت و از روی ترس از عقاب او بدون آواز بلند، بامدادان و پسین‌ها! یعنی پروردگار را در دل یاد کن تا از ترس او و دیدن تقصیرت به راز و نیاز و خواهش رحمت و مغفرتش پردازی، و هنگامی که بخواهی یاد پروردگارت را به زبان آوری به آواز متوسط باشد که به آواز بلند نرسد، و این ذکر خفیه و کمتر از جهر را در بامداد و پسین انجام بده، و فرموده‌ی پروردگار متعال است:

خانه‌هایی که خدا اجازه داده تا برافراشته و نام خدا در آن یاد شود، در آن خانه‌ها مردانی در هر بامداد و پسین به یاد خدا مشغولند که نه تجارت و نه فروش هیچکدام ایشان را از یاد خدا و عبادت او باز نمی‌دارد! و فرموده‌ی پروردگار متعال است:

آوردیم تا همراه داود به تسبیح خدا پردازند، شامگاهان و بامدادان!

وَوَرَيْنَا فِي صَحِيحِ الْبُخَارِيِّ عَنْ شَدَّادِ بْنِ أَوْسٍ  $\tau$  عَنْ النَّبِيِّ  $\rho$  قَالَ: (سَيِّدُ الْإِسْتِغْفَارِ: @اللَّهُمَّ أَنْتَ رَبِّي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، خَلَقْتَنِي وَأَنَا عَبْدُكَ، وَأَنَا عَلَى عَهْدِكَ وَوَعْدِكَ مَا اسْتَطَعْتُ، أُبُوهُ لَكَ بِعَمَلِكَ، عَلَيَّ وَأُبُوهُ بِذُنُوبِي، فَاعْفِرْ لِي، فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ، أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا صَنَعْتُ!. إِذَا قَالَ حِينَ يُمَسِّي فَمَاتَ دَخَلَ الْجَنَّةَ أَوْ كَانَ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَإِذَا قَالَ حِينَ يُصْبِحُ فَمَاتَ مِنْ يَوْمِهِ مِثْلُهُ) معنى أُبُوهُ: أَقْبَرُ وَأَعْتَرَفُ.

رسول الله ص فرمود: «سید الاستغفار این است: «اللَّهُمَّ أَنْتَ رَبِّي...» خدایا تو پروردگار منی، نیست معبودی به حق مگر تو، مرا آفریدی و من بنده‌ی تو هستم و بر پیمان و نوید تو هستم تا آن جا که بتوانم. اعتراف می‌کنم به نعمت‌هایت بر من و اعتراف می‌کنم به گناهانم. پس بیمارز برایم برای این که نمی‌تواند بیمارزد گناهان را مگر تو، پناه می‌برم به تو از شر آنچه از گناهان کردم. هرگاه این را گفت به شب و در آن شب مرد او داخل به بهشت می‌شود، یا او از اهل بهشت است، و وقتی که این را بامدادان گفت و آن روز مرد داخل به بهشت می‌شود.»

وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ  $\tau$  قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ  $\text{p}$ :  $@$  مَنْ قَالَ حِينَ يُصْبِحُ وَحِينَ يُمَسِّي سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ مِائَةَ مَرَّةٍ. لَمْ يَأْتِ أَحَدٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِأَفْضَلَ مِمَّا جَاءَ بِهِ إِلَّا أَحَدًا قَالَ مِثْلَ مَا قَالَ أَوْ زَادَ عَلَيْهِ!. وَفِي رِوَايَةِ أَبِي دَاوُدَ:  $@$  سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ!.

«کسی که بامدادان و شامگاهان صدبار بگوید: سبحان الله وبحمده یا صد بار بگوید: سبحان العظیم وبحمده. روز قیامت کسی نمی‌آید که بهتر از او آورده باشد مگر کسی که مانند او گفته یا بیش از او این کلمه را گفته باشد». سبحان الله وبحمده: تنزیه خدای بزرگ می‌گویم و به حمد و ستایش او مشغولم، وسبحان الله العظیم وبحمده: تنزیه خدای بزرگ می‌گویم و به حمد و ستایش او مشغولم، چقدر انسان دچار غفلت می‌شود که کلمه‌ای به این آسانی و با آن همه اجر و ثواب از دست می‌دهد و وقت خود را به غفلت و بی‌خبری ضایع می‌گرداند.

وَرَوَيْنَا فِي سَنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَالتِّرْمِذِيِّ وَالنَّسَائِيِّ وَغَيْرِهَا بِالْأَسَانِيدِ الصَّحِيحَةَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَبِيبٍ عَنْ أَبِيهِ أَنَّهُ قَالَ خَرَجْنَا فِي لَيْلَةٍ مَطَرٍ وَظُلُمَةٍ شَدِيدَةٍ نَطْلُبُ رَسُولَ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- لِيُصَلِّيَ لَنَا فَأَذَرَكُنَا فَقَالَ: قُلْ، فَلَمْ أَقُلْ شَيْئًا، ثُمَّ قَالَ: قُلْ، فَلَمْ أَقُلْ شَيْئًا، ثُمَّ قَالَ: قُلْ، فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا أَقُولُ؟ قَالَ: @قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ وَالْمُعَوَّذَتَيْنِ حِينَ تُمَسِّي وَحِينَ تُصْبِحُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ تَكْفِيكَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ!. قال الترمذي: حديث حسن صحيح.

عبدالله بن حبیب r گفت که ما در شب بارانی و سخت تاریک بیرون آمدیم به خاطر یافتن رسول خدا ص تا نماز با ما بخواند، سپس او را یافتیم به من فرمود: بگو من چیزی نگفتم بار دوم گفت: بگو. چیزی نگفتم، بار سوم که گفت: بگو، گفتم: یا رسول الله چه بگویم؟ فرمود: «بگو: قل هو الله أحد و قل أعوذ برب الفلق و قل أعوذ برب الناس. در بامداد و شامگاهان از هر کدام سه بار بگو که کفایت می‌کند تو را از هر چیز. یعنی برای حفظ و نگهداری‌ات همین سه سوره که هر کدام سه بار در بامداد و شامگاه بخوانی کفایت می‌کند».

وَرَوَيْنَا فِي سَنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَالتِّرْمِذِيِّ وَابْنِ مَاجَهَ وَغَيْرِهَا بِالْأَسَانِيدِ الصَّحِيحَةَ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ r عَنِ النَّبِيِّ p أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ إِذَا أَصْبَحَ: @اللَّهُمَّ بِكَ أَصْبَحْنَا وَبِكَ أَمْسَيْنَا وَبِكَ نَحْيَا وَبِكَ نَمُوتُ وَإِلَيْكَ النُّشُورُ! وَإِذَا أَمْسَى قَالَ: @اللَّهُمَّ بِكَ أَمْسَيْنَا وَبِكَ نَحْيَا وَبِكَ نَمُوتُ وَإِلَيْكَ النُّشُورُ! قال الترمذي: حديث حسن.

رسول الله ص وقتی که بامداد می‌شد می‌فرمود: «خدایا به کمک تو به بامداد رسیدیم و به کمک تو به شامگاه رسیدیم، و به کمک تو زنده می‌مانیم و به کمک تو می‌میریم و به سوی

توست بازگشت ما». و موقعی که شام می شد می فرمود: خدایا به کمک تو به شامگاه رسیدیم و به کمک تو زنده می مانیم و به کمک تو می میریم و به سوی توست بازگشت ما».

هر مؤمن می داند که هرچه هست از خداست، بامداد می شود، از این که به بامداد رسیده خوش وقت است و شب می شود و از این که به شب رسیده و آسوده می شود خوش وقت است. مؤمن از حیات و زندگی نهایت استفاده می نماید، و می داند زندگی دنیا پایانی دارد که مرگ نام دارد و آن به وقت خودش آسوده شدن از تکالیف زندگی است، این است که مومن همیشه به یاد خداست و در ستایش و سپاسگزاری خداست و هر خیری را از او می داند.

وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ  $\tau$  أَنَّ النَّبِيَّ  $\rho$  كَانَ إِذَا كَانَ فِي سَفَرٍ وَأَسْحَرَ يَقُولُ: @سَمِعَ سَامِعٌ بِحَمْدِ اللَّهِ وَحُسْنِ بَلَائِهِ عَلَيْنَا رَبَّنَا صَاحِبِنَا وَأَفْضَلِ عَلَيْنَا عَائِدًا بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ!.

رسول الله ص هرگاه در سفر بود و وقت سحر داخل می شد می فرمود: «بشنود هرکسی که می شنود و مشاهده کند هرکسی که حاضر است حمد و ستایش ما مقابل نعمت ها و احسان های خدا. پروردگارا همراه ما باش و از فضل خود بسیار بر ما انعام فرمود و ماه پناه می بریم به خدا از آتش دوزخ».

وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ مُسْلِمٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ  $\tau$  قَالَ: كَانَ النَّبِيُّ  $\rho$  إِذَا أَمْسَى قَالَ: @أَمْسَيْنَا وَأَمْسَى الْمُلْكُ لِلَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ رَبِّ أَسْأَلُكَ خَيْرَ مَا فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ وَخَيْرَ مَا بَعْدَهَا وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ وَشَرِّ مَا بَعْدَهَا رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكَسَلِ وَالْهَرَمِ وَسُوءِ الْكِبَرِ رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابٍ فِي النَّارِ وَعَذَابٍ فِي الْقَبْرِ! وَإِذَا أَصْبَحَ قَالَ ذَلِكَ أَيْضًا @أَصْبَحْنَا وَأَصْبَحَ الْمُلْكُ لِلَّهِ!...

رسول الله ص وقتی که شب می شد می فرمود: «ما به شب داخل شدیم و همه مملوک خدا هستیم و همه ی کائنات به شب داخل شدند و همه مملوک خدا هستند، و حمد و ستایش ها برای خداست، نیست معبودی بحق مگر الله یکتایی که هیچ شریکی ندارد، برای خداست همه ی کائنات و برای اوست ستایش همه او و بر همه چیز تواناست. پروردگارا! از تو می خواهم خیر و خوشی امشب، هر خیری که امشب باشد و هر خیری که بعد از امشب باشد خیر هر دو را از تو می خواهم، و پناه می برم به تو از هر شری که امشب پدید آید و از هر



شری که بعد از امشب پدید آید. ای پروردگارم! پناه می‌برم به تو از سستی و کهنسالی بد (از این که در کهنسالی دچار بیماری بد شود یا دچار معصیت و بدکاری یا دچار پیشامدهای بد شود). پناه می‌برم به تو از عذابی که در دوزخ فراهم آید و از عذابی که در قبر پیش آید. و وقتی که صبح می‌شد به جای اَمْسَيْنَا می‌فرمود: اَصْبَحْنَا وَأَصْبَحَ الْمُلْكُ لِلَّهِ تا آخر.

وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ  $\tau$  أَنَّهُ قَالَ جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ -صلى الله عليه وسلم- فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا لَقِيتُ مِنْ عَقَرٍ لَدَعْتَنِي الْبَارِحَةَ قَالَ  $\textcircled{a}$  أَمَا لَوْ قُلْتَ حِينَ أَمْسَيْتَ أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ لَمْ يَضُرْك! ذكره مُسْلِمٌ متصلاً بحديث لخولة بنت حكيم ل هكذا. وروينا في كتاب ابن السني وقال فيه:  $\textcircled{a}$  أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ، ثلاثاً لَمْ يَضُرَّهُ شَيْءٌ!.

مردی خدمت رسول الله ص آمد و گفت: یا رسول الله دیشب از عقربی که مرا گزید چه دردی کشیدم! فرمود: «آگاه باش که اگر اول شب گفته بودی: پناه می‌برم به خدا به کلمات الله التامات (آیه‌های قرآن) از شر آنچه خدا آن را آفرید، زیانی به تو نمی‌رسید». مسلم دنباله‌ی حدیث خولة بنت حکیم و متصل به حدیث او چنین روایت کرد و ابن السنی آن را این چنین روایت کرد که رسول الله ص به او فرمود: «اگر سه بار گفته بودی: أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ. هیچ چیز زیانی به تو نمی‌رساند».

وَرَوَيْنَا بِالْإِسْنَادِ الصَّحِيحِ فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَالتِّرْمِذِيِّ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ  $\tau$  أَنَّ أَبَا بَكْرٍ الصَّدِيقَ  $\tau$  قَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! مُرْنِي بِكَلِمَاتٍ أَقُولُهُنَّ إِذَا أَصْبَحْتُ وَإِذَا أَمْسَيْتُ. قَالَ:  $\textcircled{a}$  قُلِ اللَّهُمَّ فَاطِرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ عَالِمَ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ رَبَّ كُلِّ شَيْءٍ وَمَلِيكَهُ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ نَفْسِي وَشَرِّ الشَّيْطَانِ وَشَرِّكَ، قَالَ: قُلْهَا إِذَا أَصْبَحْتَ وَإِذَا أَمْسَيْتَ وَإِذَا أَخَذْتَ مَضْجَعَكَ! قال الترمذي: حديث حسن صحيح.

ابوبکر صدیق  $\tau$  گفت یا رسول الله به من دستور ده به چند کلمه که در آغاز روز و آغاز شب آن را بگویم. فرمود: «بگو: ای شکافنده‌ی آسمان‌ها و زمین! ای آفریدگار آسمان‌ها و زمین! ای دانا به نهان و آشکارا! پروردگار همه چیز و مالک و دارنده‌ی همه چیز، گواهی می‌دهم آن که نیست معبودی به حق مگر تو، پناه می‌برم به تو از شر شیطان و وسوسه‌های

شرک آمیز او، و یا از دام شیطان. فرمود: این را بگو وقتی به بامداد رسیدی و وقتی که به شامگاه رسیدی و وقتی که بر بستر خواب پهلوی نهادی». کلمه‌ی شرک: به معنی شرک‌آوری شیطان و وسوسه‌های شرک‌آمیز او. و شرک: به معنی دام و بندهای او که مردم را به دام می‌اندازد و شکارشان می‌کند.

وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَالتِّرْمِذِيِّ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عَفَّانٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَا مِنْ عَبْدٍ يَقُولُ فِي صَبَاحٍ كُلِّ يَوْمٍ وَمَسَاءٍ كُلِّ لَيْلَةٍ بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي لَا يَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ فَيَضُرَّهُ شَيْءٌ! قال الترمذي: هذا حديث حسن صحيح هذا لفظ الترمذي. وفي رواية أبي داود: @لَمْ تُصِبْهُ فَجَاءَهُ بَلَاءٌ!

رسول الله ص فرمود: «هر بنده‌ای که اول هر بامداد و اول هر شب بگوید: به نام الله که با نام او هیچ چیز در زمین و هیچ چیز در آسمان زیانی نمی‌رساند، و این را سه بار بگوید هیچ چیز زیان به او نمی‌رساند، این لفظ ترمذی است و در روایت ابی داود: کسی که این کلمات را بامداد و شامگاه بگوید بلای ناگهانی به او نمی‌رسد».

وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ التِّرْمِذِيِّ عَنْ ثَوْبَانَ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: @مَنْ قَالَ حِينَ يُمَسِّي رَضِيَتْ بِاللَّهِ رِئًا وَبِالْإِسْلَامِ دِينًا وَبِمُحَمَّدٍ نَبِيًّا كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يُرَضِّيَهُ! في إسناده سعد بن المرزبان وهو ضعيف باتفاق الحفاظ. وقد قال الترمذي: هذا حديث حسن صحيح غريب.

رسول الله ص فرمود: @کسی که گفت در اول شب: خشنود شدم به خدای یکتا در پروردگاری و به اسلام به عنوان دین و به محمد ص به عنوان پیامبر، حق است بر خدای متعال که او را راضی نماید». وقتی که در اسناد حدیث آن مرد ضعیف است مقتضایش این بود که این حدیث ضعیف باشد، اما ترمذی که حکم به صحت حدیث نموده معلوم است که از طریق دیگر حدیث را صحیح دانسته است.

وقد رواه أبو داود والنسائي بأسانيد جيدة عن رجل خدّم النَّبِيَّ ﷺ عَنْ النَّبِيِّ ﷺ بلفظه، فثبت أصل الحديث والله الحمد. وقد رواه الحاكم أبو عبد الله في المستدرک على الصحيحين وقال صحيح الإسناد وقد وقع في رواية أبي داود وغيره: @وَبِمُحَمَّدٍ رَسُولًا! وفي رواية الترمذي: @وَبِمُحَمَّدٍ

نَبِيًّا! فَيَسْتَحِبُّ أَنْ يَجْمَعَ الْإِنْسَانُ بَيْنَهُمَا فَيَقُولُ: @رَضِيتُ بِاللَّهِ رَبًّا وَبِالْإِسْلَامِ دِينًا وَبِمُحَمَّدٍ نَبِيًّا وَرَسُولًا!.

حدیث: رَضِيتُ بِاللَّهِ رَبًّا وَبِالْإِسْلَامِ دِينًا وَبِمُحَمَّدٍ نَبِيًّا وَرَسُولًا: از مجموع این روایات صحت آن به ثبوت رسیده و به همین لفظ بگوید.

وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ بِإِسْنَادٍ جَيِّدٍ - لَمْ يَضَعْفِهِ - عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ  $\tau$  أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ  $\rho$  قَالَ: @مَنْ قَالَ حِينَ يُصْبِحُ أَوْ يُمَسِّي اللَّهُمَّ إِنِّي أَصْبَحْتُ أُشْهِدُكَ وَأُشْهِدُ حَمَلَةَ عَرْشِكَ وَمَلَائِكَتَكَ وَجَمِيعَ خَلْقِكَ أَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ أَعْتَقَ اللَّهُ رُبْعَهُ مِنَ النَّارِ فَمَنْ قَالَهَا مَرَّتَيْنِ أَعْتَقَ اللَّهُ نِصْفَهُ مِنَ النَّارِ وَمَنْ قَالَهَا ثَلَاثًا أَعْتَقَ اللَّهُ ثَلَاثَةَ أَرْبَاعِهِ فَإِنْ قَالَهَا أَرْبَعًا أَعْتَقَهُ اللَّهُ مِنَ النَّارِ!.

رسول الله ص فرمود: «کسی که موقع بامداد یا شامگاه بگوید: خدایا من در این بامداد تو را گواه می گیرم و بر دارندگان عرش تو را گواه می گیرم و فرشتگانت را گواه می گیرم و همه ی مخلوقات را گواه می گیرم که تو خدای یکتا هستی هیچ شریکی برای تو نیست، و یقین دارم که محمد بنده ی تو و فرستاده ی توست، کسی که این را یک بار بگوید ربع او از آتش دوزخ آزاد می شود، و کسی که دو بار آن را بگوید نیمی از بدنش از آتش دوزخ آزاد شود، و کسی که سه بار آن را بگوید سه ربع او از آتش دوزخ آزاد شود، و کسی که چهار بار آن را بگوید همه ی بدنش از آتش دوزخ آزاد شود».

وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ بِإِسْنَادٍ جَيِّدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ غَنَامٍ الْأَلْبَانِيِّ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ  $\rho$  قَالَ: @مَنْ قَالَ حِينَ يُصْبِحُ اللَّهُمَّ مَا أَصْبَحَ بِي مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنْكَ وَحَدِّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ فَلَكَ الْحَمْدُ وَلَكَ الشُّكْرُ. فَقَدْ أَدَّى شُكْرَ يَوْمِهِ وَمَنْ قَالَ مِثْلَ ذَلِكَ حِينَ يُمَسِّي فَقَدْ أَدَّى شُكْرَ لَيْلَتِهِ!.

رسول الله ص فرمود: «کسی که موقعی که بامداد می شود بگوید: خدایا هر نعمتی که در این بامداد دارم از فضل توست به تنهاییات، هیچ شریکی برای تو نیست، برای توست ستایش ها و سپاس ها. یعنی آنچه دارم از فضل و کرم می باشد که آن همه نعمت به من ارزانی داشته ای، کسی که این را بگوید شکر آن روزش را به جای آورده است، و کسی که

مثل آن را بگوید وقتی که به شب می‌رسد او نیز شکر شبش را به جا آورده است، یعنی در شب می‌گوید:

@اللَّهُمَّ مَا أَمْسَى بِي مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنْكَ وَحَدِّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَكَ الْحَمْدُ وَلَكَ الشُّكْرُ!

وما روينا بالأسانيد الصحيحة في سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَالنَّسَائِيَّ وَابْنِ مَاجَهَ عَنْ ابْنِ عَمْرِو رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَ: لَمْ يَكُنِ النَّبِيُّ يَدْعُ هَؤُلَاءِ الْكَلِمَاتِ حِينَ يُمَسِّي وَحِينَ يُصْبِحُ: @اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعَافِيَةَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعَفْوَ وَالْعَافِيَةَ فِي دِينِي وَدُنْيَايَ، وَأَهْلِي وَمَالِي، اللَّهُمَّ اسْتُرْ عَوْرَاتِي، وَآمِنْ رَوْعَاتِي، اللَّهُمَّ احْفَظْنِي مِنْ بَيْنِ يَدَيْ وَمِنْ خَلْفِي، وَعَنْ يَمِينِي، وَعَنْ شِمَالِي، وَمِنْ فَوْقِي، وَأَعُوذُ بِعَظَمَتِكَ أَنْ أُغْتَالَ مِنْ تَحْتِي!. قَالَ وَكِيعٌ: يَعْنِي الْخُسْفَ. قَالَ الْحَاكِمُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ: هَذَا حَدِيثٌ صَحِيحٌ الْإِسْنَادُ.

ابن عمر ب می‌گوید: رسول الله ص هیچگاه این دعاها را در بامدادان و شامگاهان ترک نمی‌نمود و می‌فرمود: خدایا از تو می‌خواهم عافیت و تندرستی و دوری از ناملایمات در دنیا و آخرت، خدایا از تو می‌خواهم گذشت و عافیت در دینم و دنیایم و در خانواده و بستگانم و در اموالم. خدایا بپوشان عورت‌هایم را و مرا ایمن بگردان از ترس‌هایم. خدایا مرا نگه دار از جلوم و از پشت سرم و از دست راستم و از دست چپم و از بالای سرم و پناه می‌برم به عظمت و بزرگی و بزرگواریت از این که از زیر پایم خسف شوم و به ته زمین فرو روم (عورت: محلی از بدن که پیداشدنش ناراحت‌کننده است) و روعات: جمع روعة به معنی ترس است، انسان ترس بسیار دارد از خشم خدا، از دیدن عقوبت و غیره. و این دعا از رسول الله ص درسی است برای امتش.

وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَالنَّسَائِيَّ وَغَيْرِهِمَا بِالْإِسْنَادِ الصَّحِيحِ عَنْ عَلِيِّ ٢ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ عِنْدَ مَضْجَعِهِ: @اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَكَلِمَاتِكَ التَّامَّةِ مِنْ شَرِّ مَا أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهِ اللَّهُمَّ أَنْتَ تَكْشِفُ الْمَغْرَمَ وَالْمَأْتَمَ اللَّهُمَّ لَا يَهْزُمُ جُنْدُكَ وَلَا يُخْلَفُ وَعْدُكَ وَلَا يَنْفَعُ ذَا الْجَدِّ مِنْكَ الْجَدُّ سُبْحَانَكَ وَبِحَمْدِكَ!

رسول الله ص موقعی که به بستر خواب می‌رفت می‌فرمود: «خدایا پناه می‌برم به ذات بزرگواریت و به کلمات و آیات قرآن از شر هر چیز که پیشانیش در دست توست، یعنی پناه

می‌برم به تو از شر آنچه در قبضه‌ی قدرت توست که همه‌ی کاینات باشد، یعنی من از شر همه‌ی مخلوقات به تو پناه می‌برم. خدایا تو از بدهکاری و گنهکاری نجات می‌دهی، خدایا لشکریان شکست‌ناپذیرند و وعده‌ی تو خلاف‌ناپذیر است و ثروت، ثروتمند را به جای تو فایده نمی‌رساند، تنزیه می‌گویم و به ستایش مشغولم».

وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَابْنِ مَاجَهَ بِإِسْنَادٍ جَيِّدَةٍ عَنْ أَبِي عِيَّاشٍ (بِالشَّيْنِ الْمَعْجَمَةِ) أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: @مَنْ قَالَ إِذَا أَصْبَحَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ كَانَ لَهُ عِدْلٌ رَقَبَةٍ مِنْ وَلَدِ إِسْمَاعِيلَ وَكُتِبَ لَهُ عَشْرُ حَسَنَاتٍ وَخُطَّ عَنْهُ عَشْرُ سَيِّئَاتٍ وَرَفِعَ لَهُ عَشْرُ دَرَجَاتٍ وَكَانَ فِي حِرْزٍ مِنَ الشَّيْطَانِ حَتَّى يُمَسِيَ وَإِنْ قَالَهَا إِذَا أَمْسَى كَانَ لَهُ مِثْلُ ذَلِكَ حَتَّى يُصْبِحَ!.

رسول الله ص فرمود: «کسی که گفت موقعی که بامداد دمید: نیست معبودی به حق مگر خدای یکتایی که هیچ شریکی برای او نیست، برای اوست دارندگی همه‌ی کاینات و برای اوست ستایش‌ها و او بر همه چیز تواناست، برای اوست برابر گردنی از فرزندان اسماعیل و نوشته می‌شود برای او ده حسنه و انداخته می‌شود از او ده بدی و بالا برده می‌شود برای او ده درجه و او در نگهداری خداست و او را از شیطان نگه می‌دارد تا شب برسد، و اگر شامگاهان این را بگوید برای اوست همانند آن تا صبح بر او بدمد.

وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ - بِإِسْنَادٍ لَمْ يَضَعْفُهُ - عَنْ أَبِي مَالِكٍ الْأَشْعَرِيِّ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: @إِذَا أَصْبَحَ أَحَدُكُمْ فَلْيَقُلْ أَصْبَحْنَا وَأَصْبَحَ الْمُلْكُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ هَذَا الْيَوْمِ فَتَحَهُ وَنَصْرَهُ وَنُورَهُ وَبَرَكَتَهُ وَهُدَاهُ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا فِيهِ وَشَرِّ مَا بَعْدَهُ ثُمَّ إِذَا أَمْسَى فَلْيَقُلْ مِثْلَ ذَلِكَ!.

رسول الله ص فرمود: وقتی که یکی از شما داخل به بامداد شد بگوید: بامداد بر ما دمید و همه‌ی کاینات اقرار نمودند به پروردگاری خدایی که پروردگار جهانیان است. خدایا از تو می‌خواهم خوبی امروز، گشایش آن و پیروزی در آن و روشنایی آن و برکت آن و هدایت آن (برای رسیدن به راه راست در آن) و وقتی که شامگاهان شد هم مثل آن بگوید: اَمْسَيْنَا اَمْسَى الْمُلْكُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ... به شب داخل شدیم و دارندگی همه‌ی کاینات برای خدایی

وَوَيْتَنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي بَكْرَةَ أَنَّهُ قَالَ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ إِنِّي أَسْمَعُكَ تَدْعُو كُلَّ عِدَاةٍ: @اللَّهُمَّ عَافِنِي فِي بَدَنِي اللَّهُمَّ عَافِنِي فِي سَمْعِي اللَّهُمَّ عَافِنِي فِي بَصَرِي، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكُفْرِ وَالْفَقْرِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ!. تعيدها حين تصبح ثلاثاً، وثلاثاً حين تمسي، فقال: إني سمعت رسول الله ﷺ يدعو بهنّ، فإنا أحب أن أستنّ بستته.

[illegible]

فَاتَهُ فِي يَوْمِهِ ذَلِكَ وَمَنْ قَالَهُنَّ حِينَ يُمَسِّي أَدْرَكَ مَا فَاتَهُ فِي لَيْلَتِهِ!. بخاری این حدیث را ضعیف دانسته و در دو کتاب التاریخ و الضعفا ضعف آن را بیان داشت.

رسول الله ص فرمود: کسی که در بامداد هر روز بگوید: «تسبیح و تنزیه خدا می گویم موقعی که وارد به شب می شوید و موقعی که وارد به روز می شوید، و ستایش برای اوست در آسمانها و زمین و شامگاهان و وقتی که به نیمروز می رسید، زنده را از مرده بیرون می آورد و مرده را از زنده بیرون می آورد و زمین را بعد از مرگش زنده می سازد؛ و بدینگونه از گورها بیرون آورده می شوید، هرچه در آن روز از دست داده به دست می آورد و هرکس آن را به هنگام شب بگوید، آنچه در آن شب از دست داده به دست می آورد».

این چه قدرتی است که شب تاریک را می برد و صبح دلنواز را به جای آن می نشاند و روز پریها را می برد و شب آرام و دلنشین را به جای آن می نشاند، این خدای متعال است که حمد جمیع کاینات در آسمانها و زمین برای اوست و پسین و ظهر، همه ی کاینات به حمد و تسبیح او مشغولند، حمد و ستایش خدای متعال در بامداد و شامگاهان و در وقت ظهر و پسین می رساند که حمد او همیشه برقرار است، به اذان بنگرید که در تمام ساعات شبانه روز ندای: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ را در سراسر جهان بسط می دهد، برای این که اذان در جایی در وقت ظهر است و در جایی دیگر وقت صبح و در جایی دیگر عصر است و در جایی دیگر مغرب است، پس حمد او، تسبیح او و شهادت به دین مبین او در تمام ساعات شبانه روز در سراسر جهان طنین انداز است تا اگر کسی دلش مرده باشد این اذان محمدی دلش را زنده گرداند، و اگر کسی دل زنده را به غفلت از حمد و تسبیح پروردگار آشیانه ی بوم کفر کرد، زندگی خود را به باد داده و تاریکی کفر را برای خود خریده است. چه دلیل از این بهتر که پروردگار مهربان از زمین مرده با یک باران رحمت، زمینی زنده و پر از جوش و خروش به بار می آورد، و از تنی زنده و آلوده به کفر جسمی بی جان به وجود می آورد، بزرگی به خودش سزاوار است، از زمین مرده زمین زنده به وجود می آورد، و از پدری مرده به کفر، فرزندی زنده به ایمان را به میدان می آورد، و از پدری زنده به ایمان، پسر مرده به کفر را به اجتماع می سپارد تا بدانند که دلها مقهور فرمان اوست، نه تابع قانون وراثت. او زمین مرده را زنده می سازد بعد از مردنش و آنچنان هم شما بشر به یک باران

رحمتی که آب حیات نام دارد از قبر بیرون آورده می‌شوید تا هر کدام به سوی هدف خود روانه شوید.

وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ بَعْضَ بَنَاتِ النَّبِيِّ ﷺ وَرَضِيَ اللَّهُ عَنْهُنَّ أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ كَانَ يُعَلِّمُهَا فَيَقُولُ: @قُولِي حِينَ تُصْبِحِينَ سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ مَا شَاءَ اللَّهُ كَانَ وَمَا لَمْ يَشَأْ لَمْ يَكُنْ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا فَإِنَّهُ مَنْ قَالَهُنَّ حِينَ يُصْبِحُ حَفِظَ حَتَّى يُمَسِيَ وَمَنْ قَالَهُنَّ حِينَ يُمَسِي حَفِظَ حَتَّى يُصْبِحَ!

رسول الله ص به بعضی از دختران خود می‌آموخت و می‌فرمود: «هر بامداد بگو: تنزیه خدا می‌گویم و به ستایش او مشغولم، هیچ قدرتی نیست که به کار آید مگر به کمک خدای متعال، آنچه خدا بخواهد می‌شود، و آنچه نخواهد نمی‌شود. یقین دارم که خدا بر همه چیز تواناست و علمش به همه چیز احاطه فرموده است، نه چیزی هست که از قدرت او خارج باشد و نه چیزی هست که از علم او خارج باشد، کسی که این کلمات را بامداد گفت تا غروب آن روز در حفظ خداست، و کسی که این کلمات را به شب گفت تا صبح در حفظ خداست».

وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ قَالَ دَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ ذَاتَ يَوْمٍ الْمَسْجِدَ فَإِذَا هُوَ بِرَجُلٍ مِنَ الْأَنْصَارِ يَقُولُ لَهُ أَبُو أُمَامَةَ فَقَالَ: @يَا أَبَا أُمَامَةَ مَا لِي أَرَاكَ جَالِسًا فِي الْمَسْجِدِ فِي غَيْرِ وَقْتِ الصَّلَاةِ! قَالَ هُمُومٌ لَرِمْتَنِي وَذِيُونٌ يَا رَسُولَ اللَّهِ. قَالَ @أَفَلَا أَعَلَّمْتُكَ كَلَامًا إِذَا أَنْتَ قُلْتَهُ أَذْهَبَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ هَمَّكَ وَقَضَى عَنْكَ دَيْنَكَ! قُلْتُ: بَلَى، يَا رَسُولَ اللَّهِ. قَالَ: @قُلْ إِذَا أَصْبَحْتَ وَإِذَا أُمْسَيْتَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْهَمِّ وَالْحَزَنِ وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْعَجْزِ وَالْكَسَلِ وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْجُبْنِ وَالْبُخْلِ وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ غَلَبَةِ الدَّيْنِ وَقَهْرِ الرِّجَالِ! قَالَ فَفَعَلْتُ ذَلِكَ فَأَذْهَبَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ هَمِّي وَقَضَى عَنِّي دَيْنِي.

رسول الله ص روزی داخل مسجد شد و دید مردی از انصار که ابو امامه نام دارد، در مسجد نشسته است. فرمود: «ای ابا امامه چرا در غیر وقت نماز در مسجد نشسته‌ای؟» ابو امامه گفت: اندوه‌ها و بدهکاری‌هایی ملازم من شده اند یا رسول الله، فرمود: «آیا نیاموزم تو را کلماتی که هرگاه آنها را بگویی خدا اندوهت را از میان بردارد و بدهکاری‌هایت را بپزدازد».



گفتم: بله یا رسول الله، آن کلمات را به من بیاموز. فرمود: «وقتی که به بامداد رسیدی و وقتی که به شامگاهان رسیدی بگو: خدایا پناه می‌برم به تو از غم و اندوه و پناه می‌برم به تو از ناتوانی و سستی و پناه می‌برم به تو از ترسویی و بخیلی و پناه می‌برم به تو از چیره‌شدن بدهکاری و خوارشدن مردان». ابو امامه گفت: آن کلمات را گفتم و خدا اندوه مرا برد و دیونم را ادا فرمود.

وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السُّنِّيِّ بِإِسْنَادٍ صَحِيحٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا أَصْبَحَ قَالَ: @أَصْبَحْنَا عَلَى فِطْرَةِ الْإِسْلَامِ، وَكَلِمَةِ الْإِخْلَاصِ، وَدِينِ نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ، وَمِلَّةِ أَبِيْنَا إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا مُسْلِمًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ! قُلْتُ كَذَا وَقَعَ فِي كِتَابِهِ. @وَدِينِ نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ! وَهُوَ غَيْرُ مُتَّبَعٍ، وَلَعَلَّهُ ﷺ قَالَ ذَلِكَ جَهْرًا لِيَسْمَعَهُ غَيْرُهُ فَيَتَعَلَّمَهُ. وَاللَّهُ أَعْلَمُ.

رسول الله ص صبح که می‌شد می‌فرمود: «صبح واکردیم بر فطرت اسلام و کلمه‌ی اخلاص و دین پیغمبرمان محمد ص و ملت ابراهیم مستقیم بر شریعت و مسلمان و من از مشرکان نیستم». امام نووی فرمود که رسول الله ص تابع کسی نیست. بنابراین گفتن: دین نبینا شاید بلند فرموده به قصد این که مسلمانان آن را بشنوند و یاد بگیرند.

فطرت به معنی طبیعت و سرشت، برای این که دین اسلام دین سرشت است که هرکسی بر همین سرشت آفریده شده است، و لیکن پدران و مادران، فرزندان‌شان را بر دین خودشان می‌پرورانند. قبلاً شرح دادیم که دین از جهت این که مردم در آن یکسانند شریعت نامیده می‌شود، و از جهت این که رسول الله ص آن را املا می‌فرمایند ملت نامیده می‌شود و از جهت این که پیروی از آن می‌شود دین نامیده می‌شود. و حنیفاً به معنی مستقیماً بر راه راست است. و حنیفاً: مائلاً عن کلّ دین إلی دین الإسلام. وکلمة الإخلاص: لا إله إلا الله می‌باشد. بنابراین، ما مسلمانان بر سرشت اسلام و بر کلمه‌ی اخلاص و دین محمد و ملت ابراهیم هستیم.

وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السُّنِّيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي أَوْفَى ب قَالَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا أَصْبَحَ قَالَ: @أَصْبَحْنَا وَأَصْبَحَ الْمُلْكُ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَالْكَرْبَاءُ وَالْعِظْمَةُ لِلَّهِ وَالْخَلْقُ وَالْأَمْرُ وَاللَّيْلُ

رسول الله ص وقتی که صبح می شد می فرمود: «صبح واکردیم و همه ی کاینات برای خدای عزوجل است، و ستایش ها همه برای خداست و کبریا و عظمت برای خدای یکتاست و عالم خلق از امور مادی و عالم امر از امور معنوی. بدن انسان مخلوق خدا و از عالم خلق است، و روح انسان از مخلوقات خداست و از عالم امر است، و شب و روز و آنچه در شب و روز آرام می گیرند همه برای خدای متعال هستند. خلقت همه از اوست و نگهداری همه از اوست و تصرف در همه برای اوست، او آفریدگار همه است و طاعت همه برای اوست. خدایا اول امروز صلاح و شایستگی قرار ده تا در آغاز روز به کارهای شایسته پردازیم، و میان روز کامیابی قرار ده تا در کارهای خیر کامیاب شویم و آخر روز رستگاری قرار ده تا در انجام هر کار رستگار شویم ای مهربان ترین مهربانان».

وَوَيْتَنَا فِي كِتَابِ التِّرْمِذِيِّ وَابْنِ السُّنِّيِّ بِإِسْنَادٍ فِيهِ ضَعْفٌ عَنْ مَعْقِلِ بْنِ يَسَارٍ عَنِ النَّبِيِّ ﷺ قَالَ: @مَنْ قَالَ حِينَ يُصْبِحُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ: أَعُوذُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ، وَقَرَأَ ثَلَاثَ آيَاتٍ مِنْ آخِرِ سُورَةِ الْحَشْرِ: وَكَلَّ اللَّهُ بِهِ سَبْعِينَ أَلْفَ مَلَكٍ يُصَلُّونَ عَلَيْهِ، حَتَّى يُمْسِيَ، وَإِنْ مَاتَ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ مَاتَ شَهِيداً، وَمَنْ قَالَهَا حِينَ يُمْسِي كَانَ بِتِلْكَ الْمَنْزِلَةِ!.

رسول الله ص فرمود: «کسی که وقتی که صبح شد سه بار گفت: پناه می‌برم به خدای  
شنوای دانا از شیطان نفرین شده و سه آیه از سوره‌ی حشر خواند (ظاهراً سه آیه‌ی آخر  
سوره‌ی حشر) خدا موکل می‌فرماید هفتاد هزار فرشته تا بر او درود فرستند تا به شب برسد، و  
اگر آن روز بمیرد به شرف شهادت می‌رسد، و کسی که آن را بگوید وقتی که به شب داخل  
می‌شود هم به همان منزلت است».

[illegible]

محمد بن ابراهيم از پدرش ابراهيم  $\tau$  روایت نمود که پدرش گفت که رسول الله ص ما را در سریه ای فرستاد و به ما امر فرمود که این آیه ی 115 از سوره ی مؤمنون: ﴿رَبِّهِمْ فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَهُمْ جَاءُكَ إِنَّكَ إِلَىٰ عَيْنِ رَبِّهِمْ فَاصْبِرْ﴾ را در صبح و شام بخوانیم، و ما آن را خواندیم و غنیمت از دشمن به دست آوردیم و به سلامت برگشتیم.

تفسیر آیه: آیا گمان کرده اید شما را آفریدیم به بازی و به سوی ما باز نمی گردید؟ ﴿رَبِّهِمْ فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَهُمْ جَاءُكَ إِنَّكَ إِلَىٰ عَيْنِ رَبِّهِمْ فَاصْبِرْ﴾. [المؤمنون: 116].

@برتر آمد خدای یکتایی که فرمانروای برحق است، نیست معبودی بحق مگر او که صاحب عرش بزرگوار است؛ یعنی خدا شما را به بازی نیافرید و او بالاتر و برتر از آن است که به بازی بیافریند، شما را آفرید تا مطیع فرمانش باشید و به سوی او بازگردید تا جزای اعمالتان را دریابید.

وَرَوَيْنَا فِيهِ عَنْ أَنَسٍ  $\tau$  أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ  $\rho$  كَانَ يَدْعُو بِهَذِهِ الدَّعْوَةِ إِذَا أَصْبَحَ وَإِذَا أَمْسَى: @اللَّهُمَّ أَسْأَلُكَ مِنْ فَجَاءَةِ الْخَيْرِ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ فَجَاءَةِ الشَّرِّ!.

رسول الله ص بامداد و شامگاهان این دعا را می فرمود: «خدایا از تو می خواهم ناگهان آمدن خیر و پناه می برم به تو از ناگهان آمدن شرها».

وَرَوَيْنَا فِيهِ عَنْ أَنَسٍ  $\tau$  قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ  $\rho$  لِفَاطِمَةَ ل: @مَا يَمْنَعُكَ أَنْ تَسْمَعِي مَا أَوْصِيكِ بِهِ، أَنْ تَقُولِي إِذَا أَصْبَحْتَ وَإِذَا أَمْسَيْتِ: يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ بِرَحْمَتِكَ أَسْتَغِيْثُ أَصْلِحْ لِي شَأْنِي كُلَّهُ، وَلَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ!.

رسول الله ص به فاطمه، سیده نساء العالمین، سیده نساء هذه الأمة، سیده نساء أهل الجنة سلام الله علیها فرمود: کدام چیز مانعت می شود از این که بشنوی آنچه را که تو را سفارش به آن می نمایم که در هر بامداد و شامگاه بگویی: ای همیشه زنده، همیشه ایستاده به تدبیر

خلاق، طلب فریادرسی می‌کنم از تو، پس کارهایم همه را به صلاح آور و کارهایم همه به عهده‌ی خودت است و یک چشم به هم‌زدن مرا به خودم واگذار نفرما».

وَرَوَيْنَا فِيهِ بِإِسْنَادٍ ضَعِيفٍ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ بَأَنَّ رَجُلًا شَكَى إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ أَنَّهُ تُصِيبُهُ الْآفَاتُ فَقَالَ لَهُ الرَّسُولُ ﷺ: @قُلْ إِذَا أَصْبَحْتَ: بِسْمِ اللَّهِ عَلَى نَفْسِي وَأَهْلِي، فَإِنَّهُ لَا يَذْهَبُ لَكَ شَيْءٌ! فَقَالَهُنَّ الرَّجُلُ فَذَهَبَتْ عَنْهُ الْآفَاتُ.

مردی شکایت حال خود نمود نزد رسول الله ص و گفت: یا رسول الله! انواع آفت به من می‌رسد: چیزی می‌خرم ضرر می‌کنم و چیزی می‌خواهم از آن استفاده کنم از دستم بیرون می‌رود. رسول الله ص به او فرمود: «صبح هرروز بگو: به نام خدا نگهداری خود و اهل و بستگانم قرار می‌دهم تا برکت نام خدا بر همه‌مان باشد و به سبب این دعا چیزی از دست تو نمی‌رود». آن مرد این را گفت و آفت از او دور شد.

وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ ابْنِ مَاجَهٍ وَكِتَابِ ابْنِ السَّنَنِ عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ لَأَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَانَ إِذَا أَصْبَحَ قَالَ: @اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ عِلْمًا نَافِعًا، وَرِزْقًا طَيِّبًا، وَعَمَلًا مُتَقَبَّلًا!

رسول الله ص بامداد هرروز می‌فرمود: «خدایا از تو می‌خواهم علمی که سودمند باشد و روزی که حلال باشد و عملی که مقبول درگاهت باشد».

وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السَّنَنِ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ بَأَنَّ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: @مَنْ قَالَ إِذَا أَصْبَحَ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَصْبَحْتُ مِنْكَ فِي نِعْمَةٍ وَعَافِيَةٍ وَسِتْرٍ فَأَتِمَّ نِعْمَتَكَ عَلَيَّ وَعَافِيَتَكَ وَسِتْرَكَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ . ثَلَاثَ مَرَّاتٍ إِذَا أَصْبَحَ وَإِذَا أَمْسَى كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ تَعَالَى أَنْ يُتِمَّ عَلَيْهِ!

رسول الله ص فرمود: کسی که بامداد و شامگاه سه بار بگوید: خدایا من صبح واکرده‌ام بر نعمت و عافیت و سترت، پس نعمت و عافیت و سترت را در دنیا و آخرت بر من کامل بگردان، خداوند حق او می‌داند که این نعمت‌ها را بر او تکمیل کند».

وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ التِّرْمِذِيِّ وَابْنِ السَّنَنِ عَنْ زَيْدِ بْنِ الْعَوَّامِ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ قَالَ: @مَا مِنْ صَبَاحٍ يُصْبِحُ الْعِبَادُ فِيهِ إِلَّا وَمُنَادٍ يُنَادِي سُبْحَانَ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ! . وَفِي رَوَايَةِ ابْنِ السَّنَنِ: @إِلَّا صَارِخٌ يَصْرُخُ: أَيُّهَا الْخَلَائِقُ، سَبِّحُوا الْمَلِكَ الْقُدُّوسَ!

رسول الله ص فرمود: «هر بامدادی که مردم صبح وامی کنند، ندا زنده‌ای ندا می‌زند، یعنی به آواز بلند می‌گوید که مردم بشنوند: پاک و منزّه است فرمانروای بسیار پاک». و در روایت ابن السنی فریادزنی فریاد می‌کشد: «ای خلاق تسبیح خدا که الملك القدوس است بگویند». الملك: از نام‌های پاک پروردگار است. القدوس: از نام‌های پاک پروردگار متعال است. الملك: به معنی شاه و دارنده و مالک و فرمانروا است. القدوس: بسیار پاک. دعوت به تسبیح و تقدیس خدا کاری است که هر روز فرشته‌ای انجام می‌دهد، و یقیناً که خلاق همه این ندا را اجابت می‌کنند، لیکن از بنی آدم چه اندازه اجابت می‌کنند خدا می‌داند! مقصود این است که ای خلاق همه امورتان در دست خداست، روی به او آورید، او را تسبیح و تنزیه گویند که غیر از او همه اموات هستند و کاری نمی‌توانند بکنند.

وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السُّنِّي عَنْ بَرِيدَةَ ط قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ قَالَ إِذَا أَصْبَحَ وَإِذَا أَمْسَى: رَبِّيَ اللَّهُ تَوَكَّلْتُ عَلَيْهِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ مَا شَاءَ اللَّهُ كَانَ وَمَا لَمْ يَشَأْ لَمْ يَكُنْ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا ثُمَّ مَاتَ دَخَلَ الْجَنَّةَ!.

رسول الله ص فرمود: «کسی که در وقت صبح و شام بگوید: پروردگارم خدای یکتاست، بر او توکل نمودم، نیست معبودی بحق مگر او، بر او توکل نمودم و کارهایم به او وا گذاشتم و او صاحب عرش عظیم است، نیست معبودی به حق مگر خدا که بسیار بلندمرتبه و بسیار بزرگوار است، فهم کسی به علو و عظمت او نمی‌رسد، آنچه خدا خواست شد و آنچه نخواست نشد، یقین می‌دانم که خدا بر همه چیز تواناست و علم او به همه چیز احاطه نموده و هیچ چیز از علم او بیرون نیست؛ کسی که این را گفت و مرد به بهشت داخل شده است».

وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السُّنِّي عَنْ أَنَسٍ ط أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: @أَيَعِجْزُ أَحَدُكُمْ أَنْ يَكُونَ كَأَبِي صَمْصَمٍ!؟. قَالُوا: وَمَنْ أَبُو صَمْصَمٍ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: @كَانَ إِذَا أَصْبَحَ قَالَ: اللَّهُمَّ إِنِّي قَدْ وَهَبْتُ نَفْسِي وَعَرْضِي لَكَ فَلَا يَشْتُمُ مَنْ شَتَمَهُ وَلَا يَظْلِمُ مَنْ ظَلَمَهُ وَلَا يَضْرِبُ مَنْ ضَرَبَهُ!.

رسول الله ص به یاران فرمود: «آیا هریک از شما نمی‌تواند مثل اَبی صمضم باشد؟ گفتند: ابو صمضم چه کسی است یا رسول الله؟ فرمود: «ابو صمضم کسی است که صبح که می‌شد

رو به خدا می کرد و می گفت: خدایا من به حقیقت خودم و شرفم را به تو بخشیده ام، پس دشنام نمی داد به کسی که او را دشنام داده بود و ستم نمی کرد به کسی که به او ستم کرده بود و نمی زد کسی را که به او زده بود».

وَرَوَيْنَا عَنْ أَبِي الدَّرْدَاءِ  $\tau$  عَنِ النَّبِيِّ  $\rho$  وَقَالَ:  $@$  مَنْ قَالَ فِي كُلِّ يَوْمٍ حِينَ يُصْبِحُ وَحِينَ يُمَسِي: حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ سَبْعَ مَرَّاتٍ كَفَاهُ اللَّهُ تَعَالَى مَا أَهَمُّهُ مِنْ أَمْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ!

رسول الله ص فرمود: «کسی که هرروز در وقت صبح و شام هفت بار بگوید: کفایت من است الله، آن خدایی که نیست معبودی به حق مگر او. بر او توکل نمودم و او صاحب عرش عظیم است، کسی که هر صبح و شام هفت بار این را بگوید، خدا امر دنیا و آخرتش را کفایت می کند». یعنی حوائج او را برآورده می سازد تا خاطر او آسوده شود. و باید دانست که گفتن این کلمات باید با عقیده ی قلبی موافقت داشته باشد، و با یقین به این که خدا کفایت کننده ی هرکسی است که بر او توکل کند و با اعتماد بر خدا باشد. نظام اسباب و مسببات را فراموش نکند تا هم کوشش خود به کار گرفته و هم از خدا در موفقیت خود مدد گرفته باشد.

وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ التِّرْمِذِيِّ وَابْنِ السُّنِيِّ عَنْ طَلْقِ بْنِ حَبِيبٍ، قَالَ: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى أَبِي الدَّرْدَاءِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، فَقَالَ: يَا أَبَا الدَّرْدَاءِ قَدْ اخْتَرَقَ بَيْتُكَ؟ قَالَ: مَا اخْتَرَقَ، لَمْ يَكُنْ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِيَفْعَلَ ذَلِكَ لِكَلِمَاتٍ سَمِعْتُهُنَّ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ قَالَهَا أَوَّلَ نَهَارِهِ لَمْ تُصِبْهُ مُصِيبَةٌ حَتَّى يُمَسِيَ، وَمَنْ قَالَهَا آخِرَ النَّهَارِ لَمْ تُصِبْهُ مُصِيبَةٌ حَتَّى يُصْبِحَ:  $@$  اللَّهُمَّ أَنْتَ رَبِّي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، عَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ، وَأَنْتَ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ، مَا شَاءَ اللَّهُ كَانَ، وَمَا لَمْ يَشَأْ لَمْ يَكُنْ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ نَفْسِي، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا، إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ!

مردی نزد ابی الدرداء آمد و گفت: خانه ات آتش گرفت، ابوالدرداء گفت: خانه ام آتش نگرفت و خدای عزوجل خانه ام را نمی سوزاند، به برکت کلماتی که از رسول الله ص شنیدم که فرمود: «هرکس در آغاز روز این کلمات را بگوید تا آخر روز مصیبتی به او نخواهد

رسید و هرکس در آخر روز، یعنی اول شب این کلمات را بگوید تا صبح مصیبتی به او نمی‌رسد، آن کلمات عبارت است از: خدایا تو پروردگارم هستی، نیست معبودی به حق مگر تو. بر تو توکل نمودم، تو صاحب عرش عظیم هستی، آنچه خدا بخواهد می‌شود و آنچه خدا نخواهد نمی‌شود، نیست چاره‌ای برای دوری از گناه، و نیست نیرویی برای پایداری بر طاعت مگر به کمک خدای بسیار بلندمرتبه و بسیار بزرگوار. می‌دانم که خدا یقیناً بر همه چیز تواناست و یقیناً علم خداوندی به همه چیز احاطه کرده است، و هیچ چیز بیرون از علم او نیست. خدایا به تو پناه می‌برم از شر خودم و از شر هر حیوانی که پیشانیش در ید قدرت توست، یقیناً پروردگارم به راه راست است».

وَرَوَاهُ مِنْ طَرِيقٍ آخَرَ عَنْ رَجُلٍ مِنْ أَصْحَابِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَلَمْ يَقُلْ عَنْ أَبِي الدَّرْدَاءِ وَفِيهِ أَنَّهُ تَكَرَّرَ مَجِيءُ الرَّجُلِ إِلَى أَبِي الدَّرْدَاءِ يَقُولُ: أَذْرُكَ دَارَكَ فَقَدْ اخْتَرَقْتُ، وَهُوَ يَقُولُ مَا اخْتَرَقْتُ ؛ لِأَنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: مَنْ قَالَ حِينَ يُصْبِحُ هَذِهِ الْكَلِمَاتِ - وَذَكَرَ هَذِهِ الْكَلِمَاتِ - لَمْ يُصِبْهُ فِي نَفْسِهِ، وَلَا أَهْلِهِ، وَلَا مَالِهِ شَيْءٌ يَكْرَهُهُ وَقَدْ قُلْتَهَا الْيَوْمَ ثُمَّ قَالَ: انْهَضُوا بَنَاءَ فَقَامُوا وَمَعَهُ فَأَنْتَهُوْا إِلَى دَارِهِ، وَقَدْ اخْتَرَقَ مَا حَوْلَهَا، وَلَمْ يُصِبْهَا شَيْءٌ.

و ابن السنی از طریق دیگر روایت کرده است از بعضی از یاران رسول الله ص و از ابی الدرداء روایت نکرده است، و در آن آمده است که آن مردی که خبر می‌آورد، می‌رفت و می‌آمد و می‌گفت: برس به خانه‌ات که سوخت و او می‌گفت: نسوخته است برای این که از رسول الله ص شنیدم که می‌فرمود: هرکسی که بامداد این کلمات را بگوید تا آخر روز هیچ مصیبتی به او و اهل و مالش نمی‌رسد، و اگر اول شب این کلمات را بگوید تا صبح مصیبتی به او نمی‌رسد، و من این کلمات را امروز گفته‌ام. پس از آن گفت: بیاید بریم بینیم. او برخاست و جماعت همراه او برخاستند، وقتی که به خانه‌ی او رسیدند دیدند خانه‌ی اطراف خانه اش سوخته و به خانه اش هیچ زبانی نرسیده است.

وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ التِّرْمِذِيِّ وَابْنِ السَّنَنِ بِإِسْنَادٍ ضَعِيفٍ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ ر قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ قَرَأَ خَتَمَ الْمُؤْمِنِ إِلَى إِلَهِهِ الْمَصِيرِ وَآيَةِ الْكُرْسِيِّ حِينَ يُصْبِحُ، حَفِظَ بِهِمَا حَتَّى يُمْسِيَ، وَمَنْ قَرَأَهُمَا حِينَ يُمْسِي، حَفِظَ بِهِمَا حَتَّى يُصْبِحَ!

رسول الله ص فرمود: «کسی که سوره‌ی ختم المؤمن را که سوره غافر نیز نامیده می‌شود تا إلیه المصیر بخواند و آیه الكرسي بخواند به برکت این دو نگهداری می‌شود، اگر این دو را صبح خوانده تا اول شب حفظ می‌شود، و اگر اول شب این دو را خوانده تا صبح حفظ می‌شود». آن آیات عبارتند از:

بسم الله الرحمن الرحيم: ﴿قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ ۝ هُوَ اللهُ صَمَدٌ ۝ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ ۝ هُوَ اللهُ أَحَدٌ ۝﴾  
 ﴿لَا تَكُنْ كَالَّذِينَ اتَّخَذُوا أَوْلِيَاءَ فَأَبْغَضُوا إِلَهُهُمُ فَتُكَفِّرُ عَنْهُمْ وَهُمْ فِي الْعَذَابِ ۝﴾  
 ﴿قُلْ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَ رَبِّهِ إِلَّا بِإِذْنِهِ ۝ يَعْلَمُ الْغُيُوبَ ۝ لَا يُحِيطُ بِشَيْءٍ إِلَّا بِمَا شَاءَ ۝ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ ۝ وَهُوَ يَغْفِرُ لِمَن يَشَاءُ ۝ إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ۝﴾  
 ﴿قُلْ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَ رَبِّهِ إِلَّا بِإِذْنِهِ ۝ يَعْلَمُ الْغُيُوبَ ۝ لَا يُحِيطُ بِشَيْءٍ إِلَّا بِمَا شَاءَ ۝ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ ۝ وَهُوَ يَغْفِرُ لِمَن يَشَاءُ ۝ إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ۝﴾

آیه الكرسي: ﴿قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ ۝ هُوَ اللهُ صَمَدٌ ۝ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ ۝ هُوَ اللهُ أَحَدٌ ۝﴾  
 ﴿لَا تَكُنْ كَالَّذِينَ اتَّخَذُوا أَوْلِيَاءَ فَأَبْغَضُوا إِلَهُهُمُ فَتُكَفِّرُ عَنْهُمْ وَهُمْ فِي الْعَذَابِ ۝﴾  
 ﴿قُلْ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَ رَبِّهِ إِلَّا بِإِذْنِهِ ۝ يَعْلَمُ الْغُيُوبَ ۝ لَا يُحِيطُ بِشَيْءٍ إِلَّا بِمَا شَاءَ ۝ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ ۝ وَهُوَ يَغْفِرُ لِمَن يَشَاءُ ۝ إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ۝﴾  
 ﴿قُلْ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَ رَبِّهِ إِلَّا بِإِذْنِهِ ۝ يَعْلَمُ الْغُيُوبَ ۝ لَا يُحِيطُ بِشَيْءٍ إِلَّا بِمَا شَاءَ ۝ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ ۝ وَهُوَ يَغْفِرُ لِمَن يَشَاءُ ۝ إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ۝﴾

اینها احادیثی است راجع به اذکار شبانه روز که خواستیم آنها را ذکر کنیم و برای کسی که خدا او را موفق کند، کفایت می‌کند. از خداوند بزرگ توفیق عمل به این احادیث و همه‌ی راه‌های خیر را می‌خواهیم.

«باب ما يقال في صبيحة يوم الجمعة»

بابی است در بیان آنچه در صبح روز جمعه گفته می‌شود



بدان که هرچه از اذکار غیر روز جمعه است در روز جمعه نیز گفته می‌شود، و بیش از هرروز دیگر مستحب است بسیاری یاد خدا در روز جمعه و بسیاری درودفرستادن بر رسول الله ص.

وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السُّنِّي عَنْ أَنَسٍ رَ عَنِ النَّبِيِّ ﷺ قَالَ: @مَنْ قَالَ صَبِيحَةَ يَوْمِ الْجُمُعَةِ قَبْلَ صَلَاةِ الْعَدَاةِ: أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ غَفَرَ اللَّهُ تَعَالَى ذُنُوبَهُ وَلَوْ كَانَتْ مِثْلَ زَبَدِ الْبَحْرِ!.

رسول الله ص فرمود: «کسی که قبل از نماز فرض صبح روز جمعه سه بار بگوید: أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ. گناهش آمرزیده می‌شود و اگرچه مثل کف دریا باشد». و باید دانست که دین و حق الناس از آن مستثنی است. ترجمه: آمرزش می‌خواهم از خدایی که نیست معبودی به حق مگر او که زنده‌ی همیشگی است و قیوم و ایستاده به تدبیر کاینات است و توبه و رجوع می‌کنم به درگاه او. و مستحب است بسیار دعاکردن در روز جمعه از طلوع آفتاب تا غروب آفتاب، به امید این که دعایش در ساعت اجابت دعا واقع شود، و وقت اجابت دعا در قول معتمد میان نشستن امام میان دو خطبه است تا این که سلام نماز جمعه را بدهد. و اقوال بسیاری در باره‌ی آن هست و امام علامه ابن حجر عسقلانی در فتح الباری، شرح بخاری چهل قول در این خصوص آورده است که قول معتمد اینجا آوردیم و قول دومی نزدیک به صواب است و آن قبل از غروب آفتاب روز جمعه است.

«باب ما يقول إذا طلعت الشمس»

بابی است در بیان آنچه موقع طلوع آفتاب می‌گوید

وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السُّنِّي بِإِسْنَادٍ ضَعِيفٍ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ رَ قَالَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا طَلَعَتِ الشَّمْسُ قَالَ: @الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَلَّلَنَا الْيَوْمَ عَافِيَتَهُ، وَجَاءَنَا بِالشَّمْسِ مِنْ مَطْلَعِهَا، اللَّهُمَّ إِنِّي أَصْبَحْتُ أَشْهَدُ لَكَ بِمَا شَهِدْتَهُ عَلَى نَفْسِكَ، وَشَهِدْتُ بِهِ مَلَائِكَتَكَ وَحَمَلَهُ عَرْشُكَ وَجَمِيعُ خَلْقِكَ أَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ قَائِمًا بِالْقِسْطِ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ، شَهِادَتِي مَعَ شَهَادَةِ

مَلَايَكَتِكَ وَأُولِي الْعِلْمِ وَمَنْ لَمْ يَشْهَدْ بِمِثْلِ مَا شَهِدْتُ، فَكُنْتُ شَهِادَتِي مَكَانَ شَهِادَتِهِ، اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ وَمِنْكَ السَّلَامُ وَإِلَيْكَ يَرْجِعُ السَّلَامُ، أَسْأَلُكَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ أَنْ تَسْتَجِيبَ لَنَا دَعْوَتَنَا، وَأَنْ تُعْطِيَنَا رَغْبَتَنَا، وَأَنْ تَزِيدَنَا فَوْقَ رَغْبَتِنَا، وَأَنْ تُغْنِيَنَا عَمَّنْ أَعْنَيْتَهُ عَنَّا مِنْ خَلْقِكَ، اللَّهُمَّ أَصْلِحْ لِي دِينِي الَّذِي هُوَ عِصْمَةُ أَمْرِي، وَأَصْلِحْ لِي دُنْيَايَ الَّتِي فِيهَا مَعِيشَتِي وَأَصْلِحْ لِي آخِرَتِي الَّتِي إِلَيْهَا مُنْقَلِبِي!

رسول الله ص موقعی که آفتاب طلوع می کرد می فرمود: «همه‌ی ستایش برای خدایی است که امروز ما را به عافیتش پوشید و آفتاب را از محل بیرون آمدنش آورد، (یعنی از جهت مغرب که علامت قیامت است آفتاب را بیرون نیاورد) خدایا من در این بامداد گواهی می دهم برایت به آن گواهی که برای خودت گواهی دادی، و فرشتگانت و بردارندگان عرش عظمت و همه‌ی مخلوقات به آن گواهی دادند که تو خدای یکتایی، نیست معبودی به حق مگر تو که برپادارنده‌ی عدل هستی، نیست معبودی به حق مگر تو که پر عزت و پر حکمت هستی. خدایا بنویس گواهی ام را بعد از گواهی فرشتگانت و دانشمندان. خدایا تو سلام هستی و سلامتی از هر عیب و نقص از توست، و سلامتی همه به سوی تو باز می گردد، از تو می خواهم ای صاحب شکوه و بزرگواری که دعای مان را به اجابت برسانی و آنچه از تو می خواهیم به ما عطا فرمایی، و از هر کسی که از ما بی نیاز است ما را از او بی نیاز گردانی تا هر کسی از خلق تو که از ما بی نیاز باشد ما هم از او بی نیاز باشیم. خدایا دین مرا که وسیله‌ی نگهداری ام از آتش است از هر چه مایه‌ی خشم تو می شود نگهدار و دنیای مرا که زندگی ام در آن است به صلاح آور، و آخرتم را که در آن بازگشتم به سوی توست شایسته گردان.»

وَرَوَيْنَا فِيهِ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مَسْعُودٍ - مَوْقُوفًا عَلَيْهِ - أَنَّهُ جَعَلَ مَنْ يَرْقُبُ لَهُ طُلُوعَ الشَّمْسِ فَلَمَّا أَخْبَرَهُ بِطُلُوعِهَا قَالَ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَهَبَ لَنَا هَذَا الْيَوْمَ وَأَقَالَنَا فِيهِ عَشْرَاتِنَا.

و در کتاب ابن السنی روایت داریم از عبدالله بن مسعود t از گفته خودش که او به کسی می گفت تا بیرون آمدن آفتاب را منتظر شود و هر وقت طلوع نمود به او خبر بدهد، وقتی که

او را از طلوع آفتاب خبر داد گفت: همه‌ی ستایش برای خدایی است که امروز را در اختیار ما نهاد و امروز از لغزش‌های ما درگذشت.

«باب ما یقولُ إذا استَقَلَّتِ الشَّمْسُ»

**بابی است در بیان آنچه که وقت بالآآمدن آفتاب می‌گوید**

وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السُّنِّي عَنْ عَمْرِو بْنِ عَبَّسَةَ  $\tau$  عَنْ رَسُولِ اللَّهِ  $\rho$  قَالَ:  $\textcircled{a}$  مَا تَسْتَقِلُّ الشَّمْسُ فَيَنْقُي شَيْءٌ مِنْ خَلْقِ اللَّهِ تَعَالَى إِلَّا سَبَّحَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَّا مَا كَانَ مِنَ الشَّيْطَانِ وَأَعْتَاءِ بَنِي آدَمَ! فَسَأَلْتُ عَنْ أَعْتَاءِ بَنِي آدَمَ فَقَالَ:  $\textcircled{a}$  شِرَارُ الْخَلْقِ!

رسول الله ص فرمود: «موقعی که آفتاب بالا می‌آید همه‌ی مخلوقات خدا به تسبیح و تنزیه خدای عزوجل می‌پردازند، مگر شیطان و پست‌فطرتان از آدمی‌زادگان که تسبیح خدای متعال نمی‌گویند». در باره‌ی پست‌فطرتان بنی آدم پرسیدم، فرمود: «بدان مردم».

«باب ما یقولُ زوال الشمس إلى العصر»

**بابی است در بیان آنچه که بعد از زوال آفتاب تا عصر می‌گوید**

پیش از این یاد شد که چه بگوید وقتی که لباس می‌پوشید و وقتی که داخل به مستراح می‌شود و وقتی که از آن بیرون می‌آید و وقتی که وضو می‌گیرد و وقتی که به مسجد می‌روید و وقتی که به در مسجد می‌رسد و وقتی که داخل مسجد است و وقتی که اذان می‌شنود و وقتی که اقامه‌ی نماز می‌شنود و وقتی که برمی‌خیزد برای نماز. و آنچه در نماز می‌گوید از اول نماز تا آخر آن، و آنچه بعد از نماز می‌گوید، اینها همه در باب‌های خود یاد شد و همه‌ی آنها در نمازها مشترکند. و مستحب است بسیار یاد کردن اذکار و عبادات دیگر بعد از زوال آفتاب، به دلیل آنچه روایت داریم در کتاب ترمذی از عبدالله بن السائب  $\tau$  که رسول الله ص بعد از زوال آفتاب قبل از نماز ظهر چهار رکعت سنت زوال می‌خواند و می‌فرمود: اکنون ساعتی است که درهای آسمان گشوده می‌شود و دوست می‌دارم که در این

ساعت عمل صالحی برایم به آسمان برود. ترمذی گفت: حدیث حسن است، و مستحب است بسیاری یاد خدا بعد از نماز فرض ظهر و اذکار و سنن و تعقیبات آن، نظر به عموم فرموده‌ی پروردگار متعال:

﴿وَقَالَ اللَّهُ تَعَالَى إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ يَخْلُقُ﴾ [المؤمن: 55] @ و تسبیح گوی همراه با ستایش پروردگارت قبل از ظهر و بعد از ظهر). اهل لغت گفته اند: عَشِيٌّ: از زوال آفتاب تا غروب آفتاب است. و امام ابومنصور ازهری فرموده است: عَشِيٌّ نزد عرب میان زوال آفتاب تا غروب آفتاب است.

«باب ما يقول بعد العصر إلى غروب الشمس»

### بابی است در بیان آنچه بعد از عصر تا غروب آفتاب می‌گوید

پیش از این یاد شد آنچه گفته می‌شود بعد از فرض ظهر و بعد از فرض عصر. همچنین مووکداً مستحب است بسیاری یاد خدا در وقت عصر، برای این که نماز فرض عصر به گفته‌ی گروهی از علمای سلف و خلف هان «الصلاة الوسطی» است. و همچنین مستحب است زیاد اهمیت دادن به اذکار صبح، برای این که صحیح‌ترین گفتار در باره‌ی «الصلاة الوسطی» در مورد نماز صبح و عصر است. و مستحب است بسیار یاد خدا کردن بعد از عصر و به ویژه در آخر روز. خدای متعال فرمود:

﴿وَقَالَ اللَّهُ تَعَالَى إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ يَخْلُقُ﴾ [طه: 130] @ تسبیح همراه با ستایش پروردگارت بگوی قبل از طلوع آفتاب و قبل از غروب آفتاب!

وقال الله تعالى: ﴿وَقَالَ اللَّهُ تَعَالَى إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ يَخْلُقُ﴾



ریشخند کنند مردانی از مردان دیگر، ممکن است ریشخندشدگان بهتر از ریشخند کنندگان باشند، و نباید ریشخند کنند زنانی از زنان دیگر، ممکن است ریشخندشدگان بهتر باشند از ریشخند کنندگان! که در اینجا قوم در مقابل نساء آورده است.

### «باب ما یقول إذا سمع أذان المغرب»

بابی است در بیان آنچه می‌گوید، موقعی که اذان مغرب را می‌شنود

وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَالتِّرْمِذِيِّ عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ لَ قَالَتْ عَلَّمَنِي رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَنْ أَقُولَ عِنْدَ أَذَانِ الْمَغْرِبِ: @اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا إِقْبَالُ لَيْلِكَ وَإِذْبَارُ نَهَارِكَ وَأَصْوَاتُ دُعَاتِكَ فَاعْفُ عَنِّي!

از ام سلمه ل روایت داریم که گفت: رسول الله ص به من آموخت که موقعی که اذان مغرب شنیدم بگویم: «خدایا اکنون موقع رو آوردن شب و پشت دادن روز و شنیدن آواز کسانی است که اذان می‌گویند و مردم را به سوی نماز و عبادت دعوت می‌کنند، مرا ببخشای».

### «باب ما یقول بعد الصلاة المغرب»

بابی است در بیان آنچه بعد از نماز مغرب می‌گوید

قبلاً یاد کردیم که بعد از هر نماز فرض اذکاری که یاد شد بگویند، و مستحب است که بعد از فراغت از نماز فرض مغرب و خواندن دو رکعت سنت بعدیهی مغرب افزون بر آنچه گذشت، بگویند آنچه از رسول الله ص وارد شده است.

يَقُولُ بَعْدَ أَنْ يُصَلِّيَ سُنَّةَ الْمَغْرِبِ مَا رَوَيْنَاهُ فِي كِتَابِ ابْنِ السُّنِّيِّ عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ لَ قَالَتْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا انْصَرَفَ مِنْ صَلَاةِ الْمَغْرِبِ يَدْخُلُ فَيُصَلِّي رُكْعَتَيْنِ ثُمَّ يَقُولُ فِيمَا يَدْعُو: @يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ! ثَبِّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ!

رسول الله ص بعد از این که از نماز فرض مغرب فارغ می‌شد به خانه‌ی ام سلمه ل می‌آید و در ضمن دعایش می‌فرمود: @یا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ ثَبِّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ! «ای زیر و

بالاکننده‌ی دل‌ها، پایدار بدار دل‌های ما را بر دین خودت که دین اسلام است». تغییر و از حالی به حالی شدن دل‌ها معلوم است. از این رو مسلمان از خدا می‌خواهد دلش را از انحراف و تغییر حفظ فرماید و بر دین اسلام پایدار بدارد.

وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ التِّرْمِذِيِّ عَنْ عِمَارَةَ بْنِ شَيْبَةَ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. عَشْرَ مَرَّاتٍ عَلَى إِثْرِ الْمَغْرِبِ بَعَثَ اللَّهُ لَهُ مَسْلَحَةً يَحْفَظُونَهُ مِنَ الشَّيْطَانِ حَتَّى يُصْبِحَ وَكَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِهَا عَشْرَ حَسَنَاتٍ مُوجِبَاتٍ وَمَحَا عَنْهُ عَشْرَ سَيِّئَاتٍ مُؤَبَّقَاتٍ وَكَانَتْ لَهُ بِعَدْلِ عَشْرِ رِقَابٍ مُؤْمِنَاتٍ!

رسول الله ص فرمود: «کسی که بعد از نماز مغرب ده بار لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ را تا آخر بگوید، یعنی نیست معبودی به حق مگر خدای یکتا که هیچ شریکی برای او نیست، پادشاهی و فرمانروایی و ستایش‌ها همه برای اوست، او زنده می‌گرداند و مرگ می‌دهد، زندگی و مرگ همه در دست اوست، و او بر همه چیز تواناست، خدای متعال نگهبانانی برای او می‌فرستد تا او را تا صبح از شر شیطان نگه دارند، و خدا می‌نویسد برای او ده حسنه‌ی ثابت‌کننده بهشت برای او، و از بین می‌برد ده گناه هلاک‌کننده از او. و همین ده بار گفتن لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تا آخر برابر است با ثواب ده برده که آزاد نماید».

ترمذی فرمود که عماره بن شیب از رسول الله ص شنیده است. امام نووی فرمود: نسائی این حدیث را از دو طریق روایت نموده: یک روایت الترمذی از عماره بن شیب از رسول الله ص و روایت دیگری از عماره از مردی از انصار مدینه. ابوالقاسم ابن عساکر فرمود: روایت دومی درست است و حدیث ثابت است. نووی فرمود: مَسْلَحَةً به معنی حَرَس و نگهبانان است.

«باب ما يقرؤه في صلاة الوتر وما يقوله بعدها»

بابی است در بیان آنچه در نماز وتر می‌خواند و آنچه بعد از نماز

وتر می‌گوید

سنت است برای کسی که نماز وتر را سه رکعت می‌خواند این که در رکعت اولی بعد از فاتحه سوره‌ی سبح اسمَ رَبِّکَ الْأَعْلٰی بخواند و در رکعت دومی بعد از فاتحه سوره‌ی قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ بخواند و در رکعت سومی سوره‌های قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ و قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ و قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ بخواند. اگر در رکعت اولی سوره‌ی سبح اسمَ رَبِّکَ الْأَعْلٰی و قل یا ایها الکافرون را باهم بخواند. و اگر در رکعت دومی سوره‌ی قل یا ایها الکافرون را فراموش کرد در رکعت سومی قل یا ایها الکافرون و قل هو الله و قل أعوذ برب الفلق و قل أعوذ برب الناس را باهم بخواند.

وَرَوَيْنَا بِالْإِسْنَادِ الصَّحِيحِ فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَالتَّسْنِئِ وَغَيْرِهِمَا عَنْ أَبِي بَنِي كَعْبٍ ٢ قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا سَلَّمَ مِنَ الْوُتْرِ قَالَ: @سُبْحَانَ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ!. وَفِي رِوَايَةِ النَّسَائِيِّ وَابْنِ السُّنِّيِّ: @سُبْحَانَ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ!. ثَلَاثَ مَرَّاتٍ.

رسول الله ص موقعی که از نماز وتر سلام می‌داد سه بار می‌فرمود: @سُبْحَانَ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ!. یعنی پاک و منزّه است خدایی که فرمانروای همه است، کسی نمی‌تواند از فرمان او سرپیچی نماید، او قدوس است، بسیار مقدس و مورد تعظیم است، همه‌ی کاینات به قدس و پاکی و عظمتش اعتراف دارند.

وَرَوَيْنَاهُ فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَالتِّرْمِذِيِّ وَالتَّسْنِئِ عَنْ عَلِيِّ ٢ أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ كَانَ يَقُولُ فِي آخِرِ وَتْرِهِ: @اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِرِضَاكَ مِنْ سَخَطِكَ وَبِمَعْفَاتِكَ مِنْ عِقَابِكَ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْكَ لَا أُحْصِي ثَنَاءً عَلَيْكَ أَنْتَ كَمَا أَتْنَيْتَ عَلَى نَفْسِكَ!. قَالَ التِّرْمِذِيُّ حَدِيثٌ حَسَنٌ.

از علی ٢ روایت داریم که رسول الله ص در آخر نماز وترش می‌فرمود: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِرِضَاكَ تَا آخِرِ. یعنی خدایا پناه می‌برم به رضای تو از خشم گرفتنت و پناه می‌برم به عافیت‌دادنت از عقوبت‌دادنت و پناه می‌برم از عذاب تو به خودت. نمی‌توانم ثنا و احسان و خوبی تو را بشمارم، و تو آنچنان هستی که خودت ثنای خودت گفتی». یعنی در همه حال پناه می‌برم تا رضایت خودت را شامل حالم بگردانی، و از خشم و غضبت مرا دور بداری، و پناه می‌برم به عافیت‌دادنت و دور نگه داشتنت تا مرا از عقوبت و کیفردادنت معاف و دور نگه داری. و به خودت پناه می‌برم از عذابت، برای این که کسی نیست که ما را از عذابت





⑥ ⑦ ⑧ ⑨ ⑩ ⑪ ⑫ ⑬ ⑭ ⑮ ⑯ ⑰ ⑱ ⑲ ⑳ ㉑ ㉒ ㉓ ㉔ ㉕ ㉖ ㉗ ㉘ ㉙ ㉚ ㉛ ㉜ ㉝ ㉞ ㉟ ㊀ ㊁ ㊂ ㊃ ㊄ ㊅ ㊆ ㊇ ㊈ ㊉ ㊐ ㊑ ㊒ ㊓ ㊔ ㊕ ㊖ ㊗ ㊘ ㊙ ㊚ ㊛ ㊜ ㊝ ㊞ ㊟ ㊠ ㊡ ㊢ ㊣ ㊤ ㊥ ㊦ ㊧ ㊨ ㊩ ㊰ ㊱ ㊲ ㊳ ㊴ ㊵ ㊶ ㊷ ㊸ ㊹ ㊺ ㊻ ㊼ ㊽ ㊾ ㊿ ① ② ③ ④ ⑤ ⑥ ⑦ ⑧ ⑨ ⑩ ⑪ ⑫ ⑬ ⑭ ⑮ ⑯ ⑰ ⑱ ⑲ ⑳ ㉑ ㉒ ㉓ ㉔ ㉕ ㉖ ㉗ ㉘ ㉙ ㉚ ㉛ ㉜ ㉝ ㉞ ㉟ ㊀ ㊁ ㊂ ㊃ ㊄ ㊅ ㊆ ㊇ ㊈ ㊉ ㊐ ㊑ ㊒ ㊓ ㊔ ㊕ ㊖ ㊗ ㊘ ㊙ ㊚ ㊛ ㊜ ㊝ ㊞ ㊟ ㊠ ㊡ ㊢ ㊣ ㊤ ㊥ ㊦ ㊧ ㊨ ㊩ ㊰ ㊱ ㊲ ㊳ ㊴ ㊵ ㊶ ㊷ ㊸ ㊹ ㊺ ㊻ ㊼ ㊽ ㊾ ㊿

[آل عمران: 190 - 194].

@حقا که در آفرینش آسمان‌ها و زمین و به دنبال هم آمدن شب و روز نشانه‌هایی است از عظمت قدرت الله  $\Psi$  برای صاحبان خردها، خردمندان می‌دانند که چه قدرتی است که شب و روز را به وجود می‌آورد، اگر تمام مردم روی زمین جمع شوند تا اکنون که بامداد است به وقت ظهر تبدیل کنند نمی‌توانند که معلوم، بلکه یک دقیقه نمی‌توانند در گردش آفتاب تقدیم و تأخیر به وجود آورند، و این خردمندانند که آن را می‌دانند. آن مردمی که همیشه خدا را یاد می‌کنند، همیشه زبان‌شان تر است از یاد خدا در حالی که ایستاده اند و در حالی که نشسته اند و در حالی که به پهلو افتاده اند و همیشه یاد خدا آرام دل‌هایشان است و یاد خدا اطمینان خاطر‌هایشان و یاد خدا بقای حیات‌شان است!

وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ الْبُخَارِيِّ مَنْ رَوَاةٍ حَدَّثَنَا وَأَبِي ذَرٍّ بِ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَانَ إِذَا أَوَى إِلَى فِرَاشِهِ قَالَ: @بِاسْمِكَ اللَّهُمَّ أَحْيَا وَأَمُوتُ!

رسول الله ص موقعی که بر بستر خواب پهلو می‌نهاد می‌فرمود: «خدایا به نام تو زنده می‌مانم و به نام تو می‌میرم». یعنی حیات من از برکت یاد نام توست و وفات من بر یاد نام توست.

وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ مُسْلِمٍ مِنْ رَوَاةٍ الْبَرَاءِ بْنِ عَازِبٍ ب. وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ الْبُخَارِيِّ وَمُسْلِمٍ عَنْ عَلِيِّ ٢ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ لَهُ وَلِفَاطِمَةَ ب: @إِذَا أَوَيْتُمَا إِلَى فِرَاشِكُمَا، أَوْ أَخَذْتُمَا مَضَاجِعَكُمَا، فَكَبِّرَا ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ، وَسَبِّحَا ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ، وَاحْمَدَا ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ! وَفِي رَوَاةٍ: @التَّسْبِيحُ أَرْبَعًا وَثَلَاثِينَ! وَفِي رَوَاةٍ: @التَّكْبِيرُ أَرْبَعًا وَثَلَاثِينَ! قَالَ عَلِيُّ ٢: فَمَا تَرَكْتُهُ مِنْهُ سَمِعْتُهُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ قِيلَ لَهُ: وَلَا لَيْلَةً صَفَيْنِ؟ قَالَ: وَلَا لَيْلَةً صَفَيْنِ.

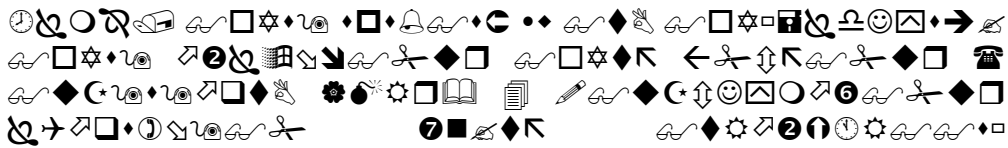
رسول الله ص به علی و فاطمة الزهراء ب فرمود: «موقعی که به بستر خواب تان آمدید یا موقعی که بر بستر خواب بر پهلوی خوابیدید، سی و سه بار بگویید: الله اکبر و سی و سه بار بگویید: سبحان الله و سی و سه بار بگویید: الحمد لله». و در روایتی سی و چهار بگویید: «الله اکبر و سی و سه بار سبحان الله و سی و سه بار الحمد لله». و در روایتی: «سی و سه بار الله اکبر بگویید و سی و چهار بار سبحان الله بگویید و سی و سه بار الحمد لله بگویید» تا صد بار تکمیل شود. و خوب است که بعضی اوقات الله اکبر سی و چهار بار بگوید و باقی سی و سه بار و بعضی اوقات سبحان الله سی و چهار بار بگوید و باقی سی و سه بار. علی ۲ فرمود: از روزی که از رسول الله ص شنیدم که قبل از خواب این کلمات را بگوید هیچ وقت نه در حضر و نه در سفر آن را ترک نکردم، به ایشان گفته شد که در شب صفین هم آن را ترک ننمودی؟ فرمود: در شب صفین هم آن را ترک ننمودم، صفین نام محلی است در شام که در آنجا جنگ سختی میان علی و معاویه پیش آمد و اگر نه چاره‌جویی اطرافیان معاویه بود، شکست‌شان حتمی بود.

وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِي الْبُخَارِيِّ وَمُسْلِمٍ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ ۲ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِذَا أَوَى أَحَدُكُمْ إِلَى فِرَاشِهِ فَلْيَنْقُضْ فِرَاشَهُ بِدَاخِلَةِ إِزَارِهِ، فَإِنَّهُ لَا يَدْرِي مَا خَلَقَهُ عَلَيْهِ، ثُمَّ يَقُولُ: بِاسْمِكَ رَبِّي وَضَعْتَ جَنِّي، وَبِكَ أَرْفَعُهُ، إِنْ أَمْسَكَتْ نَفْسِي فَأَرْحَمَهَا، وَإِنْ أَرْسَلْتَهَا فَأَحْفَظُهَا بِمَا تَحْفَظُ بِهِ عِبَادَكَ الصَّالِحِينَ! وفي رواية: @يَنْقُضُهَا ثَلَاثَ مَرَّاتٍ!.

رسول الله ص فرمود: «هر وقتی یکی از شما به بستر خوابش آمد آن را تکان بدهد به کنار لنگ پایش، برای این که نمی‌داند در حال غیبتش از فراش چه چیز بر آن آمده است - در آن ایام موقع خواب چراغ نمی‌گذاشته‌اند، و اگر عقربی یا حشره‌ای بر فراش می‌آمده نمی‌دانسته‌اند. به همین علت رسول الله ص این دستور را فرمود تا دچار گزیدن عقرب و یا غیره نشوند - پس از آن می‌گوید: به نام تو ای پروردگارم پهلویم را بر بستر نهادم و به نام تو پهلویم را از بستر خواب برمی‌دارم. اگر در خواب جانم را گرفتی آن را مورد رحمت قرار بده، و اگر جانم را از مردن نجات دادی، آن را نگه دار آنچنانکه جان بندگان صالح و شایسته‌کارت را نگه می‌داری». و در روایتی دیگر: «فراش خواب را سه بار تکان بدهد».

رسول الله صل هربشب موقعی که به بستر خواب می آمد دو کف دست خود را باهم جمع می کرد و در کف دو دستش با نفس می دمید بدون آن که آب دهن با آن همراه باشد، سپس سوره ی قل هو الله أحد و سوره ی قل أعوذ برب الفلق و سوره ی قل أعوذ برب الناس را در آن دو می خواند، و سپس همین دو کف دست را به سر و صورت و جلو بدنش مثل سینه و شکم و به هر جا که دستش می رسید می کشید و این کار را سه بار انجام می داد. زبان شناسان گفته اند: النفث: یعنی دمیدن به آرامی و بدون آب دهان.

رسول الله ص فرمود: «کسی که دو آیهی آخر سورهی البقره:



دفع آفات و گزاردن نماز تهجد کفایت کند». رسول الله ص ایمان آورد به آنچه نازل شده به سوی او از جانب پروردگارش، و مؤمنان هم ایمان آوردند به آنچه بر رسول الله ص نازل شده است، هر کدام از رسول الله ص و مؤمنان ایمان آورد به خدا و به فرشتگان خدا و به کتاب‌های خدا و به پیغمبران خدا و گفتند: ما جدایی نمی‌اندازیم میان پیغمبران خدا (که بگوییم این پیغمبر را قبول داریم و آن پیغمبر را قبول نداریم، چنانکه یهودیان گفتند: عیسی را قبول نداریم و موسی را قبول داریم، و چنانکه نصاری گفتند: عیسی را قبول داریم، محمد ص را قبول نداریم. امت محمد ص همه‌ی پیغمبران را قبول دارند) و هر کدام از پیغمبران و مؤمنان گفتند: شنیدیم فرمان خدا و اطاعت نمودیم او را. بیامرز ما را ای پروردگار ما و بازگشت ما به سوی توست، خدای عزوجل تکلیف نمی‌فرماید کسی را مگر به قدر طاقت و توانایش، برای هر کس می‌باشد ثواب نیکوکاریش و عقاب بدکردارش. پروردگار ما! ما را مؤاخذه مفرما اگر فراموش کردیم و یا خطا نمودیم، ای پروردگار ما! بار سنگینی که حمل آن نتوانیم، بر دوش ما مَنه. چنانکه بر یهود قرار دادی تا اگر جایی از لباسش پلید شود آن را بچیند. ای پروردگار ما! آنچه توانایش نداریم ما را به آن مکلف منما و عفو فرما گناهان ما را و بیامرز ما را، و ما را به رحمت شاد کن که تو دوست و یاری‌دهنده مایی و ما را بر گروه کافران پیروز فرما».

وَرَوَيْنَا فِي الصَّحِيحَيْنِ عَنِ الْبَرَاءِ بْنِ عَازِبٍ قَالَ: قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِذَا أَتَيْتَ مَضْجَعَكَ فَتَوَضَّأْ وَضُوءَكَ لِلصَّلَاةِ، ثُمَّ اضْطَجِعْ عَلَى شِقِّكَ الْأَيْمَنِ، وَقُلِ اللَّهُمَّ أَسْلَمْتُ نَفْسِي إِلَيْكَ، وَفَوَّضْتُ أَمْرِي إِلَيْكَ، وَأَلْجَأْتُ ظَهْرِي إِلَيْكَ، رَهْبَةً وَرَغْبَةً إِلَيْكَ، لَا مَلْجَأَ وَلَا مَنَاجَا مِنْكَ إِلَّا إِلَيْكَ، آمَنْتُ بِكِتَابِكَ الَّذِي أَنْزَلْتَ، وَنَبِيِّكَ الَّذِي أَرْسَلْتَ. فَإِنْ مِتُّ مِتُّ عَلَى الْفِطْرَةِ، فَاجْعَلْهُنَّ آخِرَ مَا تَقُولُ!.

هذا لفظ إحدَي روايات البخاري. وباقي رواياته وروايات مسلم مقاربة لها.

رسول الله ص به براء بن عازب ب فرمود: «وقتی که خواستی به بستر خواب بروی وضو بگیر مانند وضویی که برای نماز می گیری، پس از آن بر پهلوی راست بخواب و بگو: خدایا تسلیم نمودم خودم را به تو، و واگذار نمودم کارهایم به تو و پناه دادم کمرم را به تو، از روی شوق و رغبت به سوی تو و از جهت ترس از تو. یقین دارم که نه پناهگاهی هست مگر نزد تو و نه گریزگاهی هست مگر به سوی تو. پناه من خودت هستی و نجات من در دست توست، ایمان آوردم به کتابی که نازل فرمودی و به پیغمبرت که او را فرستادی - ایمان به قرآن و به خاتم الانبیا ص استوار است - اگر آن شب مردی بر دین اسلام مرده ای و این کلمات را آخرین گفتارت قرار بده». امام نووی / فرمود: این یکی از روایت های بخاری است، و باقی روایات بخاری و مسلم به این روایت نزدیکند.

وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ الْبُخَارِيِّ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ  $\tau$  قَالَ: وَكَلَّنِي رَسُولُ اللَّهِ  $\rho$  بِحِفْظِ زَكَاةٍ رَمَضَانَ، فَأَتَانِي آتٍ، فَجَعَلَ يَخْتُو مِنَ الطَّعَامِ - وَذَكَرَ الْحَدِيثَ. وَقَالَ إِذَا أُوتِيَ إِلَى فِرَاشِكَ فَأَقْرَأْ آيَةَ الْكُرْسِيِّ لَنْ يَزَالَ مَعَكَ مِنَ اللَّهِ حَافِظٌ، وَلَا يَقْرُبُكَ شَيْطَانٌ حَتَّى تُصْبِحَ. فَقَالَ النَّبِيُّ  $\rho$ : @صَدَقَكَ وَهُوَ كَذُوبٌ، ذَاكَ شَيْطَانٌ!. أَخْرَجَهُ الْبُخَارِيُّ فِي صَحِيحِهِ فَقَالَ: وَقَالَ عُثْمَانُ بْنُ الْهَيْثَمِ: حَدَّثَنَا عَوْفٌ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِيرِينَ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ وَهَذَا مُتَّصِلٌ فَإِنَّ عُثْمَانَ بْنَ الْهَيْثَمِ أَحَدَ شُيُوخِ الْبُخَارِيِّ الَّذِينَ رَوَى عَنْهُمْ فِي صَحِيحِهِ، وَأَمَّا قَوْلُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُمَيْدِيِّ فِي الْجَمْعِ بَيْنَ الصَّحِيحَيْنِ: أَنَّ الْبُخَارِيَّ أَخْرَجَهُ تَعْلِيقًا، فَغَيْرُ مَقْبُولٍ، فَإِنَّ الْمَذْهَبَ الصَّحِيحَ الْمُخْتَارَ عِنْدَ الْعُلَمَاءِ وَالَّذِي عَلَيْهِ الْمُحَقِّقُونَ أَنَّ قَوْلَ الْبُخَارِيِّ وَغَيْرِهِ: @وَقَالَ فُلَانٌ! مَحْمُولٌ عَلَى سَمَاعِهِ مِنْهُ وَاتِّصَالِهِ إِذَا لَمْ يَكُنْ مَدْلَسًا وَكَانَ قَدْ لَقِيَهِ، وَهَذَا مِنْ ذَلِكَ. وَإِنَّمَا الْمَعْلُوقُ مَا أَسْقَطَ الْبُخَارِيُّ مِنْهُ شَيْخَهُ أَوْ أَكْثَرَ بَأَن يَقُولُ فِي مِثْلِ هَذَا الْحَدِيثِ: وَقَالَ عَوْفٌ. أَوْ قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ سِيرِينَ، أَوْ قَالَ أَبُو هُرَيْرَةَ وَاللَّهُ أَعْلَمُ.

در صحیح بخاری به روایت از ابوهریره  $\tau$  می آورد که ابوهریره گفت: رسول الله ص مرا وکیل نمود به حفظ زکات فطر، شبی دیدم مردی آمده و با دو کف دست خود از زکات فطر می گیرد، به او گفتم: تو را به خدمت رسول الله ص می برم، گفت: امشب مرا مبر که فقیرم و بیشتر نمی آیم، شب بعد باز آمد و خواستم مانعش بشوم، گفت: مردی فقیر و عیال بار هستم او را رها کردم. شب سوم که آمد و خواستم مانعش شوم، گفت: مرا رها کن که من تو

را مطلبی می آموزم، گفت: شب موقع خواب که به بستر خواب می روی آیه الكرسي بخوان که از اول شب تا آخر شب از طرف خدا نگهداری می یابی که تو را نگهداری می کند تا صبح، و آن شب شیطان تا صبح به تو نزدیک نمی شود. وقتی که این واقعه را خدمت رسول الله ص عرض نمودم، فرمود: «این کسی که سه شب است که می آید تا از زکات فطر بگیرد این شیطان است و او دروغگو است، اما آنچه راجع به آیه الكرسي به تو گفته راست گفته است».

امام نووی فرمود که این حدیث صحیح بخاری حدیثی است مرفوع و متصل، برای این که امام بخاری همه ی رجال سند از جمله شیخ عثمان بن الهیثم و عوف و ابن سیرین و ابوهریره همه را ذکر نموده است، و چنین حدیث صحیح و متصل و مرفوع را نمی توان از تعلقات برشمرد، و معلق حدیثی است که امام بخاری یکی از شیوخش یا بیشتر از اسناد حدیث حذف می کرد، مثلاً می گفت: قال عوف که ابن سیرین و ابوهریره را نمی آورد، یا این که می گفت قال محمد بن سیرین که عوف را از اسناد می انداخت یا می فرمود: قال ابوهریره که عوف و ابن سیرین را نمی آورد، والله اعلم.

وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ عَنْ حَفْصَةَ أُمِّ الْمُؤْمِنِينَ لَأَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَانَ إِذَا أَرَادَ أَنْ يَرْقُدَ وَضَعَ يَدَهُ الْيُمْنَى تَحْتَ خَدِّهِ ثُمَّ يَقُولُ @اللَّهُمَّ قِنِي عَذَابَكَ يَوْمَ تَبْعَثُ عِبَادَكَ!. ثَلَاثَ مَرَّاتٍ. ورواه الترمذي من رواية حذيفة عن النبی ﷺ وقال: حدیث صحیح حسن. ورواه أيضاً فی رواية البراء بن عازب ولم يذكر فيها ثلاث مرّات.

رسول الله ص هر وقت قصد خوابیدن می نمود دست راستش را زیر رخسارش می نهاد و می فرمود: «خدایا مرا نگه دار از عذابت در روزی که بندگان را زنده می فرمایی» که مقصود روز قیامت است، و قصد تعلیم امت است که روز قیامت را از یاد نبرند. در سنن ابی داود آمده که رسول الله ص @اللَّهُمَّ قِنِي عَذَابَكَ يَوْمَ تَبْعَثُ عِبَادَكَ!. را سه بار می فرمود. و در روایت ترمذی از حذیفه و براء بن عازب کلمه ی سه بار نیآورده اند. بنابراین، سه بار گفتن جانب احتیاط دارد و یک بار گفتن کافی است.

وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ مُسْلِمٍ وَسَنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَالتِّرْمِذِيِّ وَالنَّسَائِيِّ وَابْنِ مَاجَهَ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ  $\tau$  عَنِ النَّبِيِّ  $\rho$  أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ إِذَا أَوَى إِلَى فِرَاشِهِ @اللَّهُمَّ رَبَّ السَّمَوَاتِ وَرَبَّ الْأَرْضِ وَرَبَّ كُلِّ شَيْءٍ فَالِقَ الْحَبِّ وَالنَّوَى مُنْزِلَ التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ كُلِّ ذِي شَرٍّ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهِ أَنْتَ الْأَوَّلُ فَلَيْسَ قَبْلَكَ شَيْءٌ وَأَنْتَ الْآخِرُ فَلَيْسَ بَعْدَكَ شَيْءٌ وَأَنْتَ الظَّاهِرُ فَلَيْسَ فَوْقَكَ شَيْءٌ وَأَنْتَ الْبَاطِنُ فَلَيْسَ دُونَكَ شَيْءٌ، اقْضِ عَنَّا الدَّيْنَ وَأَغْنِنَا مِنَ الْفَقْرِ!. وَفِي رِوَايَةِ أَبِي دَاوُدَ: @اقْضِ عَنِّي الدَّيْنَ وَأَغْنِنِي مِنَ الْفَقْرِ!.

رسول الله ص موقعی که به بستر خواب می آمد می فرمود: «خدایا! ای پروردگار آسمانها و ای پروردگار زمین و ای صاحب عرش عظیم. ای پروردگار ما و پروردگار همه چیز! (همه چیز پرورده‌ی نعمت‌های اوست) ای شکافنده‌ی دانه‌ها و هسته‌ها برای سبز شدن آنها. ای فرودآورنده‌ی تورات بر موسی و انجیل بر عیسی و قرآن بر محمد مصطفی ص پناه می برم به تو از شر هر صاحب شری که پیشانی او در دست توست (کاینات همه مقهور فرمان اوست و همه پیشانی خود را تسلیم فرمان او نموده اند) ای خدا تو اول هستی، همیشه بوده‌ای و هستی و خواهی بود، پیش از تو هیچ نبوده است، هرچه هست همه به ید قدرت تو به وجود آمده اند، و تو هستی آخر وقتی که همه می میرند و تو حی لا یموت باقی هستی و فنا به درگاهت راه ندارد، تو ظاهر هستی و در همه چیز آشکار هستی، برای این که هستی همه چیز از توست، هیچگاه بالا دست تو کسی نخواهد بود، و تو هستی پنهان. بنابراین، غیر تو هیچ نیست، وجود همه‌ی کاینات از توست، ظهور همه از توست، خفای همه به فرمان توست، نه پیش از تو کسی بوده و نه بعد از تو کسی می ماند، همه می میرند و میراث بر همه خودت هستی، همه مقهور فرمان تو هستند و نیست بالا دست تو چیزی، از همه چیز ظاهرتر و آشکارتری، برای این که هرچه هست معرف هستی توست، از همه نهان‌تری، زیرا که دید کسی به تو نخواهد رسید. ای آن که بود و نبود همه در دست توست، و ای آن که رسیدن به فریاد همه وصف توست، بار سنگین بدهی از دوش ما بردار، و ذلت حاجت به مثل خودمان از گردن ما بستان، تا آنچه داریم از تو بدانیم و آنچه بخواهیم از تو بخواهیم و از عنایت تاج عبودیت تنها برای خودت نصیب ما باشد. و در روایت ابی داود: @اقْضِ عَنِّي



الدَّيْنِ وَأَغْنِيَنِ مِنَ الْفَقْرِ! به یاء مفرد است، و لیکن روایت جمع از صحاح خمسة است، و آن روایت بسی قوی تر است و می شود گفت: گاهی این دعا را به لفظ مفرد، چنانکه روایت ابوداود است و گاهی به صیغه جمع، چنانکه روایت جماعت است، دعا نماید.

وَرَوَيْنَا بِالْإِسْنَادِ الصَّحِيحِ فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَالنَّسَائِيِّ عَنْ عَلِيِّ ٢ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ عِنْدَ مَضْجَعِهِ: @اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَكَلِمَاتِكَ التَّامَّةِ مِنْ شَرِّ مَا أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهِ اللَّهُمَّ أَنْتَ تَكْشِفُ الْمَغْرَمَ وَالْمَأْتَمَ اللَّهُمَّ لَا يُهْزَمُ جُنْدُكَ وَلَا يُخْلَفُ وَعْدُكَ وَلَا يَنْفَعُ ذَا الْجَدِّ مِنْكَ الْجَدُّ سُبْحَانَكَ وَبِحَمْدِكَ!

رسول الله ص موقعی که پهلوی می نهاد برای خوابیدن می فرمود: «خدایا پناه می برم به ذات بزرگواریت و کلمات کلامت که همه دارای کمال و تمام هستند از شر هرچه تو پیشانیشت را به ید قدرت در دست گرفته ای، پناه می برم از همه ی آنها به تو، از این رو که به یقین پیشانی همه در ید قدرت توست و همه مقهور فرمان تو هستند. خدایا تو هستی که رفع بدهکاری و گنهکاری می فرمایی. غنا می دهی و فقر را برمی داری و طاعت می دهد و عصیان را برمی داری. خدایا هیچگاه لشکریانت شکست نمی خورند و هیچگاه وعده ی تو خلاف نمی شود و هیچگاه ثروت صاحب ثروت را به جای تو نفع نمی رساند. تسبیح و تنزیه تو می گویم که سبوح و قدوس صفت توست، و به ستایش تو مشغول می شویم که ستایش ها همه برای توست».

وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ مُسْلِمٍ وَسُنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَالتِّرْمِذِيِّ عَنْ أَنَسٍ ٢ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَانَ إِذَا أُوِيَ إِلَى فِرَاشِهِ قَالَ: @الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَطْعَمَنَا وَسَقَانَا وَكَفَّلَنَا وَأَوَّانَا فَكَمْ مِمَّنْ لَا كَافِيَ لَهُ وَلَا مُتَوَى! قَالَ التِّرْمِذِيُّ: حَدِيثٌ حَسَنٌ صَحِيحٌ.

رسول الله ص وقتی که به بستر خواب می رفت می فرمود: «حمد و ستایش برای خدای یکتایی است که خوراک به ما داد و سیراب کرد ما را و کفایت ما را از خوراک و آب و لباس فراهم فرمود و جایگاه به ما عطا نمود، چه بسیار کسانی که نه کفایت خوراک و آب و لباس دارند و نه جایگاه و منزلی که از آفتاب و باد و باران خود را در آن حفظ کنند».

وَرَوَيْنَا بِالْإِسْنَادِ الْحَسَنِ فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ عَنْ أَبِي الْأَزْهَرِيِّ وَيُقَالُ أَبُو زُهَيْرٍ الْأَنْمَارِيُّ ٢ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَانَ إِذَا أَخَذَ مَضْجَعَهُ مِنَ اللَّيْلِ قَالَ: @ بِسْمِ اللَّهِ وَضَعْتُ جَنْبِي لِلَّهِمَّ اغْفِرْ لِي ذَنْبِي وَأَخْسِئْ شَيْطَانِي وَفُكِّ رَهَانِي وَاجْعَلْنِي فِي النَّدَى الْأَعْلَى!

رسول الله ص موقعی که آرامگاه خود را در شب فراهم می کرد، به بستر خواب می رفت تا در آنجا آرام گیرد، می فرمود: «به نام خدا پهلویم را بر زمین نهادم، خدایا بیامرزش گناهانم را و خوار کن شیطانم را، از آنجا که بر هر کس شیطانی برای وسوسه ی او گماشته شده، برای تعلیم امت فرمود: شیطان گماشته بر من را خوار کن تا هیچ اذیتی نتواند انجام دهد و باز کن گروگان مرا، هر کسی در گرو کردار خود است، تا در گرو هیچ عملی نباشم و آزادانه به طاعت پردازم، و بگردان مرا در ملأ اعلی، یعنی مرا در گروه فرشتگان قرار ده تا دور و بر من همه فرشتگان و دعوت کنندگان به سوی طاعت حق تعالی باشند».

امام ابوسلیمان خطابی فرمود: ندی: گروهی هستند که در یک مجلس جمع شده باشند، و نادای هم به همین معنی است و جمع آن اندیّه است. و مقصود رسول الله ص از ندی اعلی: الملأ اعلی یعنی گروه ملائکه است.

وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَالتِّرْمِذِيِّ @ أَقْرَأَ (قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ) ثُمَّ نَمَّ عَلَى خَاتَمَتِهَا فَإِنَّهَا بَرَاءَةٌ مِنَ الشِّرْكِ!. وَفِي مُسْنَدِ أَبِي يَغْلِي الْمَوْصِلِيِّ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ ب عَنْ النَّبِيِّ ﷺ قَالَ: @ أَلَا أَدْلُكُمْ عَلَى كَلِمَةٍ تُنَجِّيْكُمْ مِنَ الْإِشْرَاقِ بِاللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ تَقْرَؤُونَ: قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ عِنْدَ مَنْامِكُمْ!.

رسول الله ص به نوفل اشجعی فرمود: «سوره ی قل یا ایها الکافرون را بخوان و در آخر آن به خواب برو، برای این که پایان این سوره براءت از شرک است». و در روایت ابن عباس فرمود: «شما را راهنمایی می نمایم بر کلمه ای که شما را از شرک آوردن به خدای عزوجل نجات می دهد، برای این منظور موقع خواب سوره ی قل یا ایها الکافرون را بخوانید».

وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَالتِّرْمِذِيِّ عَنْ عِزْبَاضِ بْنِ سَارِيَةَ ٢: أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ كَانَ يَقْرَأُ الْمُسَبِّحَاتِ قَبْلَ أَنْ يَرْقُدَ. قَالَ التِّرْمِذِيُّ: حَدِيثٌ حَسَنٌ.

رسول الله ص پیش از این که بخوابد سوره هایی که اول آن سَبَّحَ لله یا يُسَبِّحُ لله می باشد، مثل سوره ی حشر و صف و تغابن و جمعه و اعلی می خواند والله أعلم.

وَرَوَيْنَا عَنْ عَائِشَةَ لَ قَالَتْ كَانَ النَّبِيُّ ﷺ لَا يَنَامُ حَتَّى يَقْرَأَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَالزُّمَرِ. قَالَ التِّرْمِذِيُّ: حَدِيثٌ حَسَنٌ.

رسول الله ص نمی خوابید تا این که سوره‌ی بنی اسرائیل و سوره‌ی زمر را می‌خواند. وَرَوَيْنَا بِالْإِسْنَادِ الصَّحِيحِ فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ عَنْ ابْنِ عُمرَ ب أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ كَانَ يَقُولُ إِذَا أَخَذَ مَضْجَعَهُ: @الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي كَفَانِي وَأَوَانِي وَأَطْعَمَنِي وَسَقَانِي وَالَّذِي مَنَّ عَلَيَّ فَأَفْضَلَ وَالَّذِي أَعْطَانِي فَأَجْزَلَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى كُلِّ حَالٍ اللَّهُمَّ رَبِّ كُلِّ شَيْءٍ وَمَلِكُهُ وَإِلَهُ كُلِّ شَيْءٍ أَعُوذُ بِكَ مِنَ النَّارِ!.

رسول الله ص موقعی که بپهلوی را بر بستر خواب می‌نهاد می‌فرمود: «حمد و ستایش‌ها همه برای خدای یکتایی است که کفایت مرا فراهم فرمود و جایگاه به من عطا نمود و خوراک مرا رسانید و سیراب نمود، خدایی که منت گذاشت و زیاده بر حاجت ارزانی داشت خدایی که به من عطا فرمود و بسیار نمود، حمد و ستایش‌ها همه برای خدای یکتاست در همه حال. خدایا! پروردگار همه چیز و مالک و دارنده‌ای همه، و معبود به حق همه چیز، پناه می‌برم به تو از دوزخ».

وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ التِّرْمِذِيِّ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ ر عَنِ النَّبِيِّ ﷺ قَالَ: @مَنْ قَالَ حِينَ يَأْوِي إِلَى فِرَاشِهِ: أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الْعَظِيمَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ. ثَلَاثَ مَرَّاتٍ غَفَرَ اللَّهُ ذُنُوبَهُ وَإِنْ كَانَتْ مِثْلَ زَبَدِ الْبَحْرِ وَإِنْ كَانَتْ عَدَدَ وَرَقِ الشَّجَرِ وَإِنْ كَانَتْ عَدَدَ رَمْلِ عَالِجٍ وَإِنْ كَانَتْ عَدَدَ أَيَّامِ الدُّنْيَا!.

رسول الله ص فرمود: «کسی که موقع رفتنش به بستر خوابش سه بار بگوید: از خدا آمرزش می‌خواهم، آن خدایی که نیست معبودی به حق مگر او، خدای همیشه زنده و تدبیرکننده‌ی خلاق، و توبه و رجوع می‌کنم به درگاه او، خدا می‌آمرزد گناهانش را و اگرچه باشد مثل کف دریا، و اگر باشد به شماره‌ی ستارگان، و اگرچه باشد به شماره‌ی شن عالج، و اگرچه باشد به شماره‌ی روزهای دنیا».

وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَغَيْرِهِ بِإِسْنَادٍ صَحِيحٍ عَنْ رَجُلٍ مِنْ أَسْلَمَ مِنْ أَصْحَابِ النَّبِيِّ ﷺ قَالَ كُنْتُ جَالِسًا عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَجَاءَ رَجُلٌ مِنْ أَصْحَابِهِ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ لِدُعْتِ اللَّيْلَةِ فَلَمْ أَنْمِ حَتَّى

أَصْبَحْتُ. قَالَ: @مَاذَا؟! قَالَ: عَقَرْتُ. قَالَ: @أَمَا إِنَّكَ لَوْ قُلْتَ حِينَ أُمْسَيْتَ أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ لَمْ تَضُرَّكَ شَيْءٌ إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى!

مردی از قبیله‌ی اسلم گفت: خدمت رسول الله ص نشسته بودم که مردی از یاران رسول الله ص آمد و گفت: ای رسول خدا! دیشب گزیده شدم و از درد آن تا صبح خواب به چشمم نیامد. فرمود: «چه چیز تو را گزید؟» گفت: کژدم. فرمود: «آگاه باش که اگر در اول شب گفته بودی: پناه می‌برم به کلمات خدا که تمام و کمال را دارند از شر آنچه را که خدا آفرید، اگر این را گفته بودی به خواست خدای متعال هیچ چیز زیانی به تو نمی‌رسانید». همچنین این حدیث را قبلاً در سنن ابوداود و غیره از روایت ابی هریره ۲ در باب آنچه گفته می‌شود در صبح و شام یاد کردیم.

وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السُّنِّي عَنْ أَنَسٍ ۲ أَنَّ النَّبِيَّ ۲ أَوْصَى رَجُلًا إِذَا أَخَذَ مَضْجَعَهُ أَنْ يَقْرَأَ سُورَةَ الْحَشْرِ وَقَالَ: @إِنْ مِتَّ مِتَّ شَهِيدًا، أَوْ قَالَ: مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ!

در کتاب ابن سنی از انس ۲ روایت نمودیم که پیامبر ص مردی را سفارش کرد تا موقعی که برای خوابیدن پهلوی بر بستر می‌نهد سوره‌ی حشر را بخواند و فرمود: «با خواندن سوره‌ی حشر اگر در آن شب مردی به شهادت از دنیا رفته‌ای یا از اهل بهشت هستی».

وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ الْمُسْلِمِ عَنْ ابْنِ عُمَرَ ب أَنَّهُ أَمَرَ بِبَلَالٍ إِذَا أَخَذَ مَضْجَعَهُ أَنْ يَقُولَ: @اللَّهُمَّ أَنْتَ خَلَقْتَ نَفْسِي وَأَنْتَ تَوَفَّاهَا لَكَ مَمَاتُهَا وَمَحْيَاهَا إِنْ أَحْيَيْتَهَا فَاحْفَظْهَا وَإِنْ أَمَتَّهَا فَاعْفِرْ لَهَا اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعَافِيَةَ! قَالَ ابْنُ عُمَرَ ب: سَمِعْتُهُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ۲.

در صحیح مسلم از ابن عمر ب روایت نمودیم که پیامبر ص بلال را امر کرد تا موقعی که به بستر خواب رفت بگوید: «خدایا تو جان مرا آفریدی و تو آن را وفات می‌دهی، زندگی و مرگش برای توست، اگر تو او را زنده نمودی او را نگه بدار و اگر او را مرگ دادی او را بیا مرز. خدایا از تو عافیت می‌خواهم». ابن عمر گفت: این را از رسول الله ص شنیدم.

وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَالتِّرْمِذِيِّ وَغَيْرِهِمَا بِالْأَسَانِيدِ الصَّحِيحَةِ حَدِيثُ أَبِي هُرَيْرَةَ ۲ الَّذِي قَدَّمَاهُ فِي بَابِ مَا يَقُولُ عِنْدَ الصَّبَاحِ وَالْمَسَاءِ فِي قِصَّةِ أَبِي بَكْرٍ ۲ الصَّدِّيقِ ۲: اللَّهُمَّ فَاطِرَ السَّمَوَاتِ

وَالْأَرْضَ عَالِمَ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ رَبِّ كُلِّ شَيْءٍ وَمَلِيكُهُ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ نَفْسِي وَشَرِّ الشَّيْطَانِ وَشَرِّكَهٖ، فَلَمَّا إِذَا أَصْبَحْتَ إِذَا أُمْسَيْتَ إِذَا اضْطَجَعْتَ.

و روایت نمودیم در سنن أبی داود و ترمذی و غیر این دو به اسناد صحیح حدیث أبی هریره  $\tau$  را که پیش از این یاد کردیم در داستان ابی بکر صدیق  $\tau$ : خدایا شکافنده‌ی آسمان‌ها و زمین، دانا به آنچه در عالم غیب است و دیده نمی‌شود و آنچه در عالم شهادت دیدنی است، پروردگار هر چیز و مالک آن، گواهی می‌دهم بر این که نیست معبودی بحق مگر تو، پناه می‌برم به تو از شر خودم و از شر شیطان و دام او و شر شرک‌آوری و وسوسه‌ی او که رسول الله ص به او فرمود که آن را وقتی به صبح داخل می‌شود و وقتی که به شب داخل می‌شود و وقتی که به پهلوی می‌افتد برای خوابیدن، بخوان.

وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ التِّرْمِذِيِّ وَابْنِ السُّنَنِ عَنْ شَدَّادِ بْنِ أَوْسٍ  $\tau$  قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ  $p$ : @مَا مِنْ مُسْلِمٍ يَأْوِي إِلَى فِرَاشِهِ فَيَقْرَأُ سُورَةَ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ تَعَالَى حِينَ يَأْخُذُ مَضْجَعَهُ إِلَّا وَكَّلَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ بِهِ مَلَكًا لَا يَدَعُ شَيْئًا يَقْرَأُهُ يُؤْذِيهِ حَتَّى يَهْبَ مَتَى هَبْ!. إِسْنَادُهُ ضَعِيفٌ وَمَعْنَى هَبْ: ائْتَبَهُ وَقَامَ.

رسول الله ص فرمود: هر مسلمانی که موقعی که به بستر خواب می‌رود و سوره‌ای از کتاب خدای تعالی را می‌خواند خدای عزوجل فرشته‌ای بر او موکل می‌کند تا نگذارد چیزی به او نزدیک شود و او را بیازارد تا این که از خواب بیدار شود و از بستر خواب بلند شود، اسناد این حدیث ضعیف است، و معنی هَبْ: به خود آمد و بیدار شد و از بستر خواب برخاست.

وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السُّنَنِ عَنْ جَابِرٍ  $\tau$  أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ  $p$  قَالَ: @إِنَّ الرَّجُلَ إِذَا أَوَى إِلَى فِرَاشِهِ ابْتَدَرَهُ مَلَكٌ وَشَيْطَانٌ، فَقَالَ الْمَلَكُ: اللَّهُمَّ اخْتِمْ بِخَيْرٍ، فَقَالَ الشَّيْطَانُ: اخْتِمْ بِشَرٍّ، فَإِنْ ذَكَرَ اللَّهُ تَعَالَى ثُمَّ نَامَ بَاتَ الْمَلَكُ يَكْلُوهُ!.

رسول الله ص فرمود: «وقتی که شخص به بستر خواب می‌رود، فرشته‌ای و شیطانی می‌شتابند تا زودتر به او برسند، فرشته وقتی که به او رسید به او می‌گوید: پایان کارت به خیر کن، و شیطان می‌گوید: پایان کارت به شر کن، اگر نام خدای متعال بر زبان جاری کرد و آنگاه خوابید فرشته از او نگهداری می‌نماید».

وَرَوَيْنَا فِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو بْنِ الْعَاصِ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ إِذَا اضْطَجَعَ لِلنَّوْمِ: **اَللّٰهُمَّ بِاسْمِكَ رَبِّي وَضَعْتُ جَنْبِي فَاعْفِرْ لِي ذَنْبِي!**

رسول الله ص وقتی بر پهلو می‌خوابید برای خوابیدن می‌فرمود: «خدایا به نام تو پهلو می‌خورد را بر زمین نهادم، پس بیا مرز گناهانم را».

وَرَوَيْنَا فِيهِ عَنْ أَبِي أُمَامَةَ ت قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: **اَللّٰهُمَّ مَنْ أَوَى إِلَى فِرَاشِهِ طَاهِرًا وَذَكَرَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ حَتَّى يُدْرِكَهُ النَّعَاسُ لَمْ يَتَقَلَّبْ سَاعَةً مِنَ اللَّيْلِ يَسْأَلُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فِيهَا خَيْرًا مِنْ خَيْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ إِلَّا أَعْطَاهُ إِيَّاهُ!**

ابو امامه ت می‌گوید: از رسول الله ص شنیدم که می‌فرمود: «کسی که به بستر خواب پاک و با وضو رفت و یاد خدای عزوجل نمود تا این که چرت‌زدن به او رسید، هر ساعتی از شب که به خود آمد و از خدا خیری از خیرهای دنیا و آخرت خواست خدا آن را به او می‌دهد».

وَرَوَيْنَا فِيهِ عَنْ عَائِشَةَ ل قَالَتْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا أَوَى إِلَى فِرَاشِهِ قَالَ: **اَللّٰهُمَّ أَمْتِعْنِي بِسَمْعِي وَبَصَرِي وَاجْعَلْهُمَا الْوَارِثَ مِنِّي وَأَنْصُرْنِي عَلَى عَدُوِّي وَأَرْنِي ثَأْرِي اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ غَلَبَةِ الدَّيْنِ وَمِنْ الْجُوعِ فَإِنَّهُ بَنَسَ الصَّحِيحُ!** قال العلماء: معنى اجعلهما الوارث مني: أى أبقيهما صحيحين سليمين إلى أن أموت وقيل المراد بقاؤهما وقوتهما عند الكبر وضعف الأعضاء وباقي الحواس: أى اجعلهما وارثي قوة باقي الأعضاء والباقيين بعدها وقيل المراد بالسمع: وعى ما يسمع والعمل به وبالبصر: الاعتبار بما يرى وروى **ا** واجعله الوارث مني! فَرَدَّ الهاء إلى الإمتاع وَخَذَهُ.

رسول الله ص وقتی که به بستر خواب می‌رفت می‌فرمود: «خدایا خوشی از شنوایی و بینایی ام نصیبم گردان و چشم و گوش مرا به صحت و سلامت نگه دار تا روزی که از دنیا رهسپار آخرت می‌شوم و در پیری و ضعف اعضا، شنوایی و بینایی ام را به قوت خود باقی گذار و مرا توفیق ده که فرمان تو را به سمع قبول بپذیرم و از آنچه می‌بینم به چشم اعتذار اندرز گیرم و مرا بر دشمنانم نصرت ده و پیروز گردان و به من نشان ده دشمنانم چگونه به قصاص خود می‌رسند. خدایا پناه می‌برم به تو از چیرگی و فشار بدهکاری و از گرسنگی که بدهکاری همبستر بدی است و انسان نمی‌تواند با گرسنگی شدید بسازد». دانشمندان گفته‌اند که معنی: **وَاجْعَلْهُمَا الْوَارِثَ مِنِّي**: و چشم و گوش مرا میراث برم قرار ده، یعنی هردو را صحیح و سلامت

بدار تا لحظه‌ی مرگ که در تمام زندگی چشم و گوشم سالم باشند، و گفته شده به معنی شنوایی و بینایی مرا حفظ فرما تا در وقت ضعف پیری و ناتوانی اعضا، چشم و گوشم به قوت خود باقی باشند. و گفته شده: به معنی شنوایی فرمان خدا و اطاعت او و اندرز گرفتن از مشاهدات است. و روایت شده به صیغه‌ی إفراد: **وَاجْعَلْهُ الْوَارِثَ مِنِّي**، یعنی خوشی از چشم و گوش میراث برم بگردان.

**وَرَوَيْنَا فِيهِ عَنْ عَائِشَةَ لَ أَيْضاً قَالَتْ: @ مَا كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مُنْذَ صُحْبَتِهِ يَنَامُ حَتَّى يَفَارِقَ الدُّنْيَا حَتَّى يَتَعَوَّذَ مِنَ الْجَبَنِ وَالْكَسَلِ وَالسَّامَةِ وَالْبُخْلِ وَسُوءِ الْكِبَرِ وَسُوءِ الْمَنْظَرِ فِي الْأَهْلِ وَالْمَالِ وَعَذَابِ الْقَبْرِ وَمِنْ الشَّيْطَانِ وَشِرْكِهِ!**

و از عائشه ل روایت داریم که فرمود: «از روزی که همنشین پیغمبر ص بودم تا روزی که از جهان رحلت فرمود نمی‌خوابید تا این که از این چند چیز پناه برد. از ترسویی و سستی و نومیدی و بخل و بدی پیری و بدی منظر اهل و مال - بدی پیری به صورت تندجویی و بداخلاقی و بدی منظر اهل و مال به این که زن و فرزند و بستگان دچار بیچارگی و بداخلاقی شوند و مال از بین برود و به آن نیازمند شد - و از عذاب قبر و از شیطان لعین و دام و وسوسه‌ی شر او».

**وَرَوَيْنَا عَنْ عَائِشَةَ لَ أَنَّهَا كَانَتْ إِذَا أَرَادَتْ النَّوْمَ تَقُولُ: @ اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْأَلُكَ رُؤْيَا صَالِحَةً، صَادِقَةً غَيْرَ كَاذِبَةٍ، نَافِعَةً غَيْرَ ضَارَّةٍ!. وَكَانَتْ إِذَا قَالَتْ هَذَا عَرَفُوا أَنَّهَا غَيْرُ مُتَكَلِّمَةٍ بِشَيْءٍ حَتَّى تُصْبِحَ أَوْ تَسْتَيْقِظَ مِنَ اللَّيْلِ.**

و روایت از عائشه ل داریم که ایشان موقعی که قصد خوابیدن می‌نمود می‌فرمود: «خدایا از تو می‌خواهم خواب دیدنی که شایسته و راست باشد و سودمند باشد و زیان‌آور نباشد». و وقتی که این را می‌گفت می‌دانستند که سخنی نمی‌گوید تا این که صبح شود یا در آن شب از خواب بیدار شود.

**وَرَوَى الْإِمَامُ الْحَافِظُ أَبُو بَكْرٍ بْنُ أَبِي دَاوُدَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ عَلِيٍّ رَ قَالَ: @ مَا كُنْتُ أَرَى أَحَدًا يَعْقِلُ يَنَامُ قَبْلَ أَنْ يَقْرَأَ الْآيَاتِ الثَّلَاثِ الْأَوَاخِرَ مِنْ سُورَةِ الْبَقَرَةِ!. إِسْنَادُهُ صَحِيحٌ عَلَى شَرْطِ الْبُخَارِيِّ وَمُسْلِمٍ.**

امام حافظ ابوبکر بن ابی داود به اسناد خود از علی  $\tau$  روایت نمود که علی  $\tau$  فرمود: «نمی‌دیدم کسی که عاقل باشد و بخوابد قبل از این که سه آیه‌ی آخر سوره‌ی البقره را بخواند». آیات: 284 و 285 و 286.

وَرَوَى أَيْضاً عَنْ عَلِيٍّ: @ ما أرى أحداً يعقل بلغه الإسلام ينأى حتى يقرأ آية الكرسي!

و امام حافظ باز هم از علی  $\tau$  روایت نمود که ایشان فرموده اند: «نمی‌بینم کسی را که عقل داشته باشد و داخل در اسلام شده باشد و شب بخوابد قبل از این که آیه‌ی الکرسی را بخواند». آیه‌ی الکرسی: آیه‌ی 255 سوره‌ی البقره.

وَعَنْ إِبْرَاهِيمَ النَّخَعِيِّ قَالَ: كَانُوا يُعَلِّمُونَهُمْ إِذَا أَوَّأُوا إِلَى فِرَاشِهِمْ أَنْ يَقْرَأُوا الْمُعَوِّذَتَيْنِ. وَفِي رَوَايَةٍ: كَانُوا يَسْتَجِبُونَ أَنْ يَقْرَأُوا هَؤُلَاءِ السُّورِ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ: قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ وَالْمُعَوِّذَتَيْنِ. إِسْنَادُهُ صَحِيحٌ عَلَى شَرْطِ مُسْلِمٍ.

و از ابراهیم نخعی / تعالی روایت است که فرمود: علما به فرزندان و بستگان‌شان می‌آموختند که وقتی که به بستر خواب می‌آیند سوره‌ی قل أعوذ برب الفلق و قل أعوذ برب الناس را بخواند و سپس بخوابند. و در روایتی دیگر: علما مستحب می‌دانستند که این سه سوره را در هر شب سه بار بخوانند، قبل از این که بخوابند، سوره‌ی قل هو الله أحد و سوره‌ی قل أعوذ برب الفلق و سوره‌ی قل أعوذ برب الناس. اسناد آن صحیح است و بر شرط مسلم است، و کلمه‌ی بر شرط مسلم است، یعنی راوی این اثر کسانی هستند که مسلم در صحیح خود از ایشان روایت نمود.

و بدان که آثار و احادیث در این باب بسیارند و در آنچه یاد کردیم کفایت است برای کسی که موفق به عمل به آن شود. و ما زیاده بر آن را حذف کردیم و نیاوردیم از ترس این که طالب این اذکار از بسیاری آن خسته و ملول شود. پس بهتر آن است که انسان همه‌ی این اذکار را بخواند، اگر خواندن همه‌ی آنها برایش ممکن نبود، به مهم‌ترین آنها که می‌تواند اکتفا کند.

«باب كراهة النوم من غير ذكر الله تعالى»



## بابی است در بیان کراهیت خوابیدن بدون ذکر خداوند متعال

رَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ بِإِسْنَادٍ جَيِّدٍ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ  $\tau$  عَنْ رَسُولِ اللَّهِ  $p$  قَالَ: «مَنْ قَعَدَ مَقْعَدًا لَمْ يَذْكُرِ اللَّهَ فِيهِ كَانَتْ عَلَيْهِ مِنَ اللَّهِ تِرَةٌ وَمَنْ اضْطَجَعَ مَضْجَعًا لَا يَذْكُرُ اللَّهَ فِيهِ كَانَتْ عَلَيْهِ مِنَ اللَّهِ تِرَةٌ». قُلْتُ: التِرَةُ: معناه نَقْصٌ وَقِيلَ تَبَعَةٌ.

رسول الله ص فرمود: «هر کس در جایی نشست و در آنجا خدا را یاد نکرد، این غفلت از یاد خدا برای او نقصی نوشته می شود و یا مسؤولیتی، و هر کسی که به پهلو خوابید در جایی و در آنجا نام خدا را یاد نکرد نوشته می شود بر او نقصی و یا مسؤولیتی».

«باب ما يقول إذا استيقظ في الليل وأراد النوم بعده»

## بابی است در بیان آنچه می گوید وقتی که در شب بیدار شد و خواست بعد از آن بخوابد

إِعْلَمُ أَنَّ الْمُسْتَيْقِظَ بِاللَّيْلِ عَلَيَّ ضَرْبَيْنِ: أَحَدُهُمَا مَنْ لَا يَنَامُ بَعْدَهُ وَقَدْ قَدَّمْنَا فِي أَوَّلِ الْكِتَابِ أَذْكَارَهُ. وَالثَّانِي مَنْ يَرِيدُ النَّوْمَ بَعْدَهُ، فَهَذَا يَسْتَحِبُّ لَهُ أَنْ يَذْكُرَ اللَّهَ تَعَالَى إِلَى أَنْ يَغْلِبَهُ النَّوْمُ وَجَاءَ فِيهِ أَذْكَارٌ كَثِيرَةٌ، فَمِنْ ذَلِكَ مَا تَقَدَّمَ فِي الضَّرْبِ الْأَوَّلِ. وَمِنْ ذَلِكَ مَا رَوَيْنَاهُ فِي صَحِيحِ الْبُخَارِيِّ عَنْ عُبَادَةَ بْنِ الصَّامِتِ  $\tau$  عَنْ النَّبِيِّ  $p$  قَالَ: «مَنْ تَعَارَّ مِنَ اللَّيْلِ، فَقَالَ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، الْحَمْدُ لِلَّهِ وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، ثُمَّ قَالَ: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي أَوْ دَعَا اسْتَجِيبَ لَهُ فَإِنْ تَوَضَّأَ قُبِلَتْ صَلَاتُهُ».

بدان که کسی که بیدار می شود در شب بر دو قسم است: یکی از آن دو کسی است که وقتی که بیدار شد نمی خوابد و در اول کتاب اذکار او را یاد کردیم. دوم کسی که بعد از بیدار شدن قصد خوابیدن دارد و این شخص برایش مستحب است که خدا را یاد کند تا این که خواب بر او چیره شود و بخوابد، و در این خصوص اذکار بسیاری وارد شده است، از آن جمله است آنچه در بخش یکم گذشت، و از آن جمله است آنچه روایت آن در صحیح بخاری داریم از عبادۀ بن الصامت  $\tau$  از رسول الله ص که فرمود: «کسی که بیدار شد از

خواب در شب و گفت: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ، لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. الْحَمْدُ لِلَّهِ وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ. و بعد از آن گفت: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي. خدایا بیا مرز مرا یا دعا کرد دعایش به اجابت می‌رسد، و اگر وضو گرفت و نماز خواند نمازش قبول می‌شوم». امام نووی / در اذکار فرموده که در نسخه‌های معتمد به همان صورت است که یاد شد، و در بعضی نسخه‌ها بعضی کلمات افتاده است که ما از روی نسخه‌های مورد اعتماد آوردیم. والله أعلم.

و روایت داریم در سنن أبی داود به اسنادی که نگفت ضعیف است از عایشه ل که رسول الله ص هر وقت در شب بیدار می‌شد می‌فرمود: @ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ لِدُنْيِي، وَأَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ، اللَّهُمَّ زِدْنِي عِلْمًا، وَلَا تُرِغْ قَلْبِي بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنِي، وَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ!.

«نیست معبودی به حق مگر تو، خدایا تسبیح و تنزیه تو می‌گویم، از تو طلب آمرزش می‌کنم برای گناهانم و از تو طلب رحمت می‌کنم. خدایا بیفزای علم مرا و منحرف مساز دل مرا، بعد از این که مرا به راه راست رساندی و از نزد خودت رحمتی به من ببخش، یقیناً تو بسیار بخشاینده هستی».

وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ السُّنَنِ عَنْ عَائِشَةَ لَ قَالَتْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ - إِذَا تَعَارَى مِنَ اللَّيْلِ قَالَ: @ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ، رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا الْعَزِيزُ الْغَفَّارُ!.

رسول الله ص وقتی که بیدار می‌شد در شب می‌فرمود: @ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ، رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا الْعَزِيزُ الْغَفَّارُ! «نیست معبودی به حق مگر الله که یکتای قهار است، پروردگار آسمان‌ها و زمین و آنچه میان آن دو است، آن خدای پر عزت آمرزگار».

وَرَوَيْنَا فِيهِ بِإِسْنَادٍ ضَعِيفٍ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ ؓ أَنَّهُ سَمِعَ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: @ إِذَا رَدَّ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَى الْعَبْدِ الْمُسْلِمِ نَفْسَهُ مِنَ اللَّيْلِ فَسَبَّحَهُ وَاسْتَغْفَرَهُ وَدَعَاهُ تَقَبَّلَ مِنْهُ!.

ابوهریره ؓ می‌گوید که شنید از رسول الله ص که می‌فرمود: «وقتی که خدای عزوجل روح بنده‌ی مسلمان را برگردانید و او را از خواب بیدار کرد اگر بنده در آن موقع تسبیح خدا

بگزارد و بگوید: سبحان الله و استغفار نماید و بگوید: أستغفر الله و دعا نماید. خدای می پذیرد از او تسبیح و استغفار و به اجابت می رساند دعای او را».

وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ التِّرْمِذِيِّ وَابْنِ مَاجَةَ وَابْنِ السُّنِّيِّ بِإِسْنَادٍ جَيِّدٍ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ ٢ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِذَا قَامَ أَحَدُكُمْ عَنْ فِرَاشِهِ ثُمَّ رَجَعَ إِلَيْهِ فَلْيَنْفُضْهُ بِصِنْفَةٍ إِزَارِهِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ فَإِنَّهُ لَا يَدْرِي مَا خَلَفَهُ عَلَيْهِ بَعْدَهُ فَإِذَا اضْطَجَعَ فَلْيَقُلْ بِاسْمِكَ رَبِّي وَضَعْتُ جَنْبِي وَبِكَ أَرْفَعُهُ فَإِنْ أُمْسَكَتَ نَفْسِي فَارْحَمْهَا وَإِنْ أَرْسَلَتْهَا فَاحْفَظْهَا بِمَا تَحْفَظُ بِهِ عِبَادَكَ الصَّالِحِينَ! قال الترمذي: حديث حسن. قال أهل اللغة: صِنْفَةُ الْإِزَارِ: جانبُه الذي لا هَدَبَ فِيهِ وقيل جانبه: أيُّ جانب كان.

رسول الله ص فرمود: «هرگاه یکی از شما از بستر خوابش برخاست و بعد به سوی آن برگشت به سمت حاشیه‌ی لنگ خود، فراش را سه بار تکان دهد تا اگر حشره‌ی موزی بر فراش او رفته باشد معلوم شود و نتواند او را بگذرد، برای این که از وقتی که از بستر خواب برخاسته تا وقتی که برگشته، نمی‌داند چه چیز بر فراش او رفته است. و موقعی که به پهلوی خوابید بر بستر خود بگوید: (بِاسْمِكَ رَبِّي وَضَعْتُ جَنْبِي وَبِكَ أَرْفَعُهُ فَإِنْ أُمْسَكَتَ نَفْسِي فَارْحَمْهَا وَإِنْ أَرْسَلَتْهَا فَاحْفَظْهَا بِمَا تَحْفَظُ بِهِ عِبَادَكَ الصَّالِحِينَ!). «به نام تو ای خدا، پهلویم را بر بستر خواب نهادم و به نام تو پهلویم را از بستر خواب برمی‌دارم، اگر روح مرا نزد خودت نگه داشتی او را مورد رحمت قرار ده و اگر روح مرا به جسم بازگرداندی او را نگه دار، چنانکه بندگان شایسته‌ات را نگه می‌داری». صِنْفَةُ الْإِزَارِ: حاشیه‌ی ازار یا جامه یا لنگ پا.

وَرَوَيْنَا فِي مُوطَاً الْإِمَامَ مَالِكٍ / فِي بَابِ الدُّعَاءِ آخِرِ كِتَابِ الصَّلَاةِ عَنْ مَالِكٍ أَنَّهُ بَلَغَهُ عَنْ أَبِي الدَّرْدَاءِ ٢: أَنَّهُ كَانَ يَقُومُ مِنْ جَوْفِ اللَّيْلِ فَيَقُولُ: (نَامَتِ الْعُيُونُ وَغَارَتِ النُّجُومُ وَأَنْتَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ!). قلت: معنى غَارَتْ: غَرَبَتْ.

و روایت داریم در کتاب موطای امام مالک / در باب دعا، آخر کتاب الصلاة از مالک که گفت: به من رسیده از ابی الدرداء ٢ که در دل شب از خواب برمی‌خاست و می‌گفت: (نَامَتِ الْعُيُونُ وَغَارَتِ النُّجُومُ وَأَنْتَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ!). چشم‌ها به خواب رفتند و ستاره‌ها غروب کردند و تو همیشه زنده و همیشه عالم را تدبیر می‌کنی».

«باب ما يقول إذا قلق في فراشه فلم يَنم»

## بابی است در بیان آنچه می‌گوید وقتی که در بستر خوابش ناآرام شد و به خواب نرفت

وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السُّنِّي عَنْ زَيْدِ بْنِ ثَابِتٍ  $\tau$  قَالَ: شَكَوْتُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ  $\rho$  أَرْقًا أَصَابَنِي فَقَالَ:  $\textcircled{a}$  قُلِ اللَّهُمَّ غَارَتِ النَّجُومُ وَهَدَأَتِ الْعُيُونُ وَأَنْتَ حَيُّ قَيُّوْمٌ لَا تَأْخُذُكَ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ أَهْدِيْءْ لِيْلِي وَأَنْمِ عَيْنِي!. فَقُلْتُهَا فَأَذْهَبَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَنِّي مَا كُنْتُ أَجِدُ.

زید بن ثابت  $\tau$  گفت که شکایت کردم نزد رسول الله ص از بی‌خوابی که به من دست داده بود فرمود: «بگو: غَارَتِ النَّجُومُ وَهَدَأَتِ الْعُيُونُ: و چشم‌ها آرام گرفتند وَأَنْتَ حَيُّ قَيُّوْمٌ لَا تَأْخُذُكَ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ: و تو ای خدا همیشه زنده هستی و همیشه تدبیرکننده‌ی عالم هستی، هیچگاه چرت زدن و به خواب رفتن دست نمی‌دهد تو را، یا حیی یا قیوُم أَهْدِيْءْ لِيْلِي وَأَنْمِ عَيْنِي: ای همیشه زنده، همیشه تدبیرکننده‌ی عالم شب مرا آرام بگردان و به خواب ببر چشمم را». فَأَذْهَبَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَنِّي مَا كُنْتُ أَجِدُ: خدای عزوجل از من دور کرد بی‌خوابی و ناآرامی را که به آن دچار بودم.

وَرَوَيْنَا فِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَبَّانٍ بَفَتْحِ الْحَاءِ وَبِالْبَاءِ الْمُوَحَّدَةِ أَنَّ خَالِدَ بْنَ الْوَلِيدِ  $\tau$  أَصَابَهُ أَرْقٌ فَشَكَى ذَلِكَ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَأَمَرَهُ أَنْ يَتَعَوَّذَ عِنْدَ مَنَْامِهِ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ مِنْ غَضَبِهِ، وَشَرِّ عِبَادِهِ، وَمِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ، وَأَنْ يَخْضُرُونَ. هَذَا حَدِيثٌ مُرْسَلٌ. مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى تَابِعِيٌّ. قَالَ أَهْلُ اللُّغَةِ: الْأَرْقُ هُوَ السَّهَرُ.

خالد بن الولید  $\tau$  دچار بی‌خوابی شد و شکایت آن را نزد رسول الله ص برد. رسول الله ص فرمود: بگو:  $\textcircled{a}$  أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ مِنْ غَضَبِهِ، وَمِنْ شَرِّ عِبَادِهِ، وَمِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ، وَأَنْ يَخْضُرُونَ! «پناه می‌برم به کلمات تامات خدا، به قرآن، از خشم خدا و از شر بندگان خدا و از شر وسوسه‌های شیطان‌ها، و از این که همیشه شیطان‌ها بر سر او حاضر باشند و به وسوسه‌های خود او را بیازارند». این حدیث مرسل است برای این که صحابی از سند افتاده است، و محمد بن یحیی که تابعی است از او روایت شده. وَأَرْقٌ: یعنی بی‌خوابی.

وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ التِّرْمِذِيِّ بِإِسْنَادٍ ضَعِيفٍ وَضَعَفَهُ التِّرْمِذِيُّ عَنْ بُرَيْدَةَ ٢ قَالَ: شَكَا خَالِدُ بْنُ الْوَلِيدِ ٢ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا أَنَا مِنَ اللَّيْلِ مِنَ الْأَرْقِ فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: @إِذَا أُوتِيَ إِلَى فِرَاشِكَ فَقُلْ: اللَّهُمَّ رَبَّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَمَا أَظَلَّتْ وَرَبَّ الْأَرْضِينَ وَمَا أَقَلَّتْ وَرَبَّ الشَّيَاطِينِ وَمَا أَضَلَّتْ كُنْ لِي جَارًا مِنْ شَرِّ خَلْقِكَ كُلِّهِمْ جَمِيعًا أَنْ يَفْرُطَ عَلَيَّ أَحَدٌ مِنْهُمْ أَوْ يَنْغِي عَلَيَّ عَزَّ جَارُكَ وَجَلَّ ثَنَاؤُكَ وَلَا إِلَهَ غَيْرُكَ!.

خالد بن الولید ٢ از بی خوابی که به او دست داده بود شکایتش را به رسول الله ص برد. رسول الله ص فرمود: «وقتی که به بستر خواب رفتی بگو: خدایا ای پروردگار آسمانها و آنچه آسمانها بر آن سایه افکنده اند، و ای پروردگار زمین و آنچه بر آن جای گرفت و ای پروردگار شیطانها و آنچه از دست آنها به گمراهی افتاد، پناه من باش از شر خلق همهشان باهم از این که زیاده روی کند بر من یکی از آنان و از این که تعدی کند بر من یکی از آنان. عزتمند شد کسی که پناه به تو آورد و شکوهمند شد ثنای بر تو و نیست معبودی به حق غیر از تو».

### «باب ما يقول إذا كان يفرع في منامه»

بابی است در بیان آنچه می گوید وقتی که در خواب می ترسد

وَرَوَيْنَا فِي سَنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَالتِّرْمِذِيِّ وَابْنِ السُّنِيِّ وَغَيْرِهَا عَنْ عَمْرِو بْنِ شُعَيْبٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَانَ يُعَلِّمُهُمْ مِنَ الْفَرْعِ كَلِمَاتٍ: @أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ مِنْ غَضَبِهِ، وَمَنْ شَرَّ عِبَادِهِ، وَمِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ، وَأَنْ يَحْضُرُونَ! قَالَ: وَكَانَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عَمْرِو يُعَلِّمُهُمْ مَنْ عَقَلَ مِنْ بَنِيهِ وَمَنْ لَمْ يَعْقِلْ كَتَبَهُ فَعَلَّقَهُ عَلَيْهِ. قَالَ التِّرْمِذِيُّ: حَدِيثٌ حَسَنٌ.

رسول الله ص برای نجات شان از ترس در خواب چند کلمه به ایشان می آموخت که آن را بگویند: «پناه می برم به کلمات خدا آن کلماتی که تمام و کامل است و نقصی در آن نیست، از ترس از خدا و از شر بندگان خدا، و از شر وسوسه ی شیطانها و آن که حاضر شوند». عبدالله بن عمرو بن العاص هر کدام از پسرانش که عقل داشت و بزرگ بود، این کلمات را

به او می آموخت تا آن را بخواند و هر کدام از پسرانش که کوچک بود و عقلش نمی رسید، این کلمات را می نوشت و بر او آویزان می کرد.

وَفِي رَوَايَةٍ ابْنِ السُّنِّي: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ ﷺ فَشَكَاهُ أَنَّهُ يَفْرَعُ فِي مَنَامِهِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: @إِذَا أُوتِيتَ إِلَى فِرَاشِكَ فَقُلْ: أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ مِنْ غَضَبِهِ، وَمِنْ شَرِّ عِبَادِهِ، وَمِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ، وَأَنْ يَحْضُرُونِ! فَقَالَهَا فَذَهَبَ عَنْهُ.

مردی به خدمت رسول الله ص آمد و از بی خوابی شکایت نمود. رسول الله ص به او فرمود: «هروقت که به بستر خوابت رفتی بگو: پناه می برم به کلمات کامل خدا، از خشم خدا، و از شر بندگان خدا، و از وسوسه های شیطان ها و از این که بر سر او حاضر شوند». آن مرد این کلمات را گفت، و از شر بی خوابی و ناراحتی نجات یافت.

«باب ما يقول إذا رأى في منامه ما يحب أو يكره منه»

بابی است در بیان آنچه می گوید وقتی که در خواب دید آنچه را که دوست می دارد یا دید آنچه را که دوست نمی دارد

وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ الْبُخَارِيِّ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ ر أَنَّهُ سَمِعَ النَّبِيَّ ﷺ يَقُولُ: @إِذَا رَأَى أَحَدُكُمْ رُؤْيَا يُحِبُّهَا فَإِنَّمَا هِيَ مِنَ اللَّهِ، فَلْيُحْمَدِ اللَّهَ عَلَيْهَا، وَلْيُحَدِّثْ بِهَا! وَفِي رَوَايَةٍ: @فَلَا يُحَدِّثْ بِهَا إِلَّا مَنْ يُحِبُّ، وَإِذَا رَأَى غَيْرَ ذَلِكَ مِمَّا يَكْرَهُ، فَإِنَّهَا هِيَ مِنَ الشَّيْطَانِ، فَلْيَسْتَعِذْ مِنْ شَرِّهَا، وَلَا يَذْكُرْهَا لِأَحَدٍ، فَإِنَّهَا لَا يَضُرُّهُ!

«وقتی که یکی از شما خواب دید که آن را دوست می دارد در حقیقت آن خوابی است که از خدای متعال است و ستایش خدا بر آن بگوید و آن را بازگو کند. و در روایتی دیگر آن را به کسی نگوید مگر به کسی که او را دوست می دارد، و اگر خوابی غیر از آن دید که ناپسند می دانست، پس آن از شیطان است و به خدا از شر آن پناه ببرد و آن را برای کسی نگوید که آنگاه به او زیانی نمی رساند».

وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ مُسْلِمٍ عَنْ جَابِرِ ر قَالَ: @إِذَا رَأَى أَحَدُكُمْ الرُّؤْيَا يَكْرَهُهَا فَلْيَصُتْ عَنْ يَسَارِهِ ثَلَاثًا وَلْيَسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ ثَلَاثًا وَلْيَتَحَوَّلْ عَنْ جَنْبِهِ الَّذِي كَانَ عَلَيْهِ!.

رسول الله ص فرمود: «هرگاه یکی از شما خوابی دید که از آن خوشش نمی آید سه بار آب دهن را از دست چپ ببندازد و سه بار بگوید: أعوذ بالله من الشيطان الرجيم و از پهلویی که بر آن خوابیده بر پهلوی دیگر بخوابد».

وَرَي الترمذي مَنْ رَوَاةِ أَبِي هريره r مَرْفُوعاً: @ إِذَا رَأَى أَحَدُكُمْ الرُّؤْيَا يَكْرَهُهَا فَلَا تُحَدِّثْ لَهَا أَحَدًا وَلْيَقُمْ فَلْيُصَلِّ!.

رسول الله ص فرمود: «هرگاه یکی از شما خوابی دید که آن را خوشایند نمی داند آن را به کسی نگوید و بلند شود و دو رکعت نماز بخواند».

وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السَّيِّ وَقَالَ فِيهِ: @ إِذَا رَأَى أَحَدُكُمْ رُؤْيَا يَكْرَهُهَا فَلْيَتَّقِ عَنْ يَسَارِهِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ ثُمَّ لِيَقُلْ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ وَسَيِّئَاتِ الْأَحْلَامِ فَإِنَّهَا لَا تَكُونُ شَيْئاً!.

رسول الله ص فرمود: «هرگاه یکی از شما خوابی دید که آن را دوست نمی داشت سه بار آب دهن را از دست چپ در دستمال ببندازد و بگوید: خدایا به تو پناه می برم از کار شیطان و خواب های بد که آنگاه چیزی نمی باشد و ضرری نمی رساند».

«باب ما يقول إذا قُصَّتْ عليه رؤيا»

**بابی است در بیان آنچه می گوید وقتی که دیگری خواب خود را**

**برای او حکایت نمود**

وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السَّيِّ أَنَّ النَّبِيَّ p قَالَ: لِمَنْ قَالَ لَهُ رَأَيْتُ رُؤْيَا، قَالَ: @ خَيْرًا رَأَيْتَ وَخَيْرًا يَكُونُ! . وفي رَوَاةٍ: @ خَيْرًا تَلْقَاهُ وَشَرًّا تَوْفَّاهُ خَيْرًا لَنَا وَشَرًّا عَلَى أَعْدَائِنَا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ!.

رسول الله ص به کسی که به ایشان گفت خوابی دیده ام فرمود: «خیر دیده ای و خیر می شود. و در روایتی دیگر فرمود: «به خیر می رسی و از شر نگه داشته می شوی، خیر است برای ما و شر است بر دشمنان، و ستایش برای خداوند پروردگار جهانیان است».

«باب الحثّ على الدعا والاستغفار في النصف الثاني من كلّ ليلة»

بابی است در بیان تشویق و ترغیب به دعا و استغفار در نیمه‌ی

دوم هر شب

وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِي الْبُخَارِي وَمُسْلِم عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ  $\tau$  عَنْ رَسُولِ اللَّهِ  $\rho$  قَالَ:  $\textcircled{a}$  يَنْزِلُ رَبُّنَا كُلَّ لَيْلَةٍ إِلَى السَّمَاءِ الدُّنْيَا حِينَ يَبْقَى ثُلُثُ اللَّيْلِ الْآخِرِ، فَيَقُولُ: مَنْ يَدْعُونِي؛ فَأَسْتَجِيبَ لَهُ، مَنْ يَسْأَلُنِي؛ فَأُعْطِيهِ، مَنْ يَسْتَغْفِرُنِي؛ فَأَغْفِرَ لَهُ! وفي روايةٍ لِمُسْلِمٍ:  $\textcircled{a}$  يَنْزِلُ اللَّهُ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى إِلَى السَّمَاءِ الدُّنْيَا كُلَّ لَيْلَةٍ حِينَ يَمْضِي ثُلُثُ اللَّيْلِ الْأَوَّلِ فَيَقُولُ: أَنَا الْمَلِكُ أَنَا الْمَلِكُ مَنْ ذَا الَّذِي يَدْعُونِي فَأَسْتَجِيبَ لَهُ؟ مَنْ ذَا الَّذِي يَسْأَلُنِي فَأُعْطِيهِ؟ مَنْ ذَا الَّذِي يَسْتَغْفِرُنِي فَأَغْفِرَ لَهُ فَلَا يَزَالُ كَذَلِكَ حَتَّى يُضِيَءَ الْفَجْرُ! وفي روايةٍ:  $\textcircled{a}$  إِذَا مَضَى شَطْرُ اللَّيْلِ أَوْ ثُلُثَاهُ!

وَرَوَيْنَا فِي سنن أبي داود والترمذي عَنْ عَمْرِو بْنِ عَبْسَةَ  $\tau$  أَنَّهُ سَمِعَ النَّبِيَّ  $\rho$  يَقُولُ:  $\textcircled{a}$  أَقْرَبُ مَا يَكُونُ الرَّبُّ مِنَ الْعَبْدِ فِي جَوْفِ اللَّيْلِ الْآخِرِ، فَإِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَكُونَ مِمَّنْ يَذْكُرُ اللَّهَ فِي تِلْكَ السَّاعَةِ، فَكُنْ! قال الترمذي: حديث حسن صحيح.

رسول الله ص فرمود: «پروردگارمان هر شب به آسمان دنیا می آید موقعی که دو سوم آخر شب باقی است و آنگاه می فرماید: چه کسی مرا می خواند تا اجابتش کنم، چه کسی از من می خواهد تا به او بدهم، چه کسی از من آمرزش می خواهد تا او را بیامرزم». و در روایت مسلم: خداوند پاک و بلندمرتبه هر شب به آسمان دنیا می آید موقعی که دو سوم اول شب گذشته است و آنگاه می فرماید: من فرمانروایم، من فرمانروایم، چه کسی مرا می خواند تا اجابتش کنم، چه کسی از من می خواهد تا به او عطا کنم، چه کسی از من آمرزش می خواهد تا او را بیامرزم، همواره چنین است تا این که فجر روشن شود». و در روایتی دیگر: هرگاه یک دوم شب گذشت یا دو سوم آن. در سنن أبوداود و ترمذی از عمرو بن عبسه  $\tau$  روایت داریم که او از پیامبر ص شنیده است که می فرماید: «نزدیکترین زمان پروردگار به بنده در دل آخر شب است، پس اگر توانستی از کسانی باشی که خداوند بلندمرتبه را در آن لحظه یاد می کنند، پس از آنان باش».



«باب الدعاء في جميع ساعات الليل كل ليلة رجاء أن يصادف الإجابة»

**بابی است در بیان این که هر شب تمام لحظه‌های آن موقع دعاست، به امید این که با لحظه‌های اجابت دعا مصادف شود**

خدای متعال در ماه رمضان شبی را ليلة القدر ساخت و معین نفرمود تا در همه‌ی شب‌های رمضان کوشش در طاعت بشود تا مصادف با ليلة القدر شود. در روز جمعه لحظه‌ای را برای اجابت دعا قرار داد و معین نفرمود تا در همه‌ی لحظات در طاعت و دعا کوشش بشود تا مصادف با آن ساعت گردد، و در همه‌ی شب‌ها لحظه‌ای برای اجابت دعا قرار داد و معین نفرمود تا در همه‌ی لحظات شب‌ها در طاعت و دعا کوشش بشود تا مصادف آن لحظه گردد.

وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ مُسْلِمٍ عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ ب قَالَ سَمِعْتُ النَّبِيَّ ﷺ يَقُولُ: @ إِنَّ فِي اللَّيْلِ لَسَاعَةً لَا يُوَافِقُهَا رَجُلٌ مُسْلِمٌ يَسْأَلُ اللَّهَ خَيْرًا مِنْ أَمْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ إِلَّا أَعْطَاهُ إِيَّاهُ وَذَلِكَ كُلُّ لَيْلَةٍ!.

جابر بن عبدالله انصاری ب می گوید: از رسول الله ص شنیدم که می فرمود: «محققاً در شب لحظه‌ای است که هر بنده‌ی مسلمان در آن لحظه از خدا خیری از خیرهای دنیا و آخرت بخواهد، خدا به او آن خیر را می دهد و این لحظه در همه‌ی شب‌هاست».

«باب أسماء الله الحُسنى»

**بابی است در بیان نام‌های نیک خدا**

در کتابی که به نام: «المقصد الأسنى في شرح أسماء الله الحسنى» نوشته ام همه‌ی این نام‌ها مشروحاً نوشته ام به آن مراجعه فرمایید.

قال الله تعالى: ﴿...﴾

﴿...﴾

[الأعراف: 180].

@ برای خدای سبحانه و تعالی بهترین نام‌هاست، شما از خدا بخواهید آنچه را که می‌خواهید به حسب همین نام‌ها تا خدا به شما بدهد آنچه را که از او می‌خواهید!.

وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: @ إِنَّ لِلَّهِ تِسْعَةً وَتِسْعِينَ اسْمًا، مِائَةٌ إِلَّا وَاحِدًا، مَنْ أَحْصَاهَا دَخَلَ الْجَنَّةَ، إِنَّهُ وَثَرٌ يُحِبُّ الْوَثْرَ! مَنْ أَحْصَاهَا: مَنْ حَفَظَهَا. وَقِيلَ مَنْ عَرَفَ مَعَانِيَهَا وَآمَنَ بِهَا وَقِيلَ: مَنْ أَطَاقَهَا بِحُسْنِ الرَّعَايَةِ لَهَا وَتَخَلَّقَ بِمَا يُمَكِّنُهُ مِنَ الْعَمَلِ بِمَعَانِيهَا وَاللَّهُ أَعْلَمُ.

رسول الله ص فرمود: «محقق این است که خدای متعال نود و نه اسم دارد، یکی کمتر از صدتا. کسی که این نام‌های مقدس را از بر نماید به بهشت داخل می‌شود، او تاك است و تاك را دوست می‌دارد». در معنی مَنْ أَحْصَاهَا دَخَلَ الْجَنَّةَ: امام بخاری و بیشتر علما گفته‌اند که معنی مَنْ أَحْصَاهَا: مَنْ حَفَظَهَا: کسی که این نام‌ها را از بر نمود. و روایتی که در صحیح است مَنْ حَفَظَهَا دَخَلَ الْجَنَّةَ مؤید این تفسیر است.

این نود و نه اسم از این قرار است:

هو الله الذي لا إله إلا هو، الرحمن، الرحيم، الملك، القدوس، السلام، المؤمن، المهيمن، العزيز، الجبار، المتكبر، الخالق، الباري، المصور، الغفار، القهار، الوهاب، الرزاق، الفتاح، العليم، القابض، الباسط، الخافض، الرافع، المعز، المذل، السميع، البصير، الحكيم، العدل، اللطيف، الخبير، الحليم، العظيم، الغفور، الشكور، العلي، الكبير، الحفيظ، المقيت، الحسيب، الجليل، الكريم، الرقيب، المجيب، الواسع، الحكيم، الودود، المجيد، الباعث، الشهيد، الحق، الوكيل، القوي، المتين، الولي، الحميد، المحصي، المبدئ، المعيد، المحيي، المميت، الحي، القيوم، الواحد، الماجد، الواحد، الصمد، القادر، المقتدر، المقدم، المؤخر، الأول، الآخر، الظاهر، الباطن، الولي، المتعالي، البر، التواب، المنتقم، العفو، الرؤوف، مالك الملك، ذو الجلال والإكرام، المقسط، الجامع، الغني، المغني، المانع، الضار، النافع، النور، الهادي، البديع، الباقي، الوارث، الرشيد، الصبور.

هذا حديث البخاري ومسلم إلى قوله @ يُحِبُّ الْوَثْرَ! وما بعده حديث حسن رواه الترمذي وغيره. قوله @ الْمُغِيثُ! رَوَى بَدَلُهُ @ الْمُقْنِيتُ!. وَرَوَى @ الْقَرِيبُ! بَدَلُ @ الرَّقِيبِ! وَرَوَى @ الْمُئِينُ! بَدَلُ @ الْمُتَيْنِ! وَالْمَشْهُورُ الْمُتَيْنُ.

و در کتاب المقصد الأسنى فى شرح أسماء الحسنی شرح همه را نوشته ام کسی که بخواهد به آن مراجعه نماید.

و معنى إِنَّهُ وَتَرٌ: إِنَّهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَلَا نَظِيرَ. و معنى يُحِبُّ الْوَتَرَ: تَفْضِيلُ الْوَتْرِ فِي الْأَعْمَالِ وَكَثِيرٍ مِنَ الطَّاعَاتِ. کلمه ی وتر به کسر واو و به فتح واو: تاک است، نه شریکی دارد و نه نظیری و وتر را دوست دارد، مثل قراردادن نمازها به پنج نماز: نماز مغرب سه رکعت. تعداد آسمانها هفت تاست، روزهای هفته هفت تا. ليلة القدر شب بیست و یکم یا بیست و هفت و غیر اینها.

### «کتاب تلاوة القرآن»

## کتابی است در بیان تلاوت قرآن

بدان که تلاوت قرآن بهترین اذکار است، و مطلوب این است که قراءت قرآن همراه با تدبر معانی آن باشد، و برای قراءت قرآن آداب و مقاصدی است. امام نووی در این باره کتابی به نام «التبیین فی آداب حَمَلَةِ الْقُرْآن» تألیف نموده است و می فرماید که در کتاب اذکار مختصری از آن کتاب می آورد تا کسی که قصد اطلاع بیشتر دارد به کتاب تبیان مراجعه نماید. و معلوم است که امام نووی نوشته هایش همه از روی تحقیق است، این است که هرچه مرقوم می فرماید همه خلاصه و مغز مقاصد و مطالب مورد لزوم است.

**(فصل)** شایسته این است که بر تلاوت قرآن محافظت و مواظبت بشود، در شب و روز و در سفر و حضر. سلف صالح این امت ۱۷ در مدت زمانی که ختم قرآن در آن می شود عادت های مختلف داشتند، گروهی از ایشان هر دو ماه یک ختم قرآن می خواندند. و گروهی دیگر هر ماهی یک ختم می نمودند. و گروهی هر روز یک ختم قرآن می نمودند. و جماعتی دیگر هر هشت روز یک ختم داشتند، و افرادی دیگر در هر هفت روز ختم قرآن می نمودند. و این ختم در هفت روز روش بیشتر سلف بود. و مردمی دیگر در هر شش روز ختمی داشتند و مردمی در هر چهار روز ختمی و بسیاری در هر سه روز ختمی داشتند و بسیاری در هر روز

و شبی ختمی داشتند و جماعتی در هر روز و شبی دو ختم قرآن می نمودند و کسانی در هر روز و شبی سه ختم قرآن داشتند. و بعضی از ایشان در یک روز و شب هشت ختم قرآن می نمودند، چهار ختم در روز و چهار ختم در شب. و از این جمله است ابن الکاتب صوفی و این بیشترین مقداری است که با ما رسیده است. و سید جلیل احمد دورقی به اسناد خود از منصور بن زاذان بن عباد تابعی  $\tau$  روایت نمود که او میان ظهر و عصر یک ختم می نمود، و میان مغرب و عشاء نیز یک ختم می نمود، و در ماه رمضان میان مغرب و عشاء دو ختم قرآن می نمود. و در آن ایام نماز عشاء را به تأخیر می خواندند تا یک ربع شب بگذرد. و ابن ابی داود به اسناد خود از مجاهد / روایت نمود که مجاهد در ماه رمضان میان مغرب و عشاء یک ختم قرآن می نمود. اما مردمی که قرآن را در یک رکعت ختم می کردند، بی شمارند. از آن جمله است عثمان بن عفان خلیفه ی سوم و تمیم داری و سعید بن جیر. و در حقیقت به حسب اشخاص اختلاف پیدا می کند. بنابراین، کسی که از خواندن به تأنی و آهستگی فهم کامل برایش دست می دهد مقداری از قرآن بخواند که به خوبی آنچه را که می خواند فهم کند. و همچنان کسانی که مشغول نشر علم هستند و کسانی که داوری میان مردم و فصل دعاوی دارند و کسانی که مهمات دین و مصالح عامه ی مسلمین به عهده دارند، باید اکتفاء کنند به مقداری از قراءت قرآن که برایشان میسر می شود و به وظیفه شان خلل نمی رساند. اما کسی که از این جمله نیست و کاری از مهمات دین و مصالح مسلمین به عهده ندارد باید کوشش کند که هرچه بیشتر قراءت قرآن داشته باشد، به شرط این که کاری نکند که از شتاب در قراءت به قول عوام و راوٍ بخواند و نه فهمی از معنی و نه نصیبی از تقوی بیابد که چنین قراءتی مکروه می شود، برای این که مخارج حروف حفظ نمی کند و از استفاده ی معنوی محروم می ماند. و جماعتی از علما ختم قرآن در یک روز و شب را مکروه دانسته اند و حدیث زیر دلالت بر صحت نظر ایشان می دهد:

مَا رَوَيْنَاهُ بِالْأَسَانِيدِ الصَّحِيحَةِ فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَالتِّرْمِذِيِّ وَالنَّسَائِيِّ وَغَيْرِهِمْ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْعَاصِيِّ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: @ لَا يَفْقَهُ مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ فِي أَقَلِّ مِنْ ثَلَاثٍ!.

«قرآن را فهم نکرده است کسی که قرآن را ختم نموده در کمتر از سه روز».

اما وقت ابتدای قراءت قرآن و وقت ختم آن به اختیار خواننده‌ی قرآن است، اگر از جمله کسانی است که قرآن را در یک هفته ختم می‌کند، عثمان ؓ شب جمعه آغاز قراءت قرآن می‌نمود و در شب پنجشنبه قرآن را ختم می‌نمود. و امام ابو حامد غزالی در کتاب إحياء علوم الدین آورده است که أفضل این است که یک ختم به شب بنماید و یک ختم به روز، ختم روز در روز دوشنبه در دو رکعت نماز فرض صبح قرار بدهد و ختم شب در شب جمعه در دو رکعت نماز فرض مغرب قرار بدهد تا دو ختم را در آغاز و آخر شب و آخر شب و اول روز قرار دهد. و ابن ابی داود از عمرو بن مرة تابعی جلیل ؓ روایت نموده است که گفت: @كَانُوا يُحِبُّونَ أَنْ يُخْتَمَ الْقُرْآنُ مِنْ أَوَّلِ اللَّيْلِ أَوْ مِنْ أَوَّلِ النَّهَارِ! «سلف دوست می‌داشتند که ختم قرآن در اول روز یا اول شب باشد». و ابن ابی داود از طلحه بن مصرف تابعی جلیل روایت نمود که طلحه گفت: کسی که قرآن را ختم کرد در هر ساعتی از روز، ملائکه درود بر او می‌فرستند تا اول شب، و در هر ساعتی از شب که ختم قرآن نمود ملائکه درود بر او می‌فرستند تا اول روز. و از مجاهد نیز مانند همین روایت شده است.

وَرَوَيْنَا فِي مَسْنَدِ الْإِمَامِ الْمَجْمَعِ عَلِي حَفْظَهُ وَجَلَالَتَهُ وَإِتْقَانَهُ وَبِرَاعَتِهِ أَبِي مُحَمَّدٍ الدَّارِمِيِّ / عَنْ سَعْدِ بْنِ أَبِي وَقَاصٍ ؓ قَالَ: إِذَا وَافَقَ خَتَمَ الْقُرْآنَ أَوَّلَ اللَّيْلِ صَلَّتْ عَلَيْهِ الْمَلَائِكَةُ حَتَّى يَصْبَحَ وَإِنْ وَافَقَ خَتَمَ الْقُرْآنَ آخِرَ اللَّيْلِ صَلَّتْ عَلَيْهِ الْمَلَائِكَةُ حَتَّى يَمْسَى. قَالَ الدَّارِمِيُّ: هَذَا حَسَنٌ عَنْ سَعْدٍ. يَعْنِي سَعْدُ بْنُ أَبِي وَقَاصٍ فَرَمَوْا: إِنْ خَتَمَ الْقُرْآنَ مُوَافِقٌ بَدَأَ بِأَوَّلِ شَيْءٍ مَلَائِكَةُ بِرَأْسِهِ وَدُرُودُ مِي فَرَسْتَنْدُ تَأَوَّلَ رَوْزٍ، وَ إِنْ خَتَمَ الْقُرْآنَ مُوَافِقٌ بَدَأَ بِآخِرِ شَيْءٍ مَلَائِكَةُ بِرَأْسِهِ وَدُرُودُ مِي فَرَسْتَنْدُ تَأَوَّلَ شَيْءٍ بَعْدَ. دَارِمِي كَقَتَّ: إِنْ كَقَتَّارَازِ سَعْدٍ خَوْبَ اسْتِ.

### (فصل) فصلی است در بیان وقت‌های برگزیده برای خواندن قرآن.

بدان که بهترین قراءت قرآن قراءتی است که در نماز باشد و مذهب امام شافعی و افرادی دیگر از علما رحمهم الله تعالی این است که قیام نماز را طولانی کردن به قراءت قرآن بهتر است از طولانی کردن سجود و غیر آن. و اما قراءت قرآن در غیر نماز، پس بهترین آن قراءت قرآن در شب است و نیمه‌ی آخری شب برای قراءت قرآن بهتر است از نیمه‌ی اول شب. و محبوب است قراءت قرآن میان مغرب و عشاء. و اما خواندن قرآن در روز، پس بهترین وقت

آن بعد از نماز صبح است، و هیچ وقت قراءت قرآن مکروه نیست، حتی در اوقات مکروه بودن نماز نیز قراءت قرآن کراهتی ندارد. و اما آنچه ابن دبی داود / روایات نموده است از معاذ بن رفاعه / که مشایخ قراءت قرآن بعد از عصر را مکروه می دانسته اند و می گفته اند: قراءت بعد از عصر قراءت یهود است، گفتاری است غیر مقبول و بی پایه که اصلی ندارد، و از بین روزها روزهای جمعه و دوشنبه و پنجشنبه و روز عرفه از اوقات برگزیده محسوب می شود، و روزهای ده گانه ای اول ذیحجه و ده روز اخیر ماه مبارک رمضان از اوقات برگزیده برای قراءت قرآن است، و از بین ماه ها ماه مبارک رمضان ماه برگزیده برای قراءت قرآن است.

### (فصل) فصلی است در بیان آداب ختم قرآن و آنچه تعلق به آن دارد.

پیش از این گفتیم کسی که به تنهایی قرآن را می خواند بهتر است که ختم او در نماز باشد. اما کسی که ختم قرآن را در غیر نماز می نماید و جماعتی که جمع می شوند برای ختم قرآن، مستحب است که ختم کردن شان در اول روز یا اول شب باشد، چنانکه پیش از این گذشت. و مستحب است که روز ختم قرآن روزه باشد، مگر در صورتی که روز ختم قرآن شرعاً روزه رفتن در آن ممنوع باشد، مثل روز عید و ایام التشریق. و به ثبوت رسیده است از طلحه بن مصرف و المسیب بن رافع و حبيب بن ابی ثابت که هر سه از تابعین و از اهل کوفه بوده اند رحمهم الله اجمعین که روزی که می خواستند در آن روز ختم قرآن نمایند آن روز را روزه می گرفتند. و مستحب است حاضر شدن در مجلس ختم قرآن برای کسی که قرآن می خواند و برای کسی که قراءت قرآن نمی تواند: فَقَدْ رَوَيْنَا فِي الصَّحِيحَيْنِ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ أَمَرَ الْخَيْضَ بِالْخُرُوجِ يَوْمَ الْعِيدِ فَيَشْهَدَنَّ الْخَيْرَ وَدَعْوَةَ الْمُسْلِمِينَ: رسول الله ص دستور فرمود به بیرون رفتن زنان قاعده از خانه و رفتن به مصلی برای مشاهده ی نماز عید و شنیدن دعای خیر مسلمانان، با این که زنان قاعده نماز نمی خوانند، اما در محل نماز و دعای مسلمین شرکت می کنند تا برکت آن به ایشان هم برسد.

وَرَوَيْنَا فِي مَسْنَدِ الدَّارِمِيِّ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ أَنَّهُ كَانَ يَجْعَلُ رَجُلًا يَرِاقِبُ رَجُلًا يَقْرَأُ الْقُرْآنَ فَإِذَا أَرَادَ أَنْ يَخْتِمَ أَعْلَمَ ابْنَ عَبَّاسٍ بِفَيْشِهِ ذَلِكَ.

عبدالله بن عباس ب وقتی می دانست که کسی نزدیک به ختم کردن قرآن است، شخصی را می گماشت تا او را زیر نظر بگیرد تا هروقت دید نزدیک به ختم قرآن رسیده است ابن عباس را خبر کند و در مجلس ختم قرآن و دعای آن شرکت می کرد.

وَرَوَى ابْنُ أَبِي دَاوُدَ بِإِسْنَادٍ صَحِيحٍ عَنْ قَتَادَةَ التَّابِعِيِّ الْجَلِيلِ الْإِمَامِ صَاحِبِ أَنْسَ ط كَانَ أَنْسُ بْنُ مَالِكٍ ط إِذَا خَتَمَ الْقُرْآنَ جَمَعَ أَهْلَهُ وَدَعَا.

انس بن مالک ط وقتی که قرآن را ختم می کرد اهل و بستگان خود را جمع می کرد و دعا می نمود برای سلامتی و سعادت خود و بستگان و عموم مسلمانان.

وَرَوَى بِإِسْنَادٍ صَحِيحَةٍ عَنْ الْحَكَمِ بْنِ عُثَيْبَةَ التَّابِعِيِّ الْجَلِيلِ الْإِمَامِ قَالَ أُرْسِلَ إِلَيَّ مِجَاهُ وَعَبْدَةُ بْنُ أَبِي لُبَابَةَ فَقَالَا: إِنَّا أُرْسِلْنَا إِلَيْكَ لِأَنَّا أَرَدْنَا أَنْ نَخْتِمَ الْقُرْآنَ وَالدَّعَاءَ يَسْتَجَابُ عِنْدَ خَتَمِ الْقُرْآنِ.

حکم بن عتیبه تابعی جلیل می گوید که مجاهد و عبده بن ابی لبابه کسی را فرستادند نزد من تا پیش ایشان بروم، وقتی که رفتم نزد ایشان فرمودند ما تو را دعوت کردیم که نزد ما بیایی برای این که می خواهیم ختم قرآن نماییم و دعا موقع ختم قرآن مستجاب است، یعنی تا از این ختم و دعا نصیبی ببری.

وَفِي بَعْضِ رَوَايَاتِ الصَّحِيحَةِ: وَأَنَّهُ كَانَ يَقَالُ: إِنَّ الرِّحْمَةَ تَنْزِلُ عِنْدَ خَاتَمَةِ الْقُرْآنِ: رَحِمْتَ نَازِلٌ مِثْلُ مَوْقِعِ خَتَمِ الْقُرْآنِ.

وَرَوَى بِإِسْنَادِهِ الصَّحِيحُ عَنْ مُجَاهِدٍ قَالَ: كَانُوا يَجْتَمِعُونَ عِنْدَ خَتَمِ الْقُرْآنِ يَقُولُونَ تَنْزِلُ الرِّحْمَةُ: سَلَفَ مَوْقِعِ خَتَمِ الْقُرْآنِ اجْتِمَاعٌ مِثْلُ مَوْقِعِ خَتَمِ الْقُرْآنِ رَحِمْتَ خُذَا نَازِلٌ مِثْلُ مَوْقِعِ خَتَمِ الْقُرْآنِ.

**(فصل)** و دعا نزد ختم قرآن مستحب است، استحباب متأكد و شدید، به دلیل آنچه یاد کردیم از احادیث و آثار.

وَرَوَيْنَا فِي مَسْنَدِ الدَّارِمِيِّ عَنْ حَمِيدِ الْأَعْرَجِ / قَالَ: مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ ثُمَّ عَادَ آمَنَ عَلَى دَعَائِهِ أَرْبَعَةَ آلَافٍ مَلَكٌ: كَسَى كَقَرَأَ خَوَانِدَ وَبَعْدَ از خواندن قرآن دعا کرد چهار هزار فرشته بر دعای

او آمین می گویند. و شایسته است که در دعا پافشاری نماید و به آن ادامه دهد و دعایی که می کند راجع به کارهای مهم و با کلمه های پرمغز باشد. و بیشتر آن در امور آخرت و امور مسلمین و صلاح رهبران مسلمین و ولات امورشان و توفیق مسلمین در طاعت خدا و نگهداری شان از نافرمانی خدا و در باره ی همدستی شان در نکوکاری و تقوی و ایستادن به اجرای حق و وحدت کلمه و پیروزی شان بر دشمنان دین و همه ی مخالفین باشد. امام نووی در کتاب «آداب القراء» دعاها ی مختصر و جامع مقاصد خیر آورده است تا کسی که بخواهد از آن کتاب بگیرد. و مستحب است وقتی که ختمی را به آخر رسانید شروع به قراءت قرآن برای ختم دیگر نماید. سلف صالح همین روش را دوست می داشته اند که ختم قرآن متصل به هم باشد. و دلیل شان حدیث انس ؓ است: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: @خَيْرُ الْأَعْمَالِ الْحُلُّ وَالرَّحْلَةُ، قِيلَ وَمَا هُمَا؟ قَالَ افْتِتَاحُ الْقُرْآنِ وَخَتْمُهُ!.

رسول الله ص فرمود: «بهترین اعمال ختم قرآن و شروع مجدد برای قراءت قرآن و ختم دیگر است».

**(فصل)** راجع به کسی که به خواب رفت و حزب قراءت و کار همیشگی خود را در قراءت و ذکر در شب از دست داد:

وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ مُسْلِمٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ ؓ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: @مَنْ نَامَ عَنْ حِزْبِهِ أَوْ عَنْ شَيْءٍ مِنْهُ فَقَرَأَهُ فِيمَا بَيْنَ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَصَلَاةِ الظُّهْرِ كُتِبَ لَهُ كَأَنَّمَا قَرَأَهُ مِنَ اللَّيْلِ!.

«رسول الله ص فرمود: «کسی که به خواب رفت از حزب یا از بعضی از آن در شب و آن را میان نماز صبح و نماز ظهر خواند ثواب آن برای او نوشته می شود، چنانکه آن را در شب خوانده باشد».

**(فصل)** در امر به تعهد قرآن و ادای قراءت آن و پرهیز کردن از این که به سبب نخواندن قرآن آنچه از حفظ دارد و می داند فراموش کند.

وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ الْبُخَارِيِّ عَنْ أَبِي مُوسَى الْأَشْعَرِيِّ ؓ عَنِ النَّبِيِّ ﷺ قَالَ: @تَعَاهَدُوا هَذَا الْقُرْآنَ فَوَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ لَهُوَ أَشَدُّ تَفَلُّتًا مِنَ الْإِبِلِ فِي عُقْلِهَا!.



رسول الله ص فرمود: «این قرآن را مورد تعاهد و مواظبت بر قراءت آن قرار دهید، قسم به خدایی که جان محمد در دست اوست، قرآن فراموش کردن و از دست دادن آن آسان است، و حفظ آن از فراموشی سخت تر است از حفظ شتر در پای بندش». کسانی که قرآن حفظ کرده و از بر دارند می دانند که اگر مدت اندکی بگذرد و تلاوت نکنند به حفظشان لطمه می خورد. بنابراین، مداومت بر قراءت قرآن ضرورت دارد.

وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحَيْهِمَا عَنْ ابْنِ عُمَرَ ب أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: @ إِنَّمَا مَثَلُ صَاحِبِ الْقُرْآنِ كَمَثَلِ صَاحِبِ الْإِبِلِ الْمُعَقَّلَةِ إِنْ عَاهَدَ عَلَيْهَا أَمْسَكَهَا وَإِنْ أَطْلَقَهَا ذَهَبَتْ!.

رسول الله ص فرمود: «مثال کسی که قرآن از بر دارد، مثال شترهایی است که پای بند بر پاهای آنهاست، اگر صاحبان شترها مواظبت بر آنها کردند و در عقال و پای بند نگاهشان داشتند، شترهای خود را حفظ می کنند و چنانچه شتران را بدون پای بند به حال خود رها کردند از دست می روند». همچنان حافظان قرآن، اگر همیشه قرآن بخوانند حفظ قرآن در ذهن شان می ماند، اگر از خواندن قرآن غفلت کردند قرآن از ذهن شان بیرن می رود.

وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ أَبِي دَاوُدَ وَالتِّرْمِذِيِّ عَنْ أَنَسٍ ر قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: @ عُرِضَتْ عَلَيَّ أُجُورُ أُمَّتِي حَتَّى الْقَدَاهُ يُخْرِجُهَا الرَّجُلُ مِنَ الْمَسْجِدِ وَعُرِضَتْ عَلَيَّ ذُنُوبُ أُمَّتِي فَلَمْ أَرْ ذَنْبًا أَعْظَمَ مِنْ سُورَةِ مِنَ الْقُرْآنِ أَوْ آيَةٍ أَوْيَتْهَا رَجُلٌ ثُمَّ نَسِيَهَا!. تكلم الترمذي فيه.

رسول الله ص فرمود: «نشان من داده شد ثواب هایی که به امتم می رسد، حتی خار و خاشاکی که شخص از مسجد بیرون می برد تا به کسی آزاری نرسد و نشان من داده شد گناهان امتم، ندیدم گناهی بزرگتر از گناه کسی که سوره ای از قرآن به او داده شده و فراموش کرد».

وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَمُسْنَدِ الدَّارِمِيِّ عَنْ سَعْدِ بْنِ عِبَادَةَ ر قَالَ: @ عَنْ النَّبِيِّ ﷺ قَالَ: @ مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ ثُمَّ نَسِيَهُ لَقِيَ اللَّهَ تَعَالَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَجْدَمًا!.

رسول الله ص فرمود: «کسی که قرآن آموخت پس از آن قرآن خواندن را فراموش کرد، روز قیامت که خدا را ملاقات می کند، به صورت شخص مجذوم است که شکل او را قبیح نموده است».

**(فصل)** در بیان مسایل و آدابی که شایسته‌ی قاری قرآن است به آنها توجه کند.

و این مسایل و آداب خیلی بسیار است، و در این جا قسمتی از آنها را یاد می‌نماییم و دلایل آنها را نمی‌آوریم، برای این که مشهور است و نیازی به آوردن دلایل آنها نیست، و آوردن آن دلایل باعث طولانی‌شدن و ملال و خستگی است. نخستین چیزی که قاری قرآن به آن امر می‌شود اخلاص و یکرنگی است که قاری باید قصدش از قراءت قرآن به دست آوردن رضای خدا باشد و هیچ قصد دیگری نداشته باشد. بنابراین، قاری باید ادب در برابر قرآن داشته باشد و با حضور قلب بخواند و به دل آورد که قصدش مناجات با پروردگار است، و قرآن که می‌خواند طوری بخواند که گویا خدا را می‌بیند، اگر او خدا را نبیند بداند که خدا او را می‌بیند.

**(فصل)** و شایسته است برای کسی که می‌خواهد قرآن را بخواند این که دهان و دندان را تمیز نگه دارد، و مسواک بهتر است از چوب اراک و خوشبو باشد، و مسواک زدن به چیزهای دیگری که دهان و دندان را پاکیزه کند نیز جایز است، و شستن دهان و دندان به انگشت در آن سه قول است: مشهورترین اقوال به انگشت اگرچه خشن باشد کفایت نمی‌کند. قول دوم کفایت می‌کند. قول سوم چیز دیگر نیست انگشت خشن و زبر کفایت می‌کند، و اگر وسیله‌ی دیگری هست انگشت کفایت نمی‌کند، و مسواک زدن به پهنای دندان و ابتداء از طرف راست دهان باشد، و با مسواک زدن نیت نماید که ادای سنت می‌نماید. بعضی از علما گفته اند: موقع مسواک زدن بگوید: اللَّهُمَّ بَارِكْ لِي فِيهِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. و مسواک می‌زند به ظاهر دندان‌ها و باطن دندان‌ها و بر زبان و سقف حلق به نرمی، اگر دهان به خون پلید شد قراءت قرآن در این حالت مکروه است، اما آیا حرام است با دهان نجس قرآن خواند یا نه؟ قول اصح این است که مکروه است و حرام نیست و این کراهت تحریمی است، اجتناب آن اولی می‌باشد، و این مبحث توضیحی دارد که در فصل‌های اول این کتاب یاد شد و نیاز به تکرار آن نیست. والله أعلم.

**(فصل)** شایسته است که قاری قرآن را به تدبر و فهم کردن و حضور قلب و خشوع بخواند که مقصود از قراءت همین است و انشراح صدر به آن حاصل می شود و دل به آن روشن می گردد. و دلایل خواندن با تدبر و فهم و با حال خشوع بیشتر از آن است که به شمار آید و مشهورتر از آن است که یاد شود. و گروهی از سلف در خواندن یک آیه شب را به صبح می آوردند. و گروهی موقع شنیدن آیه ای طوری در آنان تأثیر کرد که فریاد برآوردند و مردند. و گروهی از تأثیر آیاتی جان سپردند، برای این که با حضور قلب و فهم و خشوع می خواندند. و مستحب است گریستن موقع تلاوت قرآن و اگر نتواند بگرید، خود را گریان نشان دهد. برای این که گریستن موقع تلاوت قرآن شعار عباد الله الصالحین است. چنانکه خدای متعال فرمود:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا خُذُوا زِينَتَكُمْ لِكُلِّ مَسْجِدٍ وَلِكُلِّ مَوْضِعٍ يُذَكَّرُ فِيهِ لِقَاءِ رَبِّكُمْ وَأَكْثَرُ ذَلِكَ خَيْرٌ﴾ [الإسراء: 31]

[109] @ و می افتند بر روی برای سجود در حالی که گریانند و گریستن بر خشوع شان می افزاید! امام نووی / در کتاب «التبیین فی آداب حملة القرآن» بسیاری از آثار صالحان را یاد نموده است.

قال السيد الجليل صاحب الكرامات والمعارف والمواهب، إبراهيم الخواص: دواء القلب خمسة أشياء: قراءة القرآن بالتدبر. خلاء البطن وقيام الليل والتضرع عند السحر ومجالسة الصالحين.

آقای با شکوه و بزرگوار، صاحب کرامات و مراتب خداشناسی و مواهب الهی، ابراهیم خواص ؑ فرمود: دواي دل در پنج چیز است: خواندن قرآن از روی فهم و تدبر و خالی بودن شکم و شبخیزی و نماز تهجدخواندن و تضرع و گریه و زاری در وقت سحر و همنشینی با صالحان.

قرآن وقتی سودمند است که قاری بداند کلام کیست و مقصود او چیست. و آن کسی که قرآن کلام اوست آفریدگار همه و دانا به نهان و آشکار همه و مالک زندگی و مرگ همه و

سرنوشت همه در دست اوست. این قرآن که پیام سعادت دو جهان است بر بنده و پیغمبر خاتمش نازل فرمود تا روح پیروان قرآن را به تلاوت آن شاد فرماید و دل‌های قرآن‌خوانان را به نور قرآن روشن گرداند و سراپای وجودشان به محبت خدا و رسول خدا ص منور گرداند. برای چنین فهمی شکم خالی لازم است تا بتواند ساعت‌ها در قیام و قعود و رکوع و سجود روان خود را بر استقامت استوار سازد. به قول سعدی:

انـدرون از طـعام خـالی دار  
تا در آن نور معرفت بینـی  
تو کجا نور معرفت توانی دید  
که پـری از طـعام تا بینـی

و توانایی بر گرسنگی و شکم خالی کسانی دارند که سحرگاه در نماز تهجد به راز و نیاز با پروردگار مشغولند.

شب مردان خدا روز جهان افروز است  
صالحان را به حقیقت شب ظلمانی نیست

و به دست آوردن چنین نعمت‌هایی از همنشینی با صالحان به دست می‌آید.

**(فصل)** خواندن قرآن از رو بهتر از خواندن از حفظ است: برای این که دست‌ها قرآن را حمل می‌نماید و چشم‌ها حروف قرآن را می‌بیند علمای ما چنین فرموده‌اند، و لیکن باید دانست که اگر با از برخواندن دل در آن بیشتر حاضر می‌شود و فهم و تدبر قراءت بیشتر به دست می‌آید از برخواندن بهتر است، اما اگر از برخواندن و از روخواندن یکسان باشند، از روخواندن بهتر است، و هرچه بیشتر اعضای بدن در طاعت به کار آید، بهتر است. وقتی که انسان به نماز می‌ایستد پاها در طاعت هستند، برای این که بدن را حمل کرده‌اند. دست‌ها در طاعت هستند، برای این که برای تکبیرة الإحرام بالا رفته‌اند و یا بر سینه برهم نهاده شده‌اند.

چشم‌ها در طاعت هستند که به سجده گاه می‌نگرند. دل در طاعت است که آماده خشوع شده است. اگر نیت را به زبان بیاورد، زبان به گفتن و گوش به شنیدن در طاعت حاضر می‌شوند. بعضی از روی بی‌دانشی می‌گویند: نیت نمی‌خواهد. اولاً حدیث متفق علی صحته و قریب به تواتر: **﴿إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ﴾!** است که می‌رساند هیچ عملی بدون نیت صحیح نیست. دیگر این که موقع نیت دل حاضر می‌شود و استحضار عظمت خدای تعالی به بار می‌آورد. و نیت است که عمل را خالص می‌سازد. و نیت است که مراتب عبادت را از هم جدا می‌سازد و نیت فرض و نیت سنت و نیت ادا و نیت قضا و نیت منفرد و نیت با جماعت همه به نیت حاصل می‌شود. اما تکبیر گفتن بدون نیت نه اخلاصی به همراه می‌آورد نه استحضار عظمت خدا فراهم می‌شود، نه شرمساری از تقصیر در طاعت به یاد می‌آید. بیچاره مردمی که به سبب بی‌سوادی از بسیاری از مزایا محروم می‌گردند.

**(فصل)** روایات بسیاری آمده است در فضیلت بلند کردن آواز به قراءت قرآن. و روایات بسیاری آمده است به فضیلت آهسته کردن آواز به قراءت قرآن. علما گفته اند راه جمع میان این دو گفتار این است که آهسته خواندن دورتر است از ریا. بنابراین کسی که از ریا می‌ترسد، آهسته خواندن برای او بهتر است. و کسی که نمی‌ترسد و می‌داند که در عملش ریا داخل نمی‌شود به آواز بلند خواندن برای او بهتر است، به شرط این که بلند خواندنش مایه‌ی تشویش نمازگزاری نشود و شخصی را که به خواب است ناآرام نکند. کودک‌کی که در گهواره است بیدار نسازد. بیماری که استراحت نموده راحتش را از بین نبرد. اگر هیچ یک از این مسایل نیست با آواز بلند خواندن قرآن بهتر است، برای این که دیگری می‌شنود و از قراءت او استفاده می‌کند. دل قاری را بیدار می‌سازد و فکرش را جمع می‌کند. خواب از چشم بیرون می‌کند و نشاط را می‌افزاید و دیگری که غافل است به قراءت تشویق می‌نماید، و هرگاه یکی از این مقاصد باشد خواندن قرآن با آواز بلند بهتر است. و مقصود از آواز بلند آواز به حسب عرف است نه این که مانند مؤذن صدا را بلند کند.

**(فصل)** و مستحب است قرآن را با آواز خوش خواندن و آواز را به قراءت قرآن زیانمودن به شرط این که به صورت نغمه خوانی نباشد و زیاد و کم کردن حرفی به بار نیآورد. اما قراءت قرآن به صورت آواز خوانی و کشیدن زیاد حرف و تمطیط و تردید بسیار و به حد افراط حرام است، و در صورتی که به حد افراط نباشد حرام نیست. آواز خوش نعمتی بزرگ است، روح را تغذیه می نماید و شوق عمل به قرآن را در دل ها زنده می گرداند. اما آواز ناخوش به قول سعدی علیه الرحمه:

گر تو قرآن بدین نمط خوانی  
بیـــــری رونیـــــق مســـــلمانی

**(فصل)** و مستحب است برای قاری قرآن که ارتباط آیات قرآن را از هم قطع نکند، ابتدا قراءت به آیه ای نماید که در آغاز مقصد قرار دارد و پایان قراءت و محل وقف قراءت را در محلی از آیات قرار دهد که با آیات بعدی مرتبط نباشد، و هیچ وقت خود را مقید به اول جزء یا اول حزب ننماید، برای این که چه بسیار آیه ی اول جزء مربوط به آیه های قبلی است، و ابتدا با آن مطالب آیات را از هم قطع می نماید، و قرآن را به سی جزء تقسیم کرده اند تا کسی که می خواهد ماهی یک ختم نماید هرروز یک جزء بخواند، اما آیه های قبل از آن که مربوط به آن است ترک ننماید، و قرآن را به شصت حزب تقسیم کرده اند تا کسی که می خواهد در دو ماه یک ختم قرآن نماید هرروز یک حزب بخواند، اما آیه های قبلی که مربوط به اول حزب است فراموش نکند، و قرآن را به هفت منزل تقسیم کرده اند تا کسی که می خواهد قرآن را در یک هفته ختم نماید هرروز یک منزل بخواند. و هر جزء به چندین رکوع قسمت کرده اند تا در نماز تراویح در هر رکعتی یک رکوع بخواند، و باز هم باید ارتباط آیات را فراموش نکند. و تقسیم به رکوع برای حفظ قرآن است که اگر کسی هرروز یک رکوع حفظ نماید در دو سال قرآن را حفظ می کند.

الحاصل، همیشه رعایت معانی آیات و ارتباط جمله‌ها را حفظ نماید و غرّه نشود که مردم چه می‌کنند. به قول فضیل بن عیاض رحمه الله علیه: **أَسْلُكُ طَرِيقَ الْهُدَى وَلَا يَضُرُّكَ قَلَّةُ السَّالِكِينَ. وَلَا تَسْلُكُ طَرِيقَ الْغَوَاءِ وَلَا يَغُرُّكَ كَثْرَةُ الْهَالِكِينَ:** «راه راست بگیر و زیانی نمی‌بینی از اندکی راست و روان و پرهیز از راه گمراهی و تو را نفریبند بسیاری هلاک‌شوندگان». روی این اصل علما گفته‌اند: خواندن یک سوره‌ی کامل بهتر است از برابر آن خواندن از سوره‌ی بزرگتر، برای این که ارتباط آیات به همدیگر بر بسیاری از مردم پنهان می‌ماند.

**(فصل)** از جمله بدعت‌های زشت است عمل بعضی از ائمه‌ی مساجد که در نماز تراویح سوره‌ی انعام را به تمامی در رکعت آخری می‌خوانده‌اند، به این ادعا که سوره‌ی انعام از اول تا به آخر همراه هم نازل شده است، و در این عمل چند منکر است: یکی عقیده به سنت بودن آن. دوم تطویل رکعت دوم بر رکعت اولی. سوم طولانی کردن آن رکعت بر نمازگزاران. چهارم به سرعت خواندن و حق آیات را به جای‌نیاموردن که هر کدام بدعتی است.

**(فصل)** درست است گفتن سوره‌ی بقره. سوره‌ی آل عمران. سوره‌ی نساء. سوره‌ی عنکبوت و همچنین باقی سوره‌ها و همین معتمد است، و بعضی از سلف می‌گفته‌اند: **السُّورَةُ الَّتِي تُذَكَّرُ فِيهَا الْبَقْرَةُ. السُّورَةُ الَّتِي تُذَكَّرُ فِيهَا النِّسَاءُ** و این قول غیر معتمد است، برای این که قول اولی قول جماهیر علمای مسلمین است از سلف و خلف. احادیثی که در این خصوص از رسول الله ص آمده است بیش از آن است که شمرده شود، و همچنین درست است گفتن این که این قراءت ابی عمرو است. این قراءت ابن کثیر است. این قراءت عاصم است، چنانکه عمل سلف و خلق بر آن است بدون انکار آن. و از ابراهیم نخعی / آمده است: **كانوا يكرهون سنة فلان وقراءة فلان.** اما مورد اعماد نیست، و صحیح همان گفتار جمهور علما بر جواز آن است.

**(فصل)** بدان که همه‌ی آداب قراءت و قاری را نمی‌توان در کمتر از چندین جلد آورد، و لیکن قصد ما اشاره بر بعضی از مقاصد پراهمیت آنهاست که در این فصل‌ها مختصر بیان

نمودیم. و در فصل‌هایی که در اول کتاب گذشت از آداب ذاکر و قاری و در اذکار نماز جمله‌هایی از آداب متعلق به قراءت قرآن یاد شد، و برای اطلاع بیشتر ارجاع نمودیم به کتاب «التبیان فی آداب حلمة القرآن» کسی که معلوماتی بیشتر در این زمینه بخواند به آن کتاب مراجعه نماید. و بالله توفیق وهو حسبی ونعم الوکیل: توفیق از خداست و اوست که کفایت‌کننده من است و خدای عزوجل چه خوب کفایت‌کننده و نگهدارنده است.

**(فصل) مکروه است که بگوید: نَسِيتُ آيَةَ كَذَا:** فراموش کردم فلان آیه را، بلکه بگوید: **أَنْسِيتُ آيَةَ كَذَا. أَوْ كُنْتُ أَسْقَطْتُ آيَةَ كَذَا.** به فراموشی افتاده بودم از فلان آیه، یا فلان آیه را انداخته بودم.

وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِي الْبُخَارِيِّ وَمُسْلِمٍ عَنْ أَبِي مَسْعُودٍ ر قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: @ لَا يَقُولُ أَحَدُكُمْ نَسِيتُ آيَةَ كَذَا وَكَذَا بَلْ هُوَ أَنْسَى!

«نباید یکی از شما بگوید فراموش کردم آیه‌ی فلانی را، بلکه به فراموشی انداخته شده است از فلان آیه».

وَفِي رَوَايَةٍ فِي الصَّحِيحَيْنِ أَيْضًا: @ بِسْمَا لِأَحَدِهِمْ يَقُولُ نَسِيتُ آيَةَ كَيْتَ وَكَيْتَ بَلْ هُوَ نُسِيَ! «چه بد چیزی است که یکی از ایشان بگوید: فلان آیه را فراموش کردم، بلکه او به فراموشی انداخته شده است».

وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحَيْهِمَا عَنْ عَائِشَةَ ب أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ سَمِعَ رَجُلًا يَقْرَأُ فَقَالَ: @ رَحِمَهُ اللَّهُ لَقَدْ أَذْكَرَنِي آيَةً كُنْتُ أَسْقَطْتُهَا! وَفِي رَوَايَةٍ فِي الصَّحِيحِ @ كُنْتُ أَنْسِيْتُهَا!

رسول الله ص شنید از مردی که قرآن می‌خواند. آنگاه فرمود: «خدا بیامرزد او را که به یاد من آورد آیه‌ای را که آن را انداخته بودم». و در روایتی در صحیح: از آن به فراموشی افتاده بودم».

**(فصل) بدان که قراءت قرآن مؤکدترین اذکار است، چنانکه پیش از این گفتیم. و بنابراین، شایسته است مداومت بر قراءت تا هیچ روز و شبی بدون قراءت قرآن نگذارند، و اصل قراءت حاصل می‌شود به خواندن اندکی از آیات قرآن.**



وقد رَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السُّنِّي عَنْ أَنَسٍ  $\tau$  أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ  $p$  قَالَ:  $@$  مَنْ قَرَأَ فِي يَوْمٍ وَلَيْلَةٍ خَمْسِينَ آيَةً لَمْ يُكُتَبْ مِنَ الْعَافِلِينَ وَمَنْ قَرَأَ مِئَةَ آيَةٍ كُتِبَ مِنَ الْقَائِنِينَ وَمَنْ قَرَأَ مِئَتَيْ آيَةٍ لَمْ يُحَاجِهِ الْقُرْآنُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَمَنْ قَرَأَ خَمْسَمِئَةَ كُتِبَ لَهُ قِنْطَارٌ مِنَ الْأَجْرِ!

رسول الله ص فرمود: «کسی که در روز و شبی پنجاه آیه از قرآن را بخواند او از غفلت زدگان نوشته نمی شود، و کسی که در روز و شبی یکصد آیه را بخواند او نوشته می شود از عبادت کاران، و کسی که دویست آیه را بخواند، قرآن در روز قیامت با او دشمنی نمی کند، و کسی که پانصد آیه را بخواند نوشته می شود برای او اجر بسیار». و در روایتی:  $@$  مَنْ قَرَأَ أَرْبَعِينَ آيَةً! بَدَلُ  $@$  خَمْسِينَ! «و کسی چهل آیه را خواند» به جای پنجاه آیه. و در روایتی:  $@$  عَشْرِينَ! «کسی که بیست آیه را خواند از غفلت زدگان نوشته نمی شود». و فی روایة عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ  $\tau$  قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ  $p$ :  $@$  مَنْ قَرَأَ عَشْرَ آيَاتٍ لَمْ يُكُتَبْ مِنَ الْعَافِلِينَ! رسول الله ص فرمود: «کسی که در روز و شبی ده آیه از قرآن را بخواند از غفلت زدگان نوشته نمی شود».

و در این باب احادیث بسیار آمده است، مانند همین احادیثی که روایت شد. و روایت احادیث بسیار داریم در باره ی کسی که یک سوره را در روز و شبی بخواند، از آن جمله است کسی که سوره ی یاسین را برای به دست آوردن رضای خدا در روز و شبی بخواند گناهش آمرزیده می شود، و در روایتی کسی که سوره ی دخان را در شبی بخواند، وقتی که صبح می شود گناهش آمرزیده شده است، و در روایتی از ابن مسعود  $\tau$  است که گفت: «از رسول الله ص شنیدم که می فرمود: «کسی که سوره ی واقعه را در هر شب بخواند دچار فقر و تنگدستی نمی شود».

وَعَنْ جَابِرٍ  $\tau$ :  $@$  كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا يَنَامُ، كُلَّ لَيْلَةٍ، حَتَّى يَقْرَأَ: (الْم \* تَنْزِيلُ) وَ (تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ)! «رسول الله ص هیچ شبی نمی خوابید تا این که اول سوره ی الم السجدة و سوره ی تبارک الذي بيده الملك را بخواند».

وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ  $\tau$  أَنَّ النَّبِيَّ  $\rho$  قَالَ: @مَنْ قَرَأَ فِي لَيْلَةٍ إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ كَانَتْ لَهُ كَعْدِلِ نِصْفِ الْقُرْآنِ وَمَنْ قَرَأَ قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ كَانَتْ لَهُ كَعْدِلِ رُبْعِ الْقُرْآنِ وَمَنْ قَرَأَ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ كَانَتْ لَهُ كَعْدِلِ ثُلُثِ الْقُرْآنِ!

رسول الله ص فرمود: «کسی که سوره‌ی إذا زُلْزِلَتِ را در شبی بخواند برای او برابر قراءت نصف قرآن ثواب است، و کسی که سوره‌ی قل یا أيها الکافرون را بخواند برای او به قدر ثواب قراءت ربع قرآن ثواب نوشته می‌شود، و کسی که سوره‌ی قل هو الله أحد را در شبی بخواند به قدر خواندن ثلث قرآن ثواب دارد». و در روایتی دیگر کسی که آیه الکرسی و سوره‌ی غافر (المؤمن) را بخواند در آن روز از هر بدی نگه داشته می‌شود، و احادیث در باره‌ی آنچه یاد کردیم بسیار است و اشاره به مقاصد آنها نمودیم. و خدای متعال دانایتر است به آنچه صواب و درست است و برای اوست ستایش‌ها و به فضل او حاصل می‌شود توفیق بر طاعت و دوری از معصیت.

### «کتاب حمد الله تعالى»

#### کتابی است در بیان ستایش خدای تعالی گفتن

قال الله تعالى: ﴿قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ﴾ [النساء: ٥٩] و بگو (ای رسول خدا) همه‌ی ستایش‌ها برای خدای یکتایی است که برای خود فرزندی را قرار نداد! وقال تعالى: ﴿وَقُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ﴾ [النساء: ٥٩] و اگر سپاس نعمت‌های پرورگارتان را به جا آوردید، زیاد می‌نمایم نعمت‌هایم را برای شما! وقال تعالى: ﴿قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ﴾ [النساء: ٥٩] و بگو (ای رسول خدا) همه‌ی ستایش‌ها برای خدای یکتایی است که برای خود فرزندی را قرار نداد! وقال تعالى: ﴿وَقُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ﴾ [النساء: ٥٩] و اگر سپاس نعمت‌های پرورگارتان را به جا آوردید، زیاد می‌نمایم نعمت‌هایم را برای شما! وقال تعالى: ﴿قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ﴾ [النساء: ٥٩] و بگو (ای رسول خدا) همه‌ی ستایش‌ها برای خدای یکتایی است که برای خود فرزندی را قرار نداد! وقال تعالى: ﴿وَقُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ﴾ [النساء: ٥٩] و اگر سپاس نعمت‌های پرورگارتان را به جا آوردید، زیاد می‌نمایم نعمت‌هایم را برای شما!

﴿قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ﴾ [البقرة: 152] @ مرا یاد کنید تا شما را یاد نمایم و سپاس نعمت‌هایم را به جا آورید و ناسپاسی نکنید!

و آیات قرآن که امر می‌فرماید به حمد و ستایش و شکر و سپاس خدا و بیان می‌فرماید فضل و ثواب آنها بسیار است و همه معروف و شناخته شده است.

وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَابْنِ مَاجَهٍ وَمُسْنَدِ أَبِي عَوَانَةَ الْأَسْفَرَانِيِّ الْمَخْرَجِ عَلَى صَحِيحِ مُسْلِمَ رَحِمَهُمُ اللَّهُ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ  $\tau$  عَنْ رَسُولِ اللَّهِ  $\rho$  أَنَّهُ قَالَ: @كُلُّ أَمْرٍ ذِي بَالٍ لَا يُبْدَأُ فِيهِ بِالْحَمْدِ لِلَّهِ فَهُوَ أَقْطَعُ!.

رسول الله ص فرمود: «هر کار با اهمیتی که آغاز آن حمد و ستایش خدا گفته نشود آن کار از هر خیر و برکتی بریده شده است». وفي رواية: @يَحْمَدُ لِلَّهِ! وفي رواية: @بِالْحَمْدِ فَهُوَ أَقْطَعُ! وفي رواية: @كُلُّ كَلَامٍ لَا يُبْدَأُ فِيهِ بِالْحَمْدِ لِلَّهِ فَهُوَ أَجْذَمُ! «هر سخنی که آغاز آن به الحمد لله شروع نشود آن کار خوره‌خورده و بی‌برکت است». وفي رواية: @كُلُّ أَمْرٍ ذِي بَالٍ لَا يُبْدَأُ فِيهِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ فَهُوَ أَقْطَعُ! «هر کار مهمی که آغاز آن به بسم الله الرحمن الرحيم نباشد هیچ خیر و برکتی ندارد».

ما روایت الفاظ این احادیث که یاد شدند همه از کتاب اربعین حافظ عبدالقادر رهاوی نقل نموده ایم، و این روایات موصول آمده با ذکر صحابی و مرسل آمده بدون ذکر صحابی. و روایت موصول آن اسنادش خوب است، و قاعده است وقتی که حدیثی موصول و مرسل روایت شد حکم برای روایت موصول است نزد جمهور علماء برای این که موصول زیاده الثقة است و آن نزد جماهیر علما مقبول است، و معنی امر ذی بال یعنی حالتی دارد که به آن اهمیت داده می‌شود. و معنی أقطع: ناقص و قلیل البركة. وأجذم: هم به همین معنی است. علما فرموده اند: مستحب است که هر طالب و هر مدرس و هر خطیب و هر مخاطب یعنی خواستگاری کننده‌ی زن و هر مصنف کتاب پیش از هر کار مهمی بسم الله الرحمن الرحيم و الحمد لله رب العالمین را بگویند. امام شافعی  $\tau$  فرمود: دوست می‌دارم که هر شخص در جلو

خطبه اش و هر کاری که می‌طلبد حمد خدای تعالی و ثناء بر ذات پر عظمت او و درود و سلام بر رسول الله ص و آل و اصحابش را مقدم بدارد.

**(فصل)** بدان که بسم الله الرحمن الرحيم و حمد و ثناء پروردگار عظیم در ابتدای هر کار مهم مستحب است، چنانکه بیان شد و همچنان بعد از فراغت از خوراک و آشامیدن آب و بعد عطسه و موقع خواستگاری زن و موقع همبستری و موقع عقد نکاح و بعد از بیرون آمدن از مستراح در همه‌ی این احوال حمد پروردگار مستحب است، و بیان این مسایل هر کدام در باب مخصوص آن با ذکر دلایل آن و تفریع مسایل آن می‌آید إن شاء الله تعالی. و مستحب است در ابتدای کتاب‌هایی که تألیف می‌شود و در ابتدای تدریس مدرسين و ابتدای قراءت طلاب بسم الله الرحمن الرحيم و حمد و ستایش پروردگار باشد، خواه قراءت و درس تفسیر یا حدیث یا فقه باشد یا غیر این‌ها، و بهترین عبارت حمد در همه‌ی آنچه بیان شد کلمه‌ی الحمد الله رب العالمین است.

**(فصل)** حمد خدای متعال رکن است در خطبه‌ی جمعه و غیر آن، و خطبه صحیح نمی‌شود، مگر به حمد خدای تعالی و صلوات و سلام بر رسول الله P و وصیت به تقوی در هر دو خطبه و قراءت آیه‌ای از قرآن در یکی از دو خطبه و دعا برای مؤمنین و مؤمنات در خطبه‌ی دوم. و کسانی که می‌خواهند وعظ را به فارسی بخوانند بعد از فراغت از وعظ خطبه را مختصر و کامل به عربی نیز بخوانند، و به دنبال آن نماز جمعه شروع کنند که اکتفا به خطبه‌ی فارسی در جمعه و کسوف و خسوف و استسقاء صحیح نمی‌شود، و اقل واجب در حمد الحمد لله است و بهتر است زیاد کردن ثناء. و تفصیل این مسائل در کتب فقه است، و در کتاب «لب اللباب» تألیف بنده به تفصیل یاد شده است.

**(فصل)** مستحب است که هر دعا به حمد خدا پایان داده شود، چنانکه خدای عزوجل فرمود: ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ۝ اللَّهُ صَمَدٌ ۝ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ ۝ لَهُ الْإِثْمَانُ الْعِزَّةُ ۝ لَيْسَ لَهُ كُفٌ يَدْرِي ۝ هُوَ إِلَهُ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّسُلِ ۝ ذُو الْعَرْشِ الْمُبْدِي ۝ الْيَوْمِ وَالْآخِرِ ۝ لَا تَدْرِي مَا يَفْعَلُ الْمُفْلِكُ إِنْ دَعَا زَعْمَهُمْ ۝ يَوْمَ تَأْتِي السُّحُبُ بِالْمَاءِ ۝ يَخْرُجُ مِنْ تَحْتِهَا الْمَاءُ ۝ فَمِثْقَلُ ذَرَّةٍ مِنْهُمْ لَا يَتَذَكَّرُ ۝ أَلَمْ يَكُنْ لَهُ الْخُبْرُ الْيَوْمَ الْعَظِيمِ ۝﴾ و دلیل آغاز دعا به حمد

خدای عزوجل از حدیث در کتاب الصلاة می آید إن شاء الله تعالی. و در حدیث صحیح می آید به این معنی: خدا از بنده راضی می شود که اگر خوراک خورد حمد خدا گوید و اگر آب آشامید حمد خدا گوید. و موقعی که آغاز و پایان هر کار حمد خدای متعال بود، حمد خدا قبول می شود و میان دو حمد نیز إن شاء الله قبول می شود.

الحاصل، هر کلام از خطبه و غیر آن باید سرآغاز آن بسم الله و حمد الله و الصلاة و السلام علی رسول الله ﷺ و پایان آن نیز بسم الله و الحمد لله و صلاة و سلام بر رسول و آل و اصحابش باشد.

**(فصل) مستحب است حمد خدا موقع حصول هر نعمتی و موقع دفع شدن هر نعمت و بلایی، خواه حصول نعمت و دفع بلا برای او یا دوستش یا برای مسلمین باشد.**

در صحیح مسلم از أبو هریره رضی الله عنه روایت داریم که در شب اسراء و معراج دو کاسه برای رسول الله ص آورده شد: یکی خمر داشت، یکی شیر. رسول الله ص کاسه ی شیر را اختیار نمود، جبرئیل فرمود: ستایش خدای را که تو را هدایت به فطرت فرمود، اگر کاسه ی خمر گرفته بودی امتت گمراه می شد.

وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ التِّرْمِذِيِّ وَغَيْرِهِ عَنْ أَبِي مُوسَى الْأَشْعَرِيِّ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: @ إِذَا مَاتَ وَلَدُ الْعَبْدِ قَالَ اللَّهُ لِلْمَلَائِكَةِ: أَقْبَضْتُمْ وَلَدَ عَبْدِي؟ فَيَقُولُونَ: نَعَمْ. فَيَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى: أَقْبَضْتُمْ ثَمَرَةَ قَلْبِهِ؟ فَيَقُولُونَ: نَعَمْ. فَيَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى: مَاذَا قَالَ؟ فَيَقُولُونَ: حَمْدُكَ وَاسْتَرْجَع، فَيَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى: ابْنُوا لِعَبْدِي بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَسَمُّوهُ بَيْتَ الْحَمْدِ! قَالَ التِّرْمِذِيُّ: حَدِيثٌ حَسَنٌ. وَالْأَحَادِيثُ فِي فَضْلِ الْحَمْدِ كَثِيرَةٌ مَشْهُورَةٌ وَقَدْ سَبَقَ فِي أَوَّلِ الْكِتَابِ جُمْلَةٌ مِنَ الْأَحَادِيثِ الصَّحِيحَةِ فِي فَضْلِ سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَنَحْوِ ذَلِكَ.

تفسیر حدیث: رسول الله ص فرمود: «وقتی که فرزند بنده ای درگذشت، خدای متعال به ملائکه اش می فرماید: جان فرزند بنده ام را گرفتید؟ ملائکه می گویند: آری، جان فرزند بنده ات را گرفتیم. می فرماید: جان جگر گوشه اش را ستانید؟ ملائکه می گویند: بله، جان جگر گوشه ی بنده ات را گرفتیم. پروردگار می فرماید: بنده ام چه گفت؟ ملائکه می گویند: حمد و ستایش تو گفت و گفت: إنا لله وإنا إليه راجعون. پروردگار می فرماید: خانه ای برای

بنده ام در بهشت بسازید و آن را بیت الحمد بنامید». و در اول کتاب جمله‌ای از احادیث صحیح در فضل گفتن: سبحان الله والحمد لله و مانند آن آورده شد.

**(فصل)** متأخیر از علمای خراسانی ما فرموده اند: اگر کسی قسم بخورد که خدا را ستایش می‌کند به باشکوه‌ترین ستایش، طریقه‌ی به جا آوردن قسمش این است که بگوید: الْحَمْدُ لِلَّهِ حَمْدًا يُؤَافِي نِعْمَهُ وَيُكَافِي مَزِيدَهُ: همه‌ی ستایش برای خدای یکتاست، ستایشی که نعمت‌های خدا را ملاقات نماید و حمد آن نعمت‌ها با آن ستایش حاصل شود، و ستایشی که شکر آنچه را که زیاد فرمود از نعمت‌ها و از احسان‌های بی‌شمار او بگزارد. بنابراین، معنی يُؤَافِي نِعْمَهُ: يُلَاقِي نِعْمَهُ فَتَحْصُلُ مَعَهُ. و معنی يُكَافِي مَزِيدَهُ: يَقُومُ بِشُكْرِ مَا زَادَهُ مِنَ النِّعَمِ.

همین علما گفتند که اگر کسی قسم خورد: لَيْثِيْنٌ عَلَى اللَّهِ تَعَالَى أَحْسَنَ الثَّنَاءِ که بهترین ثنا و ستایش خدای تعالی را انجام دهد، راه بیرون آمدنش از قسمش این است که بگوید: لَا أُحْصِي ثَنَاءً عَلَيْكَ أَنْتَ كَمَا أَثْنَيْتَ عَلَيَّ نَفْسِكَ. زَادَ بَعْضُهُمْ فِي آخِرِهِ: فَلَكَ الْحَمْدُ حَتَّى تَرْضَى: من نمی‌توانم ثنا و ستایش تو را آن چنانکه شایسته‌ی عظمت توست به جا آورم، ثنای تو آنچنان است که خودت ثنای خود را گفتی و برای تو ستایش است تا تو راضی شوی.

و ابوسعید متولی صورت مسئله برای کسی که قسم یاد کرد که خدا را به بهترین ثنا بستانی کلمه‌ی سُبْحَانَكَ را در اول ثنا اضافه کرد، به این صورت که بگوید: سُبْحَانَكَ لَا أُحْصِي ثَنَاءً عَلَيْكَ أَنْتَ كَمَا أَثْنَيْتَ عَلَيَّ نَفْسِكَ فَلَكَ الْحَمْدُ حَتَّى تَرْضَى: من تنزیه و تسبیح تو می‌گویم، نتوانم ثنای تو را آنچنانکه شایسته‌ی عظمت توست به جا آورم، ثنای تو همان است که خودت ثنای خودت فرمودی.

«كتاب الصلاة على رسول الله ﷺ»

کتابی است در بیان صلوات و سلام فرستادن بر رسول الله ص

قال الله تعالى: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾  
 ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾  
 ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾

فرشتگانش درود می فرستند بر پیغمبرش، خاتم النبیین، ای مردمی که ایمان آورده اید! درود بفرستید و سلام بفرستید سلامی که شایسته ی او باشد! و حدیث هایی که در خصوص فضل صلوات بر رسول الله ص است و احادیثی که امر به صلوات فرستادن بر رسول الله ص می کند بیشتر از آن است که به شمار آید، و در این جا اشاره به چند حدیث از آنها می نمایم تا دلالت دهد بر خیر آن و برای برکت یافتن کتاب از صلوات و سلام فرستادن بر خاتم النبیین علیه أفضل الصلاة وأتم التسليم.

رَوَيْنَا فِي صَحِيحِ مُسْلِمٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو بْنِ الْعَاصِ ب أَنَّهُ سَمِعَ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: @مَنْ صَلَّى عَلَى صَلَاةٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ بِهَا عَشْرًا!.

«کسی که یک بار بر من درود بفرستد خدا ده بار بر او صلوات فرستد».

وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ مُسْلِمٍ أَيْضًا عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ ؓ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: @مَنْ صَلَّى عَلَى صَلَاةٍ وَاحِدَةٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ عَشْرًا!.

«کسی که درود فرستد بر من یک بار خدا درود فرستد بر او ده بار».

وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ التِّرْمِذِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ ؓ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: @أَوَّلَى النَّاسِ بِى يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَكْثَرُهُمْ عَلَى صَلَاةٍ! قال الترمذي: حديث حسن.

رسول الله ص فرمود: «نزدیکترین مردم در روز قیامت به من کسی است که بیشتر درود فرستد بر من».

ترمذی گفته است و در این باب (فضل صلوات فرستادن بر رسول الله ص) احادیثی است به روایت عبدالرحمن بن عوف و عامر بن ربیعة و عمار و أبی طلحة و أنس و أبی بن کعب ؓ.

وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَالنَّسَائِيِّ وَابْنِ مَاجَهٍ بِالْأَسَانِيدِ الصَّحِيحَةِ عَنْ أُوسِ بْنِ أُوسٍ ؓ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: @إِنَّ مِنْ أَفْضَلِ أَيَّامِكُمْ يَوْمَ الْجُمُعَةِ فَأَكْثِرُوا عَلَى مِنَ الصَّلَاةِ فِيهِ فَإِنَّ صَلَاتَكُمْ مَعْرُوضَةٌ عَلَيَّ! فقالوا يا رسول الله وكيف تعرضُ صلاتنا عليك وقد أرمت، قال: يقول: @بَلَيْتَ، قَالَ: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى حَرَّمَ عَلَى الْأَرْضِ أَجْسَادَ الْأَنْبِيَاءِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ!.

رسول الله ص فرمود: «از بهترین روزهای شما روز جمعه است، در روز جمعه بسیار درود و صلوات بر من بفرستید که درودفرستادن تان به من می‌رسد» گفتند: یا رسول الله! درود ما به شما می‌رسد در حالی که جسدت پوسیده شده است. فرمود: «خدا بر زمین حرام فرمود که اجسام انبیا را پوسیده سازد». یعنی جسد انبیا نمی‌پوسد و انبیا علیهم السلام در قبرهایشان زنده هستند.

قلت: أَرَمْتُ بفتح همزة وراء وسكون ميم وفتح تاء المخففة. قال الخطابي: أَرَمْتُ: أصله أَرَمَمْتُ، یکی از دو ميم حذف شده و این لغت بعضی از عرب است، چنانکه گفته اند: ظَلَمْتُ: ظَلَلْتُ. و نظایر بسیار دارد. و غیر خطابی گفت: أَرَمْتُ: به فتح راء و به تشدید ميم و سکون تاء، یعنی أَرَمَمْتُ الْعِظَامُ: استخوان‌ها پوسیده شد، و اقوال دیگری در آن هست. والله أعلم.

وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ فِي آخِرِ كِتَابِ الْحَجِّ فِي بَابِ زِيَارَةِ الْقَبُولِ بِإِسْنَادِ الصَّحِيحِ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ ط قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «وَلَا تَجْعَلُوا قَبْرِي عِيدًا وَصَلُّوا عَلَيَّ فَإِنَّ صَلَاتَكُمْ تَبْلُغُنِي حَيْثُ كُنْتُمْ!». «قبر مرا عید مسازید، یعنی این که فقط نزد قبرم صلوات بر من فرستید، و من بر صلوات فرستید، زیرا که صلوات شما به من می‌رسد هر جا که باشید».

وَرَوَيْنَا فِيهِ أَيْضًا بِإِسْنَادِ صَحِيحٍ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ ط أَيْضًا أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: «مَا مِنْ أَحَدٍ يُسَلِّمُ عَلَيَّ إِلَّا رَدَّ اللَّهُ عَلَيَّ رُوحِي حَتَّى أَرُدَّ عَلَيْهِ السَّلَامَ!».

و باز هم در سنن ابی داود روایت داریم به اسناد صحیح از ابی هریره ط که رسول الله ص فرمود: «هر کسی که سلام بر من فرستد خداوند روحم را برمی‌گرداند تا جواب سلامش را بگویم».

«باب أَمْرُ مَنْ ذَكَرَ عِنْدَهُ النَّبِيُّ ﷺ بِالصَّلَاةِ عَلَيْهِ وَالتَّسْلِيمِ»

بابی است در بیان این که هرکسی که نام پیغمبر ص نزد او برده شد امر شده به او که صلوات و سلام بر رسول الله ص بفرستد



رَوَيْنَا فِي كِتَابِ التِّرْمِذِيِّ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ  $\tau$  قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ  $\rho$ :  $@$  رَغِمَ أَنْفُ رَجُلٍ ذُكِرَتْ عِنْدَهُ فَلَمْ يُصَلِّ عَلَيَّ!. قَالَ التِّرْمِذِيُّ: حَدِيثٌ حَسَنٌ.

رسول الله ص فرمود: «به خاک مالیده شد بینی کسی که نام من نزد او برده شد و درود بر من نفرستاد».

وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السَّنِيِّ بِإِسْنَادٍ جَيِّدٍ عَنْ أَنَسٍ  $\tau$  قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ  $\rho$ :  $@$  مَنْ ذُكِرَتْ عِنْدَهُ فَلْيُصَلِّ عَلَيَّ، فَإِنَّهُ مَنْ صَلَّى عَلَيَّ مَرَّةً، صَلَّى اللَّهُ عَرَّ وَجَلَّ عَلَيْهِ عَشْرًا!.

رسول الله ص فرمود: «کسی که نام من نزد او برده شد درود بر من بفرستد، برای این که هر کسی که یک بار درود بر من بفرستد خدا ده بار درود بر او می‌فرستد».

وَرَوَيْنَا فِيهِ بِإِسْنَادٍ ضَعِيفٍ عَنْ جَابِرٍ  $\tau$  عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ  $\rho$ :  $@$  مَنْ ذُكِرَتْ عِنْدَهُ فَلَمْ يُصَلِّ عَلَيَّ فَقَدْ شَقِيَ!.

رسول الله ص فرمود: «کسی که نام من نزد او برده شد و درود بر من نفرستاد در حقیقت بدبخت شده است».

وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ التِّرْمِذِيِّ عَنْ عَلِيٍّ  $\tau$  قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ  $\rho$ :  $@$  الْبَخِيلُ مَنْ ذُكِرَتْ عِنْدَهُ فَلَمْ يُصَلِّ عَلَيَّ!. قَالَ التِّرْمِذِيُّ: حَدِيثٌ حَسَنٌ صَحِيحٌ.

رسول الله ص فرمود: «بخیل کسی است که نام من نزد او برده شود و درود بر من نفرستد».

امام ابو عیسی ترمذی نزد این حدیث گفته است که از بعضی از اهل علم روایت می‌شود که وقتی که شخصی در مجلسی یک بار درود بر رسول الله ص فرستاد تا مادامی که در آن مجلس است همان یک بار درود فرستادنش کافی است. این فرموده‌ی بعضی از اهل علم، احتمال دارد که در یک مجلس یک بار درود فرستادن کافی باشد، و فرموده است که اگر نام رسول الله ص به تکرار یاد شد بیش از یک بار نمی‌خواهد، برای این که در احادیث متعدد استحباب درود فرستادن بر رسول الله ص در هر باری است که نام شریف ایشان یاد شود، و احتیاط این است که با هر بار شنیدن نام مبارک ایشان درود و سلام نثار ایشان شود. والله أعلم.

## «باب صفة الصلاة على رسول الله ﷺ»

## بابی است در بیان چگونگی درودفرستادن بر رسول الله ص

پیش از این در کتاب «أذکار الصلاة» یاد کردیم که درود به چه لفظی باشد، و اکمل صلوات و اقل صلوات هم آوردیم.

موقعی که از رسول الله ص سؤال نمودند و گفتند: یا رسول الله! خدا به ما امر فرمود تا درود بر تو بفرستیم، چگونه درود بر تو فرستیم؟ فرمود:

@قولوا: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ، وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا بَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ، فِي الْعَالَمِينَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ!

«بگوید خدایا! درود بفرست بر محمد و بر آل محمد، چنانکه درود فرستادی بر ابراهیم و بر آل ابراهیم، و برکت بینداز بر محمد و بر آل محمد، چنانکه برکت انداختی بر ابراهیم و بر آل ابراهیم. در حقیقت بین همه‌ی جهانیان تو ستوده شده و به تعظیم یا شده‌ای. حمد و تعظیم تو بر زبان همه‌ی کاینات جاری است».

وقتی که از خود حضرت رسول الله ص به این لفظ وارد شده است، رعایت ادب با رسول الله ص و تعظیم پیروی از ایشان این است که لفظ آن زیاد و کم نشود. ببینید امام در باره‌ی کلمه‌ی @وَارْحَمَ مُحَمَّدًا! چه می‌فرماید:

امام نووی می‌فرماید: اما آنچه بعضی از علمای مذهب ما و ابن ابی زید مالکی گفته اند که زیادشدن کلمه‌ی @وَارْحَمَ مُحَمَّدًا و آلِ مُحَمَّدٍ! مستحب است، این بدعتی است که هیچ پایه‌ای ندارد، و امام ابوبکر ابن العربی مبالغه فرموده است در شرح ترمذی بر انکار زیاد کردن آن کلمه (وَارْحَمَ مُحَمَّدًا) و فرموده است کسی که این زیاده را بیاورد نادان است، فرمود برای این که خود رسول الله ص به ما آموخته است که درود برایشان به چه لفظی بگوییم. بنابراین، زیاد کردن در آن، نسبت قصور دادن به مقام رسالت است، و استدلال بر این که جناب رسول الله ص در تعلیم ما کوتاهی کرده است، با این حال هیچ شکی نیست که محافظت بر لفظ

وارد از حضرت ختمی مرتبت عین صواب است و عدول از آن یا زیاد و کم کردن در آن به هیچ وجه مقرون به صواب نیست، اما با این حال بعضی از حفاظ خود رساله‌ای در انتخاب صلوات بر سید المرسلین دارند، و باید دانست که ایشان در تشهد نماز هیچ وقت بر لفظ وارد چیزی نمی‌افزایند و در آن تغییری نمی‌دهند، و گویا فکر کرده اند که در غیر نماز می‌شود الفاظی را انتخاب نمود، اما طریقه‌ی ما همان است که عرض کردیم که اکمل صلوات و احب صلوات همان است که در تشهد نماز گفته می‌شود. والله أعلم.

**(فصل)** وقتی کسی درود بر رسول الله ص می‌فرستد باید جمع نماید میان صلاة و سلام و اکتفا نکند بر صلاة تنها، مثل «صلی الله علی محمد» و نه هم بر سلام تنها، مثل علیه السلام، بلکه صلاة و سلام هر دو بیاورد، مثل: رسول الله ص.

**(فصل)** مستحب است برای کسی که حدیث می‌خواند یا غیر حدیث از آنچه در معنی حدیث است، آن که هر گاه نام رسول الله ص برده شد به آواز بلند صلوات و سلام برایشان بفرستد، اما در بلند کردن آواز به صلاة و سلام حد اعتدال را نگه دارد. از جمله علمایی که تصریح کرده اند بر بلند کردن آواز به صلوات و سلام: امام ابوبکر خطیب بغدادی و علمای دیگر است. امام نووی می‌فرماید: من این مطلب را به علوم حدیث نقل کرده ام. و علمای مذهب ما صریحاً فرموده اند که بعد از لیک گفتن در حج و عمره آواز را برای فرستادن صلوات و سلام نیز بلند کنند، چنانکه لیک گفتن را نیز به آواز بلند می‌گوید: والله أعلم.

«باب استفتاح الدعاء بالحمد لله والصلاة على النبي ﷺ»

بابی است در بیان این که آغاز دعا را به حمد و ستایش خدای متعال

و درود و سلام بر پیامبر ص بگشاید

رَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَالتِّرْمِذِيِّ وَالنَّسَائِيِّ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ عَبِيدٍ قَالَ: سَمِعَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَجُلًا يَدْعُو فِي صَلَاتِهِ، لَمْ يُمَجِّدِ اللَّهَ تَعَالَى، وَلَمْ يُصَلِّ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: @عَجَلَ هَذَا!. ثُمَّ دَعَا، فَقَالَ لَهُ أَوْ لِعَبِيرِهِ: @إِذَا صَلَّيْ

أَحَدُكُمْ فَلْيَبْدَأْ بِتَمْجِيدِ رَبِّهِ جَلَّ وَعَزَّ وَالتَّنَاءِ عَلَيْهِ، ثُمَّ لِيُصَلِّ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، ثُمَّ لِيَدْعُ بَعْدُ بِمَا شَاءَ!». قال الترمذی: حدیث حسن صحیح.

رسول الله ص دعای مردی را شنید که در دعا نه ثنا و ستایش پروردگارش سبحانه و تعالی را به جا آورد، و نه درود و سلام بر رسول الله ص فرستاد. فرمود: «این مرد شتاب کرد» آنگاه او را به سوی خود خواند و به او و یا به دیگری فرمود: «هرگاه یکی از شما خواست دعا بکند اول تعظیم و ثنای پروردگارش سبحانه و تعالی را به جا آورد و سپس درود و سلام بر پیغمبر بفرستد و سپس دعا کند به آنچه می خواهد خدا به او بدهد».

وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ التِّرْمِذِيِّ عَنْ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ  $\tau$  قَالَ: إِنَّ الدُّعَاءَ مَوْقُوفٌ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَا يَصْعَدُ مِنْهُ شَيْءٌ حَتَّى يُصَلِّيَ عَلَى نَبِيِّكَ  $p$ .

عمر بن الخطاب  $\tau$  فرمود: دعا موقوف است میان آسمان و زمین، چیزی از آن به آسمان صعود نمی کند تا این که درود و سلام بر پیغمبرت ص بفرستد.

امام نووی  $\tau$  فرمود: اجماع علما بر مستحب بودن شروع دعا به حمد و ثنای خدای متعال و درود و سلام بر پیغمبر است، و همچنان ختم دعا به حمد و ثنای خدای متعال و درود و سلام بر پیغمبر است، و احادیث و آثار در این باب بسیار و معروف است. والله أعلم. و معلوم است که هر جا صلواتی بر رسول الله ص وارد شده است صلوات بر آل اطهار نیز با آن آمده است.

«باب الصلاة على الأنبياء وآلهم تبعاً لهم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِمْ وَسَلَّمَ»

بابی است در بیان درودفرستادن بر پیغمبران و بر آل شان به

تبعیت از ایشان درود و سلام خدا برایشان باد

اجماع علما بر درودفرستادن بر پیغمبر ما محمد ص است، و همچنین کسانی که اعتنا به سخن شان می شود اجماع نموده اند بر درست بودن و مستحب بودن صلوات بر همه ی پیغمبران و بر ملائکه به طور جداگانه و بدون تبعیت از دیگری و اما غیر انبیا جمهور علما بر آنند که

صلوات به طور جداگانه بر آنان فرستاده نمی‌شود و گفته نمی‌شود: ابوبکر ص. و در منع صلوات به طور جداگانه بر غیر انبیا اختلاف است که آیا حرام است یا مکروه است؟ بعضی از علمای ما گفته اند صلوات بر غیر انبیا حرام است، و بیشتر علما بر آنند که صلوات بر غیر انبیا مکروه است، کراهت تنزیهی، برای این که صلوات بر غیر انبیا شعار اهل بدعت است و ما منع شده ایم از پیروی از شعار اهل بدعت. و مکروه عبارت از هر کاری است که منعی مقصود در آن آمده باشد، مثل مکروه بودن شستن هر عضوی از اعضای وضو بیش از سه بار. و مکروه هم بر دو قسم است: مکروه تنزیهی، مثل صلوات بر غیر انبیا و دست تکان دادن در وضو تا آب وضو از اعضا بریزد، و مکروه تحریمی که ممکن است به حرام بکشد، مثل خوردن از مال کسی که ما حرام و حلال او به قدر هم است تا به آنجا نکشد که از خوردن مال کسی که همه‌ی مالش حرام است پروا نکند. و مثل نظر کردن به بالای زانوی مرد بیگانه تا به آنجا نکشد که از نظر به جلو و پشت او پروا نکند. و حرام وقتی است که ضرر به دین برساند، مثل کلمه‌ی کفر یا ضرر به شرف برساند، مثل دشنام به زن و یا ضرر به عقل برساند، مثل شرب خمر یا ضرر به نسل برساند، مثل زنا و یا ضرر به مال برساند، مثل دزدی یا ضرر به نفس برساند، مثل قتل.

الحاصل: علمای ما گفته اند که صلوات در زبان سلف مخصوص شده است به انبیا صلوات الله وسلامه علیهم، چنانکه کلمه‌ی عزوجل اختصاص به خدای سبحانه و تعالی دارد، پس همانگونه که گفته نمی‌شود: محمد عزوجل، اگرچه محمد عزیز و جلیل و باشکوه است. همانگونه هم گفته نمی‌شود: ابوبکر یا علی ص اگرچه معنایش صحیح است. و علما اتفاق دارند که صلوات بر غیر از انبیا جایز است به تبعیت انبیا، چنانکه اللهم صل علی محمد وآله وصحبه وازواجه وذریته واتباعه جایز است، به دلیل حدیث‌های صحیحی که در این خصوص آمده است. و در تشهد نماز به آن مأمور شده ایم و سلف صالح در خارج از نماز هم صلوات بر آل و اصحاب و ازواج و ذریه و اتباع جایز دانسته اند. و اما معنای سلام، شیخ ابومحمد جوینی از علمای مذهب ما فرموده است که سلام در معنی صلوات است و برای غایب

استعمال نمی‌شود و برای غیر انبیا گفته نمی‌شود و برای ابوبکر مثلاً گفته نمی‌شود: U و در این مسأله اموات و احیا فرق نمی‌کند، اما بر شخص حاضر گفته می‌شود: سلام علیک یا سلام علیکم یا السلام علیک یا السلام علیکم و این موضوعی است که اجماع علما بر آن است و در ابوابی که تعلق به این موضوع دارد آورده می‌شود، إن شاء الله تعالی.

**(فصل)** مستحب است تَرْضَى و تَرْحُم بر صحابه و تابعین و کسانی که بعد از ایشان آمده اند از علما و دانشمندان و عباد و دیگر بزرگان که گفته می‌شود T یا / و مانند این. و اما قولی که بعضی از علما بر آنند که T اختصاص به صحابه دارد و برای غیر از آنان فقط گفته می‌شود /، آنچنان نیست که گفته اند و با ایشان موافقت نمی‌شود، و T و / برای غیر صحابه نیز گفته می‌شود. اگر شخص خودش و پدرش هردو صحابی باشند مثل ابن عباس، ابن جعفر، ابن الزبیر، و اسامه بن زید و مانند آنان گفته می‌شود ب تا رضایت خدا شامل خودش و پدرش هردو بشود.

**(فصل)** و اگر گفته بشود که هر وقتی که ذکر لقمان یا مریم شد، آیا باید صلوات برایشان فرستاد، مثل انبیا یا بر آنان تَرْضَى شود، مثل صحابه و اولیا یا این که گفته شود علیهما السلام؟ جواب این سوال این است که جماهیر علما بر آنند که این دو پیغمبر نبوده اند، و کسی که گفته است پیغمبر بوده اند شاذ است و التفاتی به گفته‌ی او نمی‌شود و به گفتارش اهمیتی داده نمی‌شود. نووی می‌فرماید که این مطلب را در کتاب «تهذیب الأسماء واللغات» آورده ام. بعضی از علما در باره‌ی لقمان و مریم سخنی گفته اند که از آن دانسته می‌شود که گفته می‌شود: لقمان صلی الله علی الأنبياء وعلیه وسلم و یا مریم صلی الله علی الأنبياء وعلیها وسلم. برای این که مقام‌شان از مقام انبیاء کمتر است، و از مقام کسانی که در باره‌شان گفته می‌شود T بالاتر است، به سبب این که در قرآن دلیل بالابردن مقام‌شان وجود دارد. نووی می‌فرماید: آنچه من به آن عقیده دارم این است که باکی ندارد که گفتن T در باره‌ی لقمان و مریم ارجح است، برای این که کلمه‌ی T برای کسی است که پیغمبر نباشد و پیغمبر بودن لقمان و مریم به ثبوت نرسیده است. امام الحرمین نقل فرموده است که اجماع علما بر این است که

مریم پیغمبر نیست و این را در کتاب ارشاد نوشته است، اگر وقتی برای لقمان یا مریم U یا علیها السلام گفته شود باکی ندارد. والله أعلم.

### «كتاب الأذكار والدعوات للأمور العارضات»

#### کتابی است در بیان اذکار و ادعیه‌ی مربوط به امور عارضی

بدان که هرچه در باب‌های قبلی گفتیم در هر روز و شبی تکرار می‌شود بنابراین چه یاد شد، و آنچه در این جا یاد می‌کنیم اذکار و دعواتی است که در اوقات به سبب‌های عارضی گفته می‌شوند، و روی این اصل در بین آنها ترتیب نمی‌خواهد.

#### «باب دعاء الإستخارة»

#### بابی است در بیان دعای استخاره

رَوَيْنَا فِي صَحِيحِ الْبُخَارِيِّ عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يُعَلِّمُنَا الْإِسْتِخَارَةَ فِي الْأُمُورِ كُلِّهَا كَالسُّورَةِ مِنَ الْقُرْآنِ يَقُولُ: (إِذَا هَمَّ أَحَدُكُمْ بِالْأَمْرِ فَلْيَرْكَعْ رَكَعَتَيْنِ مِنْ غَيْرِ الْفَرِيضَةِ ثُمَّ لِيَقُلِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَخِيرُكَ بِعِلْمِكَ وَأَسْتَقْدِرُكَ بِقُدْرَتِكَ، وَأَسْأَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ الْعَظِيمِ، فَإِنَّكَ تَقْدِرُ وَلَا أَقْدِرُ وَتَعْلَمُ وَلَا أَعْلَمُ وَأَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ، اللَّهُمَّ إِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ أَنَّ هَذَا الْأَمْرَ خَيْرٌ لِي فِي دِينِي وَمَعَاشِي وَعَاقِبَةِ أُمْرِي - أَوْ قَالَ عَاجِلِ أَمْرِي وَآجِلِهِ - فَاقْدُرْهُ لِي وَيَسِّرْهُ لِي ثُمَّ بَارِكْ لِي فِيهِ، وَإِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ أَنَّ هَذَا الْأَمْرَ شَرٌّ لِي فِي دِينِي وَمَعَاشِي وَعَاقِبَةِ أُمْرِي - أَوْ قَالَ فِي عَاجِلِ أَمْرِي وَآجِلِهِ - فَاصْرِفْهُ عَنِّي وَاصْرِفْنِي عَنْهُ، وَاقْدُرْ لِي الْخَيْرَ حَيْثُ كَانَ ثُمَّ أَرْضِنِي - قَالَ - وَيُسَمَّى حَاجَتَهُ!).

رسول الله ص استخاره و طلب خیراندیشی را به ما آموخت، آنچنانکه سوره‌ی قرآن را به ما آموخت، (برای این که دین مبین اسلام از این امت می‌خواهد که در همه‌ی امور خود روی دل را خود متوجه درگاه خدا سازند و همه کارهای خود را به مدد او رو به راه نماییم) رسول الله ص می‌فرمود: «هرگاه یکی از شما قصد کاری نمود دو رکعت نماز بخواند، غیر از

نماز فرض، خواه دو رکعت به نیت نماز سنت استخاره یا هر سنتی دیگر، مثل سنت وضو، تحیت مسجد، نماز ضحی، قبله یا بعدیه فرض باشد، دو رکعت نماز بخواند آنگاه بگوید: خدایا طلب خیریت می‌نمایم از تو به علمت (که تو همه چیز می‌دانی و خیریت حالم را در این کاری که قصد آن نموده‌ام و نام کار خود را ببرد) و طلب توانایی می‌نمایم بر آن به مدد و قدرت و توانایی‌ات و از فضل عظیم تو می‌خواهم توفیق بر خیر در حاجاتم، برای این که تو می‌توانی و من نمی‌توانم و تو می‌دانی و من نمی‌دانم و تو دانایی به پنهانی‌ها. خدایا اگر تو می‌دانی که این کار - که قصد آن را دارم - بهتر است و خیریت کارم در آن است و خیر دین و زندگی و عاقبت و حال و آینده‌ی کارم در آن است، پس آن را برایم مقدر کن و برکت ببند از آن، و اگر می‌دانی که این کار قصد آن را دارم شر است برایم در دینم و زندگیم و عاقبت کارم در حال حاضر و آینده‌ام پس آن را میسر مفرما و مرا از آن روگردان بساز تا دنبال کاری نروم که خیریت حالم در آن نیست. و آنجا که خیر حالم در آن است برایم مقدر فرما و مرا به آن خوشنود گردان». **وصلی الله وسلم علی سیدنا محمد وآله وصحبه والتابعین وآخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمین.**

علما فرموده اند مستحب است طلب خیراندیشی در کار خود به نماز دو رکعت و دعایی که یاد شد، و این دو رکعت نماز سنت است، و ظاهر این است که این دو رکعت حاصل می‌شود به دو رکعت قبله و بعدیه فرض و به تحیت مسجد و غیر از آنها از نمازهای سنت نوافل، و دو رکعت اولی سوره‌ی فاتحه و قل یا ایها الکافرون می‌خواند، و در رکعت دوم فاتحه و قل هو الله أحد می‌خواند، اگر نماز برایش میسر نبود استخاره به همین دعا نماید، و مستحب است افتتاح آن دعا به حمد و ستایش خدا و صلوات و سلام بر رسول الله ص. پس از آن باید دانست که استخاره مستحب است در همه‌ی کارها، چنانکه نص حدیث بر آن دلالت داد، و موقعی که استخاره نمود بعد از استخاره هر کاری که دلش با آن شاد شد انجام دهد. **والله أعلم.**



وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ التِّرْمِذِيِّ بِإِسْنَادٍ ضَعِيفٍ ضَعَّفَهُ التِّرْمِذِيُّ وَغَيْرُهُ عَنْ أَبِي بَكْرٍ  $\tau$  أَنَّ النَّبِيَّ  $p$  كَانَ إِذَا أَرَادَ الْأَمْرَ قَالَ:  $@$ اللَّهُمَّ خِزْ لِي وَاخْتَرْ لِي!

رسول الله ص هرگاه قصد کاری می نمودند می فرمود: «خدا یا خیریت حالم و آنچه در آن خیریت احوال من است برایم میسر فرما».

وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السَّنِيِّ عَنْ أَنَسٍ  $\tau$  قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ  $p$ :  $@$ يَا أَنَسُ، إِذَا هَمَمْتَ بِأَمْرٍ فَاسْتَخِرْ رَبَّكَ فِيهِ سَبْعَ مَرَّاتٍ، ثُمَّ انْظُرْ إِلَى الَّذِي سَبَقَ إِلَى قَلْبِكَ فَإِنَّ الْخَيْرَ فِيهِ! إسناده غريب، فيه من لا أعرفهم.

رسول الله ص به انس فرمود: «ای انس وقتی که قصد کاری نمودی هفت بار از پروردگارت خیر آن را بخواه، سپس بین کدام چیز در دلت سبقت می گیرد، انجام دادن یا ندادن. هرچه دلت گواهی بر خیریت آن داد آن کار را انجام بده». نووی گفته است: حدیث ضعیف است، در روایت کنندگان حدیث، کسانی هستند که آنان را نمی شناسم. والله أعلم.

«أبواب الأذكار التي تُقال في أوقات الشدة وعلى العاهات»

باب‌های در بیان اذکاری که در اوقات سختی و مصیبت گفته

می‌شود

«باب دعاء الكرب والدعاء عند الأمور المهمة»

بابی است در بیان دعا به هنگام اندوه و کارهای مهم

وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ الْبُخَارِيِّ وَمُسْلِمٍ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ بَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ  $p$  كَانَ يَقُولُ عِنْدَ الْكَرْبِ:  $@$ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَظِيمُ الْحَلِيمُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ، رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ! وَفِي رِوَايَةٍ لِمُسْلِمٍ: أَنَّ النَّبِيَّ  $p$  إِذَا خَزِبَهُ أَمْرٌ قَالَ ذَلِكَ.

رسول الله ص هر موقع که اندوهی به او دست می داد یا کار مهمی پیش می آمد یا سختی و شدتی به او رو می کرد می فرمود: «نیست معبودی به حق مگر الله که بسیار بزرگوار و بسیار بردبار است، نیست معبودی به حق مگر الله که صاحب عرش عظیم است، نیست معبودی به

حق مگر الله که صاحب آسمان‌ها و زمین و صاحب عرض عظیم است». و در روایت از مسلم آمده است که پیامبر ص هرگاه دچار امر دشواری می‌شد آن دعا را می‌خواند.

وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ التِّرْمِذِيِّ عَنْ أَنَسٍ ٢ عَنْ النَّبِيِّ ٢ أَنَّهُ إِذَا كَرِهَهُ أَمْرٌ قَالَ: @ يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ بِرَحْمَتِكَ أَسْتَغِيْثُ! قال الحاكم: هذا حديث صحيح الإسناد.

رسول الله ص هرگاه سختی و اندوهی برایش پیش می‌آمد می‌فرمود: «ای همیشه زنده، ای کسی که کاینات را تدبیر می‌کنی، به رحمتت فریادرسی می‌نمایم». یعنی تا رحمتت مرا دریابد و از مشکلاتم برهاند.

وَرَوَيْنَا فِيهِ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ ٢ أَنَّ النَّبِيَّ ٢ كَانَ إِذَا هَمَّهُ الْأَمْرُ رَفَعَ رَأْسَهُ إِلَى السَّمَاءِ فَقَالَ: @ سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ! و إذا اجْتَهَدَ فِي الدُّعَاءِ قَالَ: @ يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ!

رسول الله ص عادت داشت که هرگاه چیزی او را اندوهگین می‌کرد سر را به سوی آسمان بالا می‌برد و می‌فرمود: «منزه و پاک است الله بسیار بزرگوار». و هرگاه کوشش در دعا می‌کرد می‌فرمود: «ای همیشه زنده، ای تدبیرکننده‌ی کاینات».

وَرَوَيْنَا فِي الصَّحِيحِيْنِ الْبُخَارِيِّ وَمُسْلِمٍ عَنْ أَنَسٍ ٢ قَالَ كَانَ أَكْثَرُ دُعَاءِ النَّبِيِّ ٢: @ اللَّهُمَّ آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ! زاد مسلم في روايته وكان أنس إذا أراد أن يدعو بدعوة دعا بها فإذا أراد أن يدعو بدعاء دعا بها فيه.

بیشترین دعای رسول الله ص این بود: «خدایا بده ما را در دنیا خوشی و در آخرت خوشی و نگه دار ما را از عذاب دوزخ»، همین دعا با این اختصار جامع خیرات دنیا و آخرت است، کسی که در دنیا خوشی داده شد و در آخرت خوشی داده شد و از عذاب دوزخ نگه داشته شد، همه‌ی خیرات دنیا و آخرت را به دست آورده است. و انس ٢ خدمتکار رسول الله ص بود هر وقت می‌خواست دعا بکند همین دعا را می‌کرد، و اگر می‌خواست دعای بیشتری بنماید این دعا را در آن قرار می‌داد که از این دعا هیچکس بی‌نیاز نخواهد شد.

وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ النَّسَائِيِّ وَكِتَابِ ابْنِ السَّنَنِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ عَلِيٍّ ٣ قَالَ: لَقَّنَنِي رَسُولُ اللَّهِ ٢ هَؤُلَاءِ الْكَلِمَاتِ وَأَمَرَنِي أَنْ نَزَلَ بِي كَرْبٌ أَوْ شِدَّةٌ أَنْ أَقُولَهَا: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْكَرِيمُ الْعَظِيمُ

سُبْحَانَهُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. وَكَانَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ يُلَقِّنُهَا وَيَنْفُثُ بِهَا عَلَى الْمَوْعُوكِ وَالْمُعْتَرِبَةِ مِنَ النِّسَاءِ الَّتِي تَزُوجُ إِلَى غَيْرِ أَقَارِبِهَا.

علی ۲ فرمود: رسول الله ص به من این کلمات را آموخت و به من دستور داد اگر در اندوه یا سختی قرار گرفتم این کلمات را بگویم: «نیست معبودی به حق مگر الله که بسیار بزرگوار و بردبار است، منزله است خدای یکتایی که پر شد برکت او، پروردگار همه، صاحب عرش عظیم، همه ی ستایش ها برای الله پروردگار جهانیان است». عبدالله بن جعفر این دعا را آموخت و می خواند بر کسی که تب داشت و تعلیم می داد به هر زنی که با خانواده ی غریب ازدواج کرده بود.

وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ عَنْ أَبِي بَكْرَةَ ۲ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ۲ قَالَ: @دَعَاؤُ الْمَكْرُوبِ اللَّهُمَّ رَحْمَتَكَ أَرْجُو فَلَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ وَأَصْلِحْ لِي شَأْنِي كُلَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ!.

رسول الله ص فرمود: «دعای کسی که به سختی افتاده است این است که بگوید: خدایا امیدوار رحمت هستم، مرا به خودم واگذار مفرما یک چشم به هم زدن، و کارهایم همه برایم شایسته بفرما، نیست معبودی به حق مگر تو». یعنی امیدوار رحمت هستم، مرا به خودت واگذار و کارهایم را رو به صلاح قرار ده، برای این که نیست معبودی به حق مگر تو. و همچنین نیست فریادرسی که مرا از غم و اندوه و سختی نجات ده، خودت مرا مورد رحمت قرار ده و کارهایم را رو به راه کن.

وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَابْنِ مَاجَه عَنْ أَسْمَاءَ بِنْتِ عُمَيْسٍ لَ قَالَتْ: قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ ۲: @أَلَا أَعْلَمُكُمْ كَلِمَاتٍ تَقُولِينَ عِنْدَ الْكَرْبِ أَوْ فِي الْكَرْبِ اللَّهُ اللَّهُ رَبِّي لَا أُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا!.

رسول الله ص به اسماء بنت عمیس ل فرمود: «آیا نیاموزم تو را چند کلمه که نزد سختی یا وقتی که در سختی واق شدی آن کلمات را بگویی و از سختی رهایی یابی؟ آن کلمات از این قرار است: الله الله، پروردگار من است، هیچ چیز را شریک او نمی سازم». یعنی این که انسان در سختی است و راه چاره ای نیست مگر رو آوردن به خدای متعال. می گوید: همه چیز من الله است، الله پروردگار من است، پروردگارم خودم را می شناسم و هیچ شریکی برای او

وَوَيْتَنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السُّنِّي عَنْ أَبِي قَتَادَةَ  $\tau$  قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ  $p$ : @مَنْ قَرَأَ آيَةَ الْكُرْسِيِّ وَخَوَاتِيمَ سُورَةِ الْبَقَرَةِ عِنْدَ الْكَرْبِ أَغَاثَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ!.

رسول الله ص فرمود: «کسی که موقع افتادن در سختی آية الكرسي و سه آیهی آخر سورهی بقره را بخواند، خداوند عزوجل به فریادش می‌رسد و او را از سختی نجات می‌دهد».

آية الكرسي، آیهی 255 سورهی بقره است، و خواتیم سورهی بقره: آیات 284 و 285 و 286 است.

وَوَيْتَنَا فِيهِ عَنْ سَعْدِ بْنِ أَبِي وَقَاصٍ ؓ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: @إِنِّي لِأَعْلَمُ كَلِمَةً لَا يَقُولُهَا مَكْرُوبٌ إِلَّا فُرِّجَ عَنْهُ: كَلِمَةُ أَخِي يُونُسَ ؑ: ﴿٧﴾ ۞ ﴿٨﴾ ﴿٩﴾ ﴿١٠﴾ ﴿١١﴾ ﴿١٢﴾ ﴿١٣﴾ ﴿١٤﴾ ﴿١٥﴾ ﴿١٦﴾ ﴿١٧﴾ ﴿١٨﴾ ﴿١٩﴾ ﴿٢٠﴾ ﴿٢١﴾ ﴿٢٢﴾ ﴿٢٣﴾ ﴿٢٤﴾ ﴿٢٥﴾ ﴿٢٦﴾ ﴿٢٧﴾ ﴿٢٨﴾ ﴿٢٩﴾ ﴿٣٠﴾ ﴿٣١﴾ ﴿٣٢﴾ ﴿٣٣﴾ ﴿٣٤﴾ ﴿٣٥﴾ ﴿٣٦﴾ ﴿٣٧﴾ ﴿٣٨﴾ ﴿٣٩﴾ ﴿٤٠﴾ ﴿٤١﴾ ﴿٤٢﴾ ﴿٤٣﴾ ﴿٤٤﴾ ﴿٤٥﴾ ﴿٤٦﴾ ﴿٤٧﴾ ﴿٤٨﴾ ﴿٤٩﴾ ﴿٥٠﴾ ﴿٥١﴾ ﴿٥٢﴾ ﴿٥٣﴾ ﴿٥٤﴾ ﴿٥٥﴾ ﴿٥٦﴾ ﴿٥٧﴾ ﴿٥٨﴾ ﴿٥٩﴾ ﴿٦٠﴾ ﴿٦١﴾ ﴿٦٢﴾ ﴿٦٣﴾ ﴿٦٤﴾ ﴿٦٥﴾ ﴿٦٦﴾ ﴿٦٧﴾ ﴿٦٨﴾ ﴿٦٩﴾ ﴿٧٠﴾ ﴿٧١﴾ ﴿٧٢﴾ ﴿٧٣﴾ ﴿٧٤﴾ ﴿٧٥﴾ ﴿٧٦﴾ ﴿٧٧﴾ ﴿٧٨﴾ ﴿٧٩﴾ ﴿٨٠﴾ ﴿٨١﴾ ﴿٨٢﴾ ﴿٨٣﴾ ﴿٨٤﴾ ﴿٨٥﴾ ﴿٨٦﴾ ﴿٨٧﴾ ﴿٨٨﴾ ﴿٨٩﴾ ﴿٩٠﴾ ﴿٩١﴾ ﴿٩٢﴾ ﴿٩٣﴾ ﴿٩٤﴾ ﴿٩٥﴾ ﴿٩٦﴾ ﴿٩٧﴾ ﴿٩٨﴾ ﴿٩٩﴾ ﴿١٠٠﴾ ﴿١٠١﴾ ﴿١٠٢﴾ ﴿١٠٣﴾ ﴿١٠٤﴾ ﴿١٠٥﴾ ﴿١٠٦﴾ ﴿١٠٧﴾ ﴿١٠٨﴾ ﴿١٠٩﴾ ﴿١١٠﴾ ﴿١١١﴾ ﴿١١٢﴾ ﴿١١٣﴾ ﴿١١٤﴾ ﴿١١٥﴾ ﴿١١٦﴾ ﴿١١٧﴾ ﴿١١٨﴾ ﴿١١٩﴾ ﴿١٢٠﴾ ﴿١٢١﴾ ﴿١٢٢﴾ ﴿١٢٣﴾ ﴿١٢٤﴾ ﴿١٢٥﴾ ﴿١٢٦﴾ ﴿١٢٧﴾ ﴿١٢٨﴾ ﴿١٢٩﴾ ﴿١٣٠﴾ ﴿١٣١﴾ ﴿١٣٢﴾ ﴿١٣٣﴾ ﴿١٣٤﴾ ﴿١٣٥﴾ ﴿١٣٦﴾ ﴿١٣٧﴾ ﴿١٣٨﴾ ﴿١٣٩﴾ ﴿١٤٠﴾ ﴿١٤١﴾ ﴿١٤٢﴾ ﴿١٤٣﴾ ﴿١٤٤﴾ ﴿١٤٥﴾ ﴿١٤٦﴾ ﴿١٤٧﴾ ﴿١٤٨﴾ ﴿١٤٩﴾ ﴿١٥٠﴾ ﴿١٥١﴾ ﴿١٥٢﴾ ﴿١٥٣﴾ ﴿١٥٤﴾ ﴿١٥٥﴾ ﴿١٥٦﴾ ﴿١٥٧﴾ ﴿١٥٨﴾ ﴿١٥٩﴾ ﴿١٦٠﴾ ﴿١٦١﴾ ﴿١٦٢﴾ ﴿١٦٣﴾ ﴿١٦٤﴾ ﴿١٦٥﴾ ﴿١٦٦﴾ ﴿١٦٧﴾ ﴿١٦٨﴾ ﴿١٦٩﴾ ﴿١٧٠﴾ ﴿١٧١﴾ ﴿١٧٢﴾ ﴿١٧٣﴾ ﴿١٧٤﴾ ﴿١٧٥﴾ ﴿١٧٦﴾ ﴿١٧٧﴾ ﴿١٧٨﴾ ﴿١٧٩﴾ ﴿١٨٠﴾ ﴿١٨١﴾ ﴿١٨٢﴾ ﴿١٨٣﴾ ﴿١٨٤﴾ ﴿١٨٥﴾ ﴿١٨٦﴾ ﴿١٨٧﴾ ﴿١٨٨﴾ ﴿١٨٩﴾ ﴿١٩٠﴾ ﴿١٩١﴾ ﴿١٩٢﴾ ﴿١٩٣﴾ ﴿١٩٤﴾ ﴿١٩٥﴾ ﴿١٩٦﴾ ﴿١٩٧﴾ ﴿١٩٨﴾ ﴿١٩٩﴾ ﴿٢٠٠﴾ ﴿٢٠١﴾ ﴿٢٠٢﴾ ﴿٢٠٣﴾ ﴿٢٠٤﴾ ﴿٢٠٥﴾ ﴿٢٠٦﴾ ﴿٢٠٧﴾ ﴿٢٠٨﴾ ﴿٢٠٩﴾ ﴿٢١٠﴾ ﴿٢١١﴾ ﴿٢١٢﴾ ﴿٢١٣﴾ ﴿٢١٤﴾ ﴿٢١٥﴾ ﴿٢١٦﴾ ﴿٢١٧﴾ ﴿٢١٨﴾ ﴿٢١٩﴾ ﴿٢٢٠﴾ ﴿٢٢١﴾ ﴿٢٢٢﴾ ﴿٢٢٣﴾ ﴿٢٢٤﴾ ﴿٢٢٥﴾ ﴿٢٢٦﴾ ﴿٢٢٧﴾ ﴿٢٢٨﴾ ﴿٢٢٩﴾ ﴿٢٣٠﴾ ﴿٢٣١﴾ ﴿٢٣٢﴾ ﴿٢٣٣﴾ ﴿٢٣٤﴾ ﴿٢٣٥﴾ ﴿٢٣٦﴾ ﴿٢٣٧﴾ ﴿٢٣٨﴾ ﴿٢٣٩﴾ ﴿٢٤٠﴾ ﴿٢٤١﴾ ﴿٢٤٢﴾ ﴿٢٤٣﴾ ﴿٢٤٤﴾ ﴿٢٤٥﴾ ﴿٢٤٦﴾ ﴿٢٤٧﴾ ﴿٢٤٨﴾ ﴿٢٤٩﴾ ﴿٢٥٠﴾ ﴿٢٥١﴾ ﴿٢٥٢﴾ ﴿٢٥٣﴾ ﴿٢٥٤﴾ ﴿٢٥٥﴾ ﴿٢٥٦﴾ ﴿٢٥٧﴾ ﴿٢٥٨﴾ ﴿٢٥٩﴾ ﴿٢٦٠﴾ ﴿٢٦١﴾ ﴿٢٦٢﴾ ﴿٢٦٣﴾ ﴿٢٦٤﴾ ﴿٢٦٥﴾ ﴿٢٦٦﴾ ﴿٢٦٧﴾ ﴿٢٦٨﴾ ﴿٢٦٩﴾ ﴿٢٧٠﴾ ﴿٢٧١﴾ ﴿٢٧٢﴾ ﴿٢٧٣﴾ ﴿٢٧٤﴾ ﴿٢٧٥﴾ ﴿٢٧٦﴾ ﴿٢٧٧﴾ ﴿٢٧٨﴾ ﴿٢٧٩﴾ ﴿٢٨٠﴾ ﴿٢٨١﴾ ﴿٢٨٢﴾ ﴿٢٨٣﴾ ﴿٢٨٤﴾ ﴿٢٨٥﴾ ﴿٢٨٦﴾ ﴿٢٨٧﴾ ﴿٢٨٨﴾ ﴿٢٨٩﴾ ﴿٢٩٠﴾ ﴿٢٩١﴾ ﴿٢٩٢﴾ ﴿٢٩٣﴾ ﴿٢٩٤﴾ ﴿٢٩٥﴾ ﴿٢٩٦﴾ ﴿٢٩٧﴾ ﴿٢٩٨﴾ ﴿٢٩٩﴾ ﴿٣٠٠﴾ ﴿٣٠١﴾ ﴿٣٠٢﴾ ﴿٣٠٣﴾ ﴿٣٠٤﴾ ﴿٣٠٥﴾ ﴿٣٠٦﴾ ﴿٣٠٧﴾ ﴿٣٠٨﴾ ﴿٣٠٩﴾ ﴿٣١٠﴾ ﴿٣١١﴾ ﴿٣١٢﴾ ﴿٣١٣﴾ ﴿٣١٤﴾ ﴿٣١٥﴾ ﴿٣١٦﴾ ﴿٣١٧﴾ ﴿٣١٨﴾ ﴿٣١٩﴾ ﴿٣٢٠﴾ ﴿٣٢١﴾ ﴿٣٢٢﴾ ﴿٣٢٣﴾ ﴿٣٢٤﴾ ﴿٣٢٥﴾ ﴿٣٢٦﴾ ﴿٣٢٧﴾ ﴿٣٢٨﴾ ﴿٣٢٩﴾ ﴿٣٣٠﴾ ﴿٣٣١﴾ ﴿٣٣٢﴾ ﴿٣٣٣﴾ ﴿٣٣٤﴾ ﴿٣٣٥﴾ ﴿٣٣٦﴾ ﴿٣٣٧﴾ ﴿٣٣٨﴾ ﴿٣٣٩﴾ ﴿٣٤٠﴾ ﴿٣٤١﴾ ﴿٣٤٢﴾ ﴿٣٤٣﴾ ﴿٣٤٤﴾ ﴿٣٤٥﴾ ﴿٣٤٦﴾ ﴿٣٤٧﴾ ﴿٣٤٨﴾ ﴿٣٤٩﴾ ﴿٣٥٠﴾ ﴿٣٥١﴾ ﴿٣٥٢﴾ ﴿٣٥٣﴾ ﴿٣٥٤﴾ ﴿٣٥٥﴾ ﴿٣٥٦﴾ ﴿٣٥٧﴾ ﴿٣٥٨﴾ ﴿٣٥٩﴾ ﴿٣٦٠﴾ ﴿٣٦١﴾ ﴿٣٦٢﴾ ﴿٣٦٣﴾ ﴿٣٦٤﴾ ﴿٣٦٥﴾ ﴿٣٦٦﴾ ﴿٣٦٧﴾ ﴿٣٦٨﴾ ﴿٣٦٩﴾ ﴿٣٧٠﴾ ﴿٣٧١﴾ ﴿٣٧٢﴾ ﴿٣٧٣﴾ ﴿٣٧٤﴾ ﴿٣٧٥﴾ ﴿٣٧٦﴾ ﴿٣٧٧﴾ ﴿٣٧٨﴾ ﴿٣٧٩﴾ ﴿٣٨٠﴾ ﴿٣٨١﴾ ﴿٣٨٢﴾ ﴿٣٨٣﴾ ﴿٣٨٤﴾ ﴿٣٨٥﴾ ﴿٣٨٦﴾ ﴿٣٨٧﴾ ﴿٣٨٨﴾ ﴿٣٨٩﴾ ﴿٣٩٠﴾ ﴿٣٩١﴾ ﴿٣٩٢﴾ ﴿٣٩٣﴾ ﴿٣٩٤﴾ ﴿٣٩٥﴾ ﴿٣٩٦﴾ ﴿٣٩٧﴾ ﴿٣٩٨﴾ ﴿٣٩٩﴾ ﴿٤٠٠﴾ ﴿٤٠١﴾ ﴿٤٠٢﴾ ﴿٤٠٣﴾ ﴿٤٠٤﴾ ﴿٤٠٥﴾ ﴿٤٠٦﴾ ﴿٤٠٧﴾ ﴿٤٠٨﴾ ﴿٤٠٩﴾ ﴿٤١٠﴾ ﴿٤١١﴾ ﴿٤١٢﴾ ﴿٤١٣﴾ ﴿٤١٤﴾ ﴿٤١٥﴾ ﴿٤١٦﴾ ﴿٤١٧﴾ ﴿٤١٨﴾ ﴿٤١٩﴾ ﴿٤٢٠﴾ ﴿٤٢١﴾ ﴿٤٢٢﴾ ﴿٤٢٣﴾ ﴿٤٢٤﴾ ﴿٤٢٥﴾ ﴿٤٢٦﴾ ﴿٤٢٧﴾ ﴿٤٢٨﴾ ﴿٤٢٩﴾ ﴿٤٣٠﴾ ﴿٤٣١﴾ ﴿٤٣٢﴾ ﴿٤٣٣﴾ ﴿٤٣٤﴾ ﴿٤٣٥﴾ ﴿٤٣٦﴾ ﴿٤٣٧﴾ ﴿٤٣٨﴾ ﴿٤٣٩﴾ ﴿٤٤٠﴾ ﴿٤٤١﴾ ﴿٤٤٢﴾ ﴿٤٤٣﴾ ﴿٤٤٤﴾ ﴿٤٤٥﴾ ﴿٤٤٦﴾ ﴿٤٤٧﴾ ﴿٤٤٨﴾ ﴿٤٤٩﴾ ﴿٤٥٠﴾ ﴿٤٥١﴾ ﴿٤٥٢﴾ ﴿٤٥٣﴾ ﴿٤٥٤﴾ ﴿٤٥٥﴾ ﴿٤٥٦﴾ ﴿٤٥٧﴾ ﴿٤٥٨﴾ ﴿٤٥٩﴾ ﴿٤٦٠﴾ ﴿٤٦١﴾ ﴿٤٦٢﴾ ﴿٤٦٣﴾ ﴿٤٦٤﴾ ﴿٤٦٥﴾ ﴿٤٦٦﴾ ﴿٤٦٧﴾ ﴿٤٦٨﴾ ﴿٤٦٩﴾ ﴿٤٧٠﴾ ﴿٤٧١﴾ ﴿٤٧٢﴾ ﴿٤٧٣﴾ ﴿٤٧٤﴾ ﴿٤٧٥﴾ ﴿٤٧٦﴾ ﴿٤٧٧﴾ ﴿٤٧٨﴾ ﴿٤٧٩﴾ ﴿٤٨٠﴾ ﴿٤٨١﴾ ﴿٤٨٢﴾ ﴿٤٨٣﴾ ﴿٤٨٤﴾ ﴿٤٨٥﴾ ﴿٤٨٦﴾ ﴿٤٨٧﴾ ﴿٤٨٨﴾ ﴿٤٨٩﴾ ﴿٤٩٠﴾ ﴿٤٩١﴾ ﴿٤٩٢﴾ ﴿٤٩٣﴾ ﴿٤٩٤﴾ ﴿٤٩٥﴾ ﴿٤٩٦﴾ ﴿٤٩٧﴾ ﴿٤٩٨﴾ ﴿٤٩٩﴾ ﴿٥٠٠﴾ ﴿٥٠١﴾ ﴿٥٠٢﴾ ﴿٥٠٣﴾ ﴿٥٠٤﴾ ﴿٥٠٥﴾ ﴿٥٠٦﴾ ﴿٥٠٧﴾ ﴿٥٠٨﴾ ﴿٥٠٩﴾ ﴿٥١٠﴾ ﴿٥١١﴾ ﴿٥١٢﴾ ﴿٥١٣﴾ ﴿٥١٤﴾ ﴿٥١٥﴾ ﴿٥١٦﴾ ﴿٥١٧﴾ ﴿٥١٨﴾ ﴿٥١٩﴾ ﴿٥٢٠﴾ ﴿٥٢١﴾ ﴿٥٢٢﴾ ﴿٥٢٣﴾ ﴿٥٢٤﴾ ﴿٥٢٥﴾ ﴿٥٢٦﴾ ﴿٥٢٧﴾ ﴿٥٢٨﴾ ﴿٥٢٩﴾ ﴿٥٣٠﴾ ﴿٥٣١﴾

سعد بن ابی وقاص ؓ گفت از رسول الله ص شنیدم که می فرمود: «من یک کلمه ای می دانم که هر کسی که در رنج و سختی افتاده است آن را بگوید فرج در کارش می آید و از سختی نجات می یابد. آن کلمه: دعای برادرم یونس ص است که وقتی در تاریکی شب و تاریکی قعر دریا و تاریکی شکم قرار گرفته بود رو به خدا کرد و در آن تاریکی ها ندا برآورد: نیست معبودی به حق مگر تو، ای چاره ساز خلاق، تسبیح و تنزیه تو را می گویم، من از ستمگران به خود بودم که فرمان تو را خلاف نمودم و اکنون به این روز افتاده ام و راهی ندارم مگر استغاثه و چاره جویی، به فریادم برس و مرا از این مهلکه نجات بخش». در آیه ی 88 سوره ی انبیاء آمده است:






















































































﴿٢٢٢﴾ @ دعایش را به اجابت رسانیدیم و او را از غم نجات دادیم، و این چنین مؤمنان را نجات می‌دهیم!

وراه الترمذي عن سعد قال: قال رسول الله ﷺ: @ دَعْوَةُ ذِي النُّونِ إِذْ دَعَا وَهُوَ فِي بَطْنِ الْحُوتِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ. فَإِنَّهُ لَمْ يَدْعُ بِهَا رَجُلٌ مُسْلِمٌ فِي شَيْءٍ قَطُّ إِلَّا اسْتَجَابَ اللَّهُ لَهُ!.

رسول الله ص فرمود: «دعای یونس ۷ موقعی که دعا کرد و او در شکم ماهی بزرگ بود، عبارت بود از: نیست معبودی به حق مگر تو، تسبیح و تنزیه تو را می‌گویم که هیچ عیب و نقصی در درگاه تو نیست، اعتراف می‌کنم که از ستمگران به خودم بودم که بدون اجازه‌ی تو از شهر بیرون آمدم، و اکنون خود را در تاریکی‌ها قرار دادم و فریادرسی ندارم به جز تو. خدا دعایش را به اجابت رسانید و او را نجات داد. رسول الله ص فرمود: هر بنده‌ی مسلمانی که در چیزی از مصائب و مشکلات قرار گرفته باشد و این دعا را بخواند خدا دعایش را به اجابت می‌رساند».

«باب ما يقوله إذا راعه شيء أو فرغ»

**بابی است در بیان آنچه می‌گوید کسی که چیزی او را ترسانیده  
باشد یا دچار ناراحتی شده باشد**

وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السَّنِيِّ عَنْ ثَوْبَانَ ٢ أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ كَانَ إِذَا رَاعَهُ شَيْءٌ قَالَ: @ هُوَ اللَّهُ، اللَّهُ رَبِّي لَا شَرِيكَ لَهُ!.

رسول الله ص هرگاه دچار ترس از چیزی یا دچار ناراحتی می‌شد می‌فرمود: «اوست خدای یکتا، خدای پروردگار من است، نیست شریکی برای او».

وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَالتِّرْمِذِيِّ عَنْ عَمْرِو بْنِ شُعَيْبٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَانَ يُعَلِّمُهُمْ مِنَ الْفَرَعِ كَلِمَاتٍ: @ أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّةِ مِنْ غَضَبِهِ وَشَرِّ عِبَادِهِ وَمِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ

وَأَنْ يَحْضُرُونَ! وَكَانَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عَمْرٍو يُعَلِّمُهُنَّ مَنْ عَقَلَ مِنْ بَنِيهِ وَمَنْ لَمْ يَعْقِلْ كَتَبَهُ فَأَعْلَقَهُ عَلَيْهِ. قال الترمذي: حديث حسن.

عمرو بن شعيب از پدرش شعيب روايت می کند که پدرش شعيب از جد عمرو، يعنى عبدالله بن عمرو بن العاص ب روايت می کند که رسول الله ص به ايشان آموخت کلماتی که با خواندن آن کلمات خود را از ترس و فرع و ناراحتی حفظ کند، آن کلمات از این قرار است: «پناه می برم به کلمات الله التامه از خشم او تعالى و از شر بندگانش و از شر وسوسه ی شیطان ها و از این نزد او حاضر شوند برای وسوسه و آسیب رسانی». عبدالله بن عمرو بن العاص ب هر کدام از فرزنداناش که فهم می کرد آن کلمات را به او تعليم می داد و هریک از فرزنداناش که خردسال بود و فهم نمی کرد آن کلمات را می نوشت و بر او می آویخت. و این می رساند که تعویذ وقتی که از آیه های قرآن یا از حدیث رسول الله ص باشد برای کودکان مانعی ندارد.

«باب ما يقوله إذا أصابه هم أو حزن»

بابی است در بیان آنچه می گوید وقتی که به او دلتنگی یا حزن و

اندوهی رسید

وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السُّنِّي عَنْ أَبِي مُوسَى الْأَشْعَرِيِّ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ أَصَابَهُ هَمٌّ أَوْ حَزَنٌ فَلْيَدْعُ بِهَذِهِ الْكَلِمَاتِ يَقُولُ: أَنَا عَبْدُكَ ابْنُ عَبْدِكَ ابْنُ أَمَتِكَ فِي قَبْضَتِكَ نَاصِيَتِي بِيَدِكَ مَاضٍ فِي حُكْمِكَ عَدْلٌ فِي قَضَاؤِكَ أَسْأَلُكَ بِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ سَمِيَتْ بِهِ نَفْسُكَ أَوْ أَنْزَلْتَهُ فِي كِتَابِكَ أَوْ عَلَّمْتَهُ أَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ أَوْ اسْتَأْثَرْتَ بِهِ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ أَنْ تَجْعَلَ الْقُرْآنَ نُورَ صَدْرِي وَرَيْعَ قَلْبِي وَجَلَاءَ حُزْنِي وَذَهَابَ هَمِّي . فقال رجل من القوم: يا رسول الله إن المغبون لمن غبن هؤلاء الكلمات فقال: أجل فقولوهنَّ وعلموهنَّ فإنه من قالهنَّ التماس ما فيهنَّ أذهب الله تعالى حزنه وأطال فرحه!.

رسول الله ص فرمود: «کسی که به او رسید اندوه یا دلخوری به این چند کلمه دعا نماید و بگوید: خدایا من بنده ی تو هستم، پسر بنده تو هستم، پسر کنیز تو هستم، در قبضه ی تو

هستم، یعنی در اختیار تو هستم و نمی توانم از فرمان تو بیرون روم، پیشانی من در دست توست، فرمان تو بر من نافذ است، حکم تو در باره‌ی من عدل است، از تو می خواهم به برکت هر اسمی که برای توست که خود را به آن نامیدی یا در کتاب خود آن نام را آوردی یا به کسی از مخلوقات خود آموختی یا این که آن را به خود اختصاص دادی و در علم غیب نزد خودت می باشد. به همه‌ی اینها متوسلیم که قرآن را نور سینه ام قرار دهی و بهار دلم نمایی و رفتن اندوهم به آن مقرر فرمایی و رفتن هم و غم به آن فراهم فرمایی». مردی از بین جماعت گفت: مغبون و فریفته شده کسی است که از این دعا محروم شود. رسول الله ص فرمود: «بله، کسی که از آن محروم شود مغبون و فریفته شده است. بنابراین، این دعا را بخوانید و بگویید و آن را به بستگان خود بیاموزید که هرکسی که این دعا را بگوید و بخواهد آنچه از خیر و برکت در آن است، خدای متعال اندوه او را از بین ببرد و شادمانیش را طولانی بگرداند».

### «باب ما یقولہ إذا وقع فی ہلکة»

بابی است در بیان آنچه می گوید وقتی که در هلاکتی واقع شد

وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السُّنِّي عَنْ عَلِيٍّ ؓ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: يَا عَلِيُّ، أَلَا أَعَلَّمُكَ كَلِمَاتٍ إِذَا وَقَعْتَ فِي وَرْطَةٍ فَلْتَهَا؟ قُلْتُ: بَلَى جَعَلَنِي اللَّهُ فِدَاكَ قَالَ: إِذَا وَقَعْتَ فِي وَرْطَةٍ فَقُلْ: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ . فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَصْرِفُ بِهَا مَا شَاءَ مِنْ أَنْوَاعِ الْبَلَاءِ! . قُلْتُ: الْوَرْطَةُ هِيَ الْهَلَاكُ.

علی ؓ فرمود که رسول الله ص فرمود: «ای علی کلماتی به تو بیاموزم که هر وقت در هلاکت و مخاطره واقع شدی آن را بگویی تا از آن ورطه و هلاکت نجات یابی؟» گفتم: بله یا رسول الله! خدا مرا فدای تو گرداند! فرمود: «هر وقت در هلاکت و امر پرخطری واقع شدی بگو: به نام خدای یکتای بخشایشگر بسیار مهربان و نیست چاره‌ای برای دوری از هلاکت و نه نیرویی برای پایداری بر سلامت، مگر به کمک خدای بسیار بلندمرتبه‌ی بسیار بزرگوار که

خدای متعال به این کلمات آنچه بخواهد از انواع بلا رفع می فرماید». نووی فرمود: وَرَطَّةٌ به معنی هلاکت است.

### «باب ما يقول إذا خاف قوماً»

#### بابی است در بیان آنچه می گوید وقتی که از گروهی بترسد

وَرَوَيْنَا بِالْإِسْنَادِ الصَّحِيحِ فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَالنَّسَائِيِّ عَنْ أَبِي مُوسَى الْأَشْعَرِيِّ  $\tau$  أَنَّ النَّبِيَّ  $\rho$  كَانَ إِذَا خَافَ قَوْمًا قَالَ: @اللَّهُمَّ إِنَّا نَجْعَلُكَ فِي نُحُورِهِمْ، وَنَعُوذُ بِكَ مِنْ شُرُورِهِمْ!.

رسول الله ص وقتی که از مردمی می ترسید [که فتنه ای به پا کنند یا آسیبی به مسلمانان برسانند] می فرمود: «خدایا ما نیروی تو را سپر دفاع از شر آنان قرار می دهیم و پناه می بریم و به تو از شر آنان». وقتی که مؤمن به قدرت خدا متوسل شد آن را در نحر و بالای سینه ی مردمی شورو قرار داد و پناه به عظمت مالک الملک برد، چه ترسی برایش باقی می ماند. خدا همه ترس ها را دور می سازد و بلای آن دشمنان را به خودشان برمی گرداند. مؤمن به این تعلیم و پناهندگی به عظمت خدا هر بلایی از او رفع می شود، خصوصاً که از به کاربردن اسباب دفع شر دشمنان غافل نماند.

### «باب ما يقول إذا خاف سلطاناً»

#### بابی است در بیان آنچه می گوید وقتی که از سلطان یا حاکم بترسد

وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السَّيِّ عَنْ ابْنِ عَمْرِو بْنِ قَالٍ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: @إِذَا خِفْتَ سُلْطَانًا أَوْ غَيْرَهُ فَقُلْ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِيمُ الْحَكِيمُ سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ السَّمَوَاتِ السَّبْعِ وَرَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ عَزَّ جَارُكَ وَجَلَّ ثَنَاؤُكَ!. وَيَسْتَجِبُ أَنْ يَقُولَ مَا قَدَّمْنَاهُ فِي الْبَابِ السَّابِقِ مِنْ حَدِيثِ أَبِي مُوسَى.



ابن عمر ب می گوید که رسول الله ص فرمود: «هر وقت ترسیدی از سلطان یا از غیر او بگو: نیست معبودی به حق مگر الله بسیار بردبار بسیار بزرگوار. تسبیح خدا می گویم پاک و منزّه است الله که پروردگار آسمان های هفتگانه و صاحب عرش عظیم است، نیست معبودی به حق مگر تو. عزت یافت کسی که پناه به تو آورد و با شکوه شد ثناء و تمجید تو». و مستحب است آنچه در باب قبلی از حدیث ابوموسی آوردیم نیز بگوید: اللَّهُمَّ إِنَّا نَجْعَلُكَ فِي نُحُورِهِمْ، وَنَعُوذُ بِكَ مِنْ شُرُورِهِمْ.

«باب ما يقول إذا نظر إلى عدوه»

### بابی است در بیان آنچه می گوید وقتی که نظر به دشمن نمود

انس ر می گوید: در جهادی همراه رسول الله ص بودیم موقعی که به دشمن رسید و نبرد شروع شد فرمود: (a) يَا مَالِكُ يَوْمَ الدِّينِ إِنَّكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ! «ای مالک و دارنده ی روز جزا تو را بندگی می کنم و از تو کمک می خواهم»، دیدم که دشمنان به زمین می افتند و فرشتگان آنان را از جلو و پشت سر می کوبیدند. و مستحب است آنچه در حدیث ابی موسی آمده است نیز بگوید: اللَّهُمَّ إِنَّا نَجْعَلُكَ فِي نُحُورِهِمْ، وَنَعُوذُ بِكَ مِنْ شُرُورِهِمْ. رسول الله ص صف مجاهدین را منظم می کرد و مجاهدین را به جهاد تشویق می کرد، وقتی که تمام احتیاط های جنگی را به کار می گرفت آن وقت دست به دعا برمی داشت و از خدای خود مدد می طلبید، این است که همیشه پیروز می شد.

«باب ما يقول إذا عرض له شيطان أو خافه»

### بابی است در بیان آنچه می گوید وقتی که شیطان متعرض او شد یا از شیطان ترسید

قال الله تعالى: ﴿وَإِذَا عَزَمْتَ فَتَذَكَّرْهُ فُلْهُ حَمْلًا مُّسْتَعِينًا ۚ وَاتَّقِ اللَّهَ اللَّهَ عَزِيزٌ مُّبِينٌ ۚ﴾  
 ﴿وَإِذَا عَزَمْتَ فَتَذَكَّرْهُ فُلْهُ حَمْلًا مُّسْتَعِينًا ۚ وَاتَّقِ اللَّهَ اللَّهَ عَزِيزٌ مُّبِينٌ ۚ﴾

خدای متعال فرمود به پیغمبرش: «اگر به تو رسید از شیطان وسوسه‌ای، پناه ببر به خدا یقیناً خداست که او شنوای داناست». و وسوسه‌ی شیطان را از تو دور خواهد نمود که دواى رفع وسوسه‌ی شیطان پناه‌بردن به خدا قرار داد، همانگونه که آغاز قراءت قرآن مستحب است گفتن: **أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ**: پناه می‌برم به تو از شر شیطان رانده شده از درگاه خدا.

و خدای متعال فرمود به پیغمبرش: «و موقعی که قرآن می‌خوانی قرار دادیم میان تو و کسانی که ایمان به آخرت ندارند، حجابی که مانع فهم آنان می‌شود». چنانکه در آیه‌ی بعدی، آیه‌ی 46 سوره‌ی اسراء می‌فرماید:

«و می‌گردانیم بر دل‌های‌شان غلاف مانع از فهم قرآن و در گوش‌های‌شان سنگینی است».

پس آنان کر و کوردل هستند و محروم از فهم قرآن. بنابراین، باید پناه به خدا ببری و سپس قرآن را بخوانی تا تو را از شر شیطان حفظ فرماید، و هم از شر مشرکان.

وَوَيْتَنَا فِي صَحِيحٍ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي الدَّرْدَاءِ  $\tau$  قَالَ: قَامَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يُصَلِّي فَسَمِعَنَاهُ يَقُولُ: @أَعُوذُ بِكَ مِنْكَ!. ثُمَّ قَالَ: @أَلْعَنُكَ بِلَعْنَةِ اللَّهِ ثَلَاثًا!. وَبَسَطَ يَدَهُ كَأَنَّهُ يَتَنَاوَلُ شَيْئًا فَلَمَّا فَرَغَ مِنَ الصَّلَاةِ قُلْنَا: يَا رَسُولَ اللَّهِ سَمِعْنَاكَ تَقُولُ فِي الصَّلَاةِ شَيْئًا لَمْ نَسْمَعْكَ تَقُولُهُ قَبْلَ ذَلِكَ وَرَأَيْنَاكَ بَسَطْتَ يَدَكَ. قَالَ: @إِنَّ عَدُوَّ اللَّهِ إِبْلِيسَ جَاءَ بِشَهَابٍ مِنْ نَارٍ لِيَجْعَلَهُ فِي وَجْهِهِ، فَقُلْتُ: أَعُوذُ

بِاللَّهِ مِنْكَ. ثَلَاثَ مَرَّاتٍ ثُمَّ قُلْتُ أَلْعَنُكَ بِلَعْنَةِ اللَّهِ التَّامَّةِ فَلَمْ يَسْتَأْخِرْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ ثُمَّ أَرَدْتُ أَخْذَهُ وَاللَّهُ لَوْلَا دَعْوَةُ أَخِي سُلَيْمَانَ لَأَصْبَحَ مُوثَقًا يَلْعَبُ بِهِ وَلَدَانُ أَهْلِ الْمَدِينَةِ!.

ابوالدرداء ت می گوید که رسول الله ص به نماز ایستاد و شنیدم که می فرماید: «پناه می برم به خدا از تو». پس از آن فرمود: تو را به لعنت خدا لعنت می کنم سه بار، پس از آن دست خود را دراز نمود چنانکه گویا می خواهد چیزی بردارد. موقعی که رسول الله ص از نماز فارغ شد، گفتیم: ای رسول خدا، ما شنیدیم در نماز چیزی می فرمایی که قبل از این چنین چیزی در نماز از تو نشنیده بودیم و دیدیم دست خود را دراز نمودی. رسول الله ص فرمود: «دشمن خدا که ابلیس است شعله ای آتش آورد که در روی من قرار دهد، سه بار گفتم: پناه می برم به خدا از شر تو، سپس گفتم: تو را لعنت می کنم به لعنت کامل خدا، اگر نه دعای برادرم سلیمان بود، شیطان می گردید بغل بسته و کودک اهل مدینه او را بازیچه ی خود قرار می دادند». وقتی که ابلیس علیه لعنة الله این چنین متعرض خاتم الانبیاء ص می شود، ما افراد عادی بسیار از او بیهیزیم و همیشه پناه به خدا ببریم از شر او.

امام نووی فرمود: وقتی که شیطان متعرض انسان شد شایسته است که اذان بگوید مانند اذان نماز برای این که:

فَقَدْ رَوَيْنَا فِي صَحِيحِ مُسْلِمٍ عَنْ سُهَيْلٍ قَالَ أَرْسَلَنِي أَبِي إِلَى بَنِي حَارِثَةَ وَمَعِيَ غُلَامٌ لَنَا أَوْ صَاحِبٌ لَنَا فَنَادَاهُ مُنَادٍ مِنْ حَائِطٍ بِاسْمِهِ وَأَشْرَفَ الَّذِي مَعِيَ عَلَى الْحَائِطِ فَلَمْ يَرَ شَيْئًا فَذَكَرْتُ ذَلِكَ لِأَبِي فَقَالَ لَوْ شَعَرْتُ أَنَّكَ تَلْقَى هَذَا لَمْ أُرْسِلْكَ وَلَكِنْ إِذَا سَمِعْتَ صَوْتًا فَنَادٍ بِالصَّلَاةِ فَإِنِّي سَمِعْتُ أَبَا هُرَيْرَةَ يُحَدِّثُ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ص أَنَّهُ قَالَ: @إِنَّ الشَّيْطَانَ إِذَا نُودِيَ بِالصَّلَاةِ وَلَّى أَدْبَرَ!.

سهیل بن ابی صالح می گوید: پدرم مرا به سوی قبیله ی بنی حارثه از انصار مدینه فرستاد و کودکی از ما با من همراه بود یا دوستی از ما همراه من بود. از دیوار باغی کسی او را صدا زد و او را به نامش خواند، آن که با من همراه بود از دیوار باغ سرکشید، کسی را ندید، وقتی که به خانه برگشتم این واقعه را برای پدرم بازگو کردم. پدرم گفت: اگر می دانستم که چنین چیزی برایت پیش می آید نمی فرستادم. و لیکن هروقت آوازی شنیدی که صاحب آواز

معلوم نبود، اذان نماز بگو، زیرا از ابوهریره شنیدم که از پیامبر ص سخن می‌گفت که ایشان فرمود: «بی‌گمان شیطان هرگاه اذان نماز بشنود پشت می‌دهد و می‌رود».

«باب ما يقول إذا غلبه أمر»

### بابی است در بیان آنچه می‌گوید وقتی که کاری بر او چیره شد

رَوَيْنَا فِي صَحِيحِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ ر قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: @الْمُؤْمِنُ الْقَوِيُّ خَيْرٌ وَأَحَبُّ إِلَى اللَّهِ مِنَ الْمُؤْمِنِ الضَّعِيفِ وَفِي كُلِّ خَيْرٍ اخِرْصُ عَلَى مَا يَنْفَعُكَ وَاسْتَعِنْ بِاللَّهِ وَلَا تَعْجِزْ وَإِنْ أَصَابَكَ شَيْءٌ فَلَا تَقُلْ لَوْ أَنِّي فَعَلْتُ كَانَ كَذَا وَكَذَا. وَلَكِنْ قُلْ قَدَرُ اللَّهِ وَمَا شَاءَ فَعَلَ فَإِنْ لَوْ تَفْتَحْ عَمَلَ الشَّيْطَانِ!.

رسول الله ص فرمود: «مؤمن نیرومند و قوی بهتر است از مؤمن ناتوان و ضعیف، و در هریک از مؤمن قوی و ضعیف خیری هست. یعنی مؤمن منبع خیر است، منتهی اگر قوی باشد خیر او بیشتر است. حریص باش بر هرچه نفعی به تو می‌رساند. و کمک از خدا بخواه و اظهار عجز نکن. و اگر مکروهی به تو رسید، مگو اگر چنین کرده بودم چنین شده بود و آنچه گذشته است برنمی‌گردد و برآنچه از دست رفته اندوه مخور و بگو: خدا نوشته بود و به موجب نوشته و تقدیر او انجام گرفت. آنچه خدا می‌خواهد می‌کند. و مگو: «اگر»، برای این که «اگر» دری برای کار شیطان می‌گشاید». کوشش کن مؤمنی قوی باشی و خیرت به همه برسد. همیشه حریص بر کارهای سودمند باش و برای حصول کار سودمند از خدا کمک بخواه و هیچگاه اظهار عجز و ناتوانی مکن، برای این که شاعر گفت:

همت بلند دار که مردان روزگار

از همت بلند به جایی رسیده اند

و هیچگاه دروازه‌ای «اگر» برای خود مگشای، برای این که «اگر» دری برای وسوسه‌ی شیطان می‌گشاید و هیچ کاری هم از آن برنمی‌آید.

وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ عَنْ عَوْفِ بْنِ مَالِكٍ ٢ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى عَلَى بَيْنَ رَجُلَيْنِ. فَقَالَ الْمَقْصِيُّ عَلَيْهِ لَمَّا أَذْبَرَ حَسْبِيَ اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ. فَقَالَ النَّبِيُّ -صلى الله عليه وسلم- @ إِنَّ اللَّهَ يَلُومُ عَلَى الْعَجْزِ وَلَكِنْ عَلَيْكَ بِالْكِسِّ فَإِذَا غَلَبَكَ أَمْرٌ فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ! كلمة الكيس تُطْلَقُ عَلَى مَهَانٍ مِنْهَا الرِّفْقُ - فعناه والله أعلم - عليك بالعمل في رفقٍ بحيثُ تطيقُ الدوامَ عليه.

رسول الله ص داورى فرمود میان دو مرد. آن کسی که حکم علیه او شده بود، موقعی که می رفت می گفت: کفایت من است خدا و چه خوب کفایت کننده ای است خدا. یعنی از وضع خود راضی نبود. رسول الله ص فرود: خدا سرزنش می فرماید بر اظهار ناتوانی کردن. و لیکن بر تو باد به کاربردن رفق و مهربانی در کار و مداومت بر آن تا از کار و کوشش به هر خیری که بخواهی برسی. اگر کار و کوشش کردی و از عهده برنیامدی، جا دارد که بگویی: کفایت است مرا خدا اگر این بار موفق نشدم بار دیگر به یاری خدا موفق می شوم، و چه عجب کفایت کننده ای است خدا». این برای کسی است که از نظامی که خدا مقرر فرمود باخبر باشد و از اسباب و مسببات استفاده کند.

«باب ما يقول إذا استصعب عليه أمر»

**بابی است در بیان آنچه می گوید کسی که کاری بر او دشوار شد**

رَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السَّنِيِّ عَنْ أَنَسٍ ٢ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى قَالَ: @اللَّهُمَّ لَا سَهْلَ إِلَّا مَا جَعَلْتَهُ سَهْلًا وَأَنْتَ تَجْعَلُ الْحَزْنَ إِذَا شِئْتَ سَهْلًا! قُلْتُ الْحَزْنَ: غَلِظُ الْأَرْضِ وَخَشِنَهَا. رسول الله ص فرمود: «خدایا آسان نیست مگر هرچه تو آن را آسان فرمایی. و تو اگر بخواهی هر دشواری را آسان می فرمایی». نووی / فرمود: حَزْنٌ، یعنی زمین سخت و ناهموار. بنابراین، خدای متعال زمین ناهموار و سخت را نیز صاف و هموار می سازد، یعنی کارهای بس دشوار به خواست او آسان می گردد.

«باب ما يقول إذا تَعَسَّرَتْ عليه معيشتُهُ»

### بابی است در بیان آنچه می‌گوید وقتی که زندگی بر او دشوار شد

رَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السُّنِّي عَنْ ابْنِ عَمْرِو بْنِ النَّبِيِّ ص قَالَ: @ مَا يَمْنَعُ أَحَدَكُمْ إِذَا عَسَرَ عَلَيْهِ أَمْرٌ مَعِيشَتِهِ أَنْ يَقُولَ إِذَا خَرَجَ مِنْ بَيْتِهِ: بِسْمِ اللَّهِ عَلَى نَفْسِي وَمَالِي وَدِينِي اللَّهُمَّ رَضِّنِي بِقَضَائِكَ وَبَارِكْ لِي فِيمَا قُدِّرَ لِي حَتَّى لَا أُحِبَّ تَعْجِيلَ مَا أَخَّرْتَ وَلَا تَأْخِيرَ مَا عَجَّلْتَ!.

رسول الله ص فرمود: «کدام چیز مانع یکی از شما می‌شود وقتی که امر زندگیش بر او دشوار شد آن که بگوید موقع بیرون رفتنش از خانه: به نام خدا بر خودم و مالم و دینم، خدایا مرا خشنود کن به آنچه رایم تقدیر فرموده‌ای و برکت قرار ده در آنچه برایم مقدر فرموده‌ای، تا این که دوست ندارم تعجیل در آنچه برایم به تأخیر انداخته‌ای و تأخیر در آنچه برایم به تعجیل انداخته‌ای». یعنی من نام پربرکت را بر خودم و مال و دینم قرار داده‌ام و می‌خواهم طوری از سرنوشتم راضی باشم که نخواهم در آن تأخیر و تقدیمی پیش آید و می‌خواهم که خودت گره‌گشای کارهایم باشی تا گرهی در کارم نیفتد و سختی زندگی برایم پیش نیاید.

«باب ما يقول لدفع الآفات»

### بابی است در بیان آنچه می‌گوید برای دفع آفات و بلاها

رَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السُّنِّي عَنْ أَنَسٍ ر قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: @ مَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عَلَى عَبْدٍ نِعْمَةً فِي أَهْلٍ وَلَا مَالٍ أَوْ وَلَدٍ فَقَالَ: مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ فَيَرَى فِيهِ آفَةً دُونَ الْمَوْتِ!.

رسول الله ص فرمود: «خدای عزوجل هر نعمتی که بر بنده‌ای ارزانی داشت و آن بنده گفت: مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ. هیچ آفتی در اهل و مال و فرزندانش پیش نمی‌آید». برای این که می‌گوید: آنچه من دارم به خواست خدا به وجود آمد و به قوت و نیروی او نگه داشته شده است، نه من در به وجود آوردنش قدرتی داشته‌ام و نه در نگهداری آنها نیرویی

به کار برده ام. آنچه به خواست خدا پیش آمده است، خدایش نگهداری می کند و هیچ آفتی در آن به وجود نمی آید.

«باب ما يقول إذا أصابته نكبة قليلة أو كثيرة»

بابی است در بیان آنچه می گوید وقتی که مصیبتی اندک یا بسیار به او برسد

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا أَصَابَتْكُمْ نَكَبَةٌ قَلِيلَةٌ أَوْ كَثِيرَةٌ فَقُولُوا هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَأَنَا لِلَّهِ وَإِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾ [البقرة: 155 - 157].

خدای متعال فرمود: «و مؤذنه بده شکیبایان را، آن مردمی که هر موقع مصیبتی به ایشان رسید، می گویند: إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ: ما همه مملوک خدا هستیم و ما همه به سوی او بازگشت داریم. این مردم که در مقابل مصیبت صبر و رضا دارند. اینان به راه راست هستند که از پروردگار به ایشان رسیده است و ایشان از این صبر و رضا به رحمت خدا رسیده اند و ایشانند که ایشان به راه راست رسیده اند».

وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السُّنِّي عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «لَيْسَتْ رَجْعٌ أَحَدُكُمْ فِي كُلِّ شَيْءٍ حَتَّى فِي شَيْءٍ نَعْلِهِ فَإِنَّهَا مِنَ الْمَصَائِبِ!».

رسول الله ص فرمود: «باید هریک از شما در هر ناراحتی بگویند: إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ: ما همه مملوک خدا هستیم و بازگشت ما همه به سوی خداست. وقتی که انسان می داند که در این دنیا باید روزی رخت سفر ببندد و روانه ی آخرت شود باید بداند که هر چیز دیگری هم برای مدت محدودی به وجود می آید و وقت آن که به سر آمد باید برود. بنابراین، اگر بند نعلین تان پاره شد هم بگویند: إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ: برای این که بریدن بند نعلین هم از

مصائب است». و آنچه انسان را ناراحت می کند مصیب شمرده می شود حتی خاموش شدن چراغ. و این سخن ارشاد نبوی است که اگر بشقابی شکست، خدمتکار را ناسزا نگوید، بلکه بگوید: **إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ**، در برابر هر نکستی خواه کوچک، خواه بزرگ، خواه اندک، خواه بسیار، این سخن را بر زبان آورد.

«باب ما يقول إذا كان عليه دينٌ عجز عنه»

**بابی است در بیان آنچه می گوید وقتی که بدهی دارد و از پرداخت آن ناتوان مانده است**

رَوَيْنَا فِي كِتَابِ التَّرْمِذِيِّ عَنْ عَلِيٍّ  $\tau$  أَنَّ مُكَاتَبًا جَاءَهُ فَقَالَ: إِنِّي عَجَزْتُ عَنْ كِتَابَتِي فَأَعْنِي. قَالَ: أَلَا أَعْلَمُكَ كَلِمَاتٍ عَلَّمَنِيهِنَّ رَسُولُ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- لَوْ كَانَ عَلَيْكَ مِثْلُ جَبَلٍ صِيرَ دَيْنًا أَدَاهُ اللَّهُ عَنْكَ؟ قَالَ: **@اللَّهُمَّ اكْفِنِي بِحَلَالِكَ عَنْ حَرَامِكَ وَأَغْنِنِي بِفَضْلِكَ عَنْ سُؤَالِكَ!** قَالَ: التَّرْمِذِيُّ حَدِيثٌ حَسَنٌ.

از علی  $\tau$  روایت است که برده‌ی مکاتبی نزد او آمد و گفت: من از ادای وجه کتابتم عاجز مانده‌ام، مرا کمک کن. فرمود: آیا نیاموزم تو را چند کلمه که رسول الله ص آن کلمات را به من آموخت، وقتی که آن کلمات را بگویی اگر مثل کوه دین داشته باشی دینت را اداء نماید؟ بگو: **اللَّهُمَّ اكْفِنِي بِحَلَالِكَ عَنْ حَرَامِكَ وَأَغْنِنِي بِفَضْلِكَ عَنْ سُؤَالِكَ**: خدایا حلالیت را مورد کفایتم قرار ده تا به حرام نیازم نیفتد و به فضل خود مرا بی‌نیاز فرما از هر کس دیگری». یقیناً با این گفتار برده‌ی مکاتب توانست وجه کتابت خود را پردازد و آزاد شود.

و در باب ما يقال عند الصباح والمساء در این موضوع حدیثی بیان نمودیم در سنن أبوداؤد به روایت ابوسعید خدری در باره‌ی قصه‌ی صحابی که ابوامامه نام داشت.



«باب ما يقوله من بلي بالوحشة»

بابی است در بیان آنچه می گوید کسی که دچار وحشت زدگی شد

رَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السَّنِيِّ عَنِ الْوَلِيدِ بْنِ الْوَلِيدِ ٢ أَنَّهُ قَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنِّي أَجِدُ وَحْشَةً. قَالَ: @إِذَا أَخَذْتَ مَضْجَعَكَ فَقُلْ: أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّةِ مِنْ غَضَبِهِ وَعِقَابِهِ وَشَرِّ عِبَادِهِ وَمِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ وَأَنْ يَخْضُرُونِ. فَإِنَّهُ لَا تَضُرُّكَ وَلَا يَقْرُبُكَ!.

ولید بن الولید ٢ گفت: ای رسول خدا، من حالت وحشت زدگی می یابم، رسول الله ص فرمود: «موقعی که می آیی بر بستر خواب بگو: پناه می برم به کلمات الله التامات از خشم خدا و عقاب او و از شر بندگان و از وسوسه های شیطان ها و از این که شیطان ها نزد من حاضر شوند و دور و برم را بگیرند. وقتی که این را گفתי نه زبانی به تو می رسانند و نه نزدیک به تو می شوند».

وَرَوَيْنَا فِيهِ عَنِ الْبَرَاءِ بْنِ عَازِبٍ ب قَالَ أَتَى رَسُولَ اللَّهِ ص رَجُلٌ يَشْكُو إِلَيْهِ الْوَحْشَةَ فَقَالَ: @أَكْثَرُ مِنْ أَنْ تَقُولَ: سُبْحَانَ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ رَبِّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ جَلَّتِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضُ بِالْعِزَّةِ وَالْجَبَرُوتِ!. فَقَالَهَا الرَّجُلُ فَذَهَبَتْ عَنْهُ الْوَحْشَةُ.

مردی به خدمت رسول الله ص آمد و شکایت از وحشت زدگی نمود. رسول الله ص فرمود: «بسیار بگو: منزه است خدایی که شاه همه است و همه پرورده ی نعمت های او هستند. بسیار پاک و مقدس و پروردگار فرشتگان است. آسمان ها و زمین را پوشیدی به جبروت، از این رو که همه ی کائنات مجبور بر اطاعت فرمان او هستند». آن مرد این کلمات را گفت و وحشت زدگی از او دور شد.

«باب ما يقول مَنْ بُلِيَ بالسوسة»

بابی است در بیان آنچه می گوید کسی که مبتلا به وسواس شد

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: ﴿وَإِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ مِنْ غَيْرِ عِلْمٍ جَاءَ سَوْسَاتٍ﴾  
قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: ﴿وَإِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ مِنْ غَيْرِ عِلْمٍ جَاءَ سَوْسَاتٍ﴾  
قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: ﴿وَإِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ مِنْ غَيْرِ عِلْمٍ جَاءَ سَوْسَاتٍ﴾

﴿فصلت: 36﴾.

«و اگر تو را از طرف شیطان وسوسه‌ای دست داد، پناه ببر به خدای متعال برای این که او شنوای داناست». و بهترین چیزی که در دفع وسوسه گفته می‌شود همان چیزی است که خدای عزوجل ما را به آن ادب داد و ما را امر فرمود به گفتن آن. خداوند به ما دستور فرمود که در ابتدای قراءت قرآن بگوییم: **أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ**: پناه می‌برم به خدای متعال از شر شیطان رانده شده.

وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِي الْبُخَارِيِّ وَمُسْلِمٍ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ  $\tau$  قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ **ص**: **@يَأْتِي الشَّيْطَانُ أَحَدَكُمْ فَيَقُولُ: مَنْ خَلَقَ كَذَا، مَنْ خَلَقَ كَذَا، حَتَّى يَقُولَ مَنْ خَلَقَ رَبَّكَ؟ فَإِذَا بَلَغَهُ فَلْيَسْتَعِذْ بِاللَّهِ وَلْيَنْتَه!**

رسول الله **ص** فرمود: «شیطان می‌آید نزد یکی از شما، و برای سیاه کردن دلشان می‌گوید: خدا مخلوقات را آفرید، خدا همه چیز را آفرید، پس چه کسی خدا را آفرید؟ وقتی که به این جا رسید بگوید: پناه آوردم به خدا و دنباله‌ی این سخن را قطع نماید». برای این که خدا خالق است و غیر او همه مخلوقند و محال است مخلوق خالق را بیافریند.

وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ بِإِسْنَادٍ جَيِّدٍ عَنْ أَبِي زَمِيلٍ قَالَ: قُلْتُ لَابْنِ عَبَّاسٍ فَقُلْتُ مَا شَيْءٌ أَجَدُّهُ فِي صَدْرِي قَالَ مَا هُوَ قُلْتُ وَاللَّهِ مَا أَتَكَلَّمُ بِهِ. فَقَالَ لِي أَشَيْءٌ مِنْ شَكِّ قَالَ وَضَحِكَ. قَالَ مَا نَجَا مِنْهُ أَحَدٌ أَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: ﴿

﴿إِذَا وَجَدَتْ فِي نَفْسِكَ شَيْئًا فَقُلْ: ﴿

﴿إِذَا وَجَدَتْ فِي نَفْسِكَ شَيْئًا فَقُلْ: ﴿

﴿إِذَا وَجَدَتْ فِي نَفْسِكَ شَيْئًا فَقُلْ: ﴿

﴿إِذَا وَجَدَتْ فِي نَفْسِكَ شَيْئًا فَقُلْ: ﴿

أبي زمیل می‌گوید به عبدالله بن عباس گفتیم این کدام چیز است که در سینه ام می‌یابم؟ ابن عباس گفت: آن چیست؟ گفتیم: قسم به خدا که آن را به زبان نمی‌آورم. فرمود: آیا چیزی از شک است؟ خندید و فرمود کسی از آن نجات نیافت تا این که خدا این آیه را نازل



وقال السيّد الجليل أحمد بن أبي الحواريّ - بكسر راء وبه فتح راء - شكّوتُ إلى أبي سليمان الدّرانيّ الوسواس، فقال: إذا أردت أن ينقطع عنك فأبّ وقت أحسست به فافرح، فإنك إذا فرحت انقطع عنك، لأنه ليس شيء أبغض إلى الشيطان من سرور المؤمن، وإن اغتممت به زادك قلت: وهذا مما يؤيد ما قاله بعض الأئمة؛ أن الوسواس إنما يتلى به من كمل إيمانه؛ فإن اللص لا يقصد بيتاً خرباً.

آقای بزرگوار احمد بن ابی الحواری گفت: شکایت از وسواس بردم نزد ابوسلیمان دارانی. ابوسلیمان فرمود: هر وقت احساس وسواس نمودی اظهار خوشبختی کن، زیرا هرگاه خوشحال شوی از تو جدا می شود، چون هیچ چیز نزد شیطان نامطلوب تر از خوشحالی مؤمن نیست. و اگر غمگین شوی بر تو خواهد افزود. می گویم: این سخن در تأیید سخن برخی از ائمه است که گفته اند: مبتلا به وسواس نمی شود، مگر کسی که ایمانش کامل است، زیرا دزد هیچگاه برای دزدی به خانه‌ی مخروبه نمی رود.

### «باب ما یقرأ علی المَعْتُوهِ والمَلْدُوغِ»

**بابی است در بیان آنچه خوانده می شود بر دیوانه و بر گزیده شده**

رَوَيْنَا فِي صَحِيحِي الْبُخَارِيِّ وَمُسْلِمٍ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - قَالَ: انْطَلَقَ نَفَرٌ مِنْ أَصْحَابِ النَّبِيِّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - فِي سَفَرَةٍ سَافَرُوهَا حَتَّى نَزَلُوا عَلَى حَيٍّ مِنْ أَحْيَاءِ الْعَرَبِ فَاسْتَصَافُوهُمْ فَأَبَوْا أَنْ يُضَيِّفُوهُمْ فَلَدَغَ سَيِّدُ ذَلِكَ الْحَيِّ، فَسَعَوْا لَهُ بِكُلِّ شَيْءٍ لَا يَنْفَعُهُ شَيْءٌ، فَقَالَ بَعْضُهُمْ: لَوْ أَتَيْتُمْ هَؤُلَاءِ الرَّهْطَ الَّذِينَ نَزَلُوا لَعَلَّهُمْ أَنْ يَكُونَ عِنْدَهُمْ بَعْضُ شَيْءٍ، فَأَتَوْهُمْ فَقَالُوا: يَا أَيُّهَا الرَّهْطُ إِنَّ سَيِّدَنَا لَدَغَ وَسَعَيْنَا لَهُ بِكُلِّ شَيْءٍ لَا يَنْفَعُهُ شَيْءٌ، فَهَلْ عِنْدَ أَحَدٍ مِنْكُمْ مِنْ شَيْءٍ؟ فَقَالَ بَعْضُهُمْ: إِنِّي وَاللَّهِ لَأُزْقَى، وَلَكِنْ وَاللَّهِ لَقَدْ اسْتَصَفْنَاكُمْ فَلَمْ تُضَيِّفُونَا، فَمَا أَنَا بِرَاقٍ لَكُمْ حَتَّى تَجْعَلُوا لَنَا جُعْلًا فَصَالِحُوهُمْ عَلَى قَطِيعٍ مِنَ الْعَنَمِ، فَانْطَلَقَ يَتَفَلَّحُ عَلَيْهِ وَيَقْرَأُ: الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، فَكَأَنَّمَا نُشِطَ مِنْ عِقَالٍ، فَانْطَلَقَ يَمْشِي وَمَا بِهِ قَلْبَةٌ، فَأَوْفَوْهُمْ جُعْلَهُمُ الَّذِي صَالِحُوهُمْ عَلَيْهِ، فَقَالَ بَعْضُهُمْ: اقْسِمُوا فَقَالَ الَّذِي رَقَى لَا تَفْعَلُوا حَتَّى نَأْتِيَ النَّبِيَّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - فَتَذَكَّرَ لَهُ الَّذِي كَانَ، فَتَنَظَّرَ مَا يَأْمُرُنَا، فَقَدِمُوا عَلَى رَسُولِ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - فَذَكَرُوا لَهُ، فَقَالَ - صَلَّى اللَّهُ

عليه وسلم :- @ وَمَا يُدْرِيكَ أَنَّهَا رُقِيَّةٌ؟ ثُمَّ قَالَ قَدْ أَصَبْتُمْ أَفْسُمُوا وَاضْرِبُوا لِي مَعَكُمْ سَهْمًا!. فَضَحِكَ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - . هذا اللفظ رواه البخاري وهو آتم الروايات. وفي رواية: فجعل يقرأ أم الكتاب ويجمع بُرَاقَهُ وَيَتَنَفَّلُ، فَبَرَى الرَّجُلُ. وفي رواية: فأمر له بثلاثين شاة. قلت قوله وما به قَلْبَةٌ: بفتح القاف واللام والباء الموحدة أي وَجَعٌ.

در صحیحین بخاری و مسلم از ابی سعید خدری ٢ روایت نمودند که ابوسعید خدری ٢ فرمود: چند نفر از یاران پیغمبر ص به سفری رفتند که قبلاً به آن سفر رفته بودند تا این که منزل گرفتند شبی نزد قبیله‌ای از عرب و از آن قبیله خواستند که آنان را مهمانی و شامی بدهند، آن قبیله قبول نکردند که شامی به ایشان بدهند، دیری نگذشت که ماری رییس آن قبیله را گزید. افراد قبیله کوشش کردند که مارگزیدگی رییس قبیله را درمان کنند، اما سودی نبخشید. بعضی از آنان گفتند اگر می‌رفتید نزد این مردمی که نزدیک ما منزل گرفته اند شاید علاجی نزد آنان باشد، این بود که آمدند نزد این یاران پیغمبر ص و گفتند: ای گروه، آقای ما (رییس قبیله‌مان) را مار گزیده است و هر کوششی که کرده ایم برای علاجش سودی نبخشیده است، آیا نزد شما چیزی از علاج او هست؟ (آیا می‌توانید او را درمان کنید) یکی از این یاران پیغمبر ص گفت: طلب مهمانی و دادن شامی از شما کردیم، شامی ندادید من رُقِیَّه و خواندن بر او برای علاجش می‌دانم. والله من رقیه می‌کنم و لیکن رقیه نمی‌کنم تا اول مزدی به ما بدهید. با آن قرار بستند که گله‌ای از گوسفند یعنی تعدادی در حدود سی گوسفند از آنان بگیرند آن کسی که رقیه می‌دانست شروع کرد به خواندن سوره‌ی فاتحه و کشیدن آب دهنش بر جای گزیدگی. سپس مارگزیده‌گویی از پای‌بند رهایی یافته و شروع کرد به راه‌رفتن بدون این که احساس دردی داشته باشد. به موجب قرار تمام تعداد گوسفند به ایشان دادند. بعضی از ایشان گفتند: گوسفند میان خودمان قسمت کنید. آن کسی که رقیه خوانده بود گفت: صبر کنید تا به خدمت رسول الله ص برویم و ببینیم ایشان چه دستور می‌دهند.

به خدمت رسول الله ص رسیدند و جریان واقعه را شرح دادند. رسول الله ص به آن که سوره‌ی فاتحه بر بیمار خوانده بود فرمود: «از کجا دانستی که سوره‌ی فاتحه رقیه است و

علاج است؟ آنگاه فرمود: کار درست کرده اید. گوسفندان را میان خودتان قسمت کنید و برای من هم در آن سهمی قرار بدهید». و آنگاه پیامبر ص خنده نمودند.

امام نووی / فرمود: این لفظ صحیح بخاری است و کامل ترین روایات این حدیث آورده است. و در روایتی در غیر بخاری: کسی که رقیه می خواند: فاتحه می خواند و آب دهنش را جمع می کرد و به محل مارگزیدگی می مالید و آن مرد بهبود یافت. و در روایتی شیخ قبيله دستور داد سی گوسفند به ایشان بدهند. و معنی ما به قَلْبَةً: دردی ندارد.

وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السُّنِّي عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي لَيْلَى عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ ص فَقَالَ: إِنَّ أَخِي وَجَعَ فَقَالَ: @ وَمَا وَجَعُ أَخِيكَ؟! قَالَ: بِهِ لَمَمٌ. قَالَ: @ فابْعَثْ بِي إِلَيَّ! فجاء فجلس بين يديه. فقرأ عليه النبي ص فاتحه الكتاب. وأربع آيات من أول سورة البقرة: بسم الله الرحمن الرحيم. ألم. ذلك الكتاب لا ريب فيه... إلى مفلحون. و آيتين من وسط البقرة: آية 163 و 164: وإلهكم اله واحد لا إله إلا هو الرحمن الرحيم. و إن في خلق السموات والأرض حتي فرغ من الآيه. وآية الكرسي، آية 255 من سورة البقرة. وثلاث آيات من آخر سورة البقرة، آية 284 و 285 و 286 البقرة. وآية من أول سورة آل عمران، بسم الله الرحمن الرحيم. ألم. الله لا إله إلا هو الحي القيوم. و آية 18 سورة آل عمران: شهد الله أنه لا إله إلا هو والملائكة وأولو العلم قائماً بالقسط لا إله إلا هو العزيز الحكيم. وآية 54 من سورة الأعراف: إن ربكم الله الذي خلق السموات والأرض. وآية من سورة المؤمنون آخر السورة: فتعالي الله الملك الحق لا إله هو رب العرش الكريم. وآية 4 من سورة الجن: وإنه تعالي جدُّ ربنا ما اتخذ صاحبةً ولا ولدًا. وعشر آيات من سورة الصافات من أولها. وثلاثاً من آخر سورة الحشر وقل هو الله أحد والمعوذتين.

قلت قال اهل اللغة اللَّمَمُ طرف من الجنون يلم بالانسان ويعتريه.

و روایت داریم در کتاب ابن سنی از عبدالرحمن ابن ابی لیلی از مردی از پدرش که گفت: مردی خدمت رسول الله ص آمد و گفت: برادرم درد دارد. فرمود: دردش چیست؟ گفت: دیوانگی دارد. فرمود: او را نزد من بفرست. بیمار آمد و جلو پیغمبر ص نشست. رسول الله ص بر او خواند سوره ی فاتحه و چهار آیه از اول سوره ی بقره. و دو آیه از وسط سوره ی بقره: آیه ی 163 و 164 سوره ی بقره: ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ۝ اللَّهُ صَمٌّ وَبَصْمٌ ۝ لَا يُدْرِكُهُ الْبَصَرُ ۝ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ ۝﴾



سورهی جن: ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ۝۱ نَارُ الْجَهَنَّمَ ۝۲ شَدِيدَةُ الْهَرَمِ ۝۳ نَارُ الْجَهَنَّمَ ۝۴ شَدِيدَةُ الْهَرَمِ ۝۵ نَارُ الْجَهَنَّمَ ۝۶ شَدِيدَةُ الْهَرَمِ ۝۷ نَارُ الْجَهَنَّمَ ۝۸ شَدِيدَةُ الْهَرَمِ ۝۹ نَارُ الْجَهَنَّمَ ۝۱۰ شَدِيدَةُ الْهَرَمِ ۝۱۱ نَارُ الْجَهَنَّمَ ۝۱۲ شَدِيدَةُ الْهَرَمِ ۝۱۳ نَارُ الْجَهَنَّمَ ۝۱۴ شَدِيدَةُ الْهَرَمِ ۝۱۵ نَارُ الْجَهَنَّمَ ۝۱۶ شَدِيدَةُ الْهَرَمِ ۝۱۷ نَارُ الْجَهَنَّمَ ۝۱۸ شَدِيدَةُ الْهَرَمِ ۝۱۹ نَارُ الْجَهَنَّمَ ۝۲۰ شَدِيدَةُ الْهَرَمِ ۝۲۱ نَارُ الْجَهَنَّمَ ۝۲۲ شَدِيدَةُ الْهَرَمِ ۝۲۳ نَارُ الْجَهَنَّمَ ۝۲۴ شَدِيدَةُ الْهَرَمِ ۝۲۵ نَارُ الْجَهَنَّمَ ۝۲۶ شَدِيدَةُ الْهَرَمِ ۝۲۷ نَارُ الْجَهَنَّمَ ۝۲۸ شَدِيدَةُ الْهَرَمِ ۝۲۹ نَارُ الْجَهَنَّمَ ۝۳۰ شَدِيدَةُ الْهَرَمِ ۝۳۱ نَارُ الْجَهَنَّمَ ۝۳۲ شَدِيدَةُ الْهَرَمِ ۝۳۳ نَارُ الْجَهَنَّمَ ۝۳۴ شَدِيدَةُ الْهَرَمِ ۝۳۵ نَارُ الْجَهَنَّمَ ۝۳۶ شَدِيدَةُ الْهَرَمِ ۝۳۷ نَارُ الْجَهَنَّمَ ۝۳۸ شَدِيدَةُ الْهَرَمِ ۝۳۹ نَارُ الْجَهَنَّمَ ۝۴۰ شَدِيدَةُ الْهَرَمِ ۝۴۱ نَارُ الْجَهَنَّمَ ۝۴۲ شَدِيدَةُ الْهَرَمِ ۝۴۳ نَارُ الْجَهَنَّمَ ۝۴۴ شَدِيدَةُ الْهَرَمِ ۝۴۵ نَارُ الْجَهَنَّمَ ۝۴۶ شَدِيدَةُ الْهَرَمِ ۝۴۷ نَارُ الْجَهَنَّمَ ۝۴۸ شَدِيدَةُ الْهَرَمِ ۝۴۹ نَارُ الْجَهَنَّمَ ۝۵۰ شَدِيدَةُ الْهَرَمِ ۝۵۱ نَارُ الْجَهَنَّمَ ۝۵۲ شَدِيدَةُ الْهَرَمِ ۝۵۳ نَارُ الْجَهَنَّمَ ۝۵۴ شَدِيدَةُ الْهَرَمِ ۝۵۵ نَارُ الْجَهَنَّمَ ۝۵۶ شَدِيدَةُ الْهَرَمِ ۝۵۷ نَارُ الْجَهَنَّمَ ۝۵۸ شَدِيدَةُ الْهَرَمِ ۝۵۹ نَارُ الْجَهَنَّمَ ۝۶۰ شَدِيدَةُ الْهَرَمِ ۝۶۱ نَارُ الْجَهَنَّمَ ۝۶۲ شَدِيدَةُ الْهَرَمِ ۝۶۳ نَارُ الْجَهَنَّمَ ۝۶۴ شَدِيدَةُ الْهَرَمِ ۝۶۵ نَارُ الْجَهَنَّمَ ۝۶۶ شَدِيدَةُ الْهَرَمِ ۝۶۷ نَارُ الْجَهَنَّمَ ۝۶۸ شَدِيدَةُ الْهَرَمِ ۝۶۹ نَارُ الْجَهَنَّمَ ۝۷۰ شَدِيدَةُ الْهَرَمِ ۝۷۱ نَارُ الْجَهَنَّمَ ۝۷۲ شَدِيدَةُ الْهَرَمِ ۝۷۳ نَارُ الْجَهَنَّمَ ۝۷۴ شَدِيدَةُ الْهَرَمِ ۝۷۵ نَارُ الْجَهَنَّمَ ۝۷۶ شَدِيدَةُ الْهَرَمِ ۝۷۷ نَارُ الْجَهَنَّمَ ۝۷۸ شَدِيدَةُ الْهَرَمِ ۝۷۹ نَارُ الْجَهَنَّمَ ۝۸۰ شَدِيدَةُ الْهَرَمِ ۝۸۱ نَارُ الْجَهَنَّمَ ۝۸۲ شَدِيدَةُ الْهَرَمِ ۝۸۳ نَارُ الْجَهَنَّمَ ۝۸۴ شَدِيدَةُ الْهَرَمِ ۝۸۵ نَارُ الْجَهَنَّمَ ۝۸۶ شَدِيدَةُ الْهَرَمِ ۝۸۷ نَارُ الْجَهَنَّمَ ۝۸۸ شَدِيدَةُ الْهَرَمِ ۝۸۹ نَارُ الْجَهَنَّمَ ۝۹۰ شَدِيدَةُ الْهَرَمِ ۝۹۱ نَارُ الْجَهَنَّمَ ۝۹۲ شَدِيدَةُ الْهَرَمِ ۝۹۳ نَارُ الْجَهَنَّمَ ۝۹۴ شَدِيدَةُ الْهَرَمِ ۝۹۵ نَارُ الْجَهَنَّمَ ۝۹۶ شَدِيدَةُ الْهَرَمِ ۝۹۷ نَارُ الْجَهَنَّمَ ۝۹۸ شَدِيدَةُ الْهَرَمِ ۝۹۹ نَارُ الْجَهَنَّمَ ۝۱۰۰ شَدِيدَةُ الْهَرَمِ﴾ و ده آیه از اول سورهی صافات. و سه آیه ای آخر سورهی حشر. و قل هو الله أحد و قل أعوذ برب الفلق و قل أعوذ برب الناس.

امام نووی فرمود که علمای لغت گفته اند: لمم، نوعی جنون و دیوانگی است.

وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ بِإِسْنَادٍ صَحِيحٍ عَنْ خَارِجَةَ بِنِ الصَّلْتِ عَنْ عَمِّهِ (علاقه بن صُحار) قَالَ أَتَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- فَأَسْلَمَ ثُمَّ رَجَعْتُ فَمَرَرْتُ عَلَى قَوْمٍ عِنْدَهُمْ رَجُلٌ مَجْنُونٌ مُوثِقٌ بِالْحَدِيدِ. فَقَالَ أَهْلُهُ: إِنَّا حُدِّثْنَا أَنَّ صَاحِبَكَ هَذَا قَدْ جَاءَ بِخَيْرٍ، فَهَلْ عِنْدَكَ شَيْءٌ تُدَاوِيهِ؟ فَرَقَيْتُهُ بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ فَبَرَأَ، فَأَعْطُونِي مِائَةَ شَاةٍ، فَأَتَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- فَأَخْبَرْتُهُ، فَقَالَ: @هَلْ إِلَّا هَذَا؟! وفي رواية: @هَلْ فُلْتُ غَيْرَ هَذَا؟! فُلْتُ: لَا، قَالَ: @خُذْهَا فَلَعَمْرِي لِمَنْ أَكَلَ بِرُقِيَةٍ بَاطِلٍ لَقَدْ أَكَلْتَ بِرُقِيَةٍ حَقٍّ!.

علاقه بن صُحار گفت: «آدمم خدمت پیغمبر ص و مسلمان شدم. پس از آن برگشتم به خانه و دیار خود، در راه برگشتن گذرم افتاد بر مردمی که نزدشان مردی دیوانه بود که به آهن بسته شده بود. خویشان دیوانه گفتند که به ما خبر داده اند که دوست (یعنی رسول الله ص خیر و خوشی آورده) آیا نزد تو چیزی که مایه ای درمان او باشد هست؟ من سورهی فاتحه بر دیوانه خواندم و بهبود یافت. و صد گوسفند به من دادند. من به خدمت پیغمبر ص آدمم و او را از ماجرا باخبر ساختم. فرمود: «آیا غیر از فاتحه، خوانده ای بر بیمار؟» گفتم: نه. فرمود: «بگیر آنچه به تو داده اند از صد گوسفند که اگر کسی به رقیه و خواندن باطل مزد گرفته، تو بر رقیه و حق مزد گرفته ای».

وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السَّيْنِيِّ بِلَفْظٍ آخَرَ، وَهِيَ رَوَايَةُ أُخْرَى لِأَبِي دَاوُدَ، قَالَ فِيهَا عَنْ خَارِجَةَ عَنْ عَمِّهِ قَالَ أَقْبَلْنَا مِنْ عِنْدِ رَسُولِ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- فَأَتَيْنَا عَلَى حَيٍّ مِنَ الْعَرَبِ فَقَالُوا: عِنْدَكُمْ دَوَاءٌ، فَإِنَّ عِنْدَنَا مَعْتُوهاً فِي الْقَيْودِ، قَالَ فَجَاءُوا بِمَعْتُوهِ فِي الْقَيْودِ، فَقَرَأْتُ عَلَيْهِ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ غُدُوَّةً وَعَشِيَّةً أَجْمَعُ بُرَاقِي ثُمَّ أَتْنُلُ، فَكَأَنَّمَا نُشِطَ مِنْ عِقَالٍ، فَأَعْطُونِي جُعْلاً، فُلْتُ: لَا، فَقَالُوا: سَلْ رَسُولَ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- فَسَأَلْتُهُ فَقَالَ: @كُلْ فَلَعَمْرِي مَنْ أَكَلَ بِرُقِيَةٍ بَاطِلٍ لَقَدْ أَكَلْتَ بِرُقِيَةٍ حَقٍّ! قلت: هذا العم اسمه علاق بن صُحار وقيل اسمه عبد الله.





«باب ما يعوذ به الصبيان وغيرهم»

بابی است در بیان تعویذی که بر کودکان و غیر از آنان خوانده

می‌شود

رَوَيْنَا فِي صَحِيحِ الْبَخَارِيِّ / عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يعوذ الحسن والحسين: @أَعِيذُكُمَا بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّةِ مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ وَهَامَّةٍ، وَمِنْ كُلِّ عَيْنٍ لَامَّةٍ!. قلت: قال العلماء: الهامة بتشديد الميم وهي كل ذات سم كالحية وغيرها والجمع الهوام. وقد يقع الهوام علي ما يدب من الحيوان وان لم يقتل كالحشرات ومنه حديث كعب بن عجرة @أُؤْذِيكَ هَوَامُ رَأْسِكَ!؟. أي القمل. وأما العين اللامة بتشديد الميم: وهي التي تصيب ما نظرت إليه بسوء.

عبدالله بن عباس ب فرمود که رسول الله ص تعویذ امام حسن و امام حسين ب می فرمود به این کلمات: @أَعِيذُكُمَا بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّةِ مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ وَهَامَّةٍ، وَمِنْ كُلِّ عَيْنٍ لَامَّةٍ: شما دوتا را پناه می دهم به کلمات الله التامة از شر هر شیطانی و از شر هر خزنده‌ی زهر آگینی مثل مار، کژدم و از هر چشم بدی». چشم شور که به بدن‌نیش به هر چیزی که چشم زد او را دچار مصیبت می کند. نووی فرمود: هامة: هر حیوان زهرداری مثل مار، کژدم.

و جمع هامة: هوام است و گاه است که هوام به حشره‌های غیر زهری اطلاق می شود مثل شپش، چنانکه کعب بن عجره که او را به خدمت رسول الله ص آوردند در حالی که شپش بر رویش می ریخت. رسول الله ص به او فرمود: «آیا این هوام سرت تو را می آزارند؟» و آنگاه اجازه داد تا سر او را بتراشند و فدیة بدهند. و عین لامة: هر چشم بدی است که به هر چیز نظر بد افکند او را دچار مصیبت می کند چنانکه گفته اند: دچار آتش بشود و دچار چشم بد نشود. و چشم بد را چشم سیاه و چشم شور نیز می نامند. و در حدیث است: @إِنَّ الْعَيْنَ لَتَدْخُلُ الرَّجُلَ الْقَبْرَ وَالْجَمَلَ الْقَدْرَ!؛ «چشم بد شخص چشم زده را به قبر می رساند و شتر چشم زده را به دیگ می رساند».

و این است آخر شرح قسمت اول کتاب بی نظیر «الأذکار» تألیف امام نووی / در شهر دبی امارات عربیة المتحدة، ساعت 11:50 بعد از ظهر روز شنبه چهاردهم شوال 1425 هجری من الله علينا بقبوله ونشره.

وَفِي صَحِيحِ الْبُخَارِيِّ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: @كَلِمَتَانِ خَفِيفَتَانِ عَلَى اللِّسَانِ ثَقِيلَتَانِ فِي الْمِيزَانِ، حَبِيبَتَانِ إِلَى الرَّحْمَنِ: سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ، سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ!. «دو کلمه بر زبان سبکند و در ترازوی حسنات سنگینند و نزد خدا محبوبند: سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ، سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ». و صلى الله وسلم وبارك علي عبده ورسوله سيدنا محمد وآله وصحبه والصالحين. وآخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمين.

پایان قسمت اول